



هیتت معارف جنگ
شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

آموزش معارف جنگ

ویژه دانش‌آموزان و درجه‌داران پایور ارتش جمهوری اسلامی ایران

تألیف: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

آموزش معارف جنگ

«ویژه دانش آموزان و درجه داران پایور ارتش جمهوری اسلامی ایران»

مؤلف: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

بررسی اولیه و نهایی: سرتیپ ستاد ناصر آراسته

صفحه آرایشی، طرح جلد: حامد خدمتی

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۳۹۹

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۹۰۰۲ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰

حق چاپ برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» محفوظ است.

www.maarefjang.ir

"از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند."

"جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهنای جهان منتشر نمود."

امام خمینی (ره)

"می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند. "دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است."

"یک رزمنده تا زمانی که خاطراتش را ثبت نکرده، هنوز چیزهایی به تاریخ و آینده و آرمانش بدهکار است."

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

فرازهایی از پیام حضرت امام^(ع) در اسفندماه ۱۳۶۷

خطاب به روحانیت سراسر کشور (در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸)

صحیفه امام خمینی^(ع)، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳

- ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته‌ایم.
 - ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.
 - ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
 - ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
 - ما در جنگ دوستان و دشمنان خود را شناخته‌ایم.
 - ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
 - ما در جنگ اُبهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
 - ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی‌مان را محکم کردیم.
 - ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهادکایک مردمان بارور کردیم.
 - ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.
 - جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
 - جنگ ما جنگ فقر و غنا بود.
 - جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
 - جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
 - ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم.
- راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است.

• از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ است، همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز در ده سال مبارزه با آمریکا غرب و شوروی نشأت گرفته است.

• ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرد.

برای مقابله با دشمنان بدیستی ما چه ارتشی، چه سپاهی و چه بیکی‌یاد و اقده و قدرت واحد باشیم.

«شهید سید علی صیاد شیرازی - ۱۳۶۴/۱۱/۲۶»

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کریمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۸ بدین ترتیب بوده است که بر اساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را بر عهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. این هیئت بعد از سال ۱۳۷۸، همچنان با اجرای آموزش‌های میدانی، نسبت به تکمیل برداشت‌های میدانی عملیات ثامن‌الائمه^(ع) و سایر

عملیات‌ها اقدام نمود. چاپ بیش از ۱۸۰ عنوان کتاب مستند از وقایع هشت سال دفاع مقدس از سال ۱۳۷۹ تا پایان شهریور ماه ۱۳۹۹ از اقدامات هیئت معارف جنگ می‌باشد.

آموزش معارف جنگ، از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی^(ع) نذاجا و از سال ۱۳۸۲ نیز برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه‌های افسری هوایی، دریایی و فارابی و از سال ۱۳۹۴ برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء^(ص) به اجرا درآمده و تا پایان شهریور ماه ۱۳۹۹، تعداد ۳۱۸۹۰ نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت شانزده ساعت آموزش معارف جنگ را برابر برنامه آموزشی طی نموده که تا پایان شهریور ماه ۱۳۹۹، بیش از ۴۷۰ هزار از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای کلیه دانش‌آموزان پایور اجا از سال ۱۳۸۷ در آموزشگاه نظامی جوادالائمه نذاجا برگزار می‌گردید و از سال ۱۳۹۸ این آموزش‌ها در ۵ مرکز آموزش اجا (جوادالائمه^(ع) نذاجا، تفنگداران دریایی نذاجا، باقرالعلوم^(ع) نذاجا، شهید خضایی نهجا و علی‌اکبر^(ع) نپاجا) برنامه‌ریزی شد، که بر این اساس تا پایان شهریورماه ۱۳۹۹، تعداد ۱۲۳۴۳ نفر دانش‌آموز پایور به مدت ۱۶ ساعت در هر دوره، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای دانشجویان دوره‌های عالی رسته‌ای با موضوع نقش رسته مربوطه در دفاع مقدس به مدت ۸ ساعت برگزار شد که از سال ۱۳۹۰ تا پایان شهریور ماه ۱۳۹۹، آموزش‌ها در ۱۸ مرکز برای تعداد ۹۹۱۴ نفر دانشجو برگزار گردیده است.

از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان شهریور ماه ۱۳۹۹، بیش از ۵۴۱ هزار نفر از سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت هشت ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

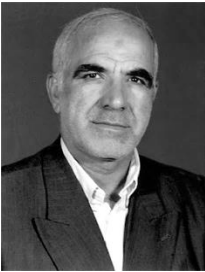
آموزش معارف جنگ برای دانشجویان دافوس آجا به مدت ۸ ساعت در ۴ جلسه در سال ۱۳۹۸ برای تعداد ۲۶۴ نفر برگزار شد.

آموزش معارف جنگ برای مدیران ارشد ساحفاجا به مدت ۸ ساعت برای تعداد ۲۲۰ نفر دانشجو در سال ۱۳۹۸ برگزار شد.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

معرفی نویسنده:

سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا



در سال ۱۳۲۷ در همدان متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند. سال ۱۳۴۴ وارد دبیرستان نظام و سال ۱۳۴۶ وارد دانشکده افسری شد. پس از فارغ التحصیلی به رسته توپخانه اختصاص یافت و سال های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۷ دوره مقدماتی و عالی این رسته را طی نمود.

سال ۱۳۶۲ و سال ۱۳۷۵ دوره دانشکده فرماندهی ستاد را در دو مرحله اولیه و تکمیلی با اخذ گواهینامه کارشناس ارشد مدیریت امور دفاعی گذراند. در مدت ۳۲ سال خدمت نظامی به ترتیب دارای مشاغل و مسئولیت هایی چون: معاون و فرمانده آتشبار، رئیس رکن ۱ و ۴ در گردان توپخانه، معاون عقیدتی سیاسی لشکر، فرمانده مرکز آموزش درجه داری، فرمانده لشکر عملیاتی ۸۴ خرم آباد، مدیر پرسنلی نزاجا، فرمانده آموزشگاه نظامی، فرمانده دانشگاه افسری امام علی (ع) و بالاخره معاون پژوهش و تحقیقات نزاجا بوده است.

از زمان بازنشستگی تا کنون - ۱۳۹۹ - در هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»، به طور پاره وقت، در امور تدوین، آماده سازی، ویرایش و نشر کتاب و آموزش در دانشگاه های افسری آجا، مراکز آموزشی و همافهنگی فعالیت ها همکاری دارد.

آثار قلمی وی عبارتند از :

بررسی چگونگی اعتیاد به سیگار در بین سربازان (پژوهش - ۱۳۷۷)

ره‌یافته عشق (۱۳۸۰) درباره شهید سرتیپ محمد جعفر نصر اصفهانی، انتشارات ایران سبز.

ایران سبز (۱۳۸۰) چگونه آبادانی و سرسبزی ایران، انتشارات ایران سبز.

عملیات آزادسازی سنندج و گردنه صلوات‌آباد (۱۳۸۰) خاطرات «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» و هم‌زمان در اردیبهشت ۱۳۵۹، انتشارات ایران سبز.

جانم فدای اسلام (۱۳۸۰) خاطرات هم‌زمان و یاران شهید سرتیپ محمد جعفر نصر اصفهانی، انتشارات ایران سبز.

عملیات شیندارا (۱۳۸۰) اولین عملیات رزمی «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» به همراه شهید چمران در مهر ۱۳۵۸ و در منطقه سردشت، انتشارات ایران سبز.

دفاع زمینی در ایران ۱۴۰۰ (۱۳۸۰) چگونگی سلاح‌ها، ارتش‌ها، جنگ‌های آینده و ...، انتشارات ایران سبز.

گردنه خان تا قله آربابا (۱۳۸۱) شرح آزادسازی محور سقز، بانه و ...، انتشارات ایران سبز.

برای سرباز تا ارتشبد (۱۳۸۷) موضوعات فرماندهی، مدیریت تجربی و مطالب کاربردی برای مشاغل سربازی تا ارتشبدی در نیروهای مسلح، انتشارات ایران سبز.

در کمینگاه دشمن (۱۳۸۹) خاطرات «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» و هم‌زمان ایشان درباره چگونگی آزادسازی محور بانه - سردشت، انتشارات ایران سبز.

دفاع از آبادان (۱۳۹۱) دفاع از آبادان در سال اول جنگ تحمیلی، انتشارات ایران سبز.

چگونه می‌جنگیدیم (۱۳۹۴) روایت و نکات مستند از فرمانده لشکر عملیاتی ۸۴ خرم‌آباد در سال ششم جنگ تحمیلی، انتشارات ایران سبز.

بازبینی، ویرایش و ساخت بیش از ۱۷۰ عنوان کتاب منتشره هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

تهیه ده‌ها مقاله و طرح‌های کاربردی در امور نیروهای مسلح و ارائه به قسمت‌های مربوطه.

فهرست مطالب

توضیح: در این فهرست، فقط عناوین اصلی درج شده‌اند. به منظور طولانی نشدن فهرست، از ذکر عناوین فرعی و بیشتر خودداری گردید. برای جستجوی جزئیات مورد نظر، لطفاً به «نمایه» در پایان کتاب مراجعه شود.

۱	مقدمه
۵	راهنمای اساتید
۷	بخش اول: ارتش ایران در سال قبل از انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی
۱۹	بخش دوم: سال اول جنگ «تجاوز سراسری و تثبیت دشمن»
۴۳	بخش سوم: سال دوم تا پایان جنگ تحمیلی
۵۹	بخش چهارم: درجه داران پایور ارتش در هشت سال جنگ
۷۵	بخش پنجم: نزاها در هشت سال جنگ تحمیلی
۸۷	بخش ششم: هوانیروز در جنگ هشت ساله
۹۷	بخش هفتم: نه‌هاجا در جنگ هشت ساله
۱۱۵	بخش هشتم: پدافند هوایی در جنگ هشت ساله
۱۲۹	بخش نهم: نداجا در جنگ هشت ساله
۱۴۹	بخش دهم: سایر نیروهای مسلح در جنگ هشت ساله
۱۵۹	بخش یازدهم: امور کلی جنگ هشت ساله
۲۲۵	منابع
۲۲۹	نمایه

مقدمه

دانش‌آموزان پایور، نوجوانانی هستند که با نیت صادقانه و خالصانه و دل‌های پاک و کمتر آلوده شده به گناه، حرفه سربازی را برای سالیان طولانی در ارتش این مرز و بوم انتخاب کرده‌اند. به عبارتی، با یاری پروردگار در مسیر چنین تقدیر و سرنوشت و شغل شرافتمندانه و پرافتخاری قرار گرفته‌اند.

این شرافت و افتخار شغلی هم که در تاریخ نظامی کشور بزرگ ایران ثبت و حاصل شده است، به سبب زحمات، فداکاری، خدمات صادقانه و خداپسندانه و خوشنامی پیشکسوتان نیروهای ارتش ایران از گذشته تاکنون بوده است، که برجسته‌ترین آنها را در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در حفظ تمامیت ارضی در مناطق کردستان و آذربایجان غربی و دیگر مناطق و بالأخره در هشت سال جنگ با ارتش بعثی متجاوز عراق، ملت ایران شاهد بوده و در تاریخ نظامی این سرزمین ثبت شده است.

از هر دانش‌آموز پایور در مرحله آموزش‌های اولیه، که برای کسب تخصص و مهارت و استفاده از آن در مشاغل مختلف خدمتی بعدی طی می‌نماید، انتظار است تا حدودی قابل قبول و بیش از غیرنظامیان بداند که نیروهای مسلح کشور و بویژه ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب برای حفظ تمامیت ارضی و مقابله با تجاوز دشمن چه عملکردی داشته است؟ نفرات آن چه خدماتی انجام دادند؟ بویژه درجه‌داران در بدنه ارتش چگونه به وظایف خود عمل کرده‌اند؟ شناخت کلی از ساختار و عملکرد ارتش ایران در سال قبل از انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب تا پایان هشت سال جنگ. شناخت کلی از عملکرد نیروها و

سازمان‌های عمده ارتش. شناخت کلی از ارتش بعثی عراق و نوع فرماندهی و مدیریت آن. شناخت کلی از عملیات‌های عمده آفندی و پدافندی هشت سال جنگ، بویژه آنها که منجر به بیرون راندن ارتش متجاوز بعثی از میهن اسلامی شد. و بالأخره شناخت کلی از عوامل و عناصر اثرگذار بالادستی و پایین‌دستی در هشت سال جنگ.

هرچند که کسی نمی‌تواند ادعا کند نسبت به تمام جزئیات و عناصر انسانی و مادی هشت سال جنگ آشنایی کامل دارد، اما به طور نسبی و کم و بیش این آشنایی در بسیاری از فرزندان این کشور وجود دارد. چه آنانی که در صحنه جنگ بودند و چه آنانی که کتاب در این باره نوشتند و چه آنان که در این باره مطالعه کرده و یا آموزش دیده‌اند.

مکتوبی هم که در پیش رو دارید، ادعا ندارد که توانسته هشت سال جنگ و اقدامات قبل از آن را به صورت کافی ارائه داده است. بلکه به صورت مختصر و مفید و ارائه جملات کلیدی، به گونه‌ای نگارش یافته که در صورت، قابل استفاده دانش‌آموزان باشد. ضمناً مطالب کتاب به گونه‌ای نگارش یافته که قابل فهم و استفاده تمام علاقمندان نظامی و غیرنظامی در مقطع دیپلم تا دکتری باشد. از طرفی، راهنمایی هم برای اساتید موضوعات باشد که در محدوده زمان آموزش و مطالب ارائه‌شده در این مکتوب، معلومات و تجربیات خود را به صورت قابل فهم برای دانش‌آموزان ارائه دهند. برای کسب معلومات بیشتر دانش‌آموزان، کتاب‌هایی هم معرفی شده‌اند تا در صورت دسترسی، آن کتاب‌ها را مطالعه نمایند.

دانش‌آموزان امروز در سال‌های بعد در درجات گروهبانی و استواری و درجات بالاتر بعدی تا پایان خدمت، زیردستان و بالادستانی خواهند

داشت که آن همکاران انتظار دارند، آن درجه‌دار و افسر، دانستنی‌ها، دانش و تجربه‌های خود را به مخاطبان خدمتی خود منتقل کند، تا در نهایت، به این ترتیب، سبب هم‌افزایی دانش و تجربه هموطنان خود، بویژه ارتشیان ایران گردد.

امید است دانش‌آموزان گرامی با ترکیب هوش و سواد خود، مطالعه دقیق این مکتوب و دیگر کتب آموزشی، مطالعه فوق برنامه سایر کتب علمی نظامی، استفاده از دانش و تجربیات خدمتی همکاران و پیشکسوتان، استفاده از تجربیات روزافزون خدمتی خود، در مسیر خدمتی تا زمان بازنشستگی از نیروهای موفق و برجسته و سربلند باشند. این نیز آرزویی دور از دسترس نیست و از عهده شما نوجوانان عزیز برمی‌آید. همچنان که بسیاری از گذشتگان شما نیز چنین راه پُرانتظار را با سربلندی طی کرده و موفق بودند.

با سلام و احترام

سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی‌گویا

راهنمای اساتید

لطفاً اساتید محترم این مکتوب آموزشی معارف جنگ، به مطالب زیر توجه فرمایند:

استاد محترم، همانطور که ملاحظه می‌فرمایید، این مکتوب آموزشی برای زمان محدود تعیین و تهیه و تنظیم شده و امکان شرح مطالب به اندازه لازم و کافی میسر نبوده است. از طرفی، قبول داریم دامنه بحث در هرکدام از عناوین جلسات آموزشی بسیار وسیع بوده و ظرف زمانی در اختیار گذارده شده به نسبت موضوع خیلی کوچک است.

با توجه به سطح دانش و تجربه مخاطبان این مکتوب آموزشی و نیز ارائه مطالب هرکدام از موضوعات به صورت مختصر و مفید، که در هر حال کافی نمی‌باشد، نیاز است استاد محترم با توجه به محدوده مطالب آموزشی مندرج در هرکدام از جلسات آموزشی و این مکتوب، موضوع مورد نظر را به گونه‌ای جذاب توضیح دهد که قابل درک و فهم مخاطبان گردد. ضمناً در مدت زمان محدود تعیین‌شده، خلاصه‌ای از مطالب مورد نظر مکتوب آموزشی در پوشش بیانات استاد قرار بگیرد.

توجه گردد که اطلاعات مندرج در بخش‌هایی از این مکتوب آموزشی، ممکن است بالاتر از سطح علمی نظامی کنونی دانش‌آموزان پایور باشد. با این حال اطلاعات کلیدی در این مکتوب آموزشی، برای مراجعات بعدی آنان در طول خدمت درج شده است.

ضمناً مطالب به گونه‌ای جمع شده که اضافه بر معلومات و تجربیات استاد، راهنمایی هم جهت یادآوری مطالب دانسته ایشان باشد.

خداوند استعداد تصویرسازی ذهنی را به همه انسان‌ها داده است. هرکس با شنیدن مطلبی، تمام ابعاد آن موضوع را برابر دانستنی‌های خود

به تصویر ذهنی می‌کشد. بهترین حالت آن است که شخص گوینده یا نویسنده، سخنش را به شکلی بگوید که شنونده همان تصویر مورد نظر گوینده را در ذهن خود ترسیم کند. در صورتی که شنونده، تصویر ذهنی غلط یا نادرستی در ذهن خود ترسیم کند، آن را باید از نقص یا عیب سخن گوینده یا نویسنده دانست.

با توجه به مطلب بالا، استاد یا سخنران محترم دقت نماید که مطالب مورد نظر خود را طوری مفهوم‌سازی نماید که مخاطب سخن وی، برداشت و تصویرسازی ذهنی مورد نظر گوینده را درک و تجسم نماید.

مسلماً مدیریت تدریس هر جلسه، با توجه به حجم مطالب مورد نظر + امکان تدریس و مفهوم‌سازی مطالب به مخاطبان + مدت زمان محدود تعریف‌شده با توجه به شرایط کیفی و کمی محیط آموزش و نیز وسایل کمک آموزشی، کار آسانی نیست.

موفقیت هرکدام از اساتید در این کار تدریس، بستگی به مطالعه قبلی + طراحی تدریس از قبل + قدرت و هنر نفوذ کلام و مدیریت مطالب مورد انتظار در قالب زمان تعریف‌شده دارد.

بنا به تجربه، این موفقیت مورد نظر با مقداری تفاوت، در اساتید معارف جنگ تاکنون مشاهده شده است.

امید است هرکدام از اساتید گرامی که مدرس هرکدام از موضوعات این مکتوب آموزشی هستند، با مدیریت هوشمندانه خود، در این اقدام نیکو و عمل صالح موفق باشند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

بخش اول

**ارتش ایران در سال قبل از انقلاب
تا آغاز جنگ تحمیلی**

شکل‌گیری ارتش‌ها در طول تاریخ بشریت

آدم‌های خوب

آدم‌های بد

در یک نوع تقسیم‌بندی، انسان‌ها به دو دسته تقسیم شده‌اند: آدم خوب، آدم بد. آنان که ناشناخته و یا بین خوب و بد هستند، بالأخره در اثر حوادث و آزمایشات ارزشی، در دسته آدم‌های خوب و یا آدم‌های بد قرار می‌گیرند. شما اگر دقت کنید، خمیرمایه اصلی تمام داستان‌ها، فیلم‌ها، جنگ‌ها، صلح‌ها و مشابه، بر اساس همین تقسیم‌بندی شکل گرفته‌اند. با تعریف بالا، می‌توانیم بگوییم که ارتش‌ها به واسطه چنین تضادی، توسط آدم‌های بد و آدم‌های خوب شکل گرفته و توسعه یافته و به صورت کنونی درآمده‌اند. آدم‌های خوب برای دفاع در برابر آدم‌های بد و آدم‌های بد نیز برای تجاوز و ظلم به آدم‌های خوب و یا آدم‌های بد دیگر.

آدم‌های خوب: درستکار، مهربان، بامعرفت، جوانمرد، شجاع، صادق و دارای صفاتی از این قبیل هستند و هر لحظه تلاش می‌کنند خود را به الگوی آدم‌های خوب نزدیک و از آدم‌های بد دور سازند. لذا در کشور ما این افراد اخلاق و رفتارشان خداپسند است.

آدم‌های بد: دروغگو، خلافتکار، دزد، ظالم، ناجوانمرد و یا صفات مشابه دیگری هستند. آنان بیشتر با آدم‌های بد ارتباط نزدیک دارند. اخلاق و رفتار این نوع آدم‌ها شیطان‌پسند است.

نکته‌ای خارج از موضوع

با استفاده از همین تقسیم‌بندی، می‌توانیم بگوییم که شما نوجوانان عزیز، همگی در این سن و سال جزو آدم‌های خوب هستید؛ زیرا حدود پنج سال است که بالغ شده‌اید. در این مدت هم مشغول تحصیل علم و یا امور جایز بودید. تاکنون در مسیر شهوت، قدرت، ثروت و شهرت قرار نگرفته‌اید. در آینده، به یاری پروردگار، در مسیر قدرت و ثروت هم به طور نسبی قرار خواهید گرفت. در شرایط جوانی فعلی، اگر تاکنون گناهی هم داشته باشید، امید است خدا بخشیده باشد. بنابراین، با پیروان صدیق معصومین چندان فاصله‌ای ندارید. این جایگاه خوب بودن خود را حفظ کنید و با مدیریت درست لحظات زندگی، این خوب بودن را تا پایان عمر حفظ و تقویت کنید تا پیروان حقیقی معصومین سلام الله علیهم اجمعین باشید.

دو کلمه ارزشی در کشور ما

ایران
و
اسلام

فرزندان این سرزمین در طول تاریخ، از کلمه «ایران» اگر از زمان مادها حساب کنیم، به مدت ۲۷ قرن دفاع کردند. از کلمه «اسلام» به مدت ۱۴ قرن دفاع کردند. دفاع فرزندان این کشور با قلم، اسلحه، فرهنگ و نیروی کار بوده است و این شکل دفاع اکنون نیز ادامه دارد. ارتش یکی از مجموعه

نیروهای مسلح است که وظیفه داشته و دارد که با اسلحه از این دو کلمه ارزشی دفاع کند. آخرین دفاع مسلحانه عمده و نمایش رمز ماندگاری این دو کلمه، همین دفاع مقدس در جنگ تحمیلی هشت ساله بود. ما به روان تمام فرزندان این سرزمین، که در طول تاریخ با جانفشانی، فداکاری، قلم‌فرسائی و نیروی کار در حفظ و دفاع این دو کلمه کوشیدند، درود می‌فرستیم و طلب آمرزش و شادی روح آنان را از درگاه الهی داریم.

چگونگی ارتش ایران در سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

ارتش ایران در سال قبل از پیروزی انقلاب [سال ۵۶] توسط رژیم حکومتی گذشته، تقریباً بزرگترین ارتش منطقه شده بود؛ زیرا:

✓ درآمد نفتی کشور افزایش یافته و امکان خرید سلاح و تجهیزات پیشرفته حاصل شده بود.

✓ بلوک غرب به سرکردگی آمریکا، تمایل داشت که ارتش ایران در جنگ بین بلوک غرب و شرق قادر به مقاومت و عملیات تأخیری در مقابل بلوک شرق به سرکردگی شوروی که همسایه شمالی ایران بود، باشد.

✓ از طرفی شوروی سابق نیز جهت تعادل سیاسی در منطقه در چند سال قبل از انقلاب، فروش سلاح و تجهیزات نظامی را به ایران عملی نموده بود.

✓ شرارت‌های حکومت‌های کودتایی پی در پی کشور همسایه عراق سبب شد که تلاش گردد، ارتش ایران در مقابل ارتش عراق، برتری نظامی داشته باشد.

ارتش در برابر کلمه «انقلاب»

جمعیت‌شناسی ارتش

ارتش همراه با انقلاب اسلامی

ارتش شبیه‌ترین ترکیب جمعیتی را نسبت به ترکیب جمعیتی کشور دارد؛ زیرا در هر پادگانی، از تمام جغرافیای کشور و از تمام اقشار جامعه ایران، فرزندان جوان آنان با عنوان وظیفه و پایور حضور دارند. در حالی که در هر سازمانی در کشور، معمولاً افراد آن بومی هستند و یا برای وظایف خاص مشاغل آن سازمان گزینش شده هستند.

نیروهای وظیفه بدون گزینش از تمام جغرافیا و اقشار جامعه در سن تعیین‌شده وارد خدمت سربازی می‌شوند و در تمام مجموعه ارتش تقسیم گردیده و در مدت قانونی تعریف‌شده، خدمت مورد انتظار را ادامه می‌دهند که در هر کشوری، بیشترین جمعیت آن را تشکیل می‌دهند.

نیروهای پایور نیز جوانانی از اقشار متوسط اقتصادی جامعه هستند که حرفه نظامیگری را انتخاب و به استخدام ارتش درمی‌آیند.

با هر معیاری بخواهیم به جامعه کشور ایران نمره بدهیم، همچنان که نمره صفر تا صد را خواهند داشت. در هر پادگان نیز تقریباً این پراکندگی صفر تا صد به استثنای موارد محدودی وجود دارند.

با توجه به شرح فوق، جامعه ارتش هیچ وقت نمی‌تواند جدا از ملت باشد. یعنی هر خواسته که تبدیل به خواسته ملی شود، این خواسته در جامعه ارتش هم وجود خواهد داشت. حتی اگر نتوانند آشکار نمایند، اما در درون خود، چنان خواسته‌ای را دارند و در فرصت مناسب، آشکار و اقدام عملی خواهند نمود.

همین اتفاق را دقیقاً در ماه‌های قیام انقلاب اسلامی شاهد بودیم و عملاً نیز به واسطه همراهی جامعه ارتش با قیام ملت، انقلاب اسلامی به آن شکل که واقع شد، پیروز گردید. البته باید گفت که اگر رهبری حکیمانه و مدبرانه و مرجعیت امام خمینی (ره) نسبت به رفتار دور از خشونت با نظامیان نبود، شاید حوادث به گونه‌ای دیگر شکل می‌گرفت که در هر حال، نتیجه شومی داشت.

آمار شهدای ثبت شده پیروزی انقلاب اسلامی از ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷، که بنیاد شهید در رسانه‌ها منتشر نمود. تعداد ۲۸۳۸ نفر اعلام نموده. این عدد، حتی یک نفر آن هم زیاد است، اما تصور ذهنی ما با دیدن عکس‌ها و فیلم‌ها و عناوین روزنامه‌های آن زمان که هر سال، بیشتر در دهه فجر به نمایش گذارده می‌شود، عددی بسیار بزرگتر را القاء می‌کند که علمی نیست.

نکته: این مطالب، از طرفی به ما درس می‌دهد که با شنیدن، یا دیدن و یا خواندن عکس، فیلم و یا مطلبی، قبل از آنکه به تمام ابعاد و اطلاعات

موضوع مورد نظر دست نیافته و مطلع نگردیم، قضاوت مثبت یا منفی و یا خارج از اندازه واقعی ننماییم.

ارتش بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

دیدگاه‌های تخریبی نسبت به ارتش

تصمیم رهبران سرنوشت‌ساز است

تصمیم درست امام

تصمیم غلط صدام

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اگر به روزنامه‌های کشور تا دو ماه بعد از آن مراجعه کنید، خواهید دید که گروهک‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی چگونه برای انحلال ارتش نسخه می‌دادند. حتی بعضی از دوستان انقلاب نیز ناآگاهانه و با ساده‌اندیشی، به شکلی دیگر خواستار انحلال و یا کوچک‌سازی ارتش بودند. شعارهایی مانند: ارتش خلقی ایجاد باید گردد، ارتش بی‌طبقه توحیدی، ارتش توده‌ای، ارتش ملی و غیره در بین جمعیت‌ها گفته می‌شد و یا در اعلامیه و یا در رسانه‌ها منتشر می‌گردید. امام خمینی (ره) اگر تحت تأثیر این شعارها قرار می‌گرفت و ارتش را منحل می‌کرد، با بحران بعدی که در کردستان و دیگر نقاط کشور به وجود آمد، امکان برقراری امنیت و حاکمیت نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران میسر نمی‌شد و سرانجام کشور به تجزیه

منجر می‌شد. در این حالت، اصلاً کشوری به نام ایران تا ۳۱ شهریور ۵۹ و تجاوز ارتش بعثی عراق باقی نمی‌ماند.

تصمیم درست امام در حفظ ارتش، سبب نجات کشور گردید.

تصمیم غلط صدام در حمله به ایران و بعد کویت، سبب نابودی خود و ارتش عراق و بالأخره بدبختی ملت عراق و تحمیل جنایات زیاد به مملکت ایران، عراق و کویت گردید.

نکته: این واقعه و عملکرد تاریخی به ما درس می‌دهد که در تمام حالات و لحظات زندگی شخصی و اجتماعی و مدیریتی خود، هوشمندانه دقت نموده و از تصمیم‌های غلط و نادرست، حتی به اندازه ناچیز پرهیز کرده و سبب تباهی خود و دیگران نگردیم.

مشکلات ارتش بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

تقلیل انضباط، آموزش، تعمیر و نگهداری

کاهش خدمت وظیفه به یک سال

کاهش نیروی انسانی وظیفه و پایور

تحریم‌های بین‌المللی

شرح درباره هرکدام از موارد بالا و ذکر مصادیق و مثال‌های آن بسیار طولانی می‌باشد و از ظرفیت و تعریف مختصر و مفید این مکتوب خارج است.

در کلاس آموزش معارف جنگ، استاد این جلسه شرح مختصری را ارائه خواهد داد، ضمن آنکه ممکن است دانش‌آموزان هرکدام درباره موارد مختلف اطلاعات مختصری را از پیشکسوتان شنیده و یا در مکتوبات مختلف مطالعه داشته باشد.

نکته: مشکلات یادشده تأثیر منفی زیادی بر توان ارتش باقی گذارد، اما توجه شود که این مشکلات را آنقدر پررنگ و غلیظ فرض ننمائیم که یک اندازه ضعیف غلط از ارتش آن زمان در ذهن خود بسازیم و نتیجه‌گیری کنیم که ارتش در آغاز جنگ اصلاً قابلیت دفاعی نداشته و دیگر نیروهای غیرنظامی و داوطلب در مقابله با تجاوز دشمن ایستادند. حوادث روزهای آغاز جنگ، معلوم می‌کند که همین ارتش ضعیف‌شده، چگونه از زمین و هوا و دریا با ارتش متجاوز دشمن درگیر و پیشروی مورد نظر وی را که تصرف سه‌روزه خوزستان و غیره بود، سد و او را زمینگیر نمود. این دفاع ارتش در آن زمان با سلاح‌های سبک انفرادی و سنگین اجتماعی و پیشرفته، از تفنگ و تیربار و آرمی جی و خمپاره‌انداز گرفته تا توپ، تانک، موشک و بمب و بالگرد و هواپیما انجام شد. چنین توانی از عهده تمام مردم داوطلب غیرنظامی ایران در نبرد با ارتش متجاوز دشمن خارج بود. این نیز یکی از پیامدهای مثبت تصمیم امام خمینی (ره) بود که ارتش را حفظ و تقویت نمود.

اقدامات ارتش در برابر کلمه شوم «تجزیه»

اقدامات ارتش در برقراری امنیت و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران
در تمام جغرافیای کشور
بحران امنیت در گنبد
بحران امنیت در کردستان
سایر بحران‌ها

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ضدانقلاب در نقاط مختلف کشور، اقدام به ناامنی و خارج نمودن منطقه از حاکمیت نظام نوپای جمهوری اسلامی نمود. در گنبد کاووس چند روز ناامنی ضدانقلاب با اقدامات محلی و کشوری، بالأخره با اعزام یگان‌هایی از ارتش در سطح گروهان و گردان، رفع و امنیت در آنجا برقرار شد.

در کردستان اکثر پاسگاه‌های ژاندارمری خلع سلاح و به اشغال ضدانقلاب درآمد. پادگان مهاباد در ۵۷/۱۲/۱ غارت شد. بقیه پادگان‌های منطقه در محاصره ۳۶۰ درجه ضدانقلاب مسلح که از نقاط مختلف کشور به آنجا آمده و با ضدانقلاب محلی همکاری می‌کردند، درآمد. سران آنان با کشورهای بیگانه و غیردوست و البته دشمن ایران ارتباط داشته و پشتیبانی همه‌جانبه می‌شدند.

سه لشکر ۲۸ و ۶۴ و ۸۱ نزاجا کاملاً درگیر برقراری امنیت جاده‌ها و حفظ پادگان‌ها بودند و علاوه بر آن، از دیگر لشکرها نیز نیروی کمکی فرستاده شده بود.

هوانیروز اسکورت ستون‌ها و نیز جابجایی وسایل و افراد را برای پادگان‌های محاصره‌شده بر عهده داشت.

مردم مناطق ناامن نیز در آسیب نیروهای ضدانقلاب قرار گرفته و تلفات جانی و خسارات مالی متحمل می‌شدند. از مردم بومی تعداد قابل توجهی، با عنوان پیشمرگان مسلمان کرد، همکاری و هم‌رزمی با نیروهای نزاجا و سپاه پاسداران را عهده‌دار شده بودند و متحمل تلفات و خسارات زیادی شدند که در کتاب‌ها آمده است.

نکته: اگر همکاری مردم کردستان نبود، امکان برقراری امنیت توسط یگان‌های نزاجا و سپاه وجود نداشت. مردم کردستان تا آنجا که می‌توانستند، با نزاجا و سپاه همکاری می‌کردند. مردم کرد طرفدار نیروهای نظامی و برقراری امنیت و حاکمیت نظام بودند. از طرفی، از ضدانقلاب هم می‌ترسیدند. اما در باطن امنیت و یکپارچگی کشور را می‌خواستند. اگر فداکاری آن روز نبود و پادگان‌ها سقوط می‌کرد و یا ارتش را امام منحل کرده بود، امروز کلمه‌ای به نام کردستان روی نقشه ایران وجود نداشت و چه بلایی هم بر سر مردم کردستان و شرایط خونریزی جمعی و چنددستگی پدید می‌آمد، خدا می‌داند.

با عدم مهار بحران کردستان، در پی آن با شعارهای: خلق ترک، خلق لر، خلق بلوچ، خلق فارس، خلق عرب، خلق ترکمن و غیره بحران‌سازی می‌شد و در نهایت، کلمه‌ای به نام «ایران» امروز در نقشه جهانی وجود نداشت. مثال تاریخی این نوع بحران، سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ است که کردستان و آذربایجان [۳ استان کنونی] را با دخالت شوروی سابق از ایران جدا و جمهوری مستقل تشکیل داده بودند. بالاخره با دخالت قدرت‌های جهانی

وقت و تلاش دست‌اندرکاران رژیم حاکم و البته غیرت مردم آن خطّه، در آذرماه ۱۳۲۵ این دو استان [۴ استان کنونی] به مام میهن برگشت. بحران‌های دیگری هم در سال ۵۸ شاهد بودیم. نظیر ایجاد اختلاف عرب و عجم در خوزستان و حوادث دیگر در سیستان و بلوچستان و چند حادثه دیگر، بویژه ناامن کردن لوله‌ها و تأسیسات نفتی و پالایشگاه‌ها که تکاوران دریایی و لشکر ۹۲ زرهی ارتش امنیت آن مناطق را حفظ و تقویت نمودند، که هرکدام در صورت عدم مهار، قابلیت توسعه و از هم پاشیدگی امنیت کشور را داشت.

در نیم قرن گذشته، چندین کشور تجزیه شدند. هر کشوری اگر درست مدیریت نشود و کارش به اختلاف مردم بکشد، در نهایت سرنوشت شوم تجزیه را خواهد داشت. ما موظف هستیم ارث باقیمانده از گذشتگان خود را با اقتدار و هوشمندانه حفظ و به آیندگان بسپاریم.

بخش دوم

اقدامات ارتش در برابر کلمه شوم «تجاوز»

سال اول جنگ هشت ساله

«تجاوز سراسری و تثبیت دشمن»

شهریور ۵۸

حرف‌های صدام با نماینده عراق در سازمان ملل در حاشیه اجلاس سران غیر متعهدها در کشور کوبا

منبع: دکتر حسین علایی (۱۳۹۱)، روند جنگ ایران و عراق، جلد ۱، مرز و بوم، ص ۱۵۷.
... آقای یزدی می‌گوید در حاشیه اجلاس غیر متعهدها در کشور کوبا با
صدام ملاقات کردیم، [از یکم تا ۱۸ شهریور ۵۸]... صدام به مرامنامه حزب
بعث اشاره کرد که متولی و نماینده کشورهای عرب است... آقای صلاح عمر
علی طی مصاحبه‌ای با شبکه الجزیره ... شخصاً پیش صدام رفتم و
درخواست ملاقات وزیر کردم... فقط ما سه نفر حضور داشتیم... سعدون
حمادی پیشنهاد ملاقات را قبول نکرد... گفتگوها کاملاً مثبت بود... صدام
نظرم را پرسید... گفتم خیلی مثبت و سازنده بود... صدام چند لحظه ساکت
شد... گفت... چه صلحی؟ چه مشکلی بین ما و ایران حل شد؟... این یک
فرصت است که شاید در کل قرن یک بار اتفاق بیفتد... اینها اهواز را از ما
گرفتند... شط‌العرب را از ما گرفتند و اکنون فرصت برای ماست... در حالی
که کشورشان از هم پاشیده... ارتش آنها از هم گسیخته... بین خودشان
جنگ داخلی است... این فرصت خوبی است تا بتوانیم حقوق از دست
رفته‌مان را بگیریم... این موضوع را فقط به تو می‌گویم که نماینده عراق در
سازمان ملل هستی و من می‌خواهم ضربه‌ای به آنها بزنم که صدایش در
تمام دنیا شنیده شود.

قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر

کنفرانس سران کشورهای عضو اوپک در اسفندماه ۱۳۵۳ (۱۹۷۵م) در الجزایر تشکیل شد. با وساطت رئیس جمهور الجزایر، ملاقات بین شاه و صدام انجام گرفت و موافقت‌های کلی درباره حل اختلافات مرزی به عمل آمد. اعلامیه مشترکی منتشر شد که بعد از بیان مقدمه‌ای، اصول اساسی موافقت‌نامه به شرح زیر اعلام گردید:

- ✓ مرزهای زمینی بر اساس پروتکل ۱۹۱۳ قسطنطنیه و صورت‌جلسه‌های کمیسیون تعیین مرز ۱۹۱۴.
- ✓ مرزهای آبی بر اساس خط تالوگ.

وسعت و جمعیت دو کشور ایران و عراق در آغاز جنگ تحمیلی

وسعت عراق: ۴۳۸،۳۱۷ کیلومتر مربع

وسعت ایران: ۱،۶۴۸،۱۹۵ کیلومتر مربع

وسعت عراق کمی بیش از یک چهارم وسعت ایران است.

منبع: جغرافیای کشور عراق... سازمان جغرافیایی ن.م، ۱۳۸۷، نامی، محمدپور.

جمعیت در سال ۱۳۶۱:

ایران: ۳۹/۱ میلیون نفر

عراق: ۱۳/۶ میلیون نفر

جمعیت عراق کمی بیش از یک سوم جمعیت ایران است.

منبع: تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، ج ۲، برخوردهای مرزی قبل از جنگ، سرهنگ ستاد

سید یعقوب حسینی، تهران، نشر اجا، ۱۳۸۷، فصل چهارم.

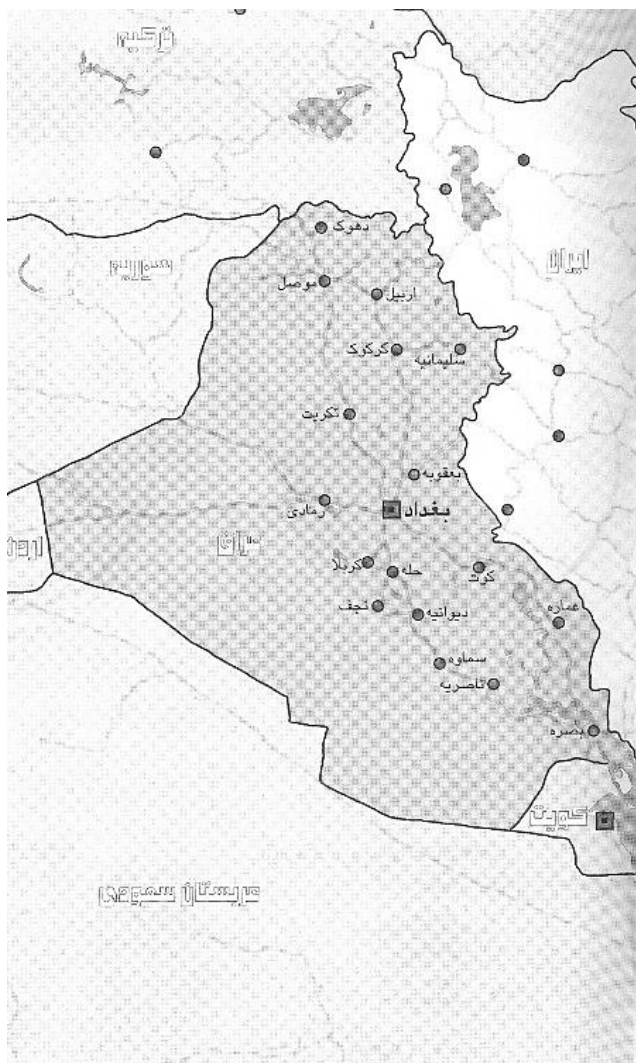
اقدامات ناامنی و دفاعی مرزی قبل از ۳۱ شهریور ۵۹

نمونه‌های اقدامات طرفین:

- ✓ رانده شدگان از عراق به ایران
- ✓ انفجارات لوله‌های نفتی و مناطق حساس خوزستان توسط عوامل بعث عراق.
- ✓ اقدامات اختلاف افکنی به نام خلق عرب و عجم و... توسط عوامل بعث عراق.
- ✓ درگیری‌ها و تجاوزات مرزی، و در پاسخ، اقدامات متقابل خودی در اعزام و استقرار یگان‌های رزمی در مرز دو کشور.
- ✓ ادعاهای سران حکومت بعثی درباره شط العرب، جزایر سه گانه و...

بخش دوم: سال اول جنگ هشت ساله «تجاوز سراسری و تثبیت دشمن» / ۲۳

نقشه جغرافیایی عراق و نمایی از مرزهای مشترک با ایران



مقایسه نسبی تجهیزات عمده ارتش‌های ایران و عراق در آغاز جنگ

عراق	ایران	تجهیزات عمده
۲۵۰۰	۲۰۰۴	تانک
۲۹۵۰	۲۷۴۹	نفربر زرهی
۱۵۰۰	۱۴۶۸	توپ صحرایی
۲۰۲۰	۱۹۹۳	توپ پدافند هوایی در نیروی زمینی و هوایی
۱۹۷	۹۳۸	تعداد بالگرد در سه نیرو
۴۶۵	۴۵۸	جمع هواپیماهای جنگنده و شناسایی
-	۷	ناو سنگین و سبک
۲۶	۱۶	ناوچه گشتی و موشک‌انداز
۵	۱۲	ناو لجستیکی و نیروبر
۵	۴	مین جمع‌کن
وضعیت نیروی دریایی ایران در مقایسه با عراق نسبتاً خوب بود.		

منبع: تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، ج ۲، برخوردهای مرزی قبل از جنگ، سرهنگ ستاد سید یعقوب حسینی، تهران، نشر اجا، ۱۳۸۷، فصل چهارم.

توضیح ۱: در اعداد مربوط به ایران، تعداد قابل توجهی حاضر به کار نبودند و یا کسری نیروی انسانی داشتند که با آغاز جنگ، نسبت به راه‌اندازی و تکمیل نیروی انسانی هرکدام به سرعت و حداکثر توان ممکن اقدام گردید. ضمناً توجه گردد که اعداد ذکرشده تقریبی بوده و دقیق نمی‌باشند. در منابع مختلف، اعداد متفاوت درج شده‌اند.

توضیح ۲: در مدت هشت سال جنگ تحمیلی، هرکدام از این تجهیزات عمده از بین می‌رفت، به واسطه تحریم‌ها جایگزین نمی‌شد، اما عراق بهتر و بیشتر از قبل را جایگزین می‌نمود.

بخش دوم: سال اول جنگ هشت ساله «تجاوز سراسری و تثبیت دشمن» / ۲۵

توضیح ۳: ما اگر چنین توانی نداشتیم و از آن نیز به خوبی نمی‌توانستیم استفاده کنیم و با نیروی انسانی کیفی خود در ارتش (نزاجا، نهاجا، نداجا)، سپاه، بسیج، جهاد سازندگی رزمی، گروه جنگ‌های نامنظم شهید چمران، پیشمرگان کرد مسلمان و دیگر توانایی‌های کشور را ترکیب و مدیریت نمی‌کردیم، چه سرنوشت شومی را باید متحمل می‌شدیم؟

مقایسه تعداد لشکرهای ارتش ایران و عراق در آغاز جنگ تحمیلی

ارتش عراق

۱۲ لشکر و ۲۹ تیپ مستقل با استعداد حدود ۱۰۰٪

ارتش ایران

۸ لشکر و ۵ تیپ مستقل با استعداد ۶۰٪

ارتش عراق

علاوه بر لشکر و تیپ‌های اشاره، دارای ۱۳۰ گروهان کماندو، اگر هر ۳۰ گروهان یک لشکر منظور شوند، معادل ۴ لشکر پیاده، ۲۹ تیپ مستقل اشاره‌شده، معادل ۷ لشکر پیاده جمع استعداد رزمی ارتش عراق:
 $۲۳ = ۱۲ + ۴ + ۷$ لشکر

ارتش ایران

جمع ۸ لشکر و ۵ تیپ، معادل ۱۰ لشکر به استعداد ۶۰٪ با استعداد ۱۰۰٪، معادل ۶ لشکر محاسبه می‌گردد.

نتیجه

ارتش عراق: معادل ۲۳ لشکر

ارتش ایران: معادل ۶ لشکر

منبع: تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، ج ۲، برخوردهای مرزی قبل از جنگ، سرهنگ ستاد سید یعقوب حسینی، تهران، نشر اجا، ۱۳۸۷، فصل چهارم.

مقایسه گردان‌های رزمایشی ایران و عراق در آغاز جنگ تحمیلی

نوع یگان	ایران	عراق
گردان پیاده مکانیزه	۶۷	۱۴۷
گردان پیاده کوهستانی	-	۳۴
گردان زرهی	۳۱	۶۳
گردان سوارزرهی	۱۰	
گردان نیروی مخصوص	۳	۱۰
گردان شناسایی	-	۱۳
۱۳۰ گروهان کماندو معادل ۴۰ گردان	-	۴۰
جمع	۱۱۱	۳۰۷

منبع: تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، ج ۲، برخوردهای مرزی قبل از جنگ، سرهنگ ستاد سید یعقوب حسینی، تهران، نشر اجا، ۱۳۸۷، فصل چهارم.

مقایسه گردان‌های پشتیبانی رزمی نیروی زمینی ایران و عراق در

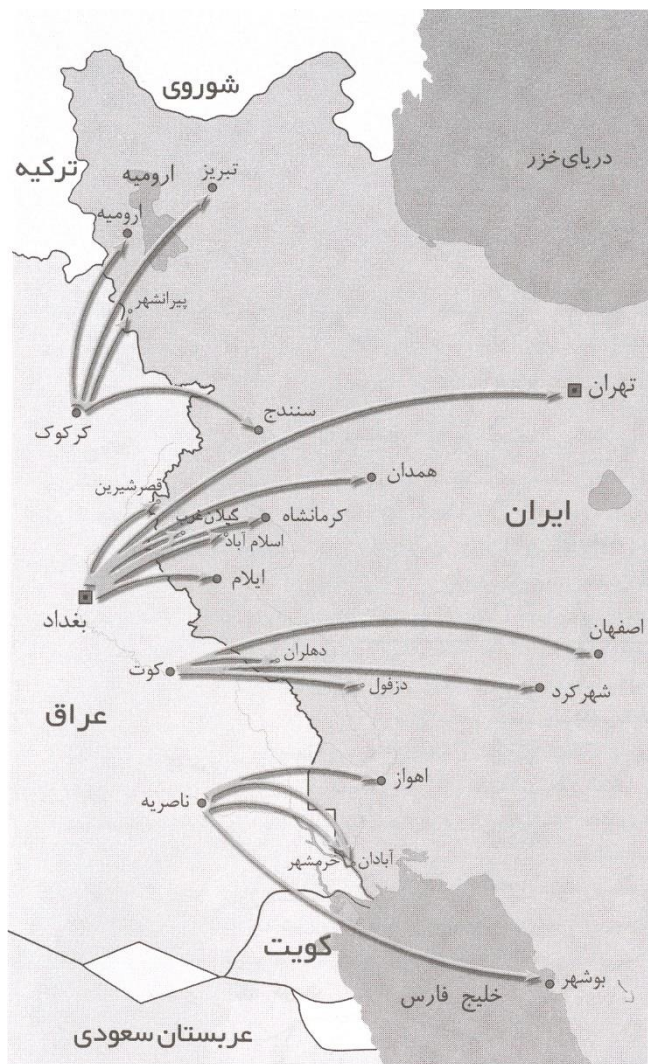
آغاز جنگ تحمیلی

نوع یگان	ایران	عراق
گردان توپخانه صحرایی	۵۰	۷۶
گردان پدافند هوایی	۱۲	۳۸
گردان مهندسی و پل	۱۰	۱۶
گردان مخابرات	۹	۱۶
گردان ضدتانک	-	۱۳
گردان موشکی	-	۱۵
آتشبار سبک ۱۲۰م	-	۲۳

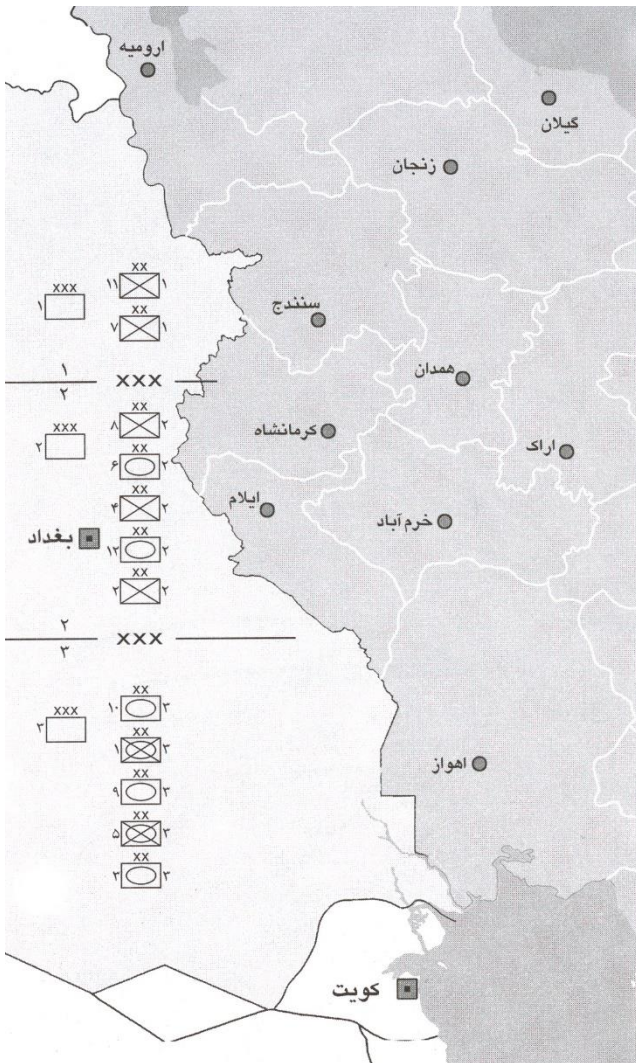
منبع: تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، ج ۲، برخوردهای مرزی قبل از جنگ، سرهنگ ستاد سید یعقوب حسینی، تهران، نشر اجا، ۱۳۸۷، فصل چهارم.

تهاجم بزرگ هوایی ارتش عراق به پایگاه‌های هوایی ایران در

۱۳۵۹/۶/۳۱



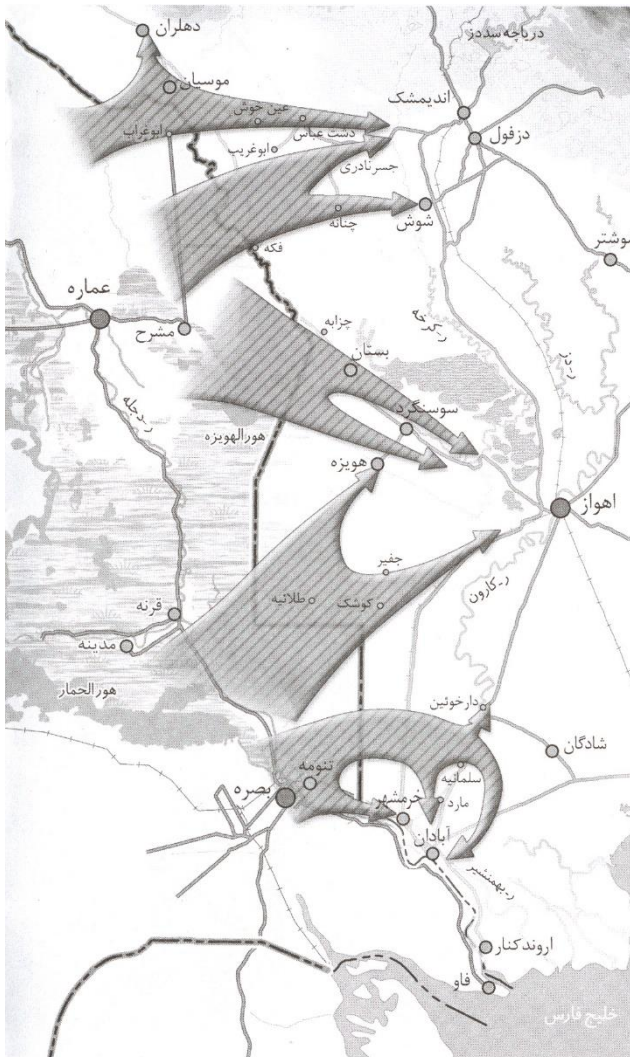
نحوه استقرار سپاه ۱ و ۲ و ۳ عراق در آغاز جنگ تحمیلی



اهداف نظامی و محورهای تهاجم ارتش عراق به ایران



محورهای تهاجم ارتش عراق به استان خوزستان



چگونگی حرکت باقیمانده یگان‌های نزا‌جا به منطقه عملیاتی

ابلاغ
بارگیری
آماده‌سازی
حرکت روی چرخ، روی ریل، هوا و دریا

توضیح: استاد شرح مختصر می‌دهد که یگان‌های باقیمانده نزا‌جا که در خطوط مرزی و مناطق کردستان حضور نداشتند، مأموریت آنان برای اعزام به منطقه عملیاتی خوزستان، ایلام و کرمانشاه ابلاغ و به سمت مناطق ابلاغ‌شده حرکت و استقرار یافتند. شامل: گردان‌های پیاده، مکانیزه، سوارزره‌ی، تانک، توپخانه، مهندسی، مخابرات، پشتیبانی و قرارگاه‌های تیپ و لشکر و مقدم نزا‌جا و بالأخره گردان‌های پشتیبانی مناطق ۱ و ۲ و ۳ و ترابری نزا‌جا.

چگونگی چیدمان یگان‌های مختلف در منطقه عملیاتی

گردان‌های پیاده، پیاده مکانیزه، سوارزره‌ی در خط مقدم و تماس نزدیک با دشمن استقرار تاکتیکی می‌یابند.
گردان‌های تانک با فاصله‌ای کم از گردان پیاده استقرار تاکتیکی می‌یابند. در بعضی موارد، به علت کمبود گردان پیاده، گردان تانک در خط مقدم مانند گردان پیاده قرار می‌گرفت.

گردان‌های توپخانه نسبت به حداکثر برد خود در مواضع عقب‌تر استقرار می‌یابند، طوری که دوسوم برد توپ گردان جلوتر از خط مقدم باشد. گروهان‌های گردان‌های مهندسی و مخابرات نیز هرکدام نزدیک قرارگاه تیپ و گروهان ارکان آنها نزدیک قرارگاه لشکر مستقر می‌گردند. یگان‌های پشتیبانی نیز در محدوده عقب‌تر از قرارگاه لشکر مستقر می‌شوند.

در انتخاب مواضع، چند عامل مانند پدافند غیرعامل، قابلیت جاده ورودی و خروجی و دسترسی به یگان‌های مرتبط خدمتی و فاصله مناسب با یگان‌های خودی و برد توپخانه دشمن و نیز دفاع دور تا دور به صورت شبانه‌روزی مورد توجه قرار می‌گیرد.

نکته: استاد درباره هرکدام از موضوعات زیر توضیح مختصر برای تصویرسازی ذهنی مخاطبان ارائه می‌دهد. چگونگی پشتیبانی رزمی یگان‌های خط مقدم، آموزش در منطقه عملیات، خاکریزها، سنگرهای درگیر رزمی خط مقدم جبهه، سنگرهای زیست و استراحت نفرات خط مقدم و دیگر مواضع، تغذیه و آبرسانی، سرویس‌های بهداشتی و استحمام، تخلیه بیماران، مجروحان و شهدا، تأمین سوخت و تعمیرات خودروها، مهمات‌رسانی سلاح‌های انفرادی و اجتماعی، ارتباط باسیم و بی‌سیم یگان‌ها، مرخصی نفرات از مبدأ به مقصد و بالعکس، آرایش زمین در لبه جلویی منطقه نبرد (لجمن) توسط دشمن و خودی.

نکته: مرز مشترک ایران و عراق ۱۶۰۸ کیلومتر است. ۴۳۶/۵ کیلومتر مرز آبی و ۱۱۸۱/۵ مرز خشکی. نیروی زمینی ارتش در آغاز جنگ تا سال‌های بعد از آن، در تمام این مرز درگیر جنگ با ارتش عراق بود و بجز

بخش دوم: سال اول جنگ هشت ساله «تجاوز سراسری و تثبیت دشمن» / ۳۳

مناطق غیر قابل عبور که ارتش عراق نیرویی مستقر نکرده بود، در سایر نقاط خط دفاعی تشکیل داد و بدین ترتیب تمام هشت سال جنگ، گردان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی و غیره در طول بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر خطوط درگیر و مناطق عملیاتی گسترش و بدون وقفه اجرای مأموریت می‌نمودند. البته در تمام سواحل خلیج فارس و سواحل دریای عمان و آب‌های سرزمینی و آزاد جنوب کشور نیز نیروی دریایی مأموریت رزمی انجام می‌داد.

فهرست عملیات‌های زمینی در سال اول جنگ تحمیلی

از ۱۳۵۹/۶/۳۱ تا ۱۳۶۰/۶/۳۰

ردیف	عنوان
۱	۵۹/۶/۳۱ عملیات پدافندی قصر شیرین
۲	۵۹/۶/۳۱ عملیات پدافندی خرمشهر
۳	۵۹/۶/۳۱ عملیات پدافندی سوسنگرد
۴	۵۹/۶/۳۱ عملیات پدافندی شمال آبادان - ایستگاه حسینیّه
۵	۵۹/۶/۳۱ عملیات پدافندی منطقه کرخه - شوش
۶	۵۹/۷/۲ عملیات پدافندی میمک و مهران
۷	۵۹/۷/۵ عملیات پدافندی سومار
۸	۵۹/۷/۲۳ عملیات آفندی پای پل کرخه، غرب دزفول
۹	۵۹/۸/۳ عملیات آفندی شمال آبادان
۱۰	۵۹/۸/۹ عملیات پدافندی پای پل کرخه
۱۱	۵۹/۸/۲۶ عملیات آفندی آزادسازی سوسنگرد
۱۲	۵۹/۸/۲۸ عملیات آفندی عاشورا در شرق سومار

ردیف	عنوان
۱۳	۵۹/۹/۲ عملیات پدافندی سوسنگرد
۱۴	۵۹/۹/۲ عملیات پدافندی قوچ سلطان در غرب مریوان
۱۵	۵۹/۹/۲۷ عملیات آفندی کلینه و سیدصادق (۱)، منطقه عمومی سرپل ذهاب
۱۶	۵۹/۱۰/۱۴ عملیات آفندی تنگ حاجیان، غرب گیلانغرب
۱۷	۵۹/۱۰/۱۵ عملیات آفندی نصر، منطقه عمومی هویزه
۱۸	۵۹/۱۰/۱۹ عملیات آفندی خوارزم (ضربت ذوالفقار)، ارتفاعات میمک
۱۹	۵۹/۱۰/۲۰ عملیات آفندی توکل، شمال آبادان
۲۰	۵۹/۱۲/۱۵ عملیات آفندی کلینه و سیدصادق (۲)، منطقه عمومی سرپل ذهاب
۲۱	۵۹/۱۲/۲۵ عملیات آفندی رقابیه، پایین تر از شوش
۲۲	۵۹/۱۲/۲۶ عملیات آفندی چغالوند، غرب گیلانغرب
۲۳	۶۰/۱/۱۵ عملیات آفندی کانال هندلی، غرب پای پل کرخه
۲۴	۶۰/۱/۱۵ عملیات آفندی تپه چشمه (۱)، غرب کرخه در مسیر جاده عین خوش
۲۵	۶۰/۱/۲۵ عملیات آفندی زعن در منطقه شوش، غرب کرخه در مسیر جاده ابوصلیبی خات
۲۶	۶۰/۱/۲۷ عملیات پدافندی قوچ سلطان، غرب مریوان
۲۷	۶۰/۲/۲ عملیات آفندی بازی دراز (۱)، غرب سرپل ذهاب
۲۸	۶۰/۲/۱۱ عملیات آفندی تپه چشمه (۲)، غرب کرخه
۲۹	۶۰/۲/۳۱ عملیات آفندی الله اکبر (خیبر)، غرب سوسنگرد

بخش دوم: سال اول جنگ هشت ساله «تجاوز سراسری و تثبیت دشمن» / ۳۵

ردیف	عنوان
۳۰	۶۰/۲/۳۱ عملیات آفندی تپه‌های انگوش و زعن، غرب کرخه و شوش
۳۱	۶۰/۳/۵ عملیات آفندی خیبر (قوچ سلطان)، غرب مریوان
۳۲	۶۰/۳/۱۷ عملیات پدافندی قوچ سلطان، غرب مریوان
۳۳	۶۰/۳/۲۱ عملیات آفندی فرمانده کل قوا خمینی روح خدا، شمال آبادان
۳۴	۶۰/۳/۳۱ عملیات آفندی جاده ماهشهر - آبادان
۳۵	۶۰/۴/۳۰ عملیات پدافندی جنوب مریوان
۳۶	۶۰/۵/۵ عملیات آفندی طراح، غرب اهواز - سوسنگرد
۳۷	۶۰/۶/۱۲ عملیات آفندی بازی دراز (۲) (رجایی و باهنر)، غرب سرپل ذهاب
۳۸	۶۰/۶/۲۷ عملیات آفندی شهید مدنی، غرب اهواز - سوسنگرد

توضیح: این عملیات‌ها از رده گردان تا لشکر و موفق و ناموفق می‌توان تقسیم‌بندی نمود. در هر حال، هر عملیاتی تجربه ارزشمندی می‌شد برای عملیات‌های بعدی و بالأخره موفقیت‌های عمده در سال دوم جنگ و سال‌های بعد.

نکته ۱: عملیات‌های هوایی و دریایی نیروهای هوایی و دریایی به طور مستقل و یا پشتیبانی از سایر نیروها در بخش مربوطه به این نیروها ارائه می‌گردد.

نکته ۲: استاد محترم این درس آموزشی در صورتی که فرصت باقی بود، توضیحاتی راجع به یکی دو و بیشتر از عملیات برجسته سال اول جنگ به مخاطبان ارائه دهد.

در سال اول جنگ، ۱۶۳ عملیات آفندی و پدافندی اجرا گردید.

کتاب «اطلس نبردهای ماندگار» ص ۱۶:

سال اول جنگ را به ترتیب می‌توان به مقاطع زیر تقسیم کرد:

- ✓ مقاومت در مقابل هجوم عراق و انجام عملیات تأخیری.
- ✓ تثبیت دشمن در مواضع نامناسب در کمتر از دو ماه اول جنگ.
- ✓ شناسایی دشمن و استقرار مناسب نیروهای خودی جهت جلوگیری از پیشروی مجدد عراق.
- ✓ آغاز حملات کوچک توسط ایران جهت کسب روحیه و شناخت دشمن.

- ✓ ایجاد هماهنگی بین نیروهای مردمی و ارتش.
- ✓ آزادسازی محدود مناطق عملیاتی.
- ✓ آمادگی جهت بیرون راندن عراق از خاک جمهوری اسلامی ایران.

سال اول جنگ در حالی به پایان رسید که تقریباً در تمام نقاط مرزی، نیروهای ایران به طور پیوسته، مقابل عراق مواضع پدافندی اتخاذ کرده و مسئولیت بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر خطوط پدافندی را نیروی زمینی ارتش بر عهده داشت.

نتیجه عملیات سال اول جنگ

- ✓ سد نمودن دشمن با مقاومت و عملیات تأخیری
 - ✓ زمینگیر شدن دشمن
 - ✓ رزم‌های کوچک و بزرگ
 - ✓ ایجاد خطوط دفاعی توسط نذاجا در بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر
 - ✓ شناسایی و کسب تجربه در نبرد با دشمن و استفاده پایه‌ای از
- تجارب سال اول برای سال دوم جنگ
- ✓ انهدام نیروی دریایی دشمن در سه ماه اول جنگ توسط نذاجا و
- نهماجا
- در کتب دفاع مقدس، سال اول جنگ، سال «تجاوز سراسری و تثبیت متجاوز» نامگذاری شده است.

آغاز جنگ تحمیلی
اهداف دشمن
اقدامات خودی
رهبری
ارتش (نزاجا، نهاجا، نداجا)
سپاه و نیروهای داوطلب

توضیح: اهداف دشمن از سوابق باقیمانده، آنچه که مشهود است، جدا نمودن خوزستان و نیز حاکمیت بر اروندرود و تغییر خط مرزی از خط تالوگ به ساحل شمالی اروندرود بود.

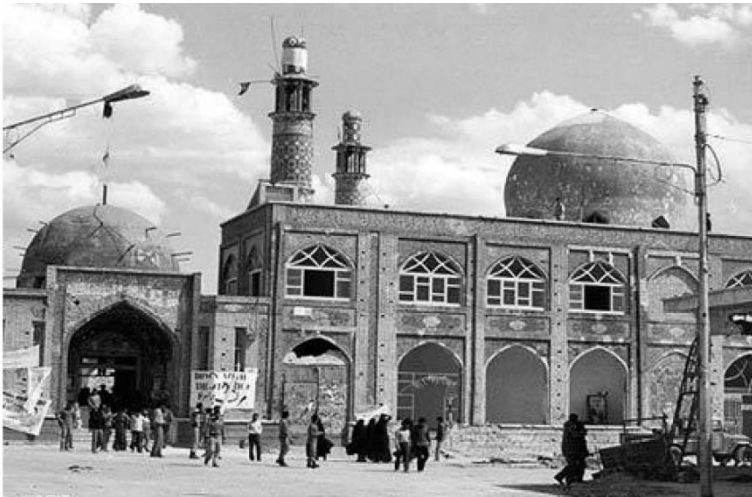
در هرکدام جبهه‌ها چقدر پیشروی نمود و چطور نتوانست ادامه دهد؟ چرا خرمشهر را در مدت ۳۴ روز به اشغال درآورد، در حالی که فاصله شلمچه تا خرمشهر فقط ۱۵ کیلومتر است؟ چه یگان‌هایی آنجا بودند؟ گردان ۱۵۱ دژ، گردان تکاوران دریایی، گردان ۱۶۵ پم، گردان ۲۳۲ تانک، گردان‌های دانشجویی دانشکده افسری نزاجا، حدود ۱۵۰ نفر از سپاه خرمشهر و آبادان، تعدادی نیروی مردمی، یگان‌های توپخانه، بالگردهای هوانیروز، هواپیماهای جنگی نهاجا و...

در بحث دفاع خرمشهر تاکنون رسانه‌ها فقط توانسته‌اند به طور ناقص مطالب ارائه دهند.

بخش دوم: سال اول جنگ هشت ساله «تجاوز سراسری و تثبیت دشمن» / ۳۹

چرا آبادان سقوط نکرد؟ با آنکه از ۳۶۰ درجه، ۳۳۰ درجه آن در محاصره دشمن بود؟ چگونه دفاع شد؟ چگونه ارتش آن را مدیریت کرد تا به اشغال دشمن نیاید و بالأخره عملیات ثامن الائمه و شکست حصر آبادان؟ چرا اهواز سقوط نکرد در حالی که تا ۱۵ کیلومتری آن را اشغال نموده بود؟ دشمن که تا نزدیک پل کرخه برای عبور و رسیدن به اندیمشک و دزفول و... رسیده بود، چطور نتوانست پا به شرق کرخه بگذارد؟ چگونه زمین گیر شد؟ چه یگان‌هایی و با چه روشی دشمن را متوقف و زمین گیر نمودند؟ در جبهه‌های غرب و شمال غرب نیز مثال‌های دیگری می‌توان زد، اما هدف اصلی دشمن خوزستان بود و بقیه جبهه‌ها هدف‌های فرعی... آیا فقط با تفنگ و یا سلاح‌های انفرادی، بدون بقیه توان ارتش، حتی اگر ۳۶ میلیون جمعیت ایران به جبهه می‌آمدند، حریف ارتش عراق می‌شدند؟ تفنگ، حریف: تانک، توپ، هواپیما، موشک و... می‌شد؟ اهمیت اقدامات نزاجا با همکاری سایر نیروها، میزان سرنوشت‌سازی مثبت آن، اگر آن اقدامات جانانه دفاعی نبود، نتیجه به کجا کشیده می‌شد؟ توجه داشته باشید، نزاجا در سال اول جنگ از کمبود نیروی انسانی رنج می‌برد، به طوری که منقضی خدمت‌های سال ۱۳۵۶ احضار شدند و تعداد ۸۴۰۰۰ نفر از این عده به جبهه اعزام شدند. با این حال، این کمبود همچنان ادامه داشت تا آنکه در سال دوم جنگ با ورود انبوه نیروهای بسیج، کمبود نیروی انسانی تأمین و عملیات‌های بزرگ و موفقیت‌آمیز انجام گرفت.

عکس از مسجد جامع خرمشهر قبل از اشغال خرمشهر



شما از این عکس ظاهراً می‌فهمید که تعدادی برای رزمندگان و نبرد با دشمن در اینجا دارند فعالیت می‌کنند. اما با دقتی هوشمندانه‌تر می‌فهمید که معلوم است این جمعیت از جهت بمباران هوایی و توپخانه دشمن احساس امنیت می‌کنند که اینجا جمع شده‌اند. اما آن پدافند هوا به هوا و زمین به هوا و توپخانه‌های خودی در عکس دیده نمی‌شوند و این را باید با چشم سوم، هوشمندانه درک کرد. همین‌طور اگر سرباز و ارتشی به سختی مشاهده می‌شود، به دلیل حضور ارتش خودی در پدافند در لبه جلوی منطقه نبرد (لجمن) می‌باشد.

بخش دوم: سال اول جنگ هشت ساله «تجاوز سراسری و تثبیت دشمن» / ۴۱

عکس از مسجد جامع خرمشهر در روز آزادسازی خرمشهر



عکس فوق یک برداشت ظاهری دارد و یک برداشت علمی نظامی دیگر دارد که مافوق این برداشت ظاهری است. برداشت وسیع‌تر از این عکس، نشان می‌دهد که دشمن با آنکه در آن روز بیش از ۱۶۰۰۰ کشته و زخمی و ۱۷۴۹۹ نفر اسیر داده و چند لشکر آن منهدم و یا آسیب جدی دیده بود، قادر نیست اینجا را بمباران هوایی و یا توپخانه نماید و از طرفی، یگان‌هایی هم هستند که از ۱۰ تا ۳۰ کیلومتر دورتر از اینجا در این زمان، با دشمن شدیداً درگیر هستند که در این عکس‌ها هیچ‌وقت آنها دیده نمی‌شوند...

راهپیمایی روز قدس در تهران سال ۱۳۶۵



این عکس نیز نشانه دیگری از قدرت پدافند هوایی کشور در آن زمان و مکان می باشد. آن هم در سال ششم جنگ تحمیلی.

بخش سوم

سال دوم تا پایان جنگ تحمیلی

مقدمه

نیروهای خودی از آغاز جنگ تحمیلی تا پایان جنگ هشت ساله با ارتش دشمن درگیر بودند. درگیری‌ها به شکل زیر به وجود می‌آمد. در ابتدای جنگ آفند و تجاوز دشمن در سرتاسر مرز مشترک دو کشور و پدافند نیروهای خودی و تثبیت نیروهای دشمن کمتر از دو ماه اول جنگ.

بعد از آغاز جنگ تا پایان هشت سال جنگ در مواقعی و مناطقی، عملیات آفندی علیه نیروهای متجاوز در سطح گشتی رزمی تا گروهان و گردان و تیپ و لشکر و بالأخره عملیات‌های عمده در سطح چند لشکر ارتش و سپاه اجرا گردید.

توجه داشته باشید عملیات‌های آفندی بدون حفاظت و پشتیبانی‌های آتش زمینی، هوایی و پدافند هوایی و پشتیبانی دریایی در مناطق اروندرود، خلیج فارس و دریای عمان و نیز پشتیبانی و حفاظت نزاچا در سایر مناطق پدافندی بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر در حفظ مواضع و درگیر نگهداشتن دشمن برای عدم امکان تقویت نیروهای خود در منطقه عملیات علیه نیروهای آفندی خودی، امکان‌پذیر نبوده است.

فهرست عملیات‌های انجام‌شده در سطوح مختلف و ارائه آن به صورت جدول، در کتاب‌های منتشرشده بیش از ۲۰۰ صفحه درج شده و امکان ارائه آن از ظرفیت این مکتوب خارج است. در این کتاب آموزشی، به چند نمونه به صورت اشاره مختصر می‌شود. اما در هر حال باید از سایر عملیات‌های کوچک و بزرگ، موفق و ناموفق که در آن فرزندان رزمنده این مرز و بوم جانفشانی کرده و نام پرافتخار آنان در تاریخ پرافتخار این سرزمین ثبت گردیده است، نباید غفلت نمود و آن عملیات‌ها نیز مورد احترام و

بخش سوم: سال دوم تا پایان جنگ تحمیلی / ۴۵

مطالعه فوق العاده و خارج از برنامه آموزشی مخاطبان این مکتوب با مراجعه به سایر منابع قرار گیرد.

از آغاز جنگ، صحنه عملیات جنگ تحمیلی به دو منطقه کاملاً مستقل از یکدیگر تفکیک شد و به جبهه غرب و جنوب نامگذاری شد.

جبهه غرب شامل: مناطق مرزی استان ایلام، از مهران به شمال، استان کرمانشاه، استان کردستان و استان آذربایجان غربی بود.

جبهه جنوب شامل: منطقه جنوبی استان ایلام و استان خوزستان تا کرانه اروندرود و خلیج فارس تا تنگه هرمز بود. جبهه زمینی جنوب به تنهایی قریب به ۵۰۰ کیلومتر طول داشت و به چهار منطقه عملیاتی تقسیم شده بود: منطقه عملیات خرمشهر و آبادان، منطقه عملیات غرب اهواز و سوسنگرد، منطقه عملیاتی غرب دزفول و شوش و منطقه عملیات دهلران تا مهران (در مجموع جبهه شمالی، جبهه میانی و جبهه جنوبی)

از سال دوم جنگ با روی کار آمدن سرهنگ صیادشیرازی (شهید سپهبد) به فرماندهی نزاجا، جبهه غرب به دو قسمت مستقل تفکیک گردید. مرز ایلام و کرمانشاه به نام جبهه غرب و مرز کردستان و آذربایجان غربی به نام جبهه شمال غرب نامیده شدند.

سال دوم جنگ (مهر ۶۰ تا ۶۱) «بیرون راندن متجاوز»

کتاب «معارف جنگ» ص ۴۲، به قلم سرتیپ ۲ مسعود بختیاری:

«سال دوم جنگ» عملیات ثامن الائمه (ع) که اقدامات طراحی و آماده سازی آن در سال اول جنگ انجام گرفته بود در تاریخ ۶۰/۷/۵ برای شکستن محاصره آبادان و راندن نیروهای عراقی از شرق کارون به کرانه غربی توسط لشکر ۷۷ ثامن الائمه و تعداد ۲۰۰۰ نفر برادران سپاهی و بسیجی آغاز شد و پس از دو روز، با موفقیت کامل پایان یافت. اسرای دشمن: ۱۶۵۶ نفر

نکته: بعضی از کتاب‌ها، عملیات ثامن الائمه (ع) را مربوط به سال اول جنگ و پایان آن محسوب نموده‌اند. در واقع نیز چنین بوده است.

در روز ۱۳۶۰/۷/۱۰ هواپیمای نیروی هوایی که حامل رئیس وقت ستاد مشترک و جمعی دیگر از فرماندهان بلندپایه نظامی از جمله فرمانده نیروی هوایی، وزیر دفاع، تنی چند از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب بود و از منطقه عملیاتی جنوب برای ارائه گزارش عملیات ثامن الائمه به رهبر انقلاب اسلامی عازم تهران بودند به علت نقص فنی در نزدیکی کهریزک سقوط کرد که فرماندهان نظامی فوق‌الذکر در این سانحه به شهادت رسیدند و چندین جابجایی در رده‌های بالای فرماندهی ارتش را سبب گردید. از جمله سرهنگ علی صیادشیرازی (سپهبد شهید) به فرماندهی نیروی زمینی منصوب گردید که تغییرات وسیعی را در مشی عملیات نیروی زمینی به دنبال داشت. فرمانده جدید نیروی زمینی با اعتقاد راسخ به کارآیی نیروهای سپاهی و مردمی تدبیر عملیاتی خود را در صحنه جنگ ایران و عراق، مشارکت کامل نیروی زمینی ارتش و نیروهای سپاه پاسداران از

بخش سوم: سال دوم تا پایان جنگ تحمیلی / ۴۷

مرحله طرح‌ریزی عملیات تا اجرای آن اعلام نموده و این امر را ترکیب مقدس ارتش و سپاه نام‌گذاری نمود.

به این ترتیب استراتژی عملیاتی ایران وارد مرحله جدیدی شد که بر اساس همکاری و مشارکت کامل نیروهای سپاه و ارتش بود.

در تاریخ ۶۰/۹/۸، عملیات طریق‌القدس با چند لشکر در اثر همکاری و هماهنگی مطلوب سپاه و ارتش در جبهه میانی خوزستان با هدف آزادسازی بستان به اجرا درآمد و ۲۰ روز طول کشید. این عملیات با موفقیت کامل، هدف‌های مورد نظر دست یافت. وسعت منطقه عملیاتی طریق‌القدس، حدود ۶۰۰ کیلومترمربع، یعنی چهار برابر منطقه عملیاتی ثامن‌الائمه (ع) بود. حداقل یک لشکر عراقی منهدم شد و غنائم بسیاری از جمله تجهیزات سنگین به دست رزمندگان ایران افتاد. اسرای دشمن: ۵۴۶ نفر.

در تاریخ ۶۱/۱/۲ عملیات فتح‌المبین با چند لشکر در منطقه غرب اندیمشک تا شوش در مدت ۷ روز به اجرا درآمد. دشمن حداقل دو لشکر خود را از دست داد و مناطق وسیعی تقریباً به مساحت ۲۴۰۰ کیلومترمربع آزاد گردید. وسعت منطقه عملیات فتح‌المبین چهار برابر وسعت منطقه عملیاتی طریق‌القدس بود. اسرای دشمن: ۱۶۰۰۰ نفر.

در تاریخ ۶۱/۲/۱۰ عملیات بیت‌المقدس با چند لشکر آغاز شد و تا ۳ خرداد ۶۱ به مدت ۲۵ روز طول کشید و در آن خرمشهر، پس از ۱۹ ماه اشغال آن توسط متجاوز، آزاد شد. مساحت این عملیات حدود ۶۰۰۰ کیلومترمربع و سه برابر منطقه عملیاتی فتح‌المبین بود. حداقل سه لشکر عراقی در این عملیات منهدم گردید. اسرای دشمن: ۱۷۴۹۹ نفر.

در چهار عملیات یادشده، حدود ۸۶۰۰ کیلومترمربع از ۱۵۰۰۰ کیلومترمربع کل مناطق اشغال شده آزاد گردید. دشمن در حین و بعد از عملیات بیت المقدس، حدود ۲۵۰۰ کیلومترمربع از زمین های متصرفی را برای کاهش آسیب پذیری نیروهای خود، با عقب نشینی اختیاری تخلیه نمود. بدین ترتیب، از مناطق تصرف شده دشمن بیش از ۳۵۰۰ کیلومتر باقی ماند. عمده آن مناطق شامل ارتفاعات مهم مرزی و نقاطی مانند: نفت شهر و خسروی در غرب کشور بود.

در تاریخ ۶۱/۴/۲۲ عملیات رمضان در رده چند لشکر در منطقه غرب جاده اهواز و شمال کانال ماهیگیری و شمال شرق بصره به اجرا درآمد که نتیجه آن با موفقیت همراه نبود.

در سال دوم جنگ، چند عملیات دیگر و با استعداد بیش از یک لشکر انجام گرفت که تعدادی از آنها نام برده می شود:

۶۰/۹/۲۰ عملیات موفق مطلع الفجر در شیاکوه، منطقه عمومی گیلانغرب در مدت ۲۷ روز.

۶۰/۱۰/۱۲ عملیات موفق محمد رسول الله (ص) در منطقه شهرک طویله عراق در شمال غربی شهر نوسود در مدت یک روز.
در سال دوم جنگ ۱۷ عملیات آفندی ثبت شده است.

بخش سوم: سال دوم تا پایان جنگ تحمیلی / ۴۹

سال سوم جنگ (مهر ۶۱ تا مهر ۶۲) «ورود به خاک عراق»

در سال سوم جنگ تعداد ۹ عملیات آفندی ثبت شده است. اکثر عملیات‌های بیش از یک لشکر، در سال سوم جنگ در مناطقی فراتر از مرزها اجرا شد. عملیات مسلم‌ابن عقیل در تاریخ ۶۱/۷/۹ در منطقه سومار و آزادسازی مناطق اشغالی، عملیات محرم در تاریخ ۶۱/۸/۱۰ در منطقه عمومی حمیرین و غرب رودخانه دویرج. در این عملیات حدود ۳۰۰ کیلومترمربع از مناطق مرزی عراق به تصرف نیروهای خودی درآمد. عملیات والفجر مقدماتی در ۶۱/۱۱/۱۷ و غرب میشداغ و شرق استان عماره در مدت ۴ روز که موفقیت مقدور نشد. عملیات والفجر ۱ در ۶۱/۱/۱۲ در منطقه جبل فوق، غرب فکه که در مدت ۷ روز نبرد، بخشی از اهداف طرح‌ریزی شده تأمین گردید. عملیات والفجر ۲ در ۶۲/۴/۲۹ منطقه حاج عمران عراق و در تاریخ ۶۲/۵/۲۳ پس از ۲۵ روز نبرد، با تصرف اهداف تعیین شده پایان یافت. عملیات والفجر ۳ در ۶۲/۵/۷، منطقه عمومی مهران، به مدت ۱۷ روز و تأمین هدف‌های مورد نظر.

سال چهارم جنگ (مهر ۶۲ تا مهر ۶۳) «فشارهای سیاسی برای تحمیل صلح»

در سال چهارم جنگ تعداد ۶ عملیات عمده ثبت شده است. عملیات والفجر ۴ در ۶۲/۷/۲۷، منطقه عمومی پیشرفتگی شیلر در شمال غرب ایران در مدت ۱۷ روز. آزادسازی ۳۰۰ کیلومترمربع از خاک ایران و ۷۰۰ کیلومترمربع از خاک عراق. عملیات خیبر در ۶۲/۱۲/۳ به مدت ۸ روز در منطقه هورالهویزه برای تصرف منطقه شمال بصره و قطع جاده العماره - بصره. در این عملیات بخش کمی از اهداف مورد نظر تأمین شد. جزایر مجنون به تصرف نیروهای خودی درآمد.

سال پنجم جنگ (مهر ۶۳ تا مهر ۶۴) «جنگ شهرها و عملیات‌های محدود»

عملیات عاشورا در ۶۳/۷/۲۵ به مدت ۶ روز، منطقه عمومی میمک و محور سرنی - میمک - سومار. در این عملیات ۶ روزه، ۱۰۰ کیلومترمربع از مناطق اشغالی آزاد شد و گرفتن اسرا، غنائم و انهدام تجهیزات و نیروهای دشمن درگیر. عملیات پدافندی ارتفاع ۴۰۲ در ۶۳/۱۱/۱۱، منطقه عمومی سومار و موفقیت نسبی دشمن. عملیات پدافندی میمک در ۶۳/۱۱/۲۰، عدم موفقیت دشمن پس از چهار روز نبرد.

بخش سوم: سال دوم تا پایان جنگ تحمیلی / ۵۱

عملیات بدر در ۶۳/۱۲/۲۰ در ادامه طرح عملیات خیبر به مدت ۶ روز برای تصرف جاده العماره - بصره و ۲ پل بزرگ العزیر و القرنه روی رودخانه دجله، این عملیات به عدم موفقیت انجامید.

در سال پنجم جنگ تحمیلی، چند عملیات در رده تیپ و لشکر و بیشتر انجام شد که فقط به اسامی اهم آنها اشاره می‌گردد:

۶۰ عملیات کوچک و بزرگ در سال پنجم جنگ تحمیلی ثبت شده است. تعداد ۵۰ آفندی و ۱۰ پدافندی.

عملیات حاج عمران در ۶۴/۴/۷ در منطقه عمومی حاج عمران / عملیات نصر ۳ در ۶۴/۴/۹، منطقه عمومی سومار / عملیات ظفر ۵ در ۶۴/۴/۱۳، منطقه عمومی پنجوین / عملیات شرهانی در ۶۴/۴/۲۰، منطقه شرهانی / عملیات قادر ۱ در ۶۴/۴/۲۳ منطقه عمومی حاج عمران / عملیات قادر ۲ در ۶۴/۶/۱۸.

در ۲۶ شهریور ۶۴ طرح سه نیرویی شدن سپاه به تصویب امام(ره) رسید.

سال ششم جنگ تحمیلی (مهر ۶۴ تا مهر ۶۵) «تصرف فاو»

عملیات والفجر ۸ در ۶۴/۱۱/۲۰ عبور از رودخانه اروند و تصرف فاو توسط یگان‌های رزمی سپاه و یگان‌های پشتیبانی رزمی ارتش و همین‌طور عملیات فریب ارتش توسط یگان‌های رزمی در منطقه مقابل بصره، شهر بندری عراق، ۳۰ کیلومتر از خاک خودی و ۷۷۰ کیلومترمربع از خاک دشمن آزاد شد.

عملیات والفجر ۹ در ۶۴/۱۲/۵ منطقه عمومی پنجوین و تصرف چند ارتفاع مهم منطقه.

عملیات آفندی محدود عراق، مشهور به دفاع متحرک عراق، یازده مورد که پنج مورد آن در جبهه جنوب بوده است و نتایج سرنوشت سازی نداشت.

عملیات پدافندی چوارتا در ۶۴/۱۲/۱۶، دشمن پس از ۱۷ روز نبرد، مواضعی از خودی در عملیات والفجر ۹ را به تصرف درآورد و خطر سقوط شهر سلیمانیه را برطرف ساخت.

عملیات پدافندی لولان در ۶۵/۲/۳، دشمن پس از ۳ روز نبرد، قسمتی از مواضع خودی در عملیات قادر را به تصرف درآورد. منطقه قادر بیش از ۶ ماه در تصرف ما بود.

عملیات پدافندی شرهانی در ۶۵/۲/۱۹، دشمن پس از ۴ روز نبرد، در تلمبه‌خانه شرهانی به موفقیت جزئی دست یافت.

عملیات پدافندی حاج عمران در ۶۵/۲/۲۳، دشمن پس از ۴ روز نبرد، قسمتی از ارتفاع ۲۵۱۹ را تصرف نمود.

عملیات پدافندی مهران در ۶۵/۲/۲۷، دشمن شهر مهران و قسمتی از ارتفاعات منطقه را تصرف نمود.

در تیرماه ۱۳۶۵، مهران بازپس گرفته شد و عراق بار دیگر در لاک دفاعی فرو رفت.

عملیات آفندی کربلا ۱ در ۶۵/۴/۹، شهر مهران و ارتفاعات قلاویزان آزاد شد.

عملیات پدافندی جزیره مجنون در ۶۵/۴/۲۱، دشمن پس از ۲ روز نبرد، مجبور به عقب‌نشینی گردید.

عملیات آفندی کربلا ۲ در ۶۵/۶/۱۰ برای تصرف ارتفاعات ۲۵۱۹، این عملیات به موفقیت نیانجامید و تصرف ارتفاع شهید صدر تنها نقطه موفقیت این عملیات بود.

در سال ششم جنگ ۴۲ عملیات آفندی و پدافندی کوچک و بزرگ ثبت شده است.

بخش سوم: سال دوم تا پایان جنگ تحمیلی / ۵۳

سال هفتم جنگ (مهر ۶۵ تا مهر ۶۶) «صدور قطعنامه ۵۹۸»

۵۹ عملیات کوچک و بزرگ آفندی و پدافندی نیروهای خودی در سال هفتم جنگ.

عملیات کربلا ۴ در ۶۵/۱۰/۳، منطقه ابوالخسیب در کرانه غربی ارونرد و منطقه عمومی جنوب بصره. این عملیات به دلیل آگاه بودن دشمن از معابر اصلی حمله نیروهای ایرانی، موفق نبود.

عملیات کربلا ۵ در ۶۵/۱۰/۱۹، در منطقه عمومی شلمچه به سمت تنومه، به مدت ۲۰ روز به طول انجامید و تلفات سنگینی بر دشمن وارد گردید. اما نیروی خودی نتوانست به هدف اصلی خود، یعنی شهر بصره دست یابد. البته از خاک دشمن در حدود ۷۵ کیلومترمربع به تصرف قوای خودی درآمد.

عملیات کربلا ۶ در ۶۵/۱۰/۲۳، در منطقه نفت شهر، هدف‌های مورد نظر تأمین نگردید. حدود ۴۰ کیلومترمربع از خاک خودی آزاد شد. در ۲۹ تیرماه ۶۶ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل صادر گردید.

عملیات کربلا ۷ در ۶۵/۱۲/۱۳ در منطقه عمومی حاج عمران، آزادسازی و تصرف ارتفاع ۲۵۱۹.

عملیات کربلا ۸ در ۶۶/۱/۱۸، شرق بصره، جنوب کانال ماهی و عدم موفقیت مورد نظر نیروهای خودی.

عملیات کربلا ۱۰ در ۶۶/۱/۲۵ محور سردشت با هدف تصرف شهر ماووت عراق. به مدت ۱۲ روز نبرد طول کشید و ۲۵۰ کیلومترمربع از خاک عراق و ارتفاعات نزدیک شهر ماووت آزاد شد.

عملیات نصر ۲ در ۶۶/۳/۱۳، منطقه میمک و موفقیت خودی، عملیات پدافندی میمک در ۶۶/۵/۲، عدم موفقیت دشمن و تنها قسمت محدودی از ارتفاعات میمک، عملیات نصر ۶ در ۶۶/۵/۱۰ و ۱۳ روز نبرد و موفقیت خودی.

سال هشتم جنگ (مهر ۶۶ تا ۶۷/۵/۲۹) «پذیرش آتش بس»

عملیات نصر ۹ در ۶۶/۱/۱، منطقه عمومی حاج عمران، پس از ۳ روز نبرد، موفقیت مورد نظر حاصل نشد.

عملیات بیت المقدس ۲ در ۶۶/۱۰/۲۵ منطقه ماووت عراق، ۹۵ کیلومترمربع از خاک عراق آزاد شد.

عملیات والفجر ۱۰ در ۶۶/۱۲/۲۴ منطقه عمومی نوسود و حلبچه با هدف تهدید سد دربندیخان و شهرها و محورهای اطراف. بمباران شیمیایی شهر حلبچه توسط عراق. در این عملیات ۱۲۰۰ کیلومترمربع از خاک عراق تصرف شد.

عملیات مهدی (عج) در ۶۷/۱/۱ در منطقه عمومی سرپل ذهاب و تصرف ارتفاعات آهنگران. در این عملیات پس از یک روز نبرد موفقیت مورد نظر حاصل نشد.

عملیات بیت المقدس ۵ در ۶۷/۱/۲۰، منطقه عمومی مریوان و پنجوین. موفقیت نیروهای خودی حاصل شد.

عملیات پدافندی فاو در ۶۷/۱/۲۸، دشمن توانست پس از بمباران شیمیایی، فاو را تصرف نماید.

در ۶۷/۱/۲۹ حمله نیروهای آمریکا به دو سکوی نفتی ایران در خلیج فارس و حمله موشکی به دو فروند ناو و یک ناوچه نیروی دریایی ایران.

بخش سوم: سال دوم تا پایان جنگ تحمیلی / ۵۵

عملیات پدافندی شلمچه در ۶۷/۳/۴، پس از یک هفته نبرد، شلمچه سقوط کرد.

عملیات پدافندی جزایر مجنون در ۶۷/۴/۴ و سقوط جزایر و مناطق عملیات خیبر و بدر.

عملیات پدافندی طلائیه - کوشک در ۶۷/۴/۴، دشمن پس از جمع‌آوری اسرا و غنائم به مواضع خود در نوار مرزی عقب‌نشینی نمود.

در ساعت ۵۵:۱۰ روز ۶۷/۴/۱۲ ناو آمریکایی، هواپیمای مسافربری ایران در مسیر بندرعباس به دُبی، در نزدیکی‌های بندرعباس را مورد اصابت موشک قرار داد و با ۲۹۰ نفر مسافر و خدمه پرواز سرنگون نمود و همگی آنان از جمله ۵۵ کودک به شهادت رسیدند.

عملیات پدافندی فکه، شرهانی در ۶۷/۴/۲۱. دشمن در منطقه عملیاتی فتح‌المبین پس از جمع‌آوری اسرا و غنائم، به ارتفاعات مرزی عقب‌نشینی نمود.

در تاریخ ۶۷/۴/۲۷ جمهوری اسلامی ایران، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را رسماً اعلام کرد.

عملیات پدافندی تمرچین در ۶۷/۴/۲۹ در منطقه عمومی پیرانشهر و حاج عمران. دشمن پس از ۵ روز نبرد مجبور به عقب‌نشینی گردید.

عملیات پدافندی طلائیه - کوشک در ۶۷/۴/۳۱. دشمن تا محور خرمشهر - اهواز پیشروی نمود و با مقاومت یگان‌های پراکنده در منطقه مجبور به عقب‌نشینی گردید.

عملیات پدافندی در ۶۷/۴/۳۱ در منطقه عمومی قصرشیرین، نفت‌شهر، سومار، میمک، کنجان چم و مهران. دشمن پس از جمع‌آوری اسرا و غنائم به طرف ارتفاعات مرزی عقب‌نشینی نمود.

عملیات مرصاد در ۶۷/۵/۳، منطقه اسلام‌آباد، گردنه حسن‌آباد، تنگه چهارزبر. سازمان منافقین با پشتیبانی هوایی ارتش عراق از ساعت ۱۴۳۰ مورخه ۶۷/۵/۳ به نام عملیات فروغ جاویدان با نیرویی بین ۴ تا ۵ هزار نفر در سازماندهی ۲۵ تیپ و هر تیپ به طور متوسط شامل ۲۰۰ نفر هجوم زمینی خود را از مسیر سرپل ذهاب تا اسلام‌آباد آغاز و در تاریخ ۶۷/۵/۵ با عملیات مرصاد با حضور و اعمال فرماندهی میدانی شهید صیادشیرازی، توسط بالگردهای هوانیروز و نیروهای موجود در منطقه، منهدم شدند.

در تاریخ ۶۷/۵/۵ سایت راداری پدافند هوایی سوباشی مربوط به پایگاه هوایی شهید نوژه کبودرآهنگ همدان در ۳۶ کیلومتری غرب پایگاه، توسط هواپیماهای دشمن در چند نوبت بمباران گردید و ۶ افسر و درجه‌دار پدافند هوایی شهید شدند.

روز ۶۷/۵/۲۹ آتش‌بس رسمی از سوی دبیر کل سازمان ملل اعلام شد و روزهای بعد، نیروهای ناظر سازمان ملل در مرز بین دو کشور مستقر و نظارت می‌نمودند.

در سال هشتم جنگ، قوای خودی جمعاً ۹ عملیات آفندی کوچک و بزرگ به عمل آورد. دشمن نیز ۸ عملیات آفندی بزرگ علیه قوای خودی انجام داد.

بخش سوم: سال دوم تا پایان جنگ تحمیلی / ۵۷

کتاب «معارف جنگ» ص ۶۲:

«عوامل تهاجم نیروهای بعثی در سال ۶۷ و دلایل عمده سقوط مواضع خودی را می‌توان به شرح زیر نام برد:

الف) توسعه توان رزمی ارتش عراق به نحو فوق‌العاده.

ب) توسعه نیافتن توان رزمی ایران، متناسب با گسترش دامنه جنگ.

پ) استفاده بی‌پروای رژیم بعثی از سلاح‌های شیمیایی.

ت) برخورداری رژیم صدام از حمایت‌های فنی، سیاسی و تبلیغاتی غرب.»

حالت نه جنگ و نه صلح تا زمان سقوط رژیم صدام حسین در ۲۰۰۳

(سال ۱۳۸۲) ادامه داشت.

سایر موارد مربوط به جنگ هشت ساله در سایر جلسات آموزشی ارائه

خواهد شد.

بخش چهارم

درجه داران پایور ارتش در هشت سال جنگ

درجه‌داران در مجموعه ارتش سهم بزرگی در اجرای مأموریت یگان‌های آن دارند. درجه‌داران در رسته‌های مختلف، مشاغلی را عهده‌دار می‌گردند که هرکدام برای راه‌اندازی و راهبری یگان لازم هستند و بدون آن امکان اجرای مأموریت مورد انتظار سازمان امکان‌پذیر نمی‌باشد.

به طور کلی، کلیه امور یگان تقسیم کار شده و هرکس در این تقسیم کار وظیفه خود را باید درست انجام دهد. رسته‌های مختلف در ارتش زیاد هستند، که تعدادی از این رسته‌ها در هر چهار نیروی زمینی، هوایی، دریایی و پدافند، اشتراک آموزشی دارند و بقیه جزو رسته‌های خاص نیروی مربوطه محسوب می‌گردند. عناوین تعدادی از این رسته‌ها و مشاغل، به طور نمونه به شرح زیر بیان می‌گردد:

رسته‌های: پیاده، زرهی، توپخانه، مهندسی، مخابرات، اردنانس، سر رشته داری، آجودانی، دارائی، بهداری و غیره در نیروهای هوایی، پدافند و دریایی.

توضیح: نام بعضی از این رسته‌ها هم اکنون تغییر یافته‌اند.

مشاغلی که در هریک از این رسته‌ها، درجه‌داران در جنگ هشت ساله بر عهده داشتند و دارند به طور نمونه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

سرگروه‌بان، انباردار و اسلحه‌دار از مشاغلی هستند که در تمام یگان‌های مسلح در رده گروهان و یگان هم‌مطراز وجود دارد و یکی از عناصر اصلی هر گروهان می‌باشند.

مشاغلی که در رسته‌های مختلف در جنگ هشت ساله شاهد بودیم، تعدادی از آنها نام برده می‌شوند. هرچند که این مشاغل زیاد هستند و درج تمام آنها از ظرفیت این مکتوب آموزشی خارج است:

بخش چهارم: درجه داران پایور ارتش در هشت سال جنگ / ۶۱

گروه‌بان دسته، فرمانده دسته، سرپرست تیم: خمپاره‌انداز، موشک‌انداز، ضدتانک؛ تیرانداز دوشکا، تیرانداز ۱۰۷م، تفنگ ۱۰۶م، ... فرمانده تانک، راننده تانک، تیرانداز تانک، مکانیک رده ۲ تانک، رئیس رسد مهمات، مکانیک رده ۳ خودروهای چرخدار سنگین و سبک، مکانیک رده ۳ خودروهای شنی‌دار، ...

رئیس توپ، درجه‌دار هدایت آتش، انباردار: قطعات اردنانس، انباردار وسایل سر رشته‌داری، وسایل مهندسی، وسایل مخابرات، بهداری، مهمات و مشاغل مشابه.

راننده خودرو متوسط، راننده خودرو سنگین، راننده جرثقیل، راننده تعمیرکار سیار و مشاغل مشابه.

سرآشپز، درجه‌دار آجودانی، درجه‌دار دارائی، پزشک‌یار و مشاغل مشابه. درجه‌دارانی که در قسمت راداری، الکترونیک و سایر قسمت‌های پدافند هوایی مسئولیت دارند.

درجه‌دارانی که در قسمت هواپیماها و بالگردها مشاغل مختلف دارند. درجه‌دارانی که در قسمت‌های مختلف ناوها و مشابه و تفنگداران دریایی مشاغل مربوطه را دارند.

درجه‌دارانی که در قسمت‌های مختلف رسته مخابرات نظیر ارتباط باسیم، بی‌سیم، مرس، تلگراف، شنود و رمزکننده مشابه فعالیت دارند. درجه‌دارانی که در رسته مهندسی در قسمت‌های مختلف مسئولیت دارند، نظیر: مین‌گذاری و مین‌برداری، انفجارات، راننده بولدوزر، گریدر، کمپرسی و مشابه.

آمار درجه‌داران شهید و مفقودالاثر

برابر آمارهای موجود در جنگ هشت ساله تعداد درجه‌داران شهید و مفقودالاثر به شرح زیر می‌باشند:

نزاجا ۴۳۳۱ شهید و ۲۰۳ مفقودالاثر. جمع ۴۵۳۴ نفر.

نهاجا ۲۱۴ شهید و ۷۱ مفقودالاثر. جمع ۲۸۵ نفر.

نداجا ۲۱۹ شهید و ۷۱ مفقودالاثر. جمع ۲۹۰ نفر.

جمع کل: ۵۱۰۹ نفر.

توضیح: در جنگ هشت ساله، نیروی هوایی و پدافند هوایی کنونی به نام نهاجا سازماندهی داشتند.

ما در کتاب‌های منتشر جنگ هشت ساله که روایت خاطراتی دارند، نام برجسته و پرافتخار درجه‌دارانی می‌بینیم که چگونه وظیفه‌شناس و وظیفه‌مدار بودند و در راه انجام وظیفه نیز چگونه فداکاری می‌کردند. به چند کتاب اشاره می‌شود. البته این به معنای آن نیست که فقط همین تعداد ثبت شده، بلکه بسیار می‌باشند و استخراج و بیان تمام آنها از ظرفیت این مکتوب آموزشی خارج است.

باید دقت داشته باشیم که اگر دانش مدیریت و علم آن در ارتش جمهوری اسلامی ایران در اختیار افسران و فرماندهان است، لیکن مهارت عملی در سطوح مختلف در اختیار درجه‌داران است. دانش فرماندهان، بدون مهارت درجه‌داران نمی‌تواند راه به جایی بُرد.

بخش چهارم: درجه داران پایور ارتش در هشت سال جنگ / ۶۳

کتاب «تانک شکار رفیع»

سرهنگ بازنشسته جانباز رفیع غفاری متولد سال ۱۳۲۶ یکی از روستاهای شهر میانه و سال ۱۳۴۶ در شیراز استخدام و در تیپ ۵۵ هواورد شیراز تا بازنشستگی خدمت نمود. در هشت سال جنگ، با توجه به آموزش و دوره‌هایی که طی نموده و آموزش‌ها را خوب فرا گرفته بود، در درجه گروهبانی و استواری توانست ۱۴۲ تانک و ۵۱ نفر بر زرهی فعال دشمن را منهدم و ۵۰ تانک سالم نیز به این ترتیب به غنیمت خودی درآورد. این کتاب شرح هر کدام از انهدام‌ها را توسط رفیع غفاری بیان نموده است.

کتاب «رستاخیز عاشقان»

سرگرد جانباز رحمان میرزائی‌ان از همشهریان شهید صیادشیرازی، خاطرات خود را از هشت سال جنگ در این کتاب درج نموده است. وی در چند ماه اول جنگ تصمیم می‌گیرد ادامه تحصیل را در دبیرستان و شهر درگز رها کند و به استقبال جنگ و جبهه برود. با شنیدن آگهی استخدام تیپ ۵۵ هواورد شیراز از رادیو، به شیراز رفته و استخدام می‌گردد و بعد بیان خاطرات روزهای آموزش و خدمت در جبهه و عملیات‌های مختلف از سوسنگرد تا فتح‌المبین و بیت‌المقدس و غیره. این رزمنده جانباز در سال ۸۲ این کتاب را منتشر نمود و ۳-۴ سال بعد در اثر جانبازی بیمار شد و بالأخره شهادت‌گونه به ابدیت پیوست. روحش شاد. وی یکی از ارادتمندان و مریدان شهید صیادشیرازی بود و هر وقت از او یاد می‌کرد به شدت متأثر و گریه سر می‌داد.

کتاب «روی نقطه پراکندگی»

محمدرضا فردوسی خاطرات خود را به صورت روزشمار در این کتاب بیان نموده است. وی می‌گوید که در سال ۱۳۴۲ در کرمان متولد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وارد بسیج و در آن فعالیت نموده. در سال ۱۳۶۰ در شرایط جنگ و پذیرش شغل خدمت در جبهه، از طریق مرکز آموزش ۰۵ کرمان استخدام می‌گردد و پس از مدتی آموزش و خدمت کوتاه در ۰۵ تقاضای اعزام به جبهه و بالأخره خدمت در جبهه و خاطرات روزشمار سال‌های جبهه از خرداد ۶۱ تا سال ۱۳۷۲.

مطالعه فرازهایی از این کتاب، اشک هر خواننده‌ای درمی‌آورد.

کتاب «باغ سوخته»

خاطرات سرهنگ جانباز علی قمری. وی سال ۱۳۲۳ در اسدآباد متولد و سال ۴۳ خدمت سربازی در گارد. سال ۴۵ در گارد شاهنشاهی به استخدام درجه‌داری درآمد. خاطرات خود را از دوره‌های آموزشی آموزشگاه درجه‌داری، تکاور، کوهستان و ادامه خدمت تا روز پیروزی انقلاب می‌گوید و بعد با درجه ستوان سومی، تقاضای انتقال به لشکر ۹۲ و اعزام به گردان دژ خرمشهر و بالأخره آغاز جنگ و خاطرات آن روزها که هر خواننده را تحت تأثیر مثبت همراه با غم قرار می‌دهد.

کتاب «دژ خرمشهر»

این کتاب خاطرات اشخاص مختلف را از روزهای دفاع خرمشهر ارائه داده است. در آن، نام تعدادی از شهدای درجه‌دار نیروی دریایی و گردان دژ همراه با شرح مختصر از شهادت بعضی از آنان بیان شده است.

بخش چهارم: درجه داران پایور ارتش در هشت سال جنگ / ۶۵

کتاب «خاکریز ۲۰۲»

در شرح مطالب کتاب، نام و چگونگی عملکرد تعدادی از درجه داران شهید در عملیات فتح المبین درج شده است.

کتاب «گردان ۱۴۴ در نبرد آبادان»

سرتیپ ستاد فرض اله شاهین راد خاطرات خود را در درجه سرگردی و فرماندهی گردان ۱۴۴ در جبهه آبادان و عملیات روز ۵۹/۸/۳ در این کتاب بیان نموده و در شرح مطالب نام تعدادی از درجه داران هم‌رزم شهید و غیره خود را همراه با عملکرد آنان ارائه داده است. سرتیپ شاهین راد، خدمت خود را از درجه داری آغاز نمود و بعد با ورود به دانشکده افسری در سال ۱۳۴۸، خدمت افسری خود را تا درجه سرتیپی و بازنشستگی در سال ۱۳۷۹ ادامه داده است. اولین پایه و شکل گیری خدمتی وی در درجه داری، در پیشرفت خدمتی وی در دوران خدمتی بعدی بسیار مؤثر بوده است. وی از فرماندهان برجسته دوران جنگ هشت ساله محسوب می گردد.

کتاب «گردنه خان تا قله آربابا» و «عملیات آزادسازی سنندج»

در این دو کتاب در شرح مطالب، از سردار جانباز و آزاده سید علی اکبر مصطفوی و عملکرد وی یاد شده است. وی در سال ۱۳۲۳ در یکی از روستاهای نیشابور متولد و سال ۱۳۹۷ در اثر بیماری های ناشی از جانبازی و ده سال اسارت، شهادت گونه به ابدیت پیوست. در دوران سربازی، به استخدام گارد شاهنشاهی درآمد. در دوران خدمت از ورزشکاران دو، صحرانوردی، کشتی و تیراندازی محسوب می شد. در ماه های انقلاب به

انقلابیون پیوست و بعد از پیروزی انقلاب، همراه با تعدادی از همکاران انقلابی سابق خود، سرپرستی حفاظت امام خمینی (ره) را بر عهده داشت. از همان زمان به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست. با ایجاد بحران امنیتی در کردستان، خدمت در حفاظت امام را به دیگران سپرد و همراه تعدادی از یاران خود به جمع مدافعان امنیت کردستان پیوست. در آغاز جنگ تحمیلی نیز در جبهه قصرشیرین به اسارت دشمن درآمد و در آنجا نیز ضمن مبارزه و مقاومت با دشمن، ده سال اسارت و شکنجه را تحمل نمود. وی در تیراندازی سلاح‌های مختلف آنقدر مهارت داشت که در سن بیش از ۶۵ سالگی هم تیراندازی خود را با تفنگ ژ۳ در حالت حرکت، ایستاده و نشسته در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۰ در میدان تیر پایگاه هوایی دزفول در جمع دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش به نمایش گذارد و همه مشاهده کردند که تمام گلوله‌ها به غیر از یکی از آنها به خال سیاه و مرکز سیبل اصابت نموده است. روحش شاد.

کتاب «کانال هندلی» و «آرام سخن بگو»

سرتیپ ۲ احمد آرام که خود یکی از رزمندگان جانباز و فرماندهان خط مقدم بوده است، در این دو کتاب از گروه‌بان یکم اوج‌تپه به نیکی یاد کرده و گفته که او درجه‌دار شجاع و دلیری بود که هم آموزش خوبی داشت و هم خوب انجام وظیفه می‌کرد. بعد از شرح خاطراتی از وی نوشته است که در همان روزهای آغاز عملیات فتح‌المبین شهید شد. روحش شاد.

بخش چهارم: درجه داران پایور ارتش در هشت سال جنگ / ۶۷

کتاب «تیر خلاص»

این کتاب مجموعه‌ای از خاطرات کوتاه رزمندگان و فرماندهان سال‌های جنگ می‌باشد. در صفحه ۱۲۳ این کتاب، سرتیپ ۲ ابراهیم دستمزد خاطره‌ای از سال ۶۴ و خدمت در لشکر ۲۳ را بیان نموده است. خاطره از عملیات و نبرد در برابر آتش‌های شدید دشمن و بالأخره مجروحیت شدید و بقیه خاطرات. ابراهیم دستمزد پایه خدمتی خود را در استخدام از درجه‌داری آغاز نمود و با همین پایه رشد آموزشی و خدمتی خود را طی نمود و تا فرماندهی لشکر ۲۸ ادامه خدمت داد.

کتاب «درمانگران رزمنده»

این کتاب خاطرات برجسته و کوتاه از تعدادی پزشکان و پزشکیاران را در هشت سال جنگ ارائه داده است. با مراجعه به آن، می‌توان اهمیت و عملکرد پزشکیاران را که با پایه درجه‌داری استخدام شده بودند، متوجه شد.

کتاب «در کمینگاه دشمن»

این کتاب خاطره‌ای از سرهنگ جانباز علی کلاته ارائه داده است. وی در درجه گروهبانی و استواری با آنکه رسته‌اش توپخانه بود، در بسیاری از عملیات‌های گشتی رزمی و شناسایی مانند هم‌رزمان خود در رسته پیاده، داوطلبانه و در نوک حمله اجرای مأموریت نمود. خاطره وی در این کتاب، از مأموریت ۴۰ روزه شهرپور و مهر ۵۹ در مسیر بانه به سردشت می‌باشد که در آن مأموریت به فرماندهی شهید صیادشیرازی، گردان ۱۲۶ پیاده هواپرد،

گرفتار کمین دشمن می‌شود و بعد از حوادثی سخت و جانفرسا و پرخطر، توأم با تلفات و خسارات، بالأخره وارد پادگان سردشت می‌شود. شهید علی کلاته یکی از جانبازان شیمیایی بود و روزهای سختی را تا سال ۱۳۸۰ به واسطه این بیماری گذراند و بالأخره در سال ۸۰ به جمع شهدای هم‌رمز خود پیوست. روحش شاد.

کتاب «توپخانه دوربرد»

نویسنده این کتاب که خود یکی از افسران و فرماندهان گردان ۳۸۸ توپخانه ۱۷۵م بوده است، خاطرات خود و هم‌زمان خود را از روزهای جنگ به صورت ماه و روزشمار در اجرای مأموریت گردان و آتشبار بیان نموده و در آن تعدادی زیادی از درجه‌داران همکار و عملکرد تأثیرگذار آنان را نام برده است. همچنین نام و خاطره از تعدادی درجه‌داران شهید گردان در این کتاب ذکر شده است.

کتاب «از نوه‌ها تا خرمشهر»

این کتاب خاطرات نویسنده را از روزهای دفاع ۳۴ روزه از خرمشهر در گردان ۱۵۱ دژ بیان نموده است. در شرح مطالب، نام درجه‌داران هم‌رمز و عملکرد آنان و نیز شهادت تعدادی از آنان به میان آمده است.

کتاب «جنگ و اسارت»

نویسنده کتاب، سرتیپ ۲ جانباز عین‌اله کرمانی‌زاده خاطرات خود را از هشت سال جنگ از گنبد تا کردستان و جبهه شمال غرب، غرب و جنوب

بخش چهارم: درجه داران پایور ارتش در هشت سال جنگ / ۶۹

کشور بیان نموده و در ۶۷/۴/۳۱ در روزهای پایانی جنگ اسیر دشمن شد و بعد از دو سال اسارت همراه با بقیه اسرا به میهن بازگشت.

نویسنده خدمت پایه خود را از سال ۱۳۴۲ از درجه داری آغاز نمود و سال ۴۸ وارد دانشکده افسری و ادامه خدمت و در رسته پیاده و بالأخره در سال ۷۲ بازنشسته گردید.

کتاب «سپیدپوشان روسپید»

این کتاب شامل یادنامه ۴۰ شهید بهداری از پزشکان و پزشکیاران می باشد. توجه گردد که پزشکیاران خدمت خود را از درجه داری آغاز و ادامه داده اند. بیان فرازهایی از این کتاب و دیگر کتابها که نام برده شده اند از ظرفیت این مکتوب خارج است. فقط برای معرفی این نوع کتابها درج گردید.

کتاب «شاملو»

این کتاب شامل سرگذشت ۷۵ سال زندگی سرگرد سید احمد شاملو فرزند یک ژاندارم از کودکی تا روز انتشار کتاب است. احمد شاملو در همان تا آغاز تولد در سال ۱۳۲۰، در شهر مریوان، مادرش را از دست داد و بالأخره در مسیر نگهداری یک خانواده مهربان قرار می گیرد و در ۱۰ سالگی به منزل پدر و نامادری نامهربان وارد می شود. با حوادثی فراوان و تلخ و غمبار، تا سوم دبیرستان تحصیل و در شهر ارومیه به استخدام ارتش و ادامه خاطره شامل خاطرات ازدواج و خانواده و خاطرات پرحادثه خدمتی، سالهای

جنگ تا بازنشستگی و ادامه خاطرات. این کتاب سرگذشتی بی‌نظیر و آموزنده را ارائه داده است.

کتاب «یاد ایام»

سرهنگ جانباز حاج ابوالفضل آقامحمدپور در این کتاب خاطرات بی‌نظیر و آموزنده از روزهای سخت، فقر، فلاکت کودکی، خانواده و جامعه آن روزگار را در دهه ۲۰ بیان نموده است. وی در کودکی ابتدا مادر و بعد پدر را از دست می‌دهد. با کمک مادر بزرگ مادری مهربان در بناب، ضمن کار روزانه در مغازه تا کلاس یازدهم تحصیل نمود و سال ۴۴ در مراغه برای درجه‌داری استخدام و بالأخره همراه با خدمت درجه‌داری ادامه زندگی و ازدواج و انتقال و شروع خدمت افسری، انقلاب، جبهه جنگ هشت ساله. دارای ۴ فرزند. دو فرزند پسر، پزشک متخصص موفق در رشته مربوطه، دو فرزند دختر، معلم و دیگری با کارشناسی ارشد کار در شرکت همسر و خود. هر ۴ فرزند هم ازدواج کرده‌اند و الحمدلله موفق هستند. همسر نیز مدیریت خانواده و فرزندان را از جوانی تا در این سن پیری همچنان بر عهده دارد. حاج ابوالفضل آقامحمدپور با جسمی بیمار به واسطه جانبازی، یکی از اشخاص خوشنام و معتبر شهر بناب می‌باشد.

کتاب «تلگرافچی پنج ستاره»

خاطرات ستوانیار مخابرات صابر قره‌داغلو است. با خواندن این کتاب، خواننده متوجه می‌شود که این درجه‌دار از تولد در سال ۱۳۲۸ تا بهمن ۱۳۴۶ که به استخدام ارتش درآمد و بالأخره در عملیات بیت‌المقدس

بخش چهارم: درجه داران پایور ارتش در هشت سال جنگ / ۷۱

اردیبهشت ۱۳۶۱ که تا ۷۰٪ جانباز می‌شود، چه روزهای و حوادث سخت را با پایمردی و استقامت و روحیه قوی مدیریت کرده است. معلوم می‌شود که وی در هر جا بویژه در موضوع بی‌سیم، مخابرات و تلگرافچی چقدر مؤثر و کارساز در تقسیم کار یگان خدمتی و مورد توجه و احترام فرماندهان خود بوده است.

سایر توضیحات

۱- لازم بود که یاد و نامی هم از عملکرد و معرفی درجه‌داران برجسته هوانیروز، نیروی هوایی، پدافند هوایی، نیروی دریایی، تکاوران دریایی و دیگر قسمت‌های ارتش در جنگ هشت ساله گفته می‌شد، اما به علت عدم دسترسی و آشنایی نگارنده این کتاب، با منابع مربوطه و نیز ظرفیت محدود کتاب، این کار مهم میسر نشد. اساتید مربوطه در صورت فرصت، هر کدام به نمونه‌هایی اشاره خواهند نمود. از دانش‌آموزان پایور این نیروها و قسمت‌ها نیز انتظار است با اشتیاق لازم، منابع معتبر را در این مورد شناسایی و به آنها مراجعه و برای الگوگیری بیشتر مطالعه نمایند.

۲- توجه گردد که در سال‌های جنگ، برای خدمت درجه‌داری داوطلبان با تحصیلات ششم ابتدایی تا زیر دیپلم استخدام می‌شدند. برابر قانون قبلی ارتش، درجه‌داران تا پایان خدمت حداکثر تا درجه ستوانیار ۲ و ستوانیار ۱ ارتقاء درجه می‌یافتند. استثنائاً درجه‌دارانی هم در جبهه مورد تشویق قرار گرفته و تا درجه ستوان سومی و ستوان دومی ارتقاء یافتند. البته کسانی که دیپلم اخذ و ارائه می‌دادند، در مسیر آموزشگاه افسری، ستوان سومی و درجات بعدی قرار می‌گرفتند. تعداد قابل توجهی از این عده تا درجه

سرهنگی خدمت نمودند و استثنائاً تعدادی هم به درجه سرتیپ دومی ارتقاء یافتند. در سال ۶۷ برابر قانون جدید ارتش، تطبیق درجات انجام گرفت و درجه‌داران از ستوانی تا درجه سروانی تا پایان خدمت ارتقاء یافتند و هم اکنون هم با ارتقاء مهارت و دانش کلاسیک تا درجات بالا ارتقاء می‌یابند.

۳- نمونه دیگر، توجه داشته باشید که در زندگینامه مرحوم سرلشکر ظهیرنژاد دیده می‌شود که ایشان خدمت پایه خود را از درجه‌داری آغاز و با استفاده از آن موقعیت، خود را در مسیر پیشرفت‌های خدمتی بعدی قرار دادند. روانشان شاد. ما در زمان دفاع مقدس، فرماندهان تیپ و لشکر در ارتش داشتیم که از خدمت درجه‌داری به این مسئولیت‌ها رسیده بودند. مانند: سرهنگ لعل‌پور فرمانده تیپ از لشکر ۲۸ پیاده و درجه‌دارانی که به سپاه رفتند و تا درجه سرتیپ دومی در مشاغل مختلف خدمت کردند. مانند زنده‌یاد سرتیپ ۲ غلام خلیلی که درجه‌دار نیروی مخصوص و هم‌رمز شهید حسین شهرامفر و شهید صیادشیرازی بود و بعدها فرماند یگان رهایی‌گروگان سپاه شد و نمونه‌های دیگر که در صفحات قبل بیان شد.

۴- یکی از پیشکسوتان تعریف می‌کرد که در اواخر دهه ۴۰ من دانشجوی دانشکده افسری بودم. آن زمان در محله خانه پدری، هیئتی مذهبی به صورت سیار شب‌های جمعه در منزل اعضای هیئت برگزار می‌شد. یکی از این جلسات در منزل یکی از درجه‌داران مسن و شاغل ارتش بود. می‌گفت، در منزل ایشان دیدم که صاحبخانه، یعنی آن درجه‌دار محترم، کتابخانه‌ای در سالن منزل دارد که بیش از ۱۰۰۰ جلد به نظر می‌آید. از بیانات صاحبخانه، در آن جلسه و جلسات دیگر معلوم بود که

بخش چهارم: درجه داران پایور ارتش در هشت سال جنگ / ۷۳

ایشان اهل مطالعه است و معلومات عمومی و معلومات دینی زیادی نسبت به بقیه دارد.

۵- توجه داشته باشید نمونه‌هایی که به صورت گزیده انتخاب و معرفی گردید، به منظور آن بود که دانش‌آموزان عزیز بدانند در هر موقعیت خانوادگی و شخصی قرار داشته باشند، آینده موفق‌تری را با تلاش و زحمت لازم و مدیریت رفتاری و اخلاقی خود بیابند. خداوند این نوع استعداد مدیریتی را به همه انسان‌ها داده و حتی در کودکان هم این استعداد آشکار است. جوانان عزیز می‌توانند به این ترتیب، به آرزوهای معقول خود رسیده و لذت موفقیت در زندگی را با تمام گرفتاری‌ها و حوادث مثبت و منفی که در پیش خواهند داشت و البته سعادت و اجر اخروی که مهم‌تر است، نصیب خود نمایند. ان شاء الله.

۶- توجه داشته باشید که موفقیت، برای هر شخص تعریف خاص خود را دارد. معلوم نیست کپی‌برداری از موفقیت دیگران، برای کس دیگر به موفقیت بیانجامد. بلکه باید ضمن الگوبرداری و مطالعه احوال اشخاص موفق و ناموفق، هر شخص با توجه به شرایط و توان موجود، موفقیت مورد نظر را برای خود بشناسد و راه آن را با توجه به درس‌های آموخته از راه رفته دیگران در گذشته و حال، با دقت، زحمت، هوشمندی و مدیریت درست طی نماید. در نهایت تعریف موفقیت، رسیدن به سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت است. داشتن احساس آسایش و آرامش. وظیفه‌شناسی و وظیفه‌مداری یعنی هرکس وظیفه خود را نسبت به خود و دیگران و خداوند و نیز شغل مربوطه بشناسد و دانش و مهارت آن را خوب کسب کند و آن شناخت و دانش را با وظیفه‌مداری خوب انجام دهد.

مثال: ما همانطور که موقع سوار بر هواپیما، انتظار داریم خلبان آن، هم کارش را بسیار خوب بلد باشد و هم وظیفه اش را در مدت پرواز، بسیار خوب انجام دهد و به همین شکل در مراجعه به پزشک و یا در مراجعه به تعمیرکار خودرو شخصی نیز چنین انتظار را داریم، ما باید در کلیه امور که مسئولیت داریم، باید همین انتظار را هم از خود داشته باشیم. یعنی در هر شغل و یا مسئولیت های فراوان فردی و اجتماعی که داریم، وظیفه مان را خوب بشناسیم و همراه آن به وظیفه خود، خوب عمل کنیم. مانند وظیفه نسبت به شغل سازمانی و یا واگذاری، زبردست، بالادست، همکار، پدر و مادر، همسر، فرزند، همنوع، وطن، دین، خدا، پیامبر، محیط زیست و غیره. نتیجه این مطالب می شود، اصطلاحاتی مانند: «وظیفه شناسی مطلوب، همراه با انجام وظیفه مطلوب عملی» یا «انجام وظیفه مطلوب با علم و عمل» و یا «وظیفه محوری در علم و عمل مطلوب.»

با توجه به سطرهای بالا، می توانیم بگوئیم، «وظیفه» دو بال دارد: «علم و عمل». وظیفه محوری در علم و عمل مطلوب خود را نشان می دهد. توجه داشته باشید، فرماندهان و رؤسا، زبردستان خود را که در شغل خود، انجام وظیفه مطلوب با علم و عمل ارائه می دهند، بسیار دوست می دارند و احترام می گذارند.

بخش پنجم
نزا جا در هشت سال جنگ تحمیلی

برابر اطلاعات درج شده در کتاب‌های منتشره، از جمله کتاب «تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، برخوردهای مرزی قبل از جنگ، ج ۲، صفحه ۳۱۴ به بعد»، نیروی زمینی ارتش ایران در آغاز جنگ ساختار سازمانی بدین شرح داشت:

"هشت لشکر شامل: ۴ لشکر پیاده + ۳ لشکر زرهی + یک لشکر زرهی (-) در حال تشکیل.

لشکرهای پیاده شامل: لشکر ۲۱ پیاده حمزه (تهران) + لشکر ۲۸ پیاده سنندج + لشکر ۶۴ پیاده ارومیه + لشکر ۷۷ پیاده مشهد.

لشکرهای زرهی شامل: لشکر ۱۶ زرهی قزوین + لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه + لشکر ۹۲ زرهی اهواز و همچنین لشکر ۸۸ زرهی سیستان و بلوچستان با دو تیپ که در حال تشکیل بود.

چهار تیپ مستقل شامل: تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد + تیپ ۳۰ پیاده گرگان + تیپ ۵۵ پیاده هواورد شیراز + تیپ ۲۳ نوه‌د در تهران.

مرکز زرهی شیراز یک تیپ زرهی به شماره ۳۷ داشت که با سازمان ویژه از گروهان‌های تانک‌های مختلف و گروهان مکانیزه و گروهان سوارزرهی برای آموزش تشکیل شده بود.

دو گردان پیاده مستقل: یک گردان پیاده به شماره ۱۹۱ در پشتیبانی آموزشی مرکز پیاده شیراز، گردان ۱۵۱ دژ که جزو یگان‌های نیروی زمینی زیر امر لشکر ۹۲ زرهی در خرمشهر استقرار داشت.

پنج گروه توپخانه شامل: گروه‌های توپخانه ۱۱، ۲۲، ۳۳، ۴۴ و ۵۵.

یک گروه مهندسی رزمی در بروجرد شامل دو گردان مهندسی رزمی در بروجرد + یک گردان پل در اهواز

یک گروه مخابرات با شماره ۰۱ در تهران.

توضیحات:

(۱) هر لشکر به طور متوسط دارای پنج گردان توپخانه صحرایی و یک گردان پدافند هوایی و هر تیپ مستقل دارای یک گردان توپخانه صحرایی و یک آتشبار پدافند هوایی ۲۳مم بودند. البته در بعضی لشکرها این اعداد و کالیبرهای توپخانه تفاوت داشت.

(۲) هر لشکر دارای یک گردان مهندسی رزمی و یک گردان مخابرات و هر تیپ مستقل دارای یک گروهان مهندسی و مخابرات بودند.

(۳) هر لشکر دارای یک پشتیبانی، شامل گردان آماد، گردان تعمیر و نگهداری، گردان بهداری و هر تیپ مستقل دارای یک گردان پشتیبانی شامل گردان‌های یاد شده در رده گروهان بودند.

(۴) توجه داشته باشید در آغاز جنگ، موجودی نیروی انسانی کلیه یگان‌های رزمی و غیره از ۴۰ تا ۶۰ درصد عدد سازمانی بود و به همین نسبت نیز وضعیت کسری و یا حاضر به کاری خودرو، سلاح و تجهیزات سازمانی بود. اعداد سازمانی و موجودی نفرات و وسایل نیروی زمینی و بعضی از یگان‌ها در کتاب یادشده و غیره گفته شده است.

سایر یگان‌ها نزاجا شامل:

فرماندهی لجستیکی نزاجا، پشتیبانی منطقه ۱ در کرمانشاه، پشتیبانی منطقه ۲ در شیراز و پشتیبانی منطقه ۳ در تهران. هرکدام از این یگان‌ها پشتیبانی آمادی و نگهداری قسمتی از جغرافیای ایران را بر عهده داشتند. منطقه ۱ از شمال غرب ایران تا مهران،

منطقه ۲ از مهران تا جنوب ایران، منطقه ۳ تهران از تهران تا خراسان و غیره در ۷ استان.

مراکز آموزشی فرهنگی شامل: مرکز آموزش پیاده در شیراز، توپخانه در اصفهان، مهندسی در بروجرد، مخابرات در تهران، پشتیبانی در تبریز.

مراکز آموزشی رزم مقدماتی شامل: ۰۱ تهران، ۰۲ شاهرود، ۰۳ عجب‌شیر، ۰۴ بیرجند، ۰۵ کرمان.

ستاد نزاجا، قرارگاه مقدم نزاجا در جنوب (دزفول)، در غرب (کرمانشاه).

هوانیروز شامل یگان‌های رزمی، آموزشی و پراکنده در تهران، اصفهان، مسجد سلیمان، کرمانشاه. در طول جنگ در چند شهر دیگر نظیر: کرمان، مشهد، تبریز توسعه یافت.

به طور خلاصه در آغاز جنگ تحمیلی نیروی زمینی ارتش دارای:

۸ لشکر، ۳۴ تیپ، ۷۰ گردان پیاده و مکانیزه، ۳۱ گردان تانک، ۱۰ گردان سوارزره‌ی، ۵۰ گردان توپخانه صحرایی، ۹ گردان مخابرات، ۹ گردان مهندسی، ۱ گردان پل، ۱۲ گردان پدافند هوایی بود، که هرکدام نام و شماره مخصوص داشتند."

توجه:

(۱) اعداد یادشده دقیق نمی‌باشد و به صورت تقریبی باید قبول و برداشت نمود. مثلاً اعداد گردان‌های توپخانه و پدافند هوایی گروه‌های توپخانه و نیز اعداد گروه مهندسی و مخابرات در اعداد یادشده محسوب نشده‌اند.

(۲) در طول هشت سال جنگ، نزاجا با امکانات کمی که داشت، توانست تعدادی گردان، نظیر گردان‌های قدس غیراستاندارد و یا تبدیل تیپ‌های مستقل به لشکر

بخش پنجم: نزاچا در هشت سال جنگ تحمیلی / ۷۹

عملیاتی - اما در عمل با همان ساختار تیپ مستقل و واگذاری مسئولیت بیشتر به واسطه این نام گذاری - تشکیل و ساختار خود را افزایش دهد. چون این گردان های جدید برابر ساختار گردان های رزمی سازمانی موجود از توان نیروی انسانی و تجهیزات و سلاح ضعیف تر و کمتری برخوردار بودند، در میدان عمل، آسیب پذیر بودند. در هر حال شرایط آن روز جنگ و سلسله مراتب جداگانه سپاه پاسداران، نزاچا را برای ادامه مأموریت رزمی در جنگ فرسایشی وادار به این اقدامات غیراستاندارد می نمود.

کتاب «چگونه می جنگیدیم» صفحه ۹۴ به بعد

"در آغاز جنگ، تعداد گردان های مانوری دشمن حدود سه برابر نیروی خودی بود. دشمن ۳۰۱، خودی ۱۲۲. در سال ۶۴ عدد دشمن به ۳/۷ برابر خودی شده بود. دشمن ۶۸۵ و خودی ۱۸۵. گردان های مانوری دشمن ۲۶۴ گردان درگیر، ۲۶۵ گردان آزاد و بقیه در عقب.

استعداد موجودی نیروی انسانی نزاچا در آذر ۶۴:

افسر ۷۵٪، درجه دار ۶۲٪، سربازان غیرعملیاتی ۸۸٪، سربازان دریگان های عملیاتی بر مبنای ۱۳۰٪ برابر با ۷۳٪. موجودی اقلام عمده نزاچا در آذر ۶۴:

ادوات زرهی ۲۸٪، جنگ افزار سنگین ۷۵٪، مهمات ۵۵٪، خودرو چرخدار ۶۰٪، خودرو مهندسی ۶۱٪، اقلام عمده مخابرات ۸۰٪، اقلام پدافند شیمیایی صفر درصد، هلیکوپتر کبری ۷٪، هلیکوپتر نفربر ۱۴٪.

نزاجا تا آذرماه ۶۴ مسئولیت خط پدافندی بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر را در مقابل دشمن عهده‌دار بود. [بقیه مرز احتمالاً نظیر هور و رمل و صخره غیرقابل عبور بود.]

تلفات نیروی انسانی نزاجا تا آذرماه ۶۴:

جمع	اسیر و گمشده	مجروح	شهید	
۴۶۳۰۵	۱۹۰۷	۳۸۶۴۵	۵۷۵۳	عملیات آفندی
۸۲۰۷۰	۳۴۲۶	۶۳۲۲۰	۱۵۴۲۴	عملیات پدافندی
۱۲۸۳۷۵	۵۳۳۳	۱۰۱۸۶۵	۲۱۱۷	جمع

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد تلفات عملیات پدافندی تقریباً دو برابر عملیات آفندی است، زیرا زمان طولانی‌تری نسبت به زمان عملیات آفندی داشته است.

صدام سربازی را به پنج سال رسانده است (آذر ۶۴)."

تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، ج ۲، ص ۳۱۳

عدد موجود نیروی انسانی ارتش در شهریور ۵۹ برابر با ۲۶۵۴۵۱ نفر و نیروی زمینی ارتش (صفحه ۳۳۲) برابر ۱۵۴۰۰۰ نفر.

توجه: اعداد یادشده تقریبی بوده و دقیق نمی‌باشند. در سایر منابع، اعداد تقریبی دیگری هم ذکر شده‌اند.

گسترش نیروهای خودی و دشمن در مقابل هم در آغاز جنگ

برابر همان منبع قبلی، ص ۳۳۶:

«ارتش عراق با سازمان کامل و انضباط و آموزش نسبتاً خوب با برتری حدود چهار برابر نیروهای ارتش ایران به کشور ایران در آخر

بخش پنجم: نزاجا در هشت سال جنگ تحمیلی / ۸۱

شهریور ۵۹ حمله کرد. در روز آغاز جنگ، فقط دو لشکر ۸۱ و ۹۲ زرهی با عناصری از لشکرهای دیگر در جبهه غرب و جنوب گسترش عملیاتی داشتند.

لشکر ۳ زرهی عراق از محور بصره - شلمچه پیشروی کرد. در مقابل این لشکر، فقط یک گردان تانک، یک گردان مکانیزه و یک گردان دژ و هنگ ژاندارمری آبادان و تعدادی از نیروهای مردمی و پایگاه دریایی خرمشهر دفاع می کردند. [البته یگان هایی از توپخانه و نیز نیروی هوایی در مأموریت کلی دفاع هوایی نیز پشتیبانی داشتند که چندان دیده و گفته نشده است.]

لشکر ۵ مکانیزه عراق در محور القرنه - طلائیه و جفیر - اهواز وارد عمل شد که یک گردان سوارزرهی و یک گردان مکانیزه و دو گردان تانک از عناصر لشکر ۹۲ زرهی در مقابل این لشکر پدافند می کرد.

لشکر ۹ زرهی عراق در محور حلفائیه - چزابه - بستان - سوسنگرد وارد عمل شد که تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ و هنگ ژاندارمری سوسنگرد در مقابل لشکر قرار داشتند. ضمناً این تیپ و هنگ ژاندارمری سوسنگرد در محور طلائیه - هویزه - سوسنگرد نیز پدافند می کردند.

لشکر ۱ مکانیزه عراق در محور عماره - فکه - شوش وارد عمل شد که از نیروهای ایرانی فقط یک گروه رزمی ۳۷ زرهی و یک گردان پیاده اعزامی از لشکر ۲۱ پیاده تهران در مقابل آن لشکر قرار داشتند.

لشکر ۱۰ زرهی عراق در محور علی غربی - ربوط، عین خوش - پل کرخه و همچنین محور چیلان - دهلران وارد عمل شد که تیپ ۲

زرهی لشکر ۹۲ زرهی و یک گروه رزمی از تیپ ۸۴ پیاده در مقابل آن لشکر قرار گرفتند.

لشکر ۶ زرهی عراق در محور بدر - مهران وارد عمل شد که یک گروه رزمی از عناصر تیپ ۸۴ پیاده در آن منطقه دفاع می کرد و سرانجام در منطقه نفت شهر و قصر شیرین، لشکر ۱۲ زرهی و ۷ پیاده عراق وارد عمل شد که در مقال آنها فقط لشکر ۸۱ زرهی با آن درگیری های جنگ داخلی در مقابل این دو لشکر دشمن قرار گرفت. با توجه به نکات یادشده فقط دو لشکر زرهی و حدود دو تیپ پیاده از قدرت رزمی ارتش ایران در مقابل تهاجم اولیه ۷ لشکر عراق قرار داشتند و قسمت عمده نیروهای دیگر ایران شامل لشکر ۲۸ پیاده، لشکر ۶۴ پیاده، عناصری از لشکرهای ۱۶ زرهی، ۲۱ پیاده، ۷۷ پیاده، تیپ ۵۵ هواپرد و تیپ ۲۳ نوه در جنگ داخلی کردستان درگیر بودند و یکی از علل مهم عقب رانده شدن نیروهای ایران در مراحل اولیه نبرد، همین ضعف فوق العاده توانایی رزمی نسبی موجود در صحنه نبرد بود. بعد از اینکه در دو هفته اول جنگ نیروهای زمینی ایران موفق شدند لشکرهای ۱۶ زرهی و ۲۱ پیاده و بعدها لشکر ۷۷ پیاده را به خوزستان و کرمانشاه اعزام کنند، وضعیت منطقه نبرد به نفع نیروهای ما تغییر یافت که شرح آن در بیان حوادث جنگ تحمیلی آمده است.

اما بالاتر از نیروی انسانی و تجهیزات، نیروی کمکی فوق مادی به یاری نیروهای مسلح ما شتافت و آن ایمان به خدا، دین اسلام، شرف و حیثیت ملی تمام مردم ایران بود که همه ملت ایران را در

مقابل تهاجم ناجوانمردانه ارتش متجاوز عراق چنان به هیجان آورد که خون تمام ملت ایران به جوش آمد و با اراده، قاطع و مصمم شدند تا نیروهای متجاوز را از میهن اسلامی ما بیرون برانند و در این راه خدای بزرگ نیز ملت ایران را یاری کرد، زیرا این فرمان خدا است که «ان تنصر الله ينصرکم و یثبت اقدامکم». اگر شما خدا را یاری کنید او هم شما را یاری خواهد کرد و گام‌های شما را استوارتر خواهد کرد.»

یگان‌های عملیاتی نزاجا شامل: گردان‌های پیاده، مکانیزه، زرهی، سوارزرهی، توپخانه صحرایی، توپخانه پدافند هوایی، مهندسی رزمی، مخابرات همراه با ستادهای مربوطه و همپراز در تمام مدت هشت سال جنگ بدون وقفه در خط دفاعی به طول بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر و عمق تا ۱۰۰ کیلومتر در برابر نیروهای دشمن مستقر و پراکنده و اجرای مأموریت می‌نمودند. در مواقع عملیات آفندی مشترک ارتش و سپاه و با استعداد چند لشکر نیز به ناچار بخشی از نیروهای خط مقدم از خط دفاعی جدا و آن خط دفاعی را با گسترش بیشتر و بسیار خارج از اندازه قابل قبول به یگان‌های همجوار می‌سپردند و یگان‌های جداشده را در عملیات آفندی شرکت می‌دادند. اسامی و عملکرد این نوع یگان‌های شرکت‌کننده در عملیات آفندی عمده در کتاب‌های مربوطه نام برده و شرح داده شده‌اند.

شکل کار یگان‌های عملیاتی سپاه پاسداران بدین ترتیب بود که در مقاطعی از سال، نیروهای داوطلب بسیجی را پذیرش و آموزش می‌دادند و بالأخره با وجود این نفرات، یگان‌های عملیاتی خود را در رده گردان‌های رزمی پر می‌نمودند و این گردان‌ها در عملیات آفندی شرکت داده می‌شدند.

بعد از عملیات آفندی، معمولاً به استثنای چند مورد در سال‌های آخر جنگ، نظیر منطقه فاو و شلمچه، پدافند خط گسترش جدید را به یگان‌های نزاجا می‌سپردند و نفرات بسیج نیز مرخص و به کارهای گذشته زندگی خود مراجعت می‌نمودند. به این ترتیب آن گردان‌های رزمی که گاهی به بیش از ۱۰۰ گردان می‌رسید از وجود نفرات بسیجی خالی شده و کارایی رزمی خود را تا مرحله بعدی فراخوانی بسیج و جذب و آموزش و سازماندهی آنان از دست می‌دادند. گردان‌های سپاه معمولاً به طور متوسط ۲۰۰ نفر بود. بعضی گردان‌ها تعدادی بیشتر و بعضی تعدادی کمتر.

در هر گردان رزمی سپاه حدود تعداد ۵ نفر سپاهی و یا نیروی رسمی قرار داشتند و بقیه نفرات آن گردان، بسیجی بود و از سال سوم به بعد با سرباز وظیفه نیز ترکیب داشتند. با این ترتیب بیش از ۹۰٪ گردان‌های رزمی را بسیجیان و یا افراد داوطلب تشکیل می‌دادند.

نزاجا در تمام مدت هشت سال جنگ، مگر چند روز استثنائی، به نیروهای خود غذای تازه و گرم در تمام گستره منطقه عملیاتی از خط مقدم تا عقبه می‌داد. در تابستان، تا خط مقدم به یگان‌ها یخ داده می‌شد.

روزهای استثنائی نظیر روزهای اولیه جنگ، که امکان پخت غذا و توزیع آن نبود، جیره عملیاتی داده می‌شد. برای مواد فاسدشدنی و حتی یخ، گاهی حمل و نقل آنها به بیش از ۵۰۰ کیلومتر می‌رسید.

برای مهمات‌رسانی و تأمین قطعات لازم برای خودروها، حمل و نقل تا ۱۰۰۰ کیلومتر انجام می‌گرفت.

طرح‌های عملیاتی تا رده ستاد لشکرها تهیه و به رده‌های بالاتر نظیر قرارگاه‌های عملیاتی نزا‌جا در جنوب، غرب و شمال غرب و بالأخره ستاد نزا‌جا پیشنهاد و در صورت تصویب به اجرا درمی‌آمد.

طرح‌های عملیاتی شامل چند لشکر و تیپ و نیز عملیات‌های مشترک ارتش و سپاه پس از اقدامات ستادی لازم در قرارگاه‌های عملیاتی نزا‌جا، در قرارگاه‌های مشترک نزا‌جا و سپاه مورد مذاکره و بحث قرار می‌گرفت و بالأخره پس از توافق، طرح عملیاتی نهایی صادر و توسط لشکرهای مورد نظر به اجرا درمی‌آمد. نظیر عملیات فتح‌المبین و مشابه در مدت هشت سال جنگ.

بخش هشتم

هوانیروز در جنگ هشت ساله

توضیح: برداشت از کتاب آموزشی معارف جنگ ویژه کارکنان وظیفه، گردآوری و
تنظیم: سرتیپ ۲ ستاد عباس تقیانپور، سال ۱۳۹۶.

تاریخچه مختصر هوانیروز (هواپیمایی نیروی زمینی) ارتش

با توجه به تحولات جدیدی که در ارتش‌های جهان از نظر تجهیزات و وسایل نوین رخ می‌داد، در سال ۱۳۳۹، بنا گذاشته شد یگان هوانیروز به منظور پشتیبانی نزدیک و افزایش تحرک در جابه‌جایی سریع نیروهای درگیر در مناطق عملیاتی و به کارگیری سلاحی جدید برای مقابله با تانک و ادوات زرهی دشمن، کم‌کم به رشد خود از نظر نیروی انسانی، اعم از کادر خلبانی و فنی و تجهیزات و وسایل پرنده ادامه دهد. در سال ۱۳۵۲، جدول سازمان هوانیروز و یگان‌های زیرمجموعه آن به عنوان یگان تابعه نیروی زمینی به تصویب رسید و در اجرای این طرح، تعدادی بالگرد شکاری کبری ۲۰۹، بالگرد ترابری ۲۱۴، بالگرد ترابری سنگین شنوک، بالگرد ۲۰۶ جت رنجر و ۲۰۵ و تعدادی پرنده بال ثابت از جمله هواپیماهای جت فالکون و فرانسیب به فعالیت خود در چندین پایگاه، از جمله پایگاه قلعه مرغی تهران و اصفهان، ادامه دادند. بعدها در زمان جنگ و بعد از پایان جنگ تحمیلی، پایگاه‌های کرمان، مسجد سلیمان، مشهد، تبریز و پایگاه مقدم عملیاتی زاهدان نیز به جمع پایگاه‌های فعال هوانیروز پیوست.

مأموریت‌های هوانیروز

اولین و مهم‌ترین مأموریت هوانیروز ازدیاد مقدرات نیروی زمینی در هدایت عملیات تاکتیکی با فراهم نمودن پشتیبانی‌های آتش پشتیبانی نزدیک و قدرت تحرک بیشتر جهت مانور و عملیات‌های یگان‌های رزمی نیروی زمینی می‌باشد.

دیگر مأموریت‌ها و مقدرات هوانیروز به شرح زیر می‌باشد:

- حمل و نقل و جابه‌جایی (هلی‌برن) نیرو و تجهیزات و مهمات به مناطق مورد نظر
- شناسایی، فرماندهی و کنترل
- دیده‌بانی و تنظیم تیر توپخانه و خمپاره
- به تأخیر انداختن تحرک دشمن به وسیله آتش‌های سنگین خود و انهدام خودروها و نفربرهای زرهی و مناطق تجمع دشمن
- اسکورت بالگردهای نفربر و اسکورت ستون‌های زمینی
- تأمین جناحین یگان‌ها در تک
- تخلیه مجروحین از داخل میدان نبرد
- عملیات مردم‌یاری در حوادث و سوانح مانند زلزله، سیل، آتش‌سوزی‌های بزرگ و ...
- عکاسی هوایی

هوانیروز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و فعالیت‌های گروهک‌ها در مناطق مختلف کشور، بخصوص در کردستان و آذربایجان غربی، هوانیروز در پشتیبانی و تقویت نیروها و جابه‌جایی پرسنل نقش بسیار مؤثری داشت. در زمانی که دسترسی به منطقه کردستان از راه زمین میسر نبود و جاده‌های مواصلاتی در کنترل عناصر تجزیه‌طلب و ضدانقلاب قرار گرفته بود و شهرهای یکی پس از دیگری به اشغال گروهک‌ها درمی‌آمد، وسایل پرنده هوانیروز بود که نیروهای کمکی را از راه هوا ترابری می‌کرد و آذوقه و

مایحتاج رزمندگان را تأمین می‌کرد. البته در حوادث و پاکسازی شهر سنج، چهار فروند بالگرد هوانیروز بر اثر شلیک تیربار گروهک‌ها منهدم شدند و ۱۷ فروند نیز مورد اصابت گلوله و یا ترکش قرار گرفتند و تعدادی از خلبانان و گروه‌های پروازی شهید و یا مجروح شدند. لذا نقش هوانیروز در تأمین امنیت در این مناطق و قبل از شروع جنگ تحمیلی نقش بسیار ارزنده و مؤثر بوده است، که در این نوشتار فرصت بیان همه آن نیست.

هوانیروز در سال اول جنگ

نقش هوانیروز در پشتیبانی نزدیک از یگان‌های عملیاتی در هشت سال دفاع مقدس بسیار پراهمیت بوده است. در روز ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ و دقایقی پس از بمباران پایگاه‌ها و فرودگاه‌های کشور و آغاز رسمی نبرد هشت ساله، هوانیروز با آگاهی کامل و حضور سریع بالگردهای شکاری و هجومی، در مناطق مرزی و عملیاتی حاضر شد. در آن روزهای سخت و بحرانی، که دشمن هجوم سنگین و سراسری خود را به سرزمین‌های اسلامی‌مان آغاز کرد و سرعت پیشروی آنان که با یگان‌های زرهی و پیاده مکانیزه همراه بود و فرصت و مجال فکر کردن و طراحی عملیاتی را در به‌کارگیری هماهنگ امکانات موجود و انسجام نیروها تا حد زیادی از فرماندهان یگان‌های خودی سلب نموده بود، این هوانیروز بود که با دسته‌های پروازی به صورت مستقل وارد عمل شد و با انجام شناسایی در هر مکانی که با نیروهای دشمن برخورد می‌کردند، با شلیک راکت و موشک، آنها را به آتش می‌کشیدند و از پیشروی آنان جلوگیری می‌کردند. در عملیات هوانیروز بخصوص در منطقه جنوب در محور اهواز- سوسنگرد، محور

کوشک- طلائی و سوسنگرد، بالگردهای شکاری کبرا با حمله بر روی ادوات زرهی و پیاده مکانیزه عراقی‌ها توانستند در پشتیبانی از نیروهای زمینی ارتش و نیروهای مردمی در سد کردن پیشروی دشمن و تثبیت آنان نقش بسزایی ایفا نمایند.

گروهی از هوانیروز که در پایگاه وحدتی دزفول مستقر شده بود، در قالب دسته‌های پروازی با بالگردهای شکاری کبرا در محور عین‌خوش به کرخه و محور فکه - چنانه - شوش با اجرای آتش مستقیم و عملیات غافلگیرانه از جناحین، با هدف قرار دادن تانک‌ها و پیاده مکانیزه دشمن در متوقف کردن نیروهای متجاوز در غرب رودخانه کرخه و پل نادری نقش بسزایی را ایفاء نمودند.

عملیات هوانیروز در قصرشیرین و سرپل ذهاب باعث شد تلفات و ضایعاتی در این محور به دشمن وارد گردد و هوانیروز با شجاعت و جسارت مثال زدنی مانع از تصرف پادگان سرپل ذهاب شد. در این رابطه، نقش بی‌بدیل خلبانان شهید کشوری و شهید شیرودی برگ‌های زرین و افتخارآفرینی است که برای همیشه در دل تاریخ باقی خواهد ماند و آیندگان متوجه خواهند شد این فرزندان شجاع در این اوضاع بسیار خطرناک و بحرانی، با چه شجاعت و ایثار و فداکاری توانستند مأموریت و تکلیف قانونی و شرعی خود را به انجام برسانند و دین خود را به بهترین وجه به میهن اسلامی و کشور و نظام خود ادا نمایند.

مقایسه هوانیروز با وسایل پرنده یگان پروازی ارتش بعثی عراق

به هیچ عنوان، یگان‌های هلی‌کوپتری عراق قابل مقایسه با یگان‌های هوانیروز ایران، نه از نظر کمیت و نه از نظر کیفیت و نه از نوع مأموریت و اجرای آن نمی‌باشند. خلبانان شجاع و سایر کارکنان غیرتمند و متعهد فنی و پشتیبانی هوانیروز در کلیه عملیات‌ها نقش بسیار مهم و اثرگذاری داشتند و تلاش آنها در صحنه‌های نبرد کاملاً مشهود بوده و کارایی و توانمندی آنان با یگان مشابه عراق قابل قیاس نیست. همین است که در جنگ هشت ساله، چیز زیادی از یگان هوانیروز عراق شنیده نمی‌شود.

البته باید توجه داشت ویژگی‌های یک وسیله پرنده خوب ابتدا قدرت بالای موتور، شکل ایرودینامیکی مناسب و نوع مهماتی است که می‌تواند با خودش حمل کند و آن را شلیک نماید، ولی از همه مهم‌تر، خلبانی است که پشت این وسیله می‌نشیند و با جان و دل و همه ایمان و اعتقادش، مأموریت‌های واگذاری را انجام می‌دهد و یا کارکنان فنی متعهد و متخصص هوانیروز، که همانند نیروی هوایی تصور می‌شد با رفتن مستشاران و قطع همکاری تعمیراتی، کارخانجات سازنده وسایل پرنده ما بعد از مدتی نتوانند به مأموریت خود ادامه دهند، اما مردانه ایستادند و در نگهداری و آماده‌بکاری بالگردها تلاش کردند، تا خلبانان بتوانند با آرامش و خاطری جمع، پرواز نمایند. شاید اطلاع داشته باشید که هر یک ساعت پرواز حداقل ۸ الی ۱۰ ساعت کار فنی را در پی دارد و این کارکنان فنی بودند که در بیشتر زمان‌ها در مناطق جنگی، در پشت جبهه، شب‌ها تا صبح کار می‌کردند، تا وسایل پرنده را برای مأموریت فردا آماده کنند.

در اینجا به ذکر خاطره و اتفاقی نادر می‌پردازیم: یکی از بالگردها در منطقه عملیاتی، در اثر اصابت گلوله، یکی از موتورهایش را از دست می‌دهد و بالاجبار در منطقه خودی و در نزدیکی دشمن و به زمین می‌نشیند. کارکنان فنی هوانیروز شبانه با کشیدن چادر برزنتی بر روی بالگرد برای اینکه دشمن آنان را نبیند، موفق می‌شوند با چراغ قوه شب تا صبح موتور بالگرد را تعمیر کرده و به پایگاه خود مراجعت دهند؛ لذا به گواهی تاریخ و عملیات‌های هشت سال دفاع مقدس، در همه این موارد، هوانیروز ما بر عراق برتری داشته و این برتری تا آخرین روزهای جنگ همچنان ادامه داشته است.

نقش هوانیروز در عملیات هشت سال دفاع مقدس

یگان‌های پروازی هوانیروز در کلیه عملیات‌های انجام شده در هشت سال دفاع مقدس حضور فعال داشته‌اند و با قاطعیت می‌توان گفت عملیاتی بدون یگان هوانیروز انجام نپذیرفته است.

نقش هوانیروز در عملیات پدافندی در سال اول جنگ که منجر به زمین‌گیر شدن دشمن و تثبیت آن گردید و همچنین عملیات‌های آفندی سال‌های دوم به بعد بسیار چشمگیر و مؤثر بوده است. به دلیل تعداد زیاد عملیات به طور نمونه به حضور هوانیروز در چند عملیات اشاره می‌شود:

اول: عملیات آفندی خیبر و بدر که راه خشکی وجود نداشت و رزمندگان اسلام بایستی از هورالعظیم عبور می‌کردند و جاده‌العماره به بصره را تصرف می‌نمودند. مسئولیت سنگین هلی‌برن یا انتقال نیرو در شب

عملیات، همچنین انتقال تجهیزات، مهمات و سایر موارد مورد نیاز رزمندگان برعهده هوانیروز گذاشته شده بود.

دوم: عملیات والفجر ۸ که پس از عبور شبانه نیروها از رودخانه اروند و روشن شدن هوا، عملیات وارد مرحله تازه‌ای شد و نیروهای خط‌شکن برای ادامه عملیات نیاز به پشتیبانی آتش، انتقال نیروهای تقویتی و تازه نفس و از همه مهم‌تر، تجهیزات سنگین مانند تفنگ ۱۰۶ و توپ‌های ۲۳ میلیمتری پدافند و... داشتند؛ بنابراین، هوانیروز ترابری نیروها و انتقال تجهیزات سنگین از اروندرود به منطقه فاو را شروع کرد و هم‌زمان تیم‌های آتش بالگردهای کبرا نیروهای دشمن را که سرسختانه مقاومت می‌کردند و پاتک‌های متعددی را انجام می‌دادند در هم کوبید. لذا در روزهای اول نبرد در فاو، بیشترین تجهیزات سنگین و مهمات و نیروها به وسیله بالگردهای هوانیروز به آن طرف رودخانه انتقال می‌یافت، بخصوص تیم‌های آتش هوانیروز که به وسیله بالگردهای کبرا اجرای مأموریت می‌کردند، به سه دسته تقسیم شده بودند و همیشه یک تیم در پرواز و درگیری مستقیم با دشمن بود، یک تیم در حال بازگشت جهت بارگیری مجدد مهمات و یک تیم در حال رفتن به سمت منطقه و اجرای آتش بر روی دشمن بود و همین امر فرصت هرگونه عکس‌العملی را از دشمن سلب کرده بود و هر پاتک عراقی‌ها در همان آغاز با شکست روبه‌رو می‌شد.

در سایر عملیات‌های آفندی، مانند ثامن‌الائمه (یا شکستن حصر آبادان) طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، محرم، قادر، عملیات‌های والفجر و کربلاها هوانیروز با تمام امکانات و تمام قوا در هدایت یگان‌های مانوری زمینی قرار داشت و در طول هشت سال دفاع مقدس و در

بخش ششم: هوانیروز در جنگ هشت ساله / ۹۵

عملیات‌های مختلف، هوانیروز آنچه که در وظیفه و مأموریت‌های تعریف‌شده خود بود را به خوبی انجام داد، که به طور خلاصه می‌توان به موارد زیرین اشاره کرد:

خلاصه عملیات و مأموریت‌های هوانیروز

- پشتیبانی آتش نزدیک یگان‌های زمینی
- به تأخیر انداختن تحرکات دشمن به وسیله اجرای آتش سنگین،
- بخصوص در روزها و ماه‌های اولیه شروع جنگ در محورهای مختلف
- حمل مجروح از خطوط مقدم جبهه به بیمارستان‌های منطقه‌ای در
- کلیه عملیات‌ها، که با انجام این مأموریت، جان هزاران مجروح و
- مصدوم بدحال در مناطق عملیاتی نجات پیدا کرده است.
- هلی‌برن و انتقال رزمندگان و ادوات نیمه سنگین و مهمات و آذوقه به
- مناطق صعب‌العبور
- انتقال فرماندهان در جبهه‌ها و فراهم نمودن امکان دقیق‌تر فرماندهی
- و کنترل در مناطق عملیاتی
- انجام عملیات مردم‌یاری در سوانح و حوادث، که در اینجا به نقش
- هوانیروز در زلزله رودبار و نجات صدها هموطن و همچنین کمک به
- هموطنان آسیب دیده زلزله بم می‌توان اشاره کرد.

بخش هفتم

نہاجا در جنگ ہشت سالہ

توضیح: برداشت از کتاب آموزشی معارف جنگ ویژه کارکنان وظیفہ، گردآوری و تنظیم: سرتیپ ۲ ستاد عباس تقیان پور، سال ۱۳۹۶.

تاریخچه نیروی هوایی

سابقه نیروی هوایی ایران به سال ۱۳۰۱ بازمی‌گردد. یعنی هم‌زمان با سازماندهی ارتش و نیروی زمینی نوین ایران. از دهه ۱۳۴۰ به بعد، پیشرفت نیروی هوایی سرعت بیشتری گرفت. در اواخر سال ۱۳۴۰ به بعد، نیروی هوایی به ۴۰۰ فروند انواع هواپیمای شکاری و شکاری بمبافکن و رهگیر اف ۵، اف ۴، اف ۱۴ و بیش از یکصد فروند هواپیمای ترابری سنگین و سبک و تعدادی بالگرد مجهز گردید.

خلبانان نیروی هوایی آموزش‌های مقدماتی خود را در ایران و دوره تکمیلی را در آمریکا و گاه در پاکستان طی می‌کردند. کارکنان فنی این نیرو دارای مهارت‌های مطلوبی بودند و دوره‌های متعددی را در آمریکا طی می‌کردند، ولی تعمیرات اساسی هواپیماها در کارخانجات سازنده انجام می‌شد. به طور کلی، نیروی هوایی از نظر تعمیرات، قطعات یدکی و مهمات به کشور فروشنده وابسته بود.

به طور کلی نیروی هوایی دو مأموریت عمده بر عهده دارد:

۱- حفاظت از آسمان کشور ۲- پشتیبانی از یگان‌های سطحی.

از نگاه دقیق‌تر، پنج مأموریت بزرگ در سطح راهبردی و تاکتیکی برای نیروی هوایی می‌توان تعریف کرد.

قبل از بیان مأموریت‌های نیروی هوایی، لازم است عزیزان بدانند طراحی و اجرای یک عملیات هوایی بسیار پیچیده و مستلزم در اختیار داشتن آگاهی‌های بسیار و دانش لازم در علوم مختلف می‌باشد.

به طور مثال، برای اجرای یک عملیات، قبل از هر چیز جمع‌آوری اطلاعات کامل از هدف مورد نظر ضرورت محض دارد. مسائلی از جمله:

- ۱- فاصله پایگاه تا هدف
 - ۲- نوع هدف
 - ۳- انتخاب نوع هواپیما
 - ۴- انتخاب نوع تسلیحات مورد نظر (موشک، راکت، بمب)
 - ۵- آگاهی از سامانه‌های پدافندی دشمن (تجهیزات موشکی و توپخانه‌ای)
 - ۶- وضعیت جوی
 - ۷- میزان خطرپذیری موجود در این عملیات
- و عوامل دیگری که شرایط اجرای موفقیت‌آمیز یک مأموریت هوایی را میسر می‌سازد.

مأموریت‌های نیروی هوایی

الف: عملیات علیه نیروی هوایی دشمن

نیروی هوایی با استفاده از جنگنده بمب‌افکن‌های خود با حمله به پایگاه‌ها و سیستم‌های پدافند هوایی و تأسیسات حیاتی و نقاط حساس دشمن، سعی دارد برتری هوایی را کسب کند.

منظور از برتری هوایی ایجاد آزادی عمل برای نیروهای سطحی می‌باشد تا بتوانند آزادانه در مقابل دشمن صف‌آرایی کنند و از حمله نیروی هوایی دشمن تا اندازه‌ای مصون بمانند.

ب: مجزا کردن منطقه نبرد

نیروی هوایی با استفاده از جنگنده بمب‌افکن‌های خود، سعی می‌کند به نیروهای احتیاط دشمن، مراکز دپو تجهیزات، خطوط

مواصلاتی، پل‌ها و جاده‌های استراتژیک و انبارهای سوخت دشمن حمله کند تا نیروهای در خط و درگیر نتوانند از این طریق به موقع پشتیبانی شوند. در واقع، تلاش می‌کنند ارتباط نیروهای درگیر دشمن را با عقبه خود برای جلوگیری از تقویت و کمک‌رسانی آنها قطع کند.

ج: پشتیبانی نزدیک هوایی

این مأموریت بنا به درخواست قرارگاه‌های عملیاتی نیروی زمینی و یا نیروی دریایی با استفاده از هواپیماهای ضربتی به صورت پیش‌بینی شده و اضطراری انجام می‌شود. این مأموریت نیروی هوایی، بخصوص در ماه‌های اولیه جنگ، ضربات بسیار سنگینی به دشمن وارد کرد و زمان لازم برای انسجام بیشتر نیروهای خودی را فراهم نمود.

د: شناسایی هوایی

این مأموریت با استفاده از هواپیماهای شناسایی RF-4 و با انجام عکس‌برداری از مناطق عملیاتی و خطوط راهبردی دشمن، به منظور استفاده فرماندهان جنگ انجام می‌گیرد. در دوران دفاع مقدس، عکس‌برداری از مناطق عملیاتی تعیین و موقعیت نیروهای دشمن اقدام بسیار مهم و ارزنده‌ای بود که توسط خلبانان شجاع و متخصص نیروی هوایی انجام می‌شد و مورد استفاده بسیار زیاد نیروهای خودی قرار می‌گرفت. لازم است در اینجا یادی کنیم از خلبان شهید فریدون ذوالفقاری که از خلبانان بسیار ورزیده در این رشته بود و در حین مأموریت عکس‌برداری هوایی، هواپیمای ایشان در منطقه جزایر مجنون مورد اصابت قرار گرفت و به شهادت رسید.

هـ: مأموریت ترابری هوایی

ترابری هوایی که به منظور جابه‌جایی نیروها و تجهیزات یگان‌ها با هواپیماهای ترابری و بالگردها انجام می‌شود.

اولین تجاوزات هوایی عراق قبل از شروع رسمی جنگ تحمیلی

اولین تجاوز هوایی عراق که در دفاتر هوایی ایران ثبت شده است، به فروردین‌ماه سال ۱۳۵۸ برمی‌گردد که هواپیماهای نیروی هوایی برای دفع تجاوز پرواز کرده و هواپیماهای دشمن را مجبور به ترک آسمان کشور می‌نمودند.

بر حسب گزارشات وزارت امور خارجه کشورمان، که در کتاب تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران (از انتشارات وزارت امور خارجه ایران) ثبت گردیده است، فهرست تجاوزات زمینی، هوایی و دریایی رژیم عراق علیه سرزمین ایران قبل از شروع جنگ تحمیلی به شرح زیر بوده است:

سال	کل تجاوزات	زمینی	هوایی	دریایی
۱۳۵۸	۸۴	۴۱	۴۰	۳
۱۳۵۹	۵۵۳	۴۰۲	۱۳۴	۱۷

جمع تجاوزات زمینی، هوایی، دریایی قبل از آغاز رسمی جنگ، ۶۳۷

مورد بوده است.

نقش نیروی هوایی قبل از جنگ و در روزهای اول جنگ

با مشاهده تجاوزات زمینی و هوایی عراق قبل از آغاز رسمی جنگ، نیروی هوایی به شناسایی و عکس‌برداری از خطوط مرزی مبادرت می‌ورزید، که در این راستا، نقش بسیار ارزنده‌ای در روزهای اول جنگ داشت. بعد از بمباران کلیه پایگاه‌های نیروی هوایی توسط هواپیماهای دشمن در تاریخ ۵۹/۰۶/۳۱، دشمن به یقین تصور می‌کرد که نیروی هوایی ایران را که یک نیروی راهبردی، جنگنده و روحیه‌بخش است، از بین برده و حداقل توانسته بین ۵۰ تا ۷۰ درصد از توان رزمی نیروی هوایی ما را از حیز انتفاع خارج کند، و با خروج مستشاران خارجی و وابستگی این نیرو برای تعمیرات قطعات و مهمات به غرب دیگر باقیمانده نیرو هم قادر به عملیات نمی‌باشند، ولی برخلاف تصور دشمن، کمتر از ۲ ساعت از حمله دشمن نگذشته بود که کلیه پایگاه‌ها برای انجام مأموریت و اقدام تلافی‌جویانه اعلام آمادگی کردند.

البته با شناسایی‌های انجام‌شده هوایی قبل از وقوع رسمی جنگ و اطلاعات موجود از وضعیت نیروی هوایی عراق در سوابق اطلاعاتی نه‌اجا و طرح‌های از قبل پیش‌بینی شده موجود و ابتکار سریع در به‌روز کردن آنها بلافاصله در همین روز، به دو دسته پروازی یکی از پایگاه بوشهر به نام البرز در ساعت ۱۷:۰۰ و دسته دوم به نام رد-آلفا در ساعت ۱۷:۵۵ از پایگاه هوایی همدان (شهید نوژه) مأموریت داده شد که به ترتیب، پایگاه‌های الرشید در بغداد، پایگاه کوت در استان میسان و پایگاه شعیبیه در بصره را مورد حمله قرار دهند. لازم به ذکر است یکی از هواپیماها در این عملیات

بخش هفتم: نه‌اجا در جنگ هشت ساله / ۱۰۳

دچار سانحه شده و خلبانان آن به نام‌های سروان محمد صالحی و ستوان یکم خالد حیدری به شهادت رسیدند.

در همین راستا، زمان عملیات همه‌جانبه بعدی روز دوم جنگ، یعنی روز اول مهر ۱۳۵۹ تعیین گردید. در طلوع آفتاب و آغاز روشنایی روز با اعلام رمز کمان ۹۹^۱ در اولین یورش، ۱۴۰ فروند هواپیمای جنگنده و بمب‌افکن عملیات برون‌مرزی خود را آغاز کردند و موفق شدند کلیه پایگاه‌های هوایی، فرودگاه‌ها، پادگان‌ها و اردوگاه‌ها در داخل خاک عراق را بمباران نموده که برخی از این پایگاه‌ها تا مدت‌ها توان عملیاتی خود را از دست داده بودند و البته در روزهای بعد نیز دشمن رها نشد، بلکه با انجام ۱۵۷ سورتی پرواز و فرو ریختن ۴۱۷۹۲۰ پوند مهمات جنگی بر فراز پالایشگاه‌ها و مراکز نفتی و همچنین ۵۹ سورتی پرواز و ۱۳۶۵۱۰ پوند مهمات علیه نیروگاه‌ها خسارات سختی را بر دشمن وارد کردند و این حجم مأموریت‌ها و ضربات سنگین به دشمن بیش از ۴۰ روز از شروع جنگ ادامه داشت و به دشمن ثابت شد که ارتش ایران و نیروی هوایی زنده و بیدار است و رویای موفقیت سریع و حمله برق‌آسای دشمن به لطف خداوند و همت خلبانان شجاع واقعیت پیدا نکرد.

۱. چرا کمان؟ به معنی گذاشتن تیر در چله کمان ایران و رها نمودن آن تا دور دست‌ترین نقاط عراق و ۹۹ نیز بر اساس تعداد اوراق و صفحات طرح البرز که ۹۹ برگ بود تعیین شده بود.

در این عملیات سراسر خاک و فضای کشور عراق (پایگاه‌های هوایی، کرکوک، موصل، الرشید، حبانیه، ناصریه، شعبیه، کوت المثنی)، مخازن سوخت و مهمات، پایگاه‌های هواپیماها، برج‌های مراقبت هوایی، تأسیسات کارخانجات هواپیماسازی، سوله و پایگاه‌های اسکادران‌های تعمیر و نگهداری، باندهای پروازی و سایر اهدافی که در زمین گیر کردن هواپیماهای دشمن و کاهش فعالیت‌های هوایی او علیه نیروهای خودی مؤثر باشند، رادارها و موشک‌های ضدهوایی و توپخانه‌های ضدهوایی همگی مورد حمله قرار گرفته است.

همان‌گونه که گفته شد، برای انجام هر عملیات در نیروی هوایی طراحی‌های خاص و پیچیده‌ای باید انجام شود و عکس‌العمل نیروی هوایی در روز اول و دوم (عملیات کمان ۹۹) نشان از آن دارد که نیروی هوایی با انجام پیش‌بینی‌ها و طراحی‌های لازم از قبل، اولاً در هنگام حمله هوایی دشمن کمترین خسارت ممکنه را متحمل شد، ثانیاً با طراحی دقیقی که از قبل انجام شده بود، موفق شد با ۱۴۰ فروند هواپیما چنان ضربه‌ای به دشمن بزند، که باورش متصور نبود.

ستوان یکم خلبان شهید باستانی اولین شهید جنگ ایران و عراق می‌باشد که در تیرماه ۱۳۵۹، در یکی از مأموریت‌های شناسایی که بر روی مرزهای ایران و عراق انجام می‌شد، مورد حمله قرار گرفت و هواپیمایش سقوط کرد و به شهادت رسید. سرلشکر شهید حسین لشگری در ۲۷ شهریور ۱۳۵۹، یعنی ۴ روز قبل از شروع رسمی جنگ، در یک مأموریت شناسایی مورد اصابت پدافند هوایی عراق قرار گرفت و در خاک عراق سقوط کرد و از همان تاریخ به اسارت درآمد و بعد از نزدیک به ۱۸ سال از اسارت آزاد شد.

عملیات اچ ۳

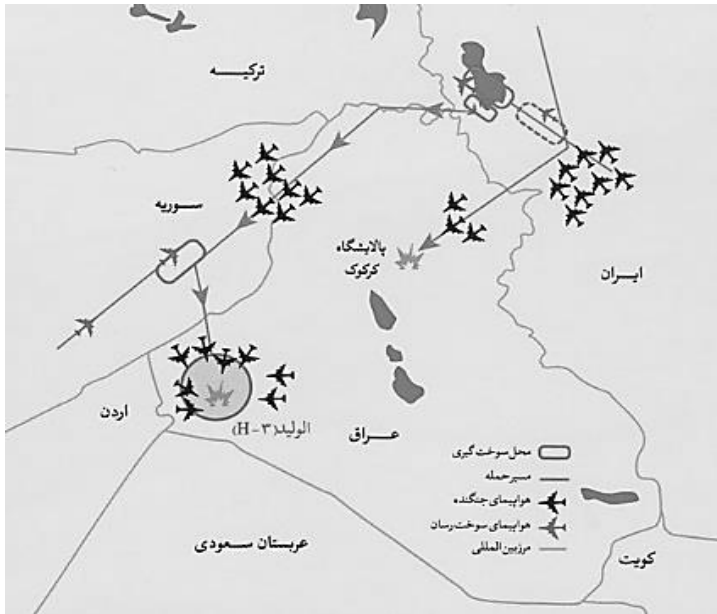
بمباران پیاپی پایگاه‌ها و هدف‌های مهم و امکانات و تأسیسات زیربنایی توسط خلبانان ایرانی، عراق را وادار کرد تا بخش مهمی از انواع بمب‌افکن‌های سنگین و دیگر هواپیماها، دستگاه‌های راداری و تجهیزات مرتبط را از دسترس نیروی هوایی ایران خارج کند و به پایگاه‌های سه‌گانه الولید، که نسبت به ایران در دورترین نقطه در غرب عراق و نزدیکی مرز اردن

قرار دارد، انتقال دهد. با محاسبات معمول، دشمن مطمئن بود که هرگز بمب‌افکن‌های ایران قادر به دستیابی به این پایگاه‌ها نخواهند بود.

اما طراحی‌های دقیق، شجاعانه و ابتکاری نیروی هوایی و اجرای ایثارگرانه خلبانان شجاع این نیرو به سرپرستی سرگرد براتپور باعث شد در تاریخ پنج‌شنبه ۱۵ فروردین‌ماه ۱۳۶۰، با هشت فروند هواپیمای فانتوم (F4) این عملیات خارق‌العاده‌ای که سال‌های طولانی علامت سوال بزرگی را در ذهن طراحان عملیات‌های هوایی و خلبانان جهان باقی گذاشت، با موفقیت به انجام برسانند و سه پایگاه مهم هوایی دشمن را در هم بکوبند. این عملیات پیچیده و بسیار حساب‌شده عملیاتی است که در نوع خود در تاریخ جنگ‌های هوایی دنیا بسیار کم اتفاق افتاده و شاید به سختی بتوان نظیر آن را پیدا کرد. این عملیات حدود چهار ساعت و پنجاه دقیقه به طول انجامید و از ویژگی‌های آن چهار بار سوختگیری هوایی در ارتفاع پایین بود، که دو نوبت در خاک کشور خودمان و دو نوبت در کشور بیگانه انجام شد. در این عملیات، بیش از ۵۰ فروند هواپیما و بالگرد دشمن منهدم گردید و خسارات زیادی به تأسیسات و امکانات پایگاه‌ها وارد شد و باعث شد که صدام و ایادی او در هیچ نقطه‌ای از خاک عراق احساس امنیت نکنند.

از ۸ فروند هواپیمایی که با این مأموریت اعزام شده بودند، ۷ فروند آن سالم در پایگاه‌های مربوطه به زمین نشستند. تنها یک فروند از آنها که آسیب دیده بود و قادر به بازگشت به کشور نبود، با خلبانی سرهنگ خضرابی که بعدها در جنگ شهید شد، در فرودگاهی متروکه در خاک سوریه به صورت اضطراری به زمین نشست و بعد با اعزام اکیپ‌های تعمیراتی، این هواپیما نیز تعمیر شده و به وطن بازگشت. از نقاط قوت طراحی این

عملیات، پرواز تعدادی هواپیماهای F4 و F5 جهت منحرف کردن دشمن از عملیات اصلی به پایگاه‌های بود. مأموریت دیگر این شکاری بمبافکن‌ها و هواپیماهای F14، تأمین پوشش هوایی منطقه و مسیر هواپیماهای سوخت‌رسان بود که از این عملیات پشتیبانی می‌کردند.



(عملیات H3)

عملیات شهید عباس دوران (برهم زدن اجلاس سران غیر متعهدها در بغداد)

عملیات ماندگاری که شهید عباس دوران به اتفاق هم‌زمانش انجام دادند، در واقع هم بعد سیاسی داشت و هم بعد نظامی؛ بدین گونه که اجلاس سران غیر متعهدها که برابر روش هر دوره، در یکی از کشورهای

عضو بایستی تشکیل شود، در اواسط سال ۶۱ به اصرار شخص صدام قرار بود این کنفرانس در بغداد پایتخت عراق تشکیل گردد.

جمهوری اسلامی ایران که یکی از اعضای ثابت این اجلاس محسوب می‌شد، اعلام کرد که هیچ هیئتی از سوی ایران در این اجلاس شرکت نخواهد کرد و اصولاً بغداد محل امنی برای برگزاری چنین کنفرانسی با حضور سران کشورها نخواهد بود. این بیانیه ایران بغداد را بر آن داشت تا با صرف هزینه‌های بسیار زیاد با پوشش انواع موشک‌های زمین به هوا، رادارهای پیشرفته و انواع توپخانه‌های ضد هوایی و محافظت دائمی با انواع هواپیماهای جنگنده، نسبت به افزایش امنیت بیش از پیش شهر بغداد اقدام نمایند و اعلام آمادگی برای اجرای امن این اجلاس بنماید.

در این زمان، نوبت ایران بود که ادعای ناامن بودن بغداد را ثابت کند و این مأموریت به عهده نیروی هوایی قرار گرفت. این نیرو با طراحی دقیق و حساب‌شده، پالایشگاه دوره، که داخل محدوده شهر بغداد قرار دارد، را به عنوان هدف انتخاب کرد، زیرا در صورت بمباران این پالایشگاه، دود و آتش حاصل از انفجار مواد نفتی روزها آسمان بغداد را می‌پوشاند و سند زنده‌ای برای موفقیت عملیات محسوب می‌شد. برای اجرای این مأموریت، سه فروند هواپیمای F4 در نظر گرفته شد، که دو فروند آن نقش اصلی را بر عهده داشتند.

در سحرگاه روز ۳۰ تیرماه سال ۱۳۶۱، این مأموریت به سرپرستی یکی از خلبانان شجاع فداکار و باتجربه، یعنی سرهنگ خلبان عباس دوران انجام شد. دو هواپیمای اصلی با عبور از دیوار دفاعی و شبکه آتش ضد هوایی دشمن خود را به آسمان شهر بغداد رساندند و با پرواز در ارتفاع کم، بر فراز

خیابان‌های شهر غرش هواپیماهای خود را به گوش سران عراق و خبرنگاران مستقر در بغداد رساندند و با رها کردن چندین بمب بر روی پالایشگاه دوره، آتش و دود آسمان بغداد را فرا گرفت. این دو هواپیما در مراجعت مورد اصابت گلوله‌های ضدهوایی قرار گرفتند، که یکی از آنها به خلبانی سرهنگ محمد اسکندری، با وجود اصابت موشک، توانست هواپیمای صدمه‌دیده خود را به سلامت به پایگاه همدان بنشانند، ولی هواپیمای شهید دوران صدمه بیشتری دیده بود و قادر به پرواز بیشتر نبود. در این زمان، شهید دوران به کابین عقب خود دستور خروج از هواپیما را می‌دهد که بعد از چندین بار دستور کابین عقب از هواپیمای آسیب دیده با چتر به خارج می‌پرد، ولی شهید دوران ترجیح می‌دهد در آخرین لحظات و قبل از سقوط هواپیما خود و هواپیمایش را به نقطه‌ای از تأسیسات مهم شهر بکوبد، تا با شجاعت و شهادت خود ترفند سیاسی صدام را نقش بر آب نماید. لذا در آن سال، کنفرانس سران غیر متعهدها در بغداد تشکیل نشد و به دهلی‌نو پایتخت هند انتقال پیدا کرد و این عملیات اثر راهبردی سیاسی مؤثری در آن زمان از خود برجای گذاشت و یک بار دیگر دنیا متوجه ایثارگری، شجاعت، مهارت، فداکاری و از جان گذشتگی رزمندگان ایران اسلامی، بخصوص خلبانان شجاع نیروی هوایی ایران گردید و این حماسه قصه ماندگاری شد که امروز نقل آن باعث عزت، سربلندی و غرور همه ما می‌گردد. روحش شاد.

فعالیت‌های یگان‌های پروازی ترابری

یکی از فعالیت‌های بسیار مهم و مؤثر نیروی هوایی که کمتر به آن پرداخته شده است، انجام مأموریت‌های حساس ترابری هوایی می‌باشد. در تمام دوران دفاع مقدس، بار سنگین تخلیه مجروحین جنگی و جابه‌جایی سریع آنان از مناطق عملیاتی به مراکز درمانی و بیمارستان‌های سراسر کشور مثل تبریز، مشهد، شیراز، تهران و... به صورت آمبولانس‌های هوایی به وسیله هواپیماهای C130 با جدیت و تلاش خستگی‌ناپذیر توسط یگان‌های پروازی ترابری انجام می‌پذیرفت.

جابه‌جایی پرسنل رزمنده از شهرهای مختلف به جبهه‌ها و بالعکس، یکی دیگر از خدمات این یگان می‌باشد که گاهی اوقات برحسب ضرورت، این هواپیماها تا ۵ برابر ظرفیت خود نفرات را جابه‌جا می‌کردند. به طور مثال، جابه‌جایی نزدیک به ۵۰۰۰ نفر نیروی رزمنده در یک شب در مرحله سوم عملیات بیت‌المقدس از مشهد به امیدیه اهواز یکی از این موارد می‌باشد، که در تاریخ جنگ‌های هوایی دنیا، حتی در حملات آمریکا به عراق و حضور در منطقه غرب آسیا، کم نظیر یا بی نظیر است.

جابه‌جایی فرماندهان عالی‌رتبه نظامی و مسئولین مملکتی بین مناطق عملیاتی و مرکز، پشتیبانی از پایگاه‌های شکاری در امر رساندن تجهیزات حساس از دیگر اقدامات مهم ترابری هوایی این نیرو بود.

از طرفی در هر شرایطی و بدون وقفه، عملیات سوخت‌رسانی هوایی به هواپیماهای شکاری توسط هواپیماهای ۷۴۷، حمل مهمات و سایر تجهیزات ضروری، مأموریت‌هایی بودند که هواپیماهای ترابری نیروی

هوایی با وجود ناامن بودن آسمان کشور در سرتاسر سال‌های دفاع مقدس بر عهده داشتند و الحق که به خوبی این مأموریت‌ها را به انجام رساندند.

پشتیبانی نیروی هوایی از نیروهای سطحی

همان‌گونه که در اول بحث نیروی هوایی ذکر گردید، یکی از وظایف و مأموریت‌های مهم نیروی هوایی پشتیبانی از عملیات نیروی زمینی و نیروی دریایی می‌باشد که در واقع، عملیات مشترک نامیده می‌شوند. عملیات مشترک نیروها نیاز به طراحی پیچیده و محاسبات دقیق دارد، تا عملیات با سلامت و موفقیت کامل انجام شود. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران علاوه بر عملیات مستقل برون مرزی که به بخشی از آن قبلاً اشاره شد، در تمام عملیات‌های نیروی زمینی همکاری نزدیکی از نظر پشتیبانی آتش هوایی، تأمین فضای منطقه، حمله به مناطق تجمع دشمن، انهدام پل‌های استراتژیک عقبه دشمن، قطع ارتباط نیروهای دشمن با عقبه آن و عکس‌برداری از منطقه عملیات جهت استفاده فرماندهان در طرح‌ریزی‌های عملیاتی در طول سال‌های دفاع مقدس داشت، که البته شناسایی و عکس‌برداری هوایی از مدت‌ها قبل از عملیات زمینی و دریایی و بعد در حین عملیات و بعد از عملیات نیز صورت می‌گرفت. افسران رابط هوایی همراه نیروهای زمینی در مناطق عملیاتی حضور پیدا کرده و درخواست‌های پشتیبانی آتش نیروهای سطحی توسط افسران رابط هوایی به مرکز فرماندهی یگان هوایی اعلام می‌گردید، بخصوص در روزهای اول جنگ، که نیروی زمینی دشمن بی‌محابا حمله زمینی خود را به شهرها و مناطق حساس کشورمان آغاز کرده بود، نقش

بسیار بازدارنده‌ای داشته و ضربات سهمگینی به ماشین جنگی دشمن وارد کردند. یکی دیگر از عملیات مشترک نیروی هوایی در طول جنگ، همکاری و انجام عملیات مشترک با نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود، که نماد بزرگ این همکاری‌ها را می‌توان در اسکورت کشتی‌ها دید که توسط نیروی دریایی انجام می‌شد. تأمین امنیت هوایی بر عهده نیروی هوایی بود که در طول هشت سال دفاع مقدس این همکاری همواره ادامه داشته است. همچنین شرکت و پشتیبانی از عملیات‌های نیروی دریایی، از جمله عملیات مروارید که قبل از شروع عملیات توسط یک فروند هواپیمای شناسایی RF4 تصاویر هوایی از اسکله‌های البکر و الامیه و بنادر ام‌القصر، صفوان و جزایر تهیه می‌شد، تا اینکه نیروی دریایی ایران موفق شد به طور کامل نیروی دریایی ارتش عراق را منهدم و نابود کند. البته در حین عملیات، برتری نیروی هوایی نقش بسیار سازنده‌ای داشته است. لازم به ذکر است که در این عملیات، ناو همیشه قهرمان پیکان مورد اصابت قرار گرفت و به قعر دریا سقوط کرد و تعدادی از فرماندهان و کارکنان شجاع نیروی دریایی که در ناوچه حضور داشتند به شهادت رسیدند. افسر خلبان نیروی هوایی که به عنوان افسر رابط هوایی در این ناوچه حضور داشت نیز به شهادت رسید و این عزیزان همگی مفقود الجسد نیز می‌باشند.

لازم به ذکر است که در عملیات‌های هوایی، پشتیبانی سطحی از نیروهای عمل‌کننده زمینی یا دریایی عقابان تیزپرواز هوایی قبل از عملیات‌های سطحی با جابه‌جایی نیرو و شناسایی هوایی و عکس‌برداری از مناطق مورد نظر رأساً درگیر عملیات می‌شدند و در حین عملیات سطحی، این عملیات به اوج خود می‌رسید و بعد از پایان عملیات سطحی نیز

همچنان عملیات هوایی در دفع پاتک‌ها و تا آرامش میدان نبرد، به مدت چندین روز و گاه چندین هفته بعد از پایان عملیات سطحی ادامه می‌یافت.

شهید بابایی

حال که نام تعدادی از شهدای بزرگوار نیروی هوایی برده شد، جا دارد نامی از شهید عزیز بابایی بشود.

شهید بابایی که از افسران ورزیده، دانشمند، متخصص و بسیار مؤمن، متعهد و انقلابی نیروی هوایی بود، در آغاز جنگ فعالیت بسیار زیادی در سرکوب نیروهای دشمن با انجام مأموریت‌های جنگی داشت. ایشان در ابتدا به فرماندهی پایگاه هشتم شکاری اصفهان که بزرگ‌ترین پایگاه خاورمیانه می‌باشد، منصوب شد و سپس در سال ۱۳۶۲، به عنوان معاونت عملیات نیروی هوایی فعالیت می‌کرد. ایشان در ابتدا خلبان هواپیمای F5 بود و بعد خلبان F14 شدند. وی ضمن اینکه یک طراح عملیاتی بسیار خوب بودند، فردی با ویژگی‌های بی‌نظیر اخلاقی و مدیریتی بود. یکی از ابتکارات ایشان این بود که زمان اسکرامبل^۱ هواپیمای F14، که ۳۰ تا ۴۵ دقیقه طول می‌کشید تا از زمین بلند شود، را با بررسی و ابتکار، به ۵ تا ۱۵ دقیقه کاهش دادند، که موفقیت بزرگی بود. ایشان مانند سایر رزمندگان نیروی زمینی، سپاهی و بسیجی نیز اغلب در منطقه جنگی حضور پیدا می‌کرد و پا به پای آنان حرکت می‌کرد و درخواست‌های آنها را به نیروی هوایی ابلاغ کرده و انجام می‌داد. سرانجام این شهید عزیز در روز جمعه ۱۵

۱. برخاستن از باند و پرواز سریع برای درگیری با دشمن

مرداد ۱۳۶۶ که مصادف با عید قربان بود و همسرش در انجام مناسک حج به سر می‌برد و قرار بود در این مسافرت همراه ایشان باشد و به خاطر مأموریت به این سفر نرفته بودند، در حین انجام مأموریت به شهادت رسید (متأسفانه هواپیمایشان توسط توپ‌های پدافند ضد هوایی خودی مورد اصابت قرار گرفته و به شهادت رسید)، به گونه‌ای که در داخل هواپیما کابین جلو متوجه اصابت گلوله به سر ایشان که در کابین عقب قرار داشت، نشد و هنگامی که هواپیما در پایگاه مربوطه به زمین نشست، متوجه اصابت گلوله به گردن و پرواز روح بلند ایشان به ملکوت اعلی گردید.

تلاش شبانه‌روزی کارکنان تعمیر و نگهداری نیروی هوایی

به غیر از وجود خلبانان شجاع و ایثارگری که با جسارت و از خودگذشتگی، مأموریت‌های واگذاری را انجام می‌دادند، گروه‌های دیگری نیز در پشتیبانی از یگان‌های عملیاتی هوایی عمل می‌کردند که نقش بسیار سازنده و مؤثری داشتند؛ از جمله مهندسين، تکنسین‌ها و کارکنان فنی مجرب نیروی هوایی که تلاش شبانه‌روزی آنها در حاضر بکار نگه داشتن تجهیزات و وسایل پرنده بسیار چشمگیر بود. عناصر مسئول متخصص مسلح کردن هواپیما، کارکنان لجستیکی، اداری و پشتیبانی، دژبان و... همگی در افتخارآفرینی خلبانان سهم داشته‌اند، زیرا که انجام یک سورتی پرواز مستلزم تلاش افراد زیادی در یک پایگاه می‌باشد، بخصوص اینکه بعد از رفتن مستشاران خارجی از ایران، که حضور چشمگیری در نیروی هوایی داشتند، تصور دشمنان این بود که خلاء بزرگی در امر تعمیر و نگهداری و راه اندازی وسایل و تجهیزات نیروی هوایی پیش

خواهد آمد؛ در حالی که کارکنان دانشمند، مبتکر و انقلابی نیروی هوایی ثابت کردند که قادرند حتی با وجود تحریم‌های سختی که بر کشور ما تحمیل شده بود، با ابتکار و خلاقیت که نشأت گرفته از انگیزه معنوی بسیار قوی دفاع از اسلام و مملکت اسلامی‌مان بود، به توفیقات بسیار زیادی دست پیدا کنند و نگذاشتند به هیچ عنوان، خلاء متخصصین و مستشاران خارجی در امر نگهداری تجهیزات و راه‌اندازی وسایل پرنده احساس گردد. هرچند قطع رابطه با کارخانجات سازنده قطعات و تجهیزات مشکلات فراوانی را ایجاد کرده بود.

بخش هشتم

پدافند هوایی در جنگ هشت ساله

توضیح: برداشت از کتاب آموزشی معارف جنگ ویژه کارکنان وظیفه، گردآوری و
تنظیم: سرتیپ ۲ ستاد عباس تقیان پور، سال ۱۳۹۶.

تاریخچه پدافند هوایی

اولین یگان ضد هوایی ایران در سال ۱۳۱۴، به نام آتشبار ضد طیاره در نیروی زمینی تشکیل گردیده است.

در سال ۱۳۳۳، کلیه یگان های ضد هوایی از نیروی زمینی منتزع و به نیروی هوایی ملحق می شود. لازم به ذکر است تا تشکیل فرماندهی پدافند هوایی در نیروی هوایی چندین بار پدافند بین نیروی زمینی و نیروی هوایی جابه جا شده است.

از سال ۱۳۳۶ تا سال ۱۳۴۸، یعنی در یک دوره ۱۲ ساله، زمینه و بستر سازی پدافند هوایی از نظر آموزش پرسنل فنی و آشنایی با روش های روز و همچنین خرید تجهیزات مورد نیاز انجام می پذیرد و عملاً دستور تشکیل فرماندهی پدافند هوایی صادر می گردد و ظرف دو سال، یعنی تا سال ۱۳۵۰، پدافند هوایی توسعه بسیار زیادی پیدا می کند، که مجال شرح چگونگی آن نیست.

در دوران دفاع مقدس، پدافند هوایی در داخل نیروی هوایی فعالیت می کرد، ولی بعد از پایان جنگ، پدافند هوایی از نیروی هوایی منتزع و به عنوان یک نیروی مستقل به نام قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) به نیروهای سه گانه ارتش افزوده شده است.

در دنیای امروزی، با توجه به تهدیدات موجود، پدافند هوایی از اولویت و اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، زیرا در جنگ های امروزی، هواپیما یکی از سریع ترین و مطمئن ترین سلاح برای هجوم به نیروهای درگیر سطحی و نقاط حساس و حیاتی و همین طور تأمین امنیت فضایی کشور می باشد و هر کشوری که در زمینه پدافند هوایی ضعف داشته باشد، مسلماً

بخش هشتم: پدافند هوایی در جنگ هشت ساله / ۱۱۷

بیشترین آسیب را از هواپیماهای دشمن خواهد دید و برتری در جنگ را به طور چشمگیری از دست خواهد داد. لذا در کشور ما نیز می‌بینیم به این امر توجه کافی مبذول شده و خوشبختانه با تقویت زیرساخت‌ها و تأمین نیازمندی‌های دفاع هوایی، از بهترین تجهیزات و ادوات و سامانه‌های روز دنیا، پدافند هوایی کشور شکل بسیار مطمئنی گرفته است.

وظیفه پدافند هوایی

پدافند هوایی دفاع از حریم هوایی کشور و محافظت از منابع ثروت و دارایی‌های نظامی و غیرنظامی زمینی و دریایی کل کشور در مقابل تهدیدهای هوایی با استفاده از سلاح‌ها و تجهیزات دفاعی، اعم از رادارهای هشداردهنده، رادارهای تعقیب و مراقبت، رادارهای کاوش و آتش‌بارهای مناسب با نوع عملیات، شامل موشک‌های هدایت‌شونده و توپ‌های قابل کنترل و نشانه‌روی توسط رادار را به عهده دارد.

اصول پدافند هوایی

تدابیر و روش‌هایی که جهت اجرای اقدامات متوالی علیه شیء پرنده مهاجم اتخاذ می‌گردد، اصول پدافند هوایی و یا وظیفه و مأموریت پدافند هوایی گفته می‌شود که شامل موارد زیر می‌باشد:

الف- جستجو، کشف و شناسایی در فضا: چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، هر شیء پرنده‌ای که وارد فضای کشور می‌شود، باید شناسایی شود و برای ورود اجازه داشته باشد و بایستی وضعیت آن برای سیستم‌های

پدافند هوایی مشخص باشد. کشف هدف توسط رادارهای مختلف و یا دیده‌بان‌های بصری انجام می‌شود.

ب- کنترل هدف: در صورتی که هدف ناشناخته و دشمن تشخیص داده شود، باید تحت کنترل قرار گیرد.

ج- درگیری و انهدام: درگیر شدن با هدف و تعقیب دقیق آن به منظور انهدام آن با اختصاص سلاح مناسب برای هدف‌گیری و ضربه زدن به آن و در نهایت، ارزیابی میزان خسارت وارده به آن می‌باشد.

وضعیت پدافند هوایی ایران قبل از آغاز جنگ تحمیلی

نیروهای سه‌گانه ارتش (نیروی زمینی، هوایی، دریایی) هرکدام به طور مستقل مسئولیت دفاع هوایی ارتفاع پست و متوسط از تأسیسات، منابع، تجهیزات و نیروهای خود را به عهده داشتند و هر سه نیرو تقریباً به وسایل و سامانه‌های مدرن روز تجهیز شده بودند، ولی در نیروی هوایی، سیاست کلی پدافند هوایی از فضای کل کشور بر مبنای تجهیزات هوای پناه استوار بود، یعنی ایجاد پوشش کامل راداری از کل فضای کشور توسط رادارهای زمینی، رادارهای هواپیما و سایر تجهیزات مختلف زمینی و یا هوایی، به گونه‌ای که درگیری و انهدام آنها در تقدم یکم با هواپیماهای شکاری، مانند هواپیماهای شکاری F4 و F5 و مخصوصاً F14 که از پیشرفته‌ترین هواپیماهای روز دنیا بودند، انجام می‌گرفت.

لازم به ذکر است که سیستم‌های پدافند زمین به هوا به جز دو مورد، یکی در شهر اهواز و دیگری در جزیره خارک، کلاً مسئولیت پدافند هوایی پایگاه‌های نیروی هوایی و ایستگاه‌های رادار را به عهده داشتند و به غیر از

این موارد، هیچ‌گونه دفاع زمین‌پایه برای پدافند هوایی از منابع ملی و حیاتی شهرها در ارتفاع متوسط و بالا در نیروهای سطحی در نظر گرفته نشده بود.

وضعیت پدافند هوایی عراق در شروع جنگ تحمیلی

بر عکس سیاست کلی پدافند هوایی ایران که هواپایه بود، کشور عراق دکترین پدافند هوایی خود را بر اصل پدافند زمین‌پایه طرح‌ریزی نموده بود و بر همین اساس، فضای کلی کشور عراق در پوشش پدافند زمین به هوا قرار داشت و برای اجرای چنین سیاستی، سیل عظیمی از سامانه‌های زمین به هوا در سرتاسر کشور مستقر کرده بود. ولی از نظر تجهیزات و هواپیماهای پروازی، کشور عراق به مراتب از ایران عقب‌تر بود و نوعاً از هواپیماهای میگ ۱۹، میگ ۲۱ و هواپیماهای بلوک شرق، که توانمندی زیادی نسبت به پرنده های ایرانی نداشتند، استفاده می‌کرد.

پدافند هوایی در سال‌های اول دفاع مقدس

در آغاز جنگ تحمیلی، ایران از توان هوایی مناسبی برخوردار بود. در فضای کشور و همچنین تا عمق ۷۰ تا ۸۰ کیلومتری عراق، همواره برتری مطلق هوایی با ایران بود و هواپیماهای شکاری ما در تمام مناطقی که پوشش راداری داشتیم، سیطره کامل داشتند.

به مرور زمان و به دلیل به کارگیری سنگین تجهیزات هوایی و همچنین قطع یکباره تمام پشتیبانی‌های فنی و تدارکاتی از طرف کشور سازنده و از همه مهم‌تر فرسودگی روزافزون تجهیزات موجود، توان رزمی ما کم‌کم

کاهش پیدا کرد و در مقابل، بخصوص بعد از عملیات‌های موفق سال دوم جنگ، که تعداد زیادی از هواپیماهای دشمن از بین رفته بود، هر دو بلوک غرب و شرق متفقاً بدون هیچ قید و شرطی نسبت به تقویت توان هوایی عراق اقدام کردند و عراق را به مدرن‌ترین تجهیزات هوایی روز دنیا، مانند هواپیماهای میراژ فرانسه، میگ ۲۹ و سوخوی ۲۴ و میگ ۲۵ شوروی که همگی از سرآمدترین هواپیماهای جنگنده روز دنیا بودند، مجهز نمودند و در نتیجه، باعث بهم خوردن موازنه قدرت هوایی ایران شد و برقراری امنیت فضای کشور در دو زمینه، یعنی تأمین پدافند هوایی از منابع و ثروت‌های ملی و تأمین پدافند هوایی مناطق نبرد دچار مشکل اساسی گردید. ضمن اینکه شوروی سابق سامانه پدافند هوایی زمین‌پایه عراق را هم به شدت تقویت نمود.

تغییر دکترین پدافند هوایی کشور

مشکلات بوجودآمده نگرانی‌های زیادی را بر مسئولین کشور و فرماندهان نظامی به وجود آورده بود، ولی با لطف و عنایت خداوند، مسئولین وقت بر آن شدند که در دکترین پدافند هوایی کشور، تغییرات اساسی ایجاد نمایند و بر همین مبنا، پدافند هوایی از هواپایه به زمین‌پایه تغییر پیدا کرد، که در پی آن تغییرات اساسی زیر ایجاد گردید:

الف- پدافند هوایی از مناطق نبرد

حمایت عملی و مؤثر از نیروهای درگیر زمینی بایستی در اولویت قرار می‌گرفت. تنها سیستم موجود و در دسترس برای این منظور، سیستم موشکی هاگ بود که در زمان خود دارای برد مناسب بوده و قابلیت‌های

لازم برای درگیری با تجهیزات پرنده دشمن را داشت، که در مناطق عملیاتی به کار گرفته شد. البته اجرای چنین طرحی در ابتدا اجرایی به نظر نمی‌رسید، ولی تعدادی از پرسنل خلاق، مبتکر و جان‌برکف پدافند هوایی داوطلبانه این مسئولیت را به عهده گرفتند و به حق، خیلی خوب از عهده این کار مهم برآمدند و افتخار بزرگی را برای کشور و پدافند هوایی ایجاد کردند، که در این زمینه نقش شهید عزیز سرلشکر ستاری بسیار سرنوشت ساز بود.

ب- پدافند هوایی از نقاط حساس و حیاتی کشور

بر همین اساس، پدافند هوایی نیروی هوایی موظف گردید تا با استفاده از تجهیزات پدافند زمین به هوای خود از کلیه منابع و مناطق حساس و حیاتی کشور دفاع کند، که با توجه به اینکه در سازمان و ساختار آن این مأموریت پیش‌بینی نگردیده بود، مأموریت بسیار سنگین و طاقت‌فرسایی بر دوش پدافند هوایی قرار داده شده بود.

در پی این تصمیم، سلاح‌های پدافند هوایی بکارگرفته‌شده در پایگاه‌های نیروی هوایی جمع‌آوری گردید و در نقاط و مراکز حیاتی کشور، بجز چند پایگاه و ایستگاه راداری نزدیک مرز عراق، گسترش پیدا کرد.

با توجه به وسعت کشور و پراکندگی مناطق حساس، که به پدافند هوایی نیاز داشتند، اقدامات انجام شده کافی و جوابگوی تهدیدات نبود و این شد که در مرحله بعدی، حجم زیادی از تجهیزات نیروی زمینی و دریایی هم به این مهم اختصاص پیدا کرد.

ج- ترتیب تقدم پدافند هوایی از مراکز و نقاط حساس و حیاتی

اولویت اول- مراکز و خطوطی که به صدور نفت مربوط می‌شد (پالایشگاه‌ها، خطوط انتقال، تلمبه‌خانه‌ها، ترمینال‌های صدور نفت، کشتی‌های نفتکش و ...)

اولویت دوم- سیستم تأمین‌کننده برق کشور مثل نیروگاه‌ها، سدها، خطوط انتقال برق

اولویت سوم- شهرهای نزدیک به مرز مانند آبادان، گیلانغرب و... بدین ترتیب، در روزهای آخر دوران هشت سال دفاع مقدس، بیش از سه‌چهارم جنگ‌افزارها و سامانه‌های پدافند هوایی به دفاع از منابع اقتصادی، حیاتی و حساس غیرنظامی کشور اختصاص پیدا کرده بود. و بالطبع پدافند هوایی از یگان‌های سطحی با کاهش چشمگیر مواجه گردیده، که این کاهش را با جابه‌جایی تجهیزات و تسلیحات پدافندی در زمان‌های عملیات نیروهای سطحی به مناطق عملیاتی تا حدودی جبران می‌کردند و ضربات مهلکی به پرنده‌های تهاجمی کشور عراق وارد می‌کردند. نمونه بسیار بارز آن عملیات والفجر ۸ بود، که بیش از ۶۰ فروند هواپیمای عراقی را سرنگون نمودند که در آتی شرح داده خواهد شد.

نقش پدافند هوایی در ۸ سال جنگ تحمیلی

همان‌گونه که در ابتدای بحث پدافند بیان گردید، پدافند هوایی تنها یگانی است که در تمام حالات، چه جنگ و چه صلح باید هوشیار باشد و با تلاش و به‌کارگیری ابزارها و سامانه‌های موجود و آموزش و ورزش‌دگی کارکنان آن، امنیت فضای کشور را تأمین نماید. لذا در کلیه روزهای دوران دفاع

بخش هشتم: پدافند هوایی در جنگ هشت ساله / ۱۲۳

مقدس، پدافند هوایی همواره در حال انجام مأموریت خود بود، بخصوص در زمانی که عملیاتی زمینی طرح‌ریزی و اجرا می‌شد، طبعاً فعالیت و تلاش کارکنان پدافند چند برابر می‌گردید و در هر عملیات، بایستی ابتکار و خلاقیتی برای مقابله با حمله‌های هوایی دشمن اتخاذ می‌گردید و بدون شک، دشمن هم بیکار ننشسته و در مقابل تاکتیک‌ها و ابتکارات ما، راهکار و چاره‌اندیشی می‌کرد. به چند نمونه از اقدامات انجام‌شده در چند عملیات اشاره می‌شود.

نقش پدافند هوایی در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت المقدس

همان‌گونه که گفته شد، این دو عملیات در فاصله تقریبی یک ماه از یکدیگر انجام شد و به علت نزدیکی زمان و مناطق این دو عملیات، پدافند هوایی برای تأمین دفاع هوایی از یک طرح کلی و پیوسته استفاده نمود. در این عملیات، برای نخستین بار سه سامانه موشکی هاگ با روش کاملاً کلاسیک و منطبق با آئین‌نامه‌های موجود به مناطق عملیات برده شد و عملیاتی گردید و هم زمان معبرهایی که با توجه به عوارض زمینی امکان نفوذ هواپیماهای دشمن در ارتفاع پست از آنها وجود داشت، توسط سیستم‌های اسکای‌گارد پوشیده شد. در جابه‌جایی و انتقال سیستم به منطقه، کلیه اصول حفاظتی و اصول استتار و اختفاء کاملاً رعایت گردید و گسترش سامانه‌ها بسیار آرام و به دور از دید دشمن صورت گرفت، به طوری که دشمن غافلگیر شده و متحمل خسارت‌های سنگین گردید و خیلی زود برتری هوایی خود را از دست داد.

این ترفند و تاکتیک بکاررفته به قدری کارآمد و غافلگیرکننده بود که انهدام بیش از ۷۰ فروند هواپیمای دشمن را در مدت کوتاه به دنبال داشت، که موجب حیرت جهانیان گردیده و باورکردنی نبود.

عملیات بدر و خیبر

شکست خفت‌بار و همه‌جانبه دشمن و خسارات کلان وارده در دو عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس باعث گردید تا دشمن طرح جدیدی را برای جبران شکست خود و فلج کردن اقتصاد کشور به اجرا بگذارد و هدف‌هایی را با تجهیزات پیشرفته خریداری‌شده جدید به شرح زیر در سرلوحه کار خود قرار دهد:

- از کار انداختن سیستم‌های تأمین‌کننده سوخت و برق کشور
- تلاش بیشتر برای جلوگیری از صدور نفت ایران، از جمله جزیره خارک، که تنها پایانه صدور نفت بوده مورد سنگین‌ترین هجوم‌های دشمن قرار گرفت.
- مورد تعرض قرار گرفتن کلیه بنادر، نفتکش‌ها و کشتی‌های حامل نیازمندی‌های کشور.

این عملیات‌ها همچنان ادامه داشت، تا اینکه با گسترش وسیع تجهیزات پدافندی و تلاش خستگی‌ناپذیر کارکنان، تعداد زیادی از هواپیماهای دشمن ساقط گردید و به دنبال آن، آرامش نسبی در سطح کشور به وجود آمد.

در این زمان، مأموریت دفاع هوایی از مناطق عملیاتی خیبر و بدر به پدافند هوایی ابلاغ گردید، که به علت نداشتن فرصت و عدم آمادگی کافی و از طرفی،

بخش هشتم: پدافند هوایی در جنگ هشت ساله / ۱۲۵

ورود تجهیزات جدید عراق، متأسفانه نه تنها موفقیت چندان‌ی به دست نیامد، بلکه خسارت سنگینی به پدافند وارد شد و دو سایت پدافند هوایی بمباران و منهدم شد و از همه مهم‌تر اینکه به شدت در روحیه کارکنان تأثیر منفی گذاشت و پیروزی شیرین عملیات بیت المقدس و فتح المبین به تلخی گرایید.

پدافند در عملیات والفجر ۸

در این عملیات مشخص شد که دیگر با این تجهیزات، به صورت کلاسیک قادر به ادامه جنگ نمی‌باشیم و حتماً بایستی با ابتکار و خلاقیت، روش جدیدی را ابداع کرده و به کار گرفت. این بود که شهید ستاری، شهید بابایی، امیر غلامی، امیر مرآتی و تعداد دیگری از فرماندهان پدافند به طرح جدیدی دست یافتند و برای اولین بار، نسبت به تشکیل قرارگاه رعد در منطقه نبرد اقدام نمودند و ابتکارات جدید به کار گرفته شد، از جمله ساخت سیستم‌های فریب. یعنی در هر جایی که سایت عملیاتی اصلی برقرار می‌شد، دو سایت فریب‌دهنده نیز ساخته می‌شد و در عملیات موفق والفجر ۸، ضمن پوشش کامل فضای منطقه عملیات، ۷۲ فروند هواپیمای مدرن و بروز عراق منهدم گردید، که حیرت کارشناسان دنیا را به دنبال داشت. این عملیات یکی از عملیات‌های برجسته پدافند هوایی می‌باشد و تلخی ضعف در عملیات بدر و خیبر به شیرینی کامل ملت ایران، مسئولین، فرماندهان جنگ و کارکنان فداکار و تلاشگر پدافند هوایی تبدیل شد.

بدون شک بیشترین خلاقیت در این عملیات مدیون شهید عزیز و بزرگوار ستاری می‌باشد. رحمت خدا بر ایشان و همه شهدای عزیز جنگ تحمیلی، بخصوص شهدای گمنام پدافند هوایی.

مطالبی چند در مورد سایت قهرمان سوباشی

۱- مأموریت سایت

- کشف، شناسایی، رهگیری و درگیری با دشمن با بهره‌گیری از هواپیماهای شکاری رهگیر و جنگ‌افزارهای پدافند هوایی در منطقه، کنترل عملیات کلیه جنگ‌افزارهای پدافند هوایی در ۱۵ استان کشور.
- لبه‌جلویی اطلاع‌رسانی و دفاع هوایی از استان‌های مرکزی، بویژه تهران، قم و استان‌های شمال‌غرب، غرب و مرکز.
- کشف اهداف در قلب خاک دشمن و طرح‌ریزی مقابله با آنها.
- اعلام خبر هوایی و موشکی به تمامی استان‌های یادشده بر حسب مورد.
- هدایت عملیاتی کلیه هواپیماهای شکاری، بمباران و رهگیر و هدایت عملیاتی ناوگان غیرنظامی (در شرایط تهدید) و بالگرد در منطقه تحت مسئولیت
- مقابله با جنگ الکترونیک دشمن در ۸ سال دفاع مقدس

۲- نتایج و دستاوردها

این سایت در اجرای مأموریت‌های محوله با بهره‌گیری از تجهیزات یادشده در منطقه غرب و شمال‌غرب و دیده‌بانی مستمر موجب گردید که ده‌ها هواپیمای دشمن در منطقه عملیاتی واحدهای زمینی مورد اصابت سلاح‌های هواپیماهای خودی و جنگ‌افزارها و موشک‌های زمین به هوا قرار گیرد. از افتخارات این رادار، زدن هواپیما توسط واحد زمین به هوای تحت امر در روز اول جنگ بوده که لاشه آن در موزه دفاع مقدس همدان

مستقر است و همین‌طور زدن جنگنده میراژ با گزارش دیده‌بان در منطقه همدان و ده‌ها نمونه دیگر از این قبیل، به‌طوری‌که عملکرد این سایت در طول جنگ موجب گردید که دشمن ده‌ها بار به آن حمله نماید که هر بار ناکام گردید و در آخر، فرمانده نیروی هوایی عراق ژنرال سعید شعبان اعلام کرد که شخصاً به این سایت حمله می‌نماید، که در نهایت، کینه خود را با بهره‌گیری از موشک هدایت‌شونده لیزری در عصر روز پنجم مردادماه ۶۷ در پشتیبانی از عملیات منافقین کوردل عملی نمود. این در حالی است که چندین روز منابع اطلاعاتی از اراده قاطع دشمن در انهدام این سایت خبر می‌دادند و روز قبل هم اقدام به حمله و بمباران نمود که در اثر آتش پدافند، بمب‌ها به اطراف سایت اصابت کرده و در اثر فرور ریختن قطعات سقف اتاق‌ها چند تن زخمی شده بودند، ولی هیچ خللی در اراده این رادمدان به وجود نیامد و آگاهانه در این نبرد عاشورایی به استقبال شهادت شتافتند.

اسامی شهدای سوباشی (درجه‌ها در زمان شهادت می‌باشند)

- ۱- سروان مهدی عسگری
- ۲- سروان اسد زمانی
- ۳- سروان نظام‌علی ملکی
- ۴- سروان علی جودکی
- ۵- سروان اکبر کوهی ورامینی
- ۶- سروان فرهاد دستنبو
- ۷- ستوان یکم پرویز نادری
- ۸- ستوان یکم پرویز منصور علی
- ۹- استوار حسن‌علی مهدوی برازنده
- ۱۰- استوار یکم محمد علی جوینده

- ۱۱- ستوان عبدالله مومنی
- ۱۲- ستوان حسن یوسفی صنعت
- ۱۳- ستوان یکم رضا اقبال پور
- ۱۴- استوار طهماسب جامع شورانی
- ۱۵- استوار علی نقی فخرالدین
- ۱۶- گروه‌بان یکم خسرو پناهی
- ۱۷- ستوان علی حسین زارعی
- ۱۸- استوار حسن مسعودی خرم
- ۱۹- استوار بهرامی روشن

محل سایت: منطقه بین همدان و قروه در ارتفاعات منطقه مشرف بر فضای ۳۶۰ درجه منطقه.

بخش نهم

نداجا در جنگ هشت ساله

توضیح: برداشت از کتاب آموزشی معارف جنگ ویژه کارکنان وظیفه، گردآوری و تنظیم: سرتیپ ۲ ستاد عباس تقیان پور، سال ۱۳۹۶.

اهمیت دریا

قبل از اینکه وارد بحث نیروی دریایی و تاریخچه و عملکرد نیروی دریایی در هشت سال دفاع مقدس بشویم، لازم است به چند مورد زیر توجه داشته باشیم.

بیش از دو سوم سطح کره زمین را دریاها پوشانده‌اند. کلیه کشورهایی که به دریاهای آزاد راه دارند، از طریق آبراه‌های بین‌المللی می‌توانند در اقصى نقاط جهان با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند. از دیر باز، تجارت از طریق دریا رونق بسیار زیادی داشته است. کشورهایی که در مجاورت دریا قرار دارند، می‌توانند از این طریق، کالاهای مورد نیاز و همچنین تولیدات خود را در حجم بالا و با ارزان‌ترین قیمت، حمل و نقل نمایند و این موضوع در صادرات و واردات هر کشور نقش مهم و بسزائی دارد. اگر دقت داشته باشید پیشرفته‌ترین شهرها در دنیا در کنار سواحل دریا احداث گردیده است. خوشبختانه کشور ما با داشتن نزدیک به دو هزار کیلومتر مرز آبی در جنوب کشور (خلیج فارس و دریای عمان در کنار اقیانوس هند) یکی از بهترین موقعیت‌های آبی در جهان را در اختیار دارد. بیش از ۹۵ درصد از صادرات و واردات کشور ما از مسیر دریا انجام می‌شود.

قدرت دریایی چیست؟

قدرت دریایی عبارت است از مجموعه‌ای از وسایل و توانمندی‌هایی که امکان استفاده یک کشور را از دریا ممکن می‌نماید.

بخش نهم: نداجا در جنگ هشت ساله / ۱۳۱

به طور خلاصه، می‌توان گفت که قدرت دریایی عبارت است از توانایی عمل در دریا. لذا وسایل و اجزاء قدرت دریایی را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- ناوگان نظامی
- ناوگان غیرنظامی (تجاری و نفتکش)
- بنادر و تجهیزات بندری
- پایگاه‌های دریایی
- مراکز آموزش دریایی (دانش دریایی)
- صنایع دریایی (از قبیل ساخت و تعمیرات تجهیزات دریایی و...)
- زیر ساخت‌ها و صنایع مستقر در دریا، کرانه و پس کرانه مرتبط با دریا، سکوهای شناور، خطوط راه‌آهن، صنایع تبدیلی و سردخانه‌ها که به حول و قوه الهی، امروز همه این فاکتورها در کشور ما وجود دارد.

تاریخچه نیروی دریایی در ایران

دریانوردی ایرانیان به دوران بسیار دور و باستانی برمی‌گردد. بزرگ‌ترین کتابی که در این زمینه می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد، شاهنامه فردوسی است. به دلیل اختصار در کلام، از بیان حضور ایرانیان در دریا در دوره‌های مختلف تاریخ صرف نظر می‌کنیم و بحث را از نیروی دریایی ایران در دوران معاصر به طور بسیار گذرا شروع می‌کنیم.

در سال ۱۳۰۶، دولت ایران با ایتالیا در رابطه با سازماندهی نیروی دریایی جدید وارد مذاکره می‌شود و مطالعه و سفارش خرید تعدادی ناو

توپدار را به کشور مذکور می‌دهد و هم‌زمان نیز تعدادی از افسران جوان ایران برای طی دوره دریانوردی به ایتالیا اعزام می‌شوند.

در روز ۱۴ آبان ماه ۱۳۱۱، با ورود شش ناو ساخت ایتالیا در سواحل بوشهر در خلیج فارس، در واقع هسته مرکزی و پایه‌های نخستین نیروی دریایی نوین ایران پی‌ریزی می‌شود.

دو ناو به نام‌های ببر و پلنگ، که هر کدام به ظرفیت ۹۵۰ تن بودند، و چهار ناو دیگر به اسامی شهباز، کرکس، سیمرغ و شاهین هر کدام به ظرفیت ۳۲۰ تن خریداری می‌گردند. پس از ورود این ناوها و اجرای مراسم در بوشهر، ناوگان جدید ایران به سمت خرمشهر حرکت می‌کند و سازمان نیروی دریایی جنوب که مرکز آن در خرمشهر تعیین شده بود، به فرماندهی شادروان دریابان غلامعلی بایندر شروع به کار می‌کند.

در سحرگاه سوم شهریورماه ۱۳۲۰، در جنگ جهانی دوم که نیروهای انگلیسی از جنوب و شوروی از شمال بدون توجه به بی‌طرفی ایران، کشور ما را مورد تهاجم قرار داده بودند، در جنوب، نیروی دریایی ایران به طور ناگهانی و بدون اعلام جنگ و اطلاع رسانی قبلی، توسط نیروی دریایی انگلیس مورد تهاجم قرار گرفته و ناوشکن‌های پلنگ و ببر در کنار اسکله منهدم می‌شوند و تیمسار دریادار بایندر فرمانده نیروی دریایی و بیش از ۶۰۰ نفر از فرماندهان و ناوی‌های دلاور به شهادت می‌رسند و سایر یگان‌های شناور دریایی ایران نیز به تصرف دشمن درمی‌آیند. در قسمت شمال در سواحل بندر انزلی، بعد از به شهادت رسیدن چندین ناوی و درجه‌دار ایرانی در محل دیده‌بانی دریایی، هشت فروند ناو شوروی به نزدیکی ساحل آمده و صبح چهارم شهریور، هواپیماها و ناوهای ایرانی در

بخش نهم: نداجا در جنگ هشت ساله / ۱۳۳

بندر انزلی را بمباران می‌کنند و طی این بمباران که تا حوالی ظهر ادامه می‌یابد، ناوگان مختصر ایران در انزلی به دست شوروی‌ها افتاده و فرماندهان و کارکنان ناوها به شهادت می‌رسند و بدین ترتیب، پرونده نیروی دریایی در شمال نیز بسته می‌شود.

نیروی دریایی پس از جنگ جهانی دوم

در سال ۱۳۲۵، دولت ایران به متفقین اعلام می‌نماید که چون در زمان جنگ بدون توجه به مقررات جنگی، ناوها و ناوچه‌های نیروی دریایی ایران را منهدم کردید، بایستی غرامت ناوهای غرق شده را بپردازید و به تعدادی از افسران نیروی دریایی نیز آموزش بدهید.

دولت انگلیس در نهایت، به جای ناوهای ببر و پلنگ سابق که منهدم کرده بود، دو ناو دیگر تحویل ایران می‌دهد و این دو ناو به یاد ناوهای غرق شده، به نام ببر و پلنگ نامگذاری می‌شوند و ناوهای شاهرخ، شهباز، سیمرغ، کرکس و یک یدک‌بر را نیز، که از نیروی دریایی گرفته بودند، در سال ۱۳۲۶ پس می‌دهند و فعالیت جدید نیروی دریایی ایران مجدداً آغاز می‌شود.

در سال‌های بعد، نیروی دریایی ایران اقدام به توسعه پایگاه‌ها و مناطق استقرار خود نمود و تعدادی واحد شناور و پروازی نیز خریداری کرده و به سازمان خود اضافه می‌نماید؛ به طوری که در ۱۴ آبان ماه ۱۳۴۹، یعنی سی و هشتمین سال تأسیس نیروی دریایی، علاوه بر یگان‌های شناور، سازمان هوادریا را با خرید چند اسکادران بالگرد ۲۰۶ و ۲۰۵ و SH3D ضد زیردریایی مجهز می‌نماید. در این سال، تناژ نیروهای شناور به حدود ۴۰ هزار تُن

رسیده بود که نسبت به سال ۱۳۲۵، که ۳۲۰۰ تن بود، حدود ۱۲ برابر افزایش را نشان می‌دهد و به این ترتیب، روز به روز بر قدرت، تجربه و کارایی نیروی دریایی تا شروع جنگ تحمیلی اضافه می‌شود.

مأموریت نیروی دریایی

نیروی دریایی وظیفه دارد که خطوط مواصلاتی دریایی را برای استفاده کشور از این آبراه‌ها باز نگاه داشته و امنیت دریایی جزایر و بنادر جمهوری اسلامی ایران را تأمین کرده و از منافع کشور در آب‌های ساحلی و فلات قاره دفاع نماید. همچنین وظیفه دارد در مواقع بحران و جنگ، خطوط مواصلاتی و معابر وصولی دشمن را مسدود نموده و از استفاده دشمن از دریا جلوگیری کند.

موقعیت نیروی دریایی ایران در ابتدای جنگ تحمیلی

لازم است بدانید هشت کشور اطراف خلیج فارس هر یک دارای بخشی از سواحل این خلیج می‌باشند، که از این طریق، به دریاهای آزاد راه داشته و از آن بهره‌برداری می‌نمایند.

در این بین، ایران دارای بیشترین ساحل و عراق کمترین ساحل را داراست. دسترسی عراق به دریا، منحصر می‌گردد به اروندرود، که رودخانه مشترک بین ایران و عراق می‌باشد و دیگری خور عبدالله که با کشور کویت مشترک است؛ لذا عراق از این نظر دارای محدودیت بسیار می‌باشد و یکی از دلایل عراق برای به دست گرفتن تمامی اروندرود (که در طرح حمله به ایران در نظر داشت)، دسترسی به ساحل بیشتر در خلیج فارس بوده، که

بخش نهم: نداجا در جنگ هشت ساله / ۱۳۵

در صورت موفقیت، علاوه بر ارون درود بریدگی بسیار خوبی مانند خور موسی، که دو بندر بزرگ و مجهز و فعال ایران یعنی بندر ماهشهر و بندر امام خمینی (ره) در آن قرار داشتند، را نیز به تصرف خود درمی آورد، چون از نظر ژئوپولوتیکی و سلطه جویی صدام نیاز حیاتی به این دسترسی داشت. وقتی عراق در جنگ با ایران نتوانست موفق شود، با شروع دعوا بر سر جزیره بویان که متعلق به کویت است، به آن کشور حمله کرده و آن را به تصرف خود درآورد و مسائل زیادی در این حمله عراق به وجود آمد و باعث انهدام حزب بعث عراق و صدام و اشغال کشور عراق توسط نیروهای ائتلاف بویژه آمریکا و انگلیس گردید.

اقدامات نیروی دریایی در ابتدای جنگ تحمیلی

با توجه به شرایط بندر خرمشهر و نزدیکی بسیار با عراق که حتی می شد با خمپاره، شناورها مورد اصابت قرار بگیرند، و عدم امکان مناسب رزم شناورها در رودخانه ارون درود، در سال ۱۳۵۹ که نشانه هایی از جنگ عراق به ایران دریافت می شد، برای اینکه نیروی دریایی غافلگیر نشود با یک تصمیم منطقی و بموقع نسبت به خارج نمودن شناورها از این بندر بن بست به پایگاه های بوشهر و بندرعباس اقدام گردید و با وجود تمامی مشکلات، خوشبختانه موفق شدند تا پیش از آغاز جنگ، یگان های خود را تخلیه نماید تا در صورت وقوع جنگ از آنها علیه عراق به خوبی استفاده کند که بعدها نیز چنین شد. تنها دو فروند ناو لجستیکی به نام های لنگه و هرمز و کشتی

سلطنتی کیش موفق به خروج از بندر نشدند که با شروع جنگ، توسط نیروهای دشمن منهدم و غرق گردیدند.



عملیات‌های انجام شده نیروی دریایی در هشت سال دفاع مقدس

به دلیل گسترده‌گی مرز آبی و منافع عدیده جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس، نیروی دریایی عملیات‌های زیادی را در دریایی عمان و خلیج فارس انجام داده که فرصت بیان کامل همه آنها نیست و به طور خلاصه به بیان قسمتی از آنها پرداخته می‌شود.

در خلیج فارس، طرح‌های متعددی از روزهای اول جنگ توسط انواع یگان‌های شناور، هوادریا، تکاوران دریایی، تفنگداران دریایی و غواصان به اجرا درآمد. قبل از اینکه به عملیات‌های شاخص نیروی دریایی پرداخته شود، فقط به نام آنها اشاره می‌شود.

الف - طرح ذوالفقار

گشت دریایی و پدافند هوایی این نیرو از جزایر و تأسیسات نفتی مستقر در خلیج فارس و کنترل تردد در تنگه هرمز و بنادر ایرانی به منظور

بخش نهم: نداجا در جنگ هشت ساله / ۱۳۷

باز نگه داشتن خطوط مواصلاتی خودی و مقابله با حملات احتمالی یگان‌های دشمن.

ب- طرح بهروز

گشت دریایی و پدافند از جزیره خارک و سکوه‌های نفتی ایران در خلیج فارس، انجام گشت توسط بالگردهای نیروی دریایی و ناوچه‌های موشک‌انداز جهت شناسایی و انهدام یگان‌های دریایی دشمن.

ج- طرح درفش

با توجه به تهدیداتی که برای حمله به جزایر سه‌گانه ایرانی با همکاری برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس وجود داشت، یک گروهان تکاوران دریایی به همراه یک گروهان نیروهای هوایر به عنوان اولین نیروهای دفاعی در جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک جهت پدافند در آنجا مستقر شدند و بعدها با تشکیل یگان تفنگداران دریایی، پدافند از جزیره بر عهده این یگان قرار گرفت. این طرح از اولین روز آغاز جنگ تا اجرای آتش‌بس در پایان جنگ، یعنی به مدت هشت سال ادامه داشت.

عملیات تکاوران دریایی

اطلاع دارید تکاوران دریایی یگان‌های ورزیده‌ای هستند که افراد آن انواع دوره‌های رزمی را طی می‌کنند و توانایی زیادی برای عملیات در شرایط سخت را دارند. قبل از آغاز جنگ، با پشتیبانی عراق، دفاتر گروه ضدانقلابی به اصطلاح خلق عرب در خوزستان ایجاد می‌شود و شروع به فعالیت می‌کنند و از این طریق، با استفاده از وضعیت خاص کشور بعد از انقلاب، اقدام به ایجاد اغتشاش و آشوب در خوزستان می‌نمایند. عراق

توسط این گروه جاسوسانی را به این منطقه اعزام می‌کرده، تا با بمب‌گذاری، ناامنی و ناراضایتی را در استان، بخصوص شهرهای آبادان و خرمشهر ایجاد کند.

به منظور مقابله با اقدامات عراق و مبارزه با این جاسوسان، تکاوران نیروی دریایی از مدت‌ها قبل از جنگ، وارد خرمشهر شده و کنترل شهر را در دست می‌گیرند و تعدادی از جاسوسان را دستگیر کرده و به مقابله با ایادی آنان مشغول می‌شوند و آرامش را به این منطقه برمی‌گردانند. با شروع جنگ تحمیلی، هر چند مأموریت این یگان انجام عملیات ویژه دریایی بود، لیکن در خرمشهر باقی می‌ماند و در حماسه دفاع ۳۴ روزه خرمشهر رشادت و فداکاری‌های زیادی انجام می‌دهد. بخصوص اینکه در ۳۰ شهریور ۱۳۵۹، قرارگاه مقدم عملیاتی نیروی دریایی در بوشهر، تحت عنوان نیروی رزمی ۴۲۱ تشکیل می‌گردد و فرماندهی قرارگاه به عنوان جانشین فرماندهی نیرو فعالیت خود را شروع می‌کند و در ابتدای جنگ، یک گردان از تکاوران دریایی را به خرمشهر اعزام می‌نماید. این تکاوران به همراه گردان دژ خرمشهر از لشکر ۹۲ زرهی اهواز و دانشجویان اعزامی از دانشگاه افسری امام علی (ع) و نیروهای مردمی و سپاه پاسداران شهر خرمشهر و بقیه نیروهای داوطلب، توانستند ۳۴ روز مقاومت کرده و دشمن را پشت دروازه شهر خرمشهر متوقف کنند.

تکاوران دریایی در سایر عملیات‌ها، مثل همکاری با سایر نیروها در نجات آبادان در روزهای اول جنگ، عملیات فتح‌المبین، عملیات آزادسازی خرمشهر و... حضور فعال داشتند، که از بیان چگونگی آن به دلیل کمی وقت صرف نظر می‌کنیم.

سلسله عملیات‌های انهدام سکوهای البکر و الامیه

قبلاً گفته شد که عراق ساحل مناسبی برای صدور نفت در خلیج فارس، بخصوص برای پهلوی گرفتن کشتی‌های بزرگ نفتکش نداشت و به همین دلیل، اقدام به ایجاد سکوهای عظیم نفتی در شمال خلیج فارس نموده بود. این سکوها اهمیت اقتصادی بسیار بالایی برای عراق داشته و در زمان جنگ، اهمیت نظامی هم پیدا کرده بود؛ یعنی با استقرار پدافند هوایی و سیستم‌های راداری و دیده‌بانی، در رابطه با شناسایی و ردیابی وسایل شناور و پرنده ایران اقدام می‌کردند. به همین دلیل، از کار انداختن این دو سکو با هدف جلوگیری از صدور نفت عراق و از بین بردن توانایی نظامی عراق در دستور کار نیروی دریایی راهبردی قرار گرفت. اولین عملیات به نام **عملیات اشکان** در ۵۹/۰۸/۰۹ انجام گرفت و بعد از آن عملیات، **عملیات شهید صفری** انجام شد. با توجه به ضربه مؤثری که در عملیات اشکان به روحیه کارکنان و تجهیزات دفاعی دشمن در سکوهای مذکور وارد شده بود، لازم بود با استفاده از فرصت بدست آمده و قبل از آنکه دشمن بتواند تجدید قوا نماید، طرح تخریب کامل سکوها اجرا گردد. در این عملیات تکاوران نیروی دریایی، دو فروند ناوچه موشک‌انداز و دو فروند بالگرد این نیرو شرکت داشتند و پایگاه ششم شکاری نیروی هوایی نیز تأمین پوشش هوایی را بر عهده داشت. با توجه به نزدیکی سکوهای البکرو الامیه به خاک عراق (۱۰ مایل)، منطقه عملیات برای نیروهای خودی بسیار ناامن و انجام عملیات بسیار خطرناک بود، ولی نیروهای تکاور موفق شدند مواد منفجره را در شرایط بد آب و هوایی و بارندگی شدید در نقاط حساس و مهم سکوها کار بگذارند. در سحرگاه ۵۹/۰۸/۱۶، دو فروند بالگرد از بوشهر به پرواز درآمد

و به منظور سوار کردن تکاوران فیوزگذار به سوی سکوها می‌روند و تکاوران پس از روشن کردن فیوزها به سوی بالگردها دویده و بر آن سوار می‌شوند و پس از برخاستن بالگردها، سکوها منفجر شده و دود و آتش سراسر منطقه را می‌پوشاند و خسارات شدیدی به سکوها وارد می‌شود و باعث قطع کامل صادرات نفت عراق می‌گردد. این عملیات ضمن اینکه با فاصله کمی از عملیات اشکان صورت گرفته و موفقیت‌آمیز بود، تأثیر زیادی بر کاهش روحیه نفرات دشمن و ارتقاء روحیه نفرات خودی در پی داشت و انعکاس بسیار زیادی در سطح جهان پیدا کرد.

عملیات مروارید

عملیات‌های مختلف نیروی دریایی ایران باعث گردیده بود ضربات سنگینی به نیروی دریایی عراق وارد شود و کلیه یگان‌های دریایی دشمن برای مصون ماندن از حملات نیروی دریایی ایران، به مخفیگاه‌های خور و اطراف آب‌های کویت پناه ببرند.

قرارگاه ۴۲۱ نداجا، که قرارگاه مقدم نیروی دریایی بود، تصمیم گرفت برای حفظ سیادت دریایی، از سکوه‌های البکر و الامیه به عنوان سرپل و پست دیده‌بانی استفاده کند، تا بدین ترتیب، ضمن کنترل کامل یگان‌های رزمی سطحی و هوایی و یگان‌های تجاری دشمن در شمال خلیج فارس، موجب تحریک دشمن شده و باعث بیرون آمدن یگان‌های دریایی عراق از مخفیگاه به دریا بشود.

این طرح با توجه به تدابیری که اندیشیده شده بود، به خوبی پیشرفت کرد. در این عملیات، کلیه قسمت‌های سکوه‌های البکرو الامیه، که از دو

بخش نهم: نداجا در جنگ هشت ساله / ۱۴۱

عملیات قبلی سالم مانده بود، مجدداً با کارگذاری مواد منفجره، آماده انفجار در روز عملیات گردید.

در این طرح، هماهنگی لازم با نیروی هوایی انجام شد تا از هواپیمای F4 (فانتوم) جهت استفاده از آتش موشک‌های هوا به سطح و همچنین هواپیماهای F14 جهت ایجاد پوشش هوایی منطقه استفاده شود. شرح کامل عملیات در این فرصت کم امکان‌پذیر نیست.

به طور کوتاه و مختصر، در بعدازظهر ۵۹/۰۹/۰۶، توسط تیم ویژه مرکب از ۷ نفر با سه فروند بالگرد در پوشش هوایی، دو فروند هواپیمای F14 به سوی سکو پرواز می‌کنند و با وجود نامساعد بودن هوا و بارش شدید باران، تکاوران موفق به هلی‌برن روی سکو می‌شوند و اقدام به پاکسازی منطقه می‌کنند و تعدادی از نفرات باقیمانده دشمن را به اسارت درمی‌آورند. فرمانده سکو که یک سرگرد بود، به اسارت درمی‌آید و اطلاعات زیادی را از او در بازجویی به دست می‌آورند. سرگرد عراقی وقتی متوجه می‌شود نیروهای ایرانی فقط هفت نفر بودند، با تعجب می‌گوید: "شما فقط هفت نفرید؟" و باور نداشت که مغلوب این تعداد از رزمندگان دلیر ایرانی شده‌اند. در صبح روز هفتم آذر سال ۱۳۵۹، همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، با فشار فرماندهان عراقی، تعداد زیادی یگان شناور و هواپیمای دشمن برای مقابله با نیروها و شناورهای ایرانی به منطقه اعزام می‌شوند. با روشن شدن هوا و هماهنگی و همکاری دقیق نیروی دریایی و نیروی هوایی، تعداد زیادی از یگان‌های شناور و هواپیماهای دشمن منهدم می‌شوند. ناوچه پیکان در موقعیت بسیار خوبی در کنار سکوی البکر قرار داشت، به طوری که رادارهای دشمن قادر به تفکیک آن از سکو نبودند، لذا موشک‌های شلیک شده آنان به

سکو اصابت می کرد. ناوچه پیکان در مواقع مناسب از مخفیگاه خارج می شد و با یگان های دشمن درگیر شده و آنها را منهدم می کرد و با ارتباط با هواپیماهای نیروی هوایی و هدایت دقیق آنها بر روی هدف، موجب انهدام آنها می شد (افسر رابط نیروی هوایی در ناوچه پیکان حضور داشت).

در طول روز هفتم آذر، عملیات مروارید به شدت ادامه داشته و تعداد زیادی از یگان های شناور و هوایی دشمن منهدم می شوند و بیش از ۷۰ درصد یا دوسوم نیروی دریایی عراق از بین می رود و مابقی بعد از این عملیات در بنادر ام القصر و بصره زندانی می شوند. در اثناء درگیری ها، یک فروند ناوچه "اوزا" دشمن که از منطقه فرار کرده بود، در کنار سکوی الامیه پهلوی گرفت. در خاتمه روز، هنگامی که به ناوچه پیکان دستور داده می شود پس از سوار نمودن تیم ویژه به همراه اسراء به سوی بوشهر عزیمت نماید، ناوچه پیکان در ظهر روز هفتم آذر سکوی البکر را ترک می نماید و پس از آنکه کمی از سکو فاصله می گیرد، همان ناوچه عراقی که از نبرد فرار کرده و در کنار سکوی الامیه پهلوی گرفته بود، دو فروند موشک به سوی ناوچه پیکان شلیک می کند. ناوچه پیکان در موقعیتی درگیر می شود که امکان حمله به یگان دشمن را نداشت. موشک اول را ناوچه با مانوری که می دهد رد می کند، ولی موشک های دوم و سوم موجب انهدام ناوچه پیکان و شهادت تعداد زیادی از کارکنان ایثارگر و شهادت طلب ناوچه می گردد و ناوچه اوزای دشمن که پیکان را مورد هدف قرار داده بود، توسط یک فروند هواپیمای F4 به خلبانی شهید دوران مورد اصابت موشک قرار می گیرد و منهدم می شود.

با تلاش بالگردهای نداجا و عملیات تجسس و نجات تعداد ۱۶ نفر از پرسنل ناوچه و تیم عملیات ویژه، دو پیکر شهید و ۱۷ نفر از اسرای عراقی و

بخش نهم: نداجا در جنگ هشت ساله / ۱۴۳

دو جسد دشمن از آب گرفته می‌شود و بقیه کارکنان ناوچه به اتفاق فرمانده قهرمان ناوچه ناخدا همتی در عمق آب‌های خلیج فارس به دیار باقی و جوار قرب حق شتافتند.

در این عملیات خسارات زیر به دشمن وارد شد:

- انهدام ۵ فروند ناوچه پیشرفته موشک‌انداز اوزا
- انهدام ۳ فروند ناوچه تندرو و یک فروند مین جمع‌کن
- یک فروند ناو نیروبر و دو فروند یگان شناور ناشناخته نیروی دریایی دشمن

- صدمات کلی به ۳ فروند ناوچه دشمن

- سرنگونی تعداد ۱۱ فروند هواپیمای دشمن

هماهنگی یگان‌های دریایی و هوایی در این عملیات به اوج خود رسیده و تلاش مشترک دو نیرو موجب وارد آمدن ضربه‌ای بزرگ به عراق گردید. چنانچه پس از این عملیات، دیگر عراق نتوانست در صحنه دریا حضور یابد و تنها توسط موشک و هواپیما سعی در تهدید خطوط مواصلاتی ایران داشت.

لازم به ذکر است از آن سال به بعد، هفتم آذرماه به نام روز نیروی دریایی

ارتش جمهوری اسلامی ایران نامیده شده است.

نقاط قوت نیروی دریایی عراق

- آمادگی قبلی
- نظم و انضباط
- داشتن موشک‌های فراوان و استفاده نامحدود از آن
- حمایت از طرف بلوک غرب و شرق

نقاط ضعف نیروی دریایی عراق

- ضعف تجربه و ضعف آموزش در دریا نوردی‌های طولانی
- ضعف در عملکرد گروهی در دریا
- محدودیت سواحل و استقرار در بندر

عملیات اسکورت کاروان‌ها

با شروع جنگ تحمیلی، بخش اعظم کشتی‌های داخل اروندرود، چه در کنار اسکله‌ها و چه در لنگرگاه‌ها، مورد اصابت تیرهای مستقیم دشمن قرار گرفته و غرق شدند و یا صدمه کلی دیدند.

با توجه به اینکه بیشترین سهم واردات و صادرات کشور از طریق دریا انجام می‌گرفت، با توجه به بسته شدن اروندرود و غیرقابل استفاده شدن حاشیه اروندرود، عمده تلاش تأمین مایحتاج ضروری کشور بر روی بندر امام متمرکز شد. بندر امام در انتهای خور موسی و در شمال خلیج فارس قرار دارد. با توجه به برد سلاح‌ها و جنگ افزارهای دشمن و فاصله ناچیز بندر تا خاک عراق، به راحتی در برد موشک‌ها و هواپیماهای جنگی دشمن قرار داشت. یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عملیات نیروی دریایی از روز اول جنگ تا پایان هشت سال دفاع مقدس، باز نگه داشتن خطوط مواصلاتی ایران بود که دشمن با تمام قدرت، تلاش می‌کرد از واردات و صادرات کشورمان جلوگیری کند. باز نگه داشتن خطوط مواصلاتی، بخصوص در امر رساندن مایحتاج ضروری مردم کشورمان و نیازمندی‌های جنگ برای حفظ امنیت ملی کشور مهم و باارزش بود و دشمن نیز در راستای مقابله با اهداف نیروی دریایی ایران، از تمامی امکانات خود و حتی خرید و به کارگیری هواپیماهای سوپراتاندارد و بالگردهای سوپر فرلون که هر دو مجهز به موشک‌های هوا به

بخش نهم: نداجا در جنگ هشت ساله / ۱۴۵

سطح **اگزوست** بودند، تلاش زیادی انجام می‌داد؛ لیکن با تلاش و از خودگذشتگی کارکنان فداکار و ایثارگر نیروی دریایی، هیچ‌گونه موفقیتی در این راه به دست نیاوردند.

به طور خلاصه، در طول جنگ تحمیلی که در مجموع بیش از ده هزار کشتی تجاری و نفتکش به وسیله نیروی دریایی ایران از دریای عمان و یا تنگه هرمز تا بندر امام و بالعکس اسکورت شدند، بیش از ۱۵۰ کاروان، یعنی تقریباً هر ماه دو کاروان بود، که در هر کاروان چندین کشتی تجاری و نفتکش قرار داشت و نزدیک به ۳۰۰ میلیون تن انواع کالا و مایحتاج کشور به وسیله این شناورها به بنادر خودی وارد شده و به داخل کشور انتقال پیدا می‌کردند.

در انجام مأموریت اسکورت کشتی‌ها در طول هشت سال دفاع مقدس، ۲۵۹ فروند کشتی تجاری مورد اصابت قرار گرفته و صدمه دیده بودند، که عملیات تجسس و نجات بر روی این کشتی‌ها انجام شد و فقط ۲۰ کشتی که صدمه کلی دیده بودند، غرق شدند، که با توجه به اسکورت بیش از ده هزار کشتی، آماری بسیار درخشان و افتخارآمیز برای نیروی دریایی ارتش ایران محسوب می‌شود.

شایان ذکر است که تا پایان دفاع مقدس به دلیل حضور قدرتمندانه نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در تمامی بنادر و سواحل واقع در خلیج فارس و دریای عمان هیچ عملیات دریایی و یا آب‌خاکی علیه هیچ کدام از بنادر و سواحل دریایی ما صورت نگرفت.

یگان‌های هوادریا

یگان‌های عملیاتی هوادریا شامل هواپیماهای ترابری، بالگردهای ضدسطحی، ضد زیردریایی، مین روب و هواناوها می‌باشند. این یگان‌ها در

عملیات‌های مختلف شرکت داشتند، که به طور خلاصه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: همکاری با لشکر ۹۲ زرهی اهواز در آغاز جنگ، هدف قرار دادن تعدادی از تانک‌های دشمن، پشتیبانی از جزیره آبادان و خرمشهر که پس از اشغال خرمشهر و محاصره آبادان توسط دشمن، آبادان از سه طرف مورد محاصره قرار گرفته بود و راه زمینی مسدود شده بود و تنها راه‌های پشتیبانی این منطقه از طریق دریا (رودخانه بهمنشیر) و هوا میسر بود، لذا بالگردهای نیروی دریایی از راه هوا و هواناوها از طریق دریا و سپس رودخانه بهمنشیر به طور مستمر تا انجام عملیات شکست حصر آبادان اقدام به حمل آذوقه، مهمات و نفرات نظامی از بندر امام به داخل منطقه نموده و همچنین زخمی‌ها، شهدا و تعدادی از مردم غیرنظامی را از منطقه تخلیه می‌نمودند.

یگان‌های غواصی

افراد این یگان‌ها با طی آموزش‌های خاص قادر هستند عملیات‌هایی در زیر آب انجام دهند.

- غواصان در عملیات‌های اسکورت کاروان‌ها شرکت داشتند و در نجات کشتی‌هایی که مورد اصابت قرار می‌گرفتند نقش بسزایی ایفا می‌کردند.
- غواصان در عملیات بیت‌المقدس (آزادسازی خرمشهر) در بخش عبور از رودخانه کارون شرکت داشتند.
- در عملیات والفجر ۸ (عبور از اروندرود و تصرف فاو) غواصان نیروی دریایی وظیفه آموزش غواصی به افراد سپاهی و بسیجی برای عبور از اروندرود را بر عهده داشتند.

- به طور کلی، در طول جنگ تحمیلی، غواصان در عملیات‌های مختلف (جستجو و نجات، بازرسی‌های زیرآبی یگان‌ها، تأسیسات، انفجارات زیرآبی، بازیابی تجهیزات، شناسایی ساحل، عمق یابی و برخی عملیات‌هایی که گفته شد)، حضور فعال داشتند.

نیروی دریایی راهبردی

نیروی دریایی راهبردی به نیرویی گفته می‌شود که قادر است با اعزام شناورهای جنگی خود به خارج از آب‌های سرزمینی در فاصله‌های دور از سواحل خودی در دریاها و اقیانوس‌ها با توجه به توانمندی خود و مأموریت واگذاری، از منافع ملی کشور متبوع خود محافظت نماید و مأموریت خود را به مرحله اجرا در آورد.

با توجه به تحولات منطقه‌ای و تغییر اساسی در سمت و سوی تهدیدات و بر حسب تدابیر ابلاغی فرماندهی معظم کل قوا، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به یک نیروی راهبردی تبدیل گردیده است.

پیشرفت‌های علمی نیروی دریایی

یکی از تجربیات مهم جنگ تحمیلی این بود که به کسی وابسته نباشیم و خودمان روی پای خودمان بایستیم. چون در این دوره‌های سخت، کشورهای صاحب تکنولوژی با توجه به سیاست‌های وابسته‌ای که دارند، هرگونه همکاری خود را به بهانه‌های مختلف قطع خواهند کرد. تشکیل دانشگاه نیروی دریایی در سال ۱۳۵۹ در نوشهر، که افسران دریایی در کلیه رشته‌های فنی، ناوبری و رشته‌های مختلف دوره دیده‌اند، یکی از مهم‌ترین گام‌هایی است که نیروی دریایی برای خوداتکایی برداشته است و در مورد ساخت تجهیزات و شناورها و تعمیرات آنها به پیشرفت‌های بسیار

چشمگیری نایل گردیده است که برای نمونه، به ساخت اولین ناوشکن جنگی توسط متخصصین ایرانی به نام جماران و بعد ناوشکن جنگی دماوند می‌توان اشاره کرد.

حاصل عملیات‌ها و حضور مؤثر نیروی دریایی در هشت سال دفاع مقدس

- (۱) انهدام نیروی دریایی عراق
- (۲) برقراری اقتدار و سیادت ج.ا.ا در خلیج فارس و تنگه هرمز
- (۳) باز نگه داشتن راه آبی کشور جهت صادرات و واردات
- (۴) قطع خطوط مواصلاتی و محاصره دریایی دشمن و جلوگیری از تردد کشتی‌ها به طرف بندرهای عراق
- (۵) جلوگیری از صدور نفت عراق از طریق دریا با انهدام سکوه‌های نفتی البکر والامیه
- (۶) حفظ مرزهای آبی کشور و برقراری امنیت جزایر ایرانی در خلیج فارس
- (۷) بازرسی کشتی‌های مشکوک و جلوگیری از ورود هرگونه شناور به طرف بنادر عراق
- (۸) اسکورت کشتی‌های تجاری از دریای عمان تا بندر امام خمینی (ره)، شمالی‌ترین بندر ایران و مراجعت کشتی‌ها از این بندر.
- (۹) همکاری و اجرای عملیات مشترک با سایر نیروهای مسلح ج.ا.ا در دفع تجاوز متجاوزین بعثی

بخش دهم

سایر نیروهای مسلح در جنگ هشت ساله

همان‌طور که می‌دانید، علاوه بر ارتش، سپاه پاسداران نیز در هشت سال جنگ به صورت یگان‌های رزمی شرکت داشت و به تدریج نیز توسعه یافت. شهدای زیادی نیز در کارنامه خود ثبت نمود. علاوه بر سپاه پاسداران، جهاد سازندگی نیز به صورت رزمی با استفاده از امکانات جاده‌سازی که در اختیار داشت وارد میدان جنگ شد و در مدت هشت سال، اقدامات پشتیبانی مهندسی رزمی را در موضوعات جاده، خاکریز، پل و مشابه انجام و شهدای زیادی را در کارنامه این مجموعه ثبت نمود.

نیروهای داوطلب غیرنظامی نیز در مدت هشت سال جنگ در مشاغل و سن‌های مختلف در ابتدا با ورود به ارتش و سپاه و بعد با قانون ادغام بسیج در دی‌ماه ۵۹ با عنوان بسیج سپاه پاسداران، در میدان نبرد و رزم با دشمن شرکت و بیشترین شهدا را در تاریخ جنگ هشت ساله ثبت نمودند. نمونه بارز آن در چند ماه اول جنگ، گروه نامنظم شهید چمران را می‌توان نام برد. در مطالب زیر، اطلاعات مفید درباره هرکدام بیان می‌شود.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از بهمن‌ماه ۵۷ با هدف پاسداری از انقلاب، حفظ انضباط شهرها و روستاها، جلوگیری از تحریک، توطئه و خرابکاری در مؤسسات دولتی و ملی و نیز مراکز عمومی و سفارتخانه‌ها و غیره فعالیت خود را همراه با کمیته انقلاب اسلامی آغاز نمود. در ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ با حکمی از طرف امام خمینی(ره) رسمیت یافت. چند روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در کردستان و آذربایجان غربی، توسط تعدادی از تشکیلات ضدانقلاب که بعضی از آنان را دولت‌های بیگانه و

بخش دهم: سایر نیروهای مسلح: سپاه پاسداران / ۱۵۱

مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران حمایت مالی و سلاح و مهمات می‌نمودند، ناامنی در آن مناطق به وجود آمد. مجموعه ضدانقلاب با حمله و غارت پاسگاه‌های ژاندارمری و نیز غارت پادگان مهاباد در اول اسفند ۵۷ و سلاح و مهمات به دست آمده تلاش داشتند که کنترل حکومت مرکزی و نوپا را از بین برده و در نهایت راه تجزیه را پیش گیرند. شبیه آنچه که در سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ با حمایت نیروهای شوروی که بخش شمالی کشور را در اشغال داشتند و آذربایجان - شامل سه استان کنونی - به علاوه کردستان را جدا نموده بودند.

در این زمان، لشکرهای ۲۸ و ۶۴ تمام توان یگان‌های رزمی خود را به علاوه تعدادی گردان‌های اعزامی از سایر لشکرهای نزاجا برای حفظ پادگان‌ها و امنیت جاده‌ها به کار گرفتند و تلفات و خسارات زیادی را هم متحمل شدند که مشروح آن اقدامات در کتاب‌های مربوطه بیان شده است. هرچند که آن کتاب‌ها لازم هستند، اما کافی نمی‌باشند. لازم است کتاب‌های بیشتر و کامل‌تر درباره آن روزگار تهیه و منتشر گردد تا بتوان بیشتر به جزئیات موضوع و تحلیل آن پی برد.

سپاه پاسداران نیز در آن روزگار، آنچه که در توان داشت و اضافه بر نیروهای لازم در شهرها و روستاها که برای پاسداری از انقلاب باید در اختیار می‌داشت، تعداد قابل توجهی از نیروهای خود را به کردستان برای پشتیبانی از عملیات ارتش، ضمن حفظ استقلال و سلسله مراتب جداگانه خود، اعزام نمود که تا حدودی آن اقدامات و عملکرد در کتاب‌ها درج شده‌اند.

با آغاز جنگ، سپاه پاسداران آنچه که توانست، از نیروهایش را به میدان جنگ در جبهه مرزهای خوزستان و ایلام و کرمانشاه اعزام نمود. در جبهه مرز کردستان و آذربایجان غربی نیز، نیرو در مبارزه با ضدانقلاب داشتند. در آغاز جنگ، آنچه که از مطالعه کتاب‌های منتشره برداشت شده است، تعداد کل نفرات سپاه پاسداران از ۱۵ هزار نفر تجاوز نمی‌کرد.

کتاب تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، ج ۲ به قلم سرهنگ سید یعقوب حسینی، ص ۳۳۱

"سپاه پاسداران که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تأسیس شده، سازمان و تجهیزات پیش‌بینی شده‌ای نداشت. این وضع تا پایان سال اول جنگ و زمان اجرای عملیات ثامن‌الائمه(ع) با پیشرفت‌های جزئی به همین وضع بود.

از آغاز برخوردهای مرزی ایران و عراق، عده‌ای از افراد داوطلب سپاه پاسداران در پاسگاه‌های مرزی حضور یافتند و همراه افراد ژاندارمری و یا به طور مستقل به گشت‌زنی و مراقبت در مناطق مرزی می‌پرداختند. استعداد این نیروی انسانی در آغاز جنگ چندان قابل ملاحظه نبود.

در تک لشکر ۲۱ حمزه در ۲۳ مهر ۵۹ فقط تعداد ۲۵ نفر سپاهی و در عملیات کرخه کور [۱۵/۱۰/۵۹ به نام عملیات نصر] حدود ۳۰۰ نفر شرکت داشتند.

شرکت گسترده و سرنوشت‌ساز سپاه پاسداران در جنگ تحمیلی، از عملیات ثامن‌الائمه(ع) و از مهرماه ۱۳۶۰ آغاز شد.

بخش دهم: سایر نیروهای مسلح: سپاه پاسداران / ۱۵۳

از نظر سلاح و تجهیزات نظامی، سپاه پاسداران در آغاز هیچ‌گونه منبع مستقلی نداشت و هر وسیله‌ای که در اختیار آنان قرار می‌گرفت، از وسایل و تجهیزات نیروی زمینی بود. بنابراین، حضور افراد سپاه در صحنه عملیات قبل از آغاز جنگ تحمیلی، استعداد رزمی نیروهای مسلح ایران را به طور قابل ملاحظه افزایش نمی‌داد، ولی از نظر کیفیت، نظر به اینکه افراد سپاه از روحیه، ایمان و شرایط اجتماعی فوق‌العاده برتری برخوردار بودند، بیش از حد استعداد رزمی خود توانستند در صحنه‌های عملیات جنوب و غرب شرکت داشتند بسیار محدود بود و احتمالاً از یک هزار نفر تجاوز نمی‌کرد. سلاح و تجهیزات و پشتیبانی‌های رزمی آنان نیز وابسته به نیروی زمینی بود.»

سپاه پاسداران از سال دوم به بعد، با خرید و واگذاری سلاح و مهمات مورد نیاز از منابع داخلی و خارجی و نیز واگذاری بودجه لازم و نیز همکاری صمیمانه فرمانده نیروی زمینی ارتش، سرهنگ علی صیادشیرازی و همچنین جمع‌آوری غنائم جنگی، توسعه روزافزون یافت.

نیروهای بسیج و یا داوطلب تا دی ۵۹ سازمانی مستقل داشتند و به نذاجا و یا سپاه اعزام و مأموریت‌های واگذاری را اجرا می‌نمودند. یکی از موارد برجسته از یگان‌های داوطلب که در چند ماه اول جنگ فعالیت داشتند، گروه جنگ‌های نامنظم شهید دکتر چمران بود که در جبهه سوسنگرد، مسئولیت بخشی از خط دفاعی را بر عهده داشتند و غالب فرماندهان آنان نیز از افسران داوطلب اجا بود. یگان‌های کوچک داوطلب دیگری به نام فدائیان اسلام عمر کوتاهی در صحنه نبرد داشتند. افراد کمیته انقلاب اسلامی و غیره نیز در روزهای دفاع از خرمشهر وارد جبهه

نبرد شدند و پس از مدتی کوتاه به مراکز اعزامی خود مراجعت نمودند. در هر حال، نام شهدای زیادی از چنین نیروها را در دفاع در برابر تجاوز دشمن، تاریخ نظامی کشور ایران ثبت نموده است.

در ۱۲ آذر ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی، قانونی را تصویب نمود که سازمان بسیج و مستضعفان در مجموعه سازمان سپاه پاسداران ادغام گردد. از آن زمان به بعد، سپاه پاسداران توانست با فراخوانی، پذیرش، آموزش، سازماندهی، یگان‌های خود را توسعه دهد. از سال سوم به بعد اقدام به پذیرش و بکارگیری نیروهای وظیفه، برابر سهمیه تعریف‌شده نیز نمود.

در عملیات ثامن الائمه (ع)، سپاه پاسداران نیروهای خود را در قالب چند گردان تعریف و در عملیات مشترک شرکت داده شدند. هر گردان به طور متوسط شامل ۲۰۰ نفر که تعداد ۵ تا ۱۰ نفر از آنان از نیروهای رسمی سپاه بودند و بقیه نفرات بسیج بودند. این شکل استعداد گردانی تا پایان هشت سال جنگ با همین تعداد متوسط ادامه داشت.

در عملیات طریق القدس نیروهای شرکت‌کننده را در قالب چند تیپ با تعریف خاص سپاه و مغایر با تعریف کلاسیک ارتش، برای اجرای عملیات مشترک سازماندهی نمود.

در عملیات فتح‌المبین به بعد، سپاه نیروهای خود را در قالب چند لشکر با تعریف خاص و همراه با نیروی زمینی ارتش اجرای عملیات نمود.

نفرات بسیج معمولاً برای مدت ۳ تا ۶ ماه مأموریت، تعریف شده بودند. بخشی از این زمان صرف جذب، آموزش و اعزام به مناطق عملیاتی می‌شد و بقیه زمان صرف حضور و شرکت در عملیات می‌گردید. در طول هشت سال جنگ، ۲/۱۳۰/۰۰۰ نفر بسیجی در میدان جنگ حضور یافتند.

بخش دهم: سایر نیروهای مسلح: سپاه پاسداران / ۱۵۵

سپاه پاسداران به علت همین مدت زمان محدود که بسیجیان را در اختیار داشتند در خطوط پدافندی حدود ۱۲۰۰ کیلومتری مستقر نمی‌شد و تمام خطوط پدافندی را نزاجا بر عهده داشت. در این حالت، سپاه شاید مسئولیت مقدار کمی از خطوط دفاعی را در مناطق مختلف، در رده گروهان و گردان در اختیار داشتند که آن مناطق و آن زمان مسئولیت، در کتاب‌ها تاکنون ثبت و دیده نشده و نمی‌توان محاسبه دقیقی را ارائه داد.

آنچه که در کتاب‌ها درج شده، مشاهده می‌گردد که در سال هفتم و هشتم جنگ مسئولیت پدافند منطقه عملیاتی فاو و شلمچه و چند جای دیگر بر عهده سپاه پاسداران بوده است. در این حالت و در این مناطق، پشتیبانی نیروی هوایی، هوانیروز و بخشی از آتش مورد نیاز توپخانه سپاه بر عهده ارتش بوده است.

فرمانده سپاه پاسداران - آقای محسن رضایی - در تاریخ ۶۴/۶/۱۵ پیشنهاد تشکیل سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی را به امام خمینی (ره) رهبری و فرمانده کل قوا تقدیم نمود.

امام خمینی (ره) در تاریخ ۶۴/۶/۲۶ پیشنهاد تشکیل نیروهای سه‌گانه در سپاه را تصویب نمودند. لازم به ذکر است که تا این زمان، سپاه پاسداران اضافه بر نیروی زمینی، تعدادی یگان هوایی و دریایی به وجود آورده بود.

برای اطلاعات بیشتر:

برابر اصل ۱۵۰ قانون اساسی مصوب آبان ۱۳۵۸ و مرداد ۱۳۶۸، وظیفه سپاه پاسداران نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن معین شده است.

قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ ۷۰/۷/۲۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

برابر اصل ۱۴۳ قانون اساسی مصوب آبان ۱۳۵۸ و مرداد ۱۳۶۸ وظیفه ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور معین شده است.

قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۶۶/۷/۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

مهندسی رزمی جهاد سازندگی

در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ با حکم امام خمینی(ره) جهاد سازندگی برای آبادانی مناطق محروم، بویژه روستاهای کشور تأسیس و ابلاغ شد. قبل از آن نیز تعداد زیادی از دانشجویان طرفدار انقلاب اسلامی به طور خودجوش به روستاها برای اقدامات عمرانی از قبیل: جاده سازی، لوله کشی آب آشامیدنی، کمک در امور برداشت محصولات کشاورزی و نیز اقدامات بهداشتی و درمانی رفته بودند. با فرمان امام خمینی، این اقدامات شکل سازمانی و رسمی به خود گرفت.

با شروع جنگ، دست اندرکاران جهاد سازندگی به فکر تشکیل ستاد پشتیبانی جنگ افتاده و با تقسیم کار از جهاد استان ها به مناطقی از جبهه جنگ برای اقدامات پشتیبانی جبهه اعزام شدند.

بخش دهم: سایر نیروهای مسلح: مهندسی رزمی جهاد سازندگی / ۱۵۷

کتاب جهاد سازندگی و جنگ، ص ۹۶

"عملکرد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد سازندگی در هشت سال جنگ تحمیلی در کتاب یاد شده به شرح زیر ارائه گردیده است. راهسازی ۱۱۸۴۶ کیلومتر، تکمیل راه ۱۰۵۳۹/۹ کیلومتر، احداث خاکریز ۷۴۲۰/۵ کیلومتر، سنگرسازی ۲۹۴۴۷ مورد، پل سازی ۴۸۰۷ مورد، آبنماسازی ۶۸۶ مورد، احداث مواضع ۱۹۶۷ مورد، نصب دکل ۷۳ مورد، حفر کانال ۲۱۶ کیلومتر، پر کردن کانال ۶ مورد، احداث سکو ۶۴۳ مورد، سدسازی ۳۰ مورد، دژسازی ۵۰۹/۳ کیلومتر، ساحل سازی یک مورد، اسکله سازی ۳۵ مورد، برفروبی ۴۱۷۷۱۴ مورد.»

کتاب یاد شده با استفاده از دیگر منابع منتشره درباره عملکرد جهاد سازندگی، شرح مختصر در چگونگی اقدامات مهندسی جنگ جهاد سازندگی در قبل و حین عملیات های عمده را ارائه داده است. چند نمونه از اقدامات مشهور نام برده می شوند:

ایجاد تعمیرگاه های بزرگ برای خدمات به یگان های سپاه و ارتش [بیشتر سپاه] در کلیه شهرهای مقدم؛ ساخت مواضع و ساختمان های بیمارستان های صحرایی و خدمات پزشکی؛ جمع آوری و توزیع کمک های مردمی؛ ایجاد شبکه راه تا تپه های الله اکبر؛ احداث جاده وحدت از ماهشهر به آبادان؛ احداث سایت رادار اهواز؛ احداث پل روی بهمنشیر؛ کارگاه های تانک سازی جهت آبرسانی و سوخت رسانی؛ جاده برای عملیات بازی دراز؛ احداث جاده در عمق رمل ها به طول ۹ کیلومتر برای عملیات طریق القدس؛ احداث پل لوله ای بر روی رودخانه دوبرج در عملیات محرم؛

احداث جاده ۱۳ کیلومتری سیدالشهداء(ع) در عملیات خیبر و در آبگرفتگی باتلاق و هورالعظیم در مدت ۷۵ روز؛ ایجاد پل بعثت بر روی اروندرود به طول ۹۰۰ متر و ۱۲ متر عرض در عملیات والفجر ۸ بین فاو و جزیره آبادان.

نکته: در سطرهای فوق فقط به چند نمونه برجسته اشاره شد. بیان تمام اقدامات برجسته و اثرگذار جهاد سازندگی در هشت سال جنگ از ظرفیت این کتاب خارج است و در صورت نیاز به منابع مربوطه منتشره مراجعه شود. صفحه ۱۴۳ کتاب یادشده نوشته است:

"جهاد سازندگی در طی هشت سال دفاع مقدس، حدود ۵۰۰ هزار نفر نیرو به جبهه‌ها اعزام کرد که از این جمع حدود ۳۰۰۰ نفر از آنان به شهادت رسیدند."

در سطرهای بعدی کتاب یاد شده، آمار شهدا به تفکیک استان‌ها ارائه شده است.

بخش یازدهم

امور کلی جنگ هشت ساله

توضیح: مطالب این بخش شامل اطلاعات کلی از موضوعات هشت سال جنگ، به منظور افزایش دانستی‌های عمومی دانش‌آموزان پایور می‌باشد و راهنمایی برای علاقمندان با مراجعه به منابع مربوطه برای دریافت اطلاعات کامل‌تر می‌باشد. شرح موضوعات مندرج در این بخش از محدوده آموزشی معین شده خارج است. اساتید محترم نیز فقط در محدوده زمانی در اختیار، اهم مطالب را پوشش مناسب آموزشی دهند.

فرماندهی جنگ

فرمانده کل قوا امام خمینی (ره) که رهبری انقلاب اسلامی را بر عهده داشتند، برابر اصل ۱۱۰ قانون اساسی، اختیار فرماندهی کل نیروهای مسلح را نیز داشتند.

در تاریخ ۵۸/۱۱/۳۰ با انتخاب اولین رئیس جمهور، در ۵ بهمن ۱۳۵۸، امام خمینی، بنی صدر رئیس جمهور را به فرماندهی کل نیروهای مسلح منصوب نمودند. مسئولیت یادشده تا برکناری وی به حکم امام خمینی در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ بر عهده وی بود. در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ اختیارات و مسئولیت جانشین فرماندهی نیروهای مسلح را امام خمینی به سرتیپ ولی الله فلاحی واگذار نمودند.

بعد از شهادت تیمسار ولی الله فلاحی در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۷ در سقوط هواپیمای سی ۱۳۰ در مسیر اهواز به تهران در منطقه کهریزک، کسی به عنوان جانشین فرماندهی نیروهای مسلح معرفی نگردید. تا آنکه در تاریخ ۶۷/۳/۱۲ امام خمینی طی حکمی، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی را به بیتم جانشین فرمانده کل قوا منصوب و در آن حکم اختیارات و مسئولیت ایشان را در ۷ مورد مشخص نمودند و در آن تمام دستگاه‌های کشوری و لشکری را مرتبط با امور جنگ موظف به تبعیت از دستورات جانشین فرمانده کل قوا نمودند.

در فاصله شهادت سرلشکر فلاحی تا ۳۰ بهمن ۱۳۶۲، مدیریت میدان جنگ به طور مشترک توسط فرمانده نیروی زمینی ارتش، سرهنگ صیادشیرازی و فرمانده سپاه پاسداران، آقای محسن رضایی و هرکدام با رعایت حیطه مسئولیت و سلسله مراتب خود به شکل تلاش برای هماهنگی و تفاهم انجام می‌گرفت و موضوعات بالادستی نیز در شورای عالی دفاع مطرح و پس از بررسی و تصویب نیز به مورد اجرا گذارده می‌شد.

کتاب روند جنگ ایران و عراق

ج ۱، صفحه ۵۶:

"در ۶۲/۱/۱۵ امام خمینی طی حکمی، تمشیت امور ارتش و سپاه را به آیت الله خامنه‌ای که رئیس جمهور بودند واگذار نمودند. با این حکم، در مدت کمتر از یک سال، آیت الله خامنه‌ای فرمانده جنگ بودند.

جلد ۲، صفحه ۳۷:

در تاریخ ۳۰ بهمن ۶۲، آقای هاشمی رفسنجانی که در همان زمان رئیس مجلس شورای اسلامی نیز بود، برابر حکمی از سوی امام خمینی، برای هماهنگی بین ارتش و سپاه و هماهنگی و هدایت کلیه عملیات‌ها تعیین و معرفی گردید. به منظور یاد شده، قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) با تعداد محدودی شکل گرفت. این قرارگاه آنچنان که از آثار عملکرد آن باقی مانده، چندان اثرگذاری در بررسی و مدیریت میدانی جنگ نداشت و نام آن بیشتر در گزارش عملیات‌ها از رسانه‌ها شنیده می‌شد."

در هر حال در مقطع ۳۰ بهمن ۶۲ تا ۱۲ خرداد ۶۷، آقای هاشمی رفسنجانی اختیارات و مسئولیت جانشینی فرمانده کل قوا را نداشت و بیشتر در نقش بالادستی ارتش و سپاه و فرمانده جنگ، برای هماهنگی امور و صدور دستور نهایی بود.

شورای عالی دفاع

برابر اصل ۱۱۰ قانون اساسی مصوبه سال ۱۳۵۸، شورای عالی دفاع ملی مرکب از هفت نفر تعریف شده بود. رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیر

دفاع، رئیس ستاد مشترک ارتش، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دو مشاور به تعیین رهبر. این شورا فرماندهان عالی نیروهای سه‌گانه را تعیین و به رهبری پیشنهاد می‌داد. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها به پیشنهاد شورای عالی دفاع به رهبری معین شده بود.

نکته: در قانون اساسی تجدید نظر شده مصوب سال ۱۳۶۸ عبارت شورای عالی دفاع از متن اصل ۱۱۰ حذف گردیده است و تعریف تکمیلی آن در اصل ۱۷۶ به نام شورای عالی امنیت ملی تغییر و شرح داده شده است.

در تاریخ ۲۰ مهر ۵۹، امام خمینی طی حکمی وظایف و اختیارات این شورا را اعلام نمودند. در آن حکم، همه امور مربوط به جنگ، اداره مناطق جنگی، تبلیغات و اخبار مربوط به جنگ و سیاست خارجی مربوط به دفاع بر عهده این شورا قرار گرفت. نخستین جلسه شورای عالی دفاع سه هفته پس از آغاز جنگ، در ۲۱ مهر ۵۹ در تهران تشکیل شد. جلسات بعدی تاریخ منظمی نداشت. گاهی در دزفول و اهواز تشکیل شد. در ادامه جنگ، جلسات در تهران به ریاست رئیس جمهور ایران، آیت‌الله خامنه‌ای تشکیل و درباره مسائل کلان مربوط به موضوع جنگ و دفاع تصمیم‌گیری می‌شد و بعضی از آنها در رسانه‌ها منتشر می‌گردید و بعضی نیز به صورت محرمانه به دستگاه‌های ذیربط ابلاغ می‌شد. تاکنون از عملکرد شورای عالی دفاع و تعداد و تصمیمات جلسات آن، کتابی منتشر نشده است.

وحدت فرماندهی

وحدت فرماندهی یکی از اصول نه‌گانه جنگ در مراکز نظامی کشور ما نام برده می‌شود. در مدت هشت سال جنگ، در نبردهای زمینی، نزاجا سلسله مراتب خود را تا فرمانده کل قوا داشت و سپاه پاسداران نیز سلسله

بخش یازدهم: امور کلی: سازمان ملل متحد و قطعنامه‌ها و بیانیه‌ها / ۱۶۳

مراتب خاص خود را تا فرمانده کل قوا داشت. در میدان نبرد نیز نزاجا و سپاه تلاش می‌داشتند با حسن تفاهم، توان خود را در سمت و سوی دفع و شکست دشمن به کار گیرند. این روش، هرچند موفقیت‌هایی را هم آشکار نمود، اما با گذشت زمان معایب آن بیشتر پدیدار می‌شد. بحث درباره پیامدهای منفی آن طولانی است و از ظرفیت این کتاب آموزشی خارج است. فقط اشاره به آن شد که نتیجه‌گیری شود، در هر حال در تمام امور باید قواعد علمی آن را باید شناخت و بدان عمل نمود. هر اقدام که خارج از قواعد علمی شناخته شده به اجرا درآید، در نهایت موفق نخواهد بود. این حرف حتی در مدیریت اخلاقی و رفتاری خودمان، در امور شخصی نیز باید دقت گردد. در هر صورت باید قواعد قابل قبول شناخته شده را در تمام امور رعایت نمود.

اقدامات سازمان‌های بین‌المللی برای میانجی‌گری و خاتمه جنگ طرفین عراق و ایران

برداشت‌های منتخب از کتاب‌های: روند جنگ ایران و عراق؛ نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران.

سازمان ملل متحد و قطعنامه‌ها و بیانیه‌ها

شورای امنیت سازمان ملل از ۳۱ شهریور ۵۹ تا مهر ۱۳۶۸ (۲۸ سپتامبر ۱۹۸۳) مجموعاً ۱۴ قطعنامه و ۱۵ بیانیه به اسامی زیر صادر نمود.

صدور قطعنامه ۴۷۹ شورای امنیت در ۶ مهر ۱۳۵۹

عنوان این قطعنامه به نام «وضعیت بین ایران و عراق» تعریف شده بود و از طرفین می‌خواست اختلافات خود را به طور مسالمت‌آمیز و یا پیشنهاد میانجیگری بپذیرند. صدام در این زمان خواستار آتش‌بس فوری شد. در حالی که بخش‌هایی از مناطق غربی ایران را در تصرف داشت و خود را هم پیروز تصور می‌کرد. ایران از پذیرش قطعنامه خودداری نمود.

لازم به ذکر است در اول مهر ۵۹، بیانیه شورای امنیت به طور غیررسمی و توصیه برای رفع اختلافات به طور مسالمت‌آمیز صادر گردید. در ۲ مهر ۵۹ دبیر کل سازمان ملل به رؤسای جمهور ایران و عراق نامه نوشت و درخواست رفع اختلاف از راه مذاکره نمود.

سوابق باقیمانده در کتاب‌های منتشره نشان می‌دهد از همان روز آغاز جنگ تا پایان جنگ، حکومت کشور عراق همچنان فعالیت دیپلماسی زیادی را در مجامع بین‌المللی علیه ایران و پرونده‌سازی به نفع خود داشته است. در مقابل سوابق منتشره نشان می‌دهد که در مجامع بین‌المللی، ایران در مقاطعی از این مدت شرکت نداشته و در مقاطعی از زمان هم، چون خود را به حق می‌دانسته است، مانند حکومت عراق که تلاش شدید مذبحانه می‌داشت، آن تلاش لازم و کافی را برای دفاع و ابطال اقدامات حکومت عراق نداشته است. ضمناً شورای امنیت و مجامع جهانی تحت سیطره دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی (استکبار غرب و کمونیست شرق) رفتاری عادلانه با طرفین جنگ نداشته و تماماً در آراء نظرات، جانب رژیم متجاوز بعث را داشته‌اند.

از آنجا که حکومت عراق متجاوز بود، با آن همه اقدامات مذبحانه، در نهایت در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۷۰ برابر با ۹ دسامبر ۱۹۹۱، از سوی دبیر کل سازمان ملل، به طور رسمی متجاوز اعلام شد. توجه شود که تا حدود ۶ ماه

بخش یازدهم: امور کلی: سازمان ملل متحد و قطعنامه‌ها و بیانیه‌ها / ۱۶۵

از آغاز جنگ، کشور ایران هنوز وزیر خارجه نداشت. قبل از آن نیز در مدت کمتر از یک سال، چهار نفر به وزارت خارجه گمارده شده بودند. در حالی که ایران در این زمان، بیش از هر وقت دیگر نیاز به دیپلماسی فعال در مجامع بین‌المللی داشت. ضمن اینکه در آن شرایط جنگ، وزارتخانه‌های اقتصاد و دارائی و بازرگانی که می‌باید جنگ را پشتیبانی می‌کردند، بدون وزیر بودند. البته باید گفت جنگ‌های داخلی با منافقین و ضدانقلاب، تا حدودی فرصت اقدامات سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز مختل می‌کرد.

صدور قطعنامه ۵۱۴ در ۱۱ تیرماه ۱۳۶۱ (۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲)

این قطعنامه بلافاصله بیش از ۲۱ ماه با قطعنامه ۴۷۹ قبلی صادر شد. این قطعنامه خواهان آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها به مرزها، بدون اشاره به تجاوز از سوی حکومت عراق بود. نماینده ایران در سازمان ملل در ۲۲ تیر ۱۳۶۱ در اعتراض به قطعنامه ۵۱۴ نامه دولت ایران را به دبیر کل سازمان ملل ارسال نمود.

صدور قطعنامه ۵۲۲ در ۱۲ مهر ۱۳۶۱ (۱۴ اکتبر ۱۹۸۲)

قطعنامه ۵۲۲ نیز عباراتی شبیه دو قطعنامه قبلی داشت.

صدور قطعنامه ۵۴۰ در ۹ آبان ۱۳۶۲ (۳۱ اکتبر ۱۹۸۳)

قطعنامه ۵۴۰ نیز با عنوان «وضعیت بین ایران و عراق» نیز متجاوز و تنبیه آن را معلوم نکرده بود و اضافه کرد موارد قبلی، شامل توصیه‌هایی در قطع فوری کلیه عملیات نظامی علیه هدف‌های غیرنظامی و امنیت دریانوردی در خلیج فارس بود.

صدور قطعنامه ۵۵۲ در ۱۱ خرداد ۱۳۶۳ (اول ژوئن ۱۹۸۴)

این قطعنامه به سبب شکایت کشورهای حاشیه خلیج فارس از حمله

ایران به کشتی‌های بازرگانی که به بنادر کویت و عربستان سعودی رفت و آمد می‌کنند صادر شد و محکوم نمودن حمله‌های اخیر به کشتی‌های مورد بحث. در تاریخ ۱۳۶۴/۱/۱۸ دبیر کل سازمان ملل، آقای خاویر پرز دوکوئیار وارد تهران شد و روز پیش از آن در بغداد بود. تا این روز به مدت یک ماه، صدام شهرهای ایران را مورد حمله موشکی و بمباران قرار داده بود. ایران در پاسخ و به ناچار با آنکه تمایل به استفاده از این روش‌ها نداشت، در این مدت هشت بار بغداد را مورد حمله موشکی قرار داد.

صدور قطعنامه ۵۸۲ در ۵ اسفند ۱۳۶۴ (۲۴ فوریه ۱۹۸۶)

این قطعنامه کلماتی را درباره بمباران مراکز مسکونی، حمله به کشتی‌های بی‌طرف یا هواپیماهای غیرنظامی، منع استعمال سلاح‌های شیمیایی بدون معرفی کشور حمله‌کننده، موضوع یاد شده را در متن جملات خود بیان نموده است. مانند قطعنامه قبل، خواستار آتش‌بس فوری و عقب‌نشینی به مرزهای شناخته‌شده و تبادل اسرا شده بود.

قطعنامه ۵۸۸ در ۱۶ مهر ۱۳۶۵ (۱۸ اکتبر ۱۹۸۶)

این قطعنامه خواسته بود که طرفین، قطعنامه ۵۸۲ [قطعنامه قبلی] را به طور کامل و بی‌درنگ اجرا کنند.

قطعنامه ۵۹۸ در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۶ (۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷)

این قطعنامه آمrane خواسته بود که طرفین آتش‌بس فوری را رعایت و به مرزهای بین‌المللی بازگردند. اعزام ناظران سازمان ملل برای نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی طرفین، آزادی اسرای طرفین، همکاری با دبیر کل سازمان ملل، تحقیق در مسئولیت منازعه، بازسازی با کمک‌های مناسب بین‌المللی. پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ عراق اعلام داشت اگر ایران آن را بپذیرد، عراق با آن موافق است. ایران بر خلاف گذشته که کلیه قطعنامه‌ها را رد کرده

بخش یازدهم: امور کلی: سازمان ملل متحد و قطعنامه‌ها و بیانیه‌ها / ۱۶۷

بود، این بار آن را رد ننمود و در مورد چگونگی اجرای مواد قطعنامه از دبیر کل توضیح خواست.

در تاریخ ۱۳۶۶/۶/۲۰ دبیر کل سازمان ملل درباره چگونگی اجرایی کردن قطعنامه ۵۹۸ وارد تهران شد. ایران خواستار معرفی متجاوز در قدم اول شد. دبیر کل پس از روز دیدار و مذاکره با مقامات ایران عازم بغداد شد. با صدام ۱/۵ ساعت مذاکره نمود. عراق با هرگونه اولویت‌بندی مواد قطعنامه مخالفت نمود. مذاکرات و مکاتبات ایران درباره قطعنامه ۵۹۸ تا سال بعد ادامه یافت.

در شهریور ماه ۶۶، سفارتخانه‌های ایران و عراق که تا آن زمان بدون وجود سفیر دایر بود، تعطیل شد.

صدور قطعنامه ۶۱۲ در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۷ (۹ مه ۱۹۸۸)

متن این قطعنامه درباره منع بکارگیری سلاح‌های شیمیایی بود، بدون نام بردن از کشوری که این سلاح را به کار گرفته بود.

صدور قطعنامه ۶۱۶ در ۲۹ تیر ۱۳۶۷ (۲۰ ژوئیه ۱۹۸۸)

این قطعنامه درباره سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران با شلیک موشک ناو جنگی آمریکا بر فراز تنگه هرمز بود. پرواز این هواپیما از بندرعباس به مقصد دبی بود و ساعت ۱۰:۵۵ روز ۱۲ تیر ۱۳۶۷ با پرتاب دو موشک از طرف ناو آمریکایی «وینسنس» سرنگون و کلیه سرنشینان آن که ۲۹۰ نفر بودند به طور غم‌انگیزی جان سپرده و به شهادت رسیدند. جنازه تکه تکه شده آنان که تعداد زیادی کودک، زن و افراد مسن در بین آنان دیده می‌شد، از آب‌های دریا گرفته و به بندرعباس منتقل شد.

قطعنامه ۶۱۹ در ۱۸ مرداد ۱۳۶۷ (۹ اوت ۱۹۸۸)

در مورد استقرار گروه ناظران نظامی سازمان ملل متحد در مرزهای ایران و عراق به مدت شش ماه. به موجب این قطعنامه ناظران نظامی سازمان ملل با عنوان نیروهای یونیمک متشکل از حدود ۳۵۰ نفر نیروی کلاه آبی از ۲۴ کشور به فرماندهی ژنرال الوکوپویچ اهل یوگسلاوی در اطراف مرزهای دو کشور ایران و عراق مستقر گردیدند.

صدور قطعنامه ۶۲۰ در ۴ شهریور ۱۳۶۷ (۲۶ اوت ۱۹۸۸)

این قطعنامه مجدداً درباره بکارگیری سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق و ایران و تحقیق درباره چگونگی بکارگیری آن صادر گردید. شورای امنیت قطعنامه‌های زیر را نیز در رابطه با جنگ عراق و ایران تصویب نمود.

قطعنامه ۶۳۱ در ۱۹ بهمن ۱۳۶۸ (۸ فوریه ۱۹۸۹)

مدت مأموریت گروه ناظران نظامی سازمان ملل برای هفت ماه و ۲۳ روز تا ۸ مهر ۱۳۶۸ (۳۰ سپتامبر ۱۹۸۹) را تعیین نمود.

قطعنامه ۶۴۲ در ۷ مهر ۱۳۶۸ (۲۹ سپتامبر ۱۹۸۹)

در مورد تمدید مأموریت گروه ناظران نظامی سازمان ملل برای شش ماه تا ۱۱ فروردین ۱۳۶۹ (۳۱ مارس ۱۹۹۰) بود و مأموریت نیروهای ناظر بر آتش‌بس در ۷ اسفند ۱۳۶۹ (۲۷ اوت ۱۹۹۹) خاتمه یافت.

بیانیه‌های شورای امنیت

شورای امنیت از اول مهر ۵۹ تا ۱۷ شهریور ۱۳۶۷ به تناوب تعداد ۱۵ بیانیه صادر و به طرفین جنگ عراق و ایران ابلاغ نمود. بیانیه‌ها هرکدام شامل یکی از موضوعات زیر و یا تکرار موضوع قبلی بود:

بخش یازدهم: امور کلی: تاریخ ها و موضوعات کلیدی / ۱۶۹

حل مسالمت آمیز اختلاف؛ سلاح های شیمیایی؛ حمله به مناطق مسکونی؛ حمله به نفتکش ها و تأسیسات نفتی؛ لزوم اجرای قطعنامه ها؛ تعیین تاریخ برقراری رسمی آتش بس در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ (۲۰ اوت ۱۹۸۸).

تعدادی دیگر از تاریخ ها و موضوعات کلیدی در جنگ عراق و ایران

تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۶۷: نامه رئیس جمهور ایران درباره موافقت با قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، توسط نماینده ایران در سازمان ملل به دبیر کل سازمان ملل تحویل شد. با توجه به اینکه صدام اعلام کرده بود چنانچه ایران قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد، عراق هم آن را می پذیرد؛ لیکن عراق بعد از ۵ روز از پذیرش قطعنامه توسط ایران، در ۶۷/۴/۳۱ حمله سراسری خود را در جبهه ها آغاز کرد و مجدداً تا تصرف خرمشهر و نزدیکی های دزفول پیش آمد و در تاریخ ۶۷/۵/۳ نیز با پشتیبانی منافقین، آنها را تا ۱۱ کیلومتری کرمانشاه و به قصد براندازی جمهوری اسلامی پشتیبانی عملیاتی نمود.

از ۱۳۶۷/۶/۳ اولین دور مذاکره ایران و عراق در ژنو با حضور نمایندگان سازمان ملل آغاز شد. آخرین مذاکرات در ژنو در ۱۳۶۷/۶/۲۲ انجام شد. به دلیل اصرار عراق برای امتیاز گرفتن در مورد اروندرود و نیز نجات خود از کمیته تعیین متجاوز، این دور از مذاکرات ثمری نداشت.

دور دوم مذاکرات از روز ۱۳۶۷/۷/۱۰ در نیویورک در سازمان ملل انجام شد و پیشرفتی حاصل نشد.

دور سوم مذاکرات در ۱۰ آبان ۱۳۶۷ در ژنو از سر گرفته شد و همچنان نتیجه مثبتی حاصل نشد.

دور چهارم در ۳۰ فروردین ۶۸ در ژنو از سر گرفته شد و این بار نیز بدون نتیجه شد.

ماه‌ها گذشت و سال ۶۷ نیز پایان یافت، اما نیروهای طرفین به مرزهای بین‌المللی عقب ننشستند. در این زمان، عراق هنوز ۲۴۰۰ کیلومترمربع از اراضی ایران را در تصرف داشت. ده‌ها هزار اسیر ایرانی و عراقی نیز با خاتمه جنگ روزشماری می‌کردند که به میهن و خانواده خود بازگردند. زیادی خواهی صدام که خود را در جنگ پیروز می‌دانست، حالت نه جنگ و نه صلح بین دو کشور را همچنان ادامه داد.

در تاریخ اول اردیبهشت ۱۳۶۹ (۲۱ آوریل ۱۹۹۰) صدام که به منظور تأمین یکی از اهدافش، یعنی تصرف نفت خوزستان که به آن نائل نشده بود، حمله به کویت را به طور پنهانی در سر می‌پروراند، نامه‌ای به رهبری و رئیس جمهور ایران با عبارات محترمانه ارسال و درخواست ملاقات با رهبران ایران را کرد. این نامه با وساطت یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین در تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۳۶۹ به دست مقامات ایران رسید.

۱۳ اردیبهشت ۶۹ از طرف رئیس جمهور ایران، آقای هاشمی رفسنجانی پاسخ مناسب داده شد و تأکید بر مذاکره نمایندگان طرفین در چهارچوب قطعنامه ۵۹۸ گردید.

در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۹ صدام نامه دوم را ارسال داشت و در آن ضمن گله‌گذاری از لحن مکاتبه قبلی ایران، لزوم اجرای قطعنامه ۵۹۸ را تأیید نمود. در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۶۹، رئیس جمهور ایران، نامه صدام را پاسخ داد و نماینده ایران را در ژنو برای مذاکره نمایندگان طرفین معرفی نمود و در آن خواسته شده بود دبیر کل سازمان ملل باید در جریان مذاکرات قرار گیرد.

بخش یازدهم: امور کلی: تاریخ ها و موضوعات کلیدی / ۱۷۱

صدام در ۸ مرداد ۱۳۶۹، نامه سوم خود را ارسال و در آن درباره عقب‌نشینی نیروها و مبادله اسرا و نیز ابروندرد و نیز تعیین مسئول جنگ، نظرات خود را به نفع دیدگاه‌های گذشته خود مطرح نمود.

صدام سه روز بعد از تاریخ نگارش نامه سوم خود به شرح یادشده، در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ (۱۲ اوت ۱۹۹۰) به کویت حمله و سراسر خاک آن کشور را در کمتر از یک روز اشغال نمود.

در ۱۲ مرداد ۱۳۶۹ صدام بدون آنکه منتظر پاسخ رئیس جمهور ایران باشد، نامه چهارم خود را ارسال نمود و در آن معلوم بود که نگران اقدام نظامی احتمالی ایران است. درخواست کرده بود که وزیر خارجه عراق و نماینده دائمی عراق در ژنو را رئیس جمهور ایران، حضوری بپذیرد.

در ۱۷ مرداد ۱۳۶۹، رئیس جمهور ایران پاسخ سردی داد و در آن به قرارداد ۱۹۷۵ تأکید نموده بود.

در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۶۹ صدام آخرین نامه را ارسال نمود و در آن ضمن مبنا قرار دادن قرارداد ۱۹۷۵، معین نمود از ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ [روز جمعه] عقب‌نشینی نیروها و مبادله اسرا را آغاز خواهد نمود. در پایان نوشت: آنچه می‌خواستید و به آن تأکید می‌کردید تحقق می‌یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسناد باقی نمی‌ماند. در ۲۷ مرداد ۱۳۶۹ (۱۸ اوت ۱۹۹۰) رئیس جمهور ایران در نامه‌ای از اقدام رئیس جمهور عراق استقبال کرد و مبادله اسرا آغاز و تا ماه‌ها بعد ادامه داشت. از طرفی ایران خسارت وارده در جنگ هشت ساله را ۱۰۰۰ میلیارد دلار اعلام نمود. البته سازمان ملل این خسارت را ۲۰۰ میلیارد برآورد نموده بود.

نکاتی درباره کشور عراق

عراق همراه تعداد دیگری از کشورهای عربی نظیر: عربستان، سوریه، اردن، لبنان، فلسطین تا پایان جنگ جهانی اول [۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸] تحت حاکمیت دولت امپراطوری عثمانی به مرکزیت دولت ترکیه کنونی بودند. پس از شکست آلمان و متحدان وی، وسعت حکومتی دولت عثمانی تجزیه شد و هرکدام از سرزمین‌های یادشده تحت قیمومیت یکی از کشورهای پیروز مانند انگلستان و فرانسه قرار گرفتند. عراق تحت سلطه انگلستان بود. در ۱۹ مرداد ۱۲۹۹ (۲۰ اوت ۱۹۲۰)، انگلستان سرزمین فعلی عراق را به نام کشور عراق به وجود آورد. از ۱۱ مهر ۱۳۱۱ (۳ اکتبر ۱۹۳۲) با موافقت دولت انگلستان کشور عراق استقلال یافت.

در ۲۷ دی ۱۳۶۹ (۱۷ ژانویه ۱۹۹۱) نیروهای آمریکا همراه با نیروهای کشورهای متحد خود به نیروهای عراق مستقر در کویت اشغال شده، حمله و کویت را از تصرف نیروهای صدام آزاد نمودند.

در اسفند ۱۳۸۱ (مارس ۲۰۰۳)، آمریکا همراه انگلستان و بعضی کشورهای دیگر به بهانه احتمال به یقین ساخت سلاح اتمی در عراق مجدداً به این کشور حمله و با هدف سرنگونی صدام، عراق را اشغال نمود. صدام نیز مدتی مخفی و بعد دستگیر و بالاخره محاکمه و اعدام شد.

در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۷۰ (۹ دسامبر ۱۹۹۱) در اجرای بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸، دبیر کل سازمان ملل، خاویر پرز دوکوئیار، پس از ماه‌ها بررسی مستندات طرفین جنگ، در گزارشی که به شورای امنیت تسلیم نمود، رسماً عراق را به عنوان متجاوز معرفی کرد. خاویر پرز دوکوئیار اهل پرو کارنامه انسان‌دوستی خوبی در مدت مسئولیت دبیر کلی از خود باقی گذارد و در ۱۰ دی ۱۳۷۰ (پایان دسامبر

بخش یازدهم: امور کلی: تاریخ ها و موضوعات کلیدی / ۱۷۳

۱۹۹۱) دوره دوم دبیر کلی وی پایان یافت و برای همیشه از سازمان ملل کناره گیری نمود.

سایر میانجیگری های بین المللی و نکات کلیدی دیگر در جنگ عراق و ایران گزیده از کتاب های ج ۱ و ۲ روند جنگ عراق و ایران

ص ۲۷۵، ج ۱: چند روز پس از آغاز جنگ، دبیر کل کنفرانس اسلامی، حبیب شطی، برای پایان دادن به جنگ، به عراق رفت و بعد در رأس هیئتی به تهران آمد و روز ۲۸ مهر ۵۹، با امام خمینی دیدار نمودند. آنان با پاسخ و بیانات مستدل رهبر انقلاب به موفقیتی دست نیافتند.

ص ۳۰۰، ج ۱: سران سازمان کنفرانس اسلامی در ۲۱ دی ماه ۵۹ در شهر طائف عربستان جمع شدند. صدام در آن جلسه بدون حضور ایران به مدت ۸۰ دقیقه علیه ایران سخنرانی نمود. سازمان کنفرانس اسلامی و در پی آن اجلاس، هیئت حسن نیتی را تعیین نمود تا به هر دو کشور مسافرت و پیشنهاد خود را ارائه دهند. در صورت موفقیت تلاش های میانجیگری، یک نیروی پاسدار صلح برای نظارت بر آتش بس تشکیل شود.

هیئت منتخب سازمان کنفرانس اسلامی به ریاست احمد سکوتوره، رئیس جمهور گینه در ۱۳۵۹/۱۲/۹ وارد تهران شدند. این هیئت با حضور رؤسای جمهور پاکستان، بنگلادش، کلمبیا و نخست وزیر ترکیه و وزرای خارجه کشورهای سنگال، بنگلادش، مالزی، پاکستان، ترکیه و آقایان یاسر عرفات و حبیب شطی بود.

بعد از ظهر همان روز با اعضای شورای عالی دفاع دیدار و مذاکره نمودند. شورای عالی دفاع، ۳ پیشنهاد ارائه کرد:

(الف) تشخیص متجاوز و تنبیه آن.

(ب) قبول آتش بس پس از خروج متجاوز از خاک ایران.

(ج) اعلام پذیرش عملی معاهده ۱۹۷۵ از سوی عراق.

هیئت در این مرحله برای آگاهی از نظرات ایران آمده بود و نظر خاصی ارائه نداد.

روز بعد در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۰ هیئت یادشده در جماران با امام خمینی ملاقات کردند و ایشان نیز طی بیاناتی با ادبیات خاص اسلامی خود خواستار شناخت و تنبیه متجاوز از سوی کشورهای اسلامی شدند.

ص ۳۰۲، ج ۱: «هیئت یادشده سپس به بغداد و عربستان سفر کرد و همراه با پیشنهادهای مکتوب در ۱۳۵۹/۱۲/۱۳ به ایران بازگشت. پیشنهادها در جلسه ۱۳۵۹/۱۲/۱۵ شورای عالی دفاع مطرح و چون به اعتبار معاهده ۱۹۷۵ و نیز رسیدگی تجاوز عراق توجه نشده بود و همچنین تضمینی نسبت به خروج بی قید و شرط متجاوز پیش بینی نشده بود، مورد موافقت قرار نگرفت.»

توجه داشته باشید که در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۴، رئیس جمهور، بنی صدر، در دانشگاه تهران سخنرانی نمود و آن اجتماع به زد و خورد کشیده شد. در حالی که ایران نیاز به یک دیپلماسی فعال برای دوره جنگ داشت، با گذشت حدود ۶ ماه از آغاز جنگ، هنوز وزارت خارجه ایران وزیر نداشت.

ضمناً در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۲ تعداد ۱۰۰ نفر از نمایندگان مجلس، طی بیانیه‌ای اظهار نموده بودند که سفارتخانه‌های ما مرده و بی تحرک است. کشور نیز در محاصره اقتصادی بود و مشکلات پولی و ارزی بسیاری

داشت. در این زمان، کشور وزیر بازرگانی و وزیر اقتصاد نیز نداشت.

ص ۳۰۹، ج ۱: در روز یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ هیئت صلح سازمان کشورهای غیر متعهد شامل: وزیران خارجه: کوبا، هند، زامبیا نماینده فلسطین و نماینده این تشکیلات در سازمان ملل وارد تهران شدند و دیدار با رئیس جمهور ایران و مقامات و نیز بازدیدی از آثار جنایات رژیم عراق داشتند، پیشنهاد دادند که نیروهای عراق خارج شوند و یک منطقه غیرنظامی در خاک ایران ایجاد گردد، عملاً این هیئت نتوانست کاری پیش ببرد.

ص ۳۹۸، ج ۱: نماینده سازمان ملل، آقای اولاف پالمه، که علاقمند به برقراری آتش بس بود، قبل از ۱۳۶۰/۱۲/۸ طرح جدیدی برای صلح به ایران ارائه داد. ایران پس از بررسی، طرح را نپذیرفت و در ۱۳۶۰/۱۲/۸ به سه شرط تأکید کرد: خروج بی قید و شرط ارتش عراق از خاک ایران؛ پرداخت خسارت جنگ؛ کیفر متجاوز. در طرح یادشده معاهده ۱۹۷۵ نادیده گرفته شده بود و دولت آغازگر جنگ نیز مشخص نگردیده بود.

ص ۳۹۸، ج ۱: در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۱۷ رؤسای جمهور گینه، پاکستان، بنگلادش و نخست وزیر ترکیه و حبیب شطی دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی به تهران آمدند. از ایران خواستند آتش بس را بپذیرد، درباره ارون درود مذاکره کند و مرزهای زمینی بر اساس قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر باشد. ایران در پاسخ، همان شروط پیشین را مطرح و علاوه بر آن خواستار بازگشت رانده شدگان عراقی به کشورشان شد. امام خمینی نیز در ۱۳۶۰/۱۲/۱۸ سخنانی را درباره صدام و حزب بعث و جنایات های حکومت بعثی عراق ایراد نمودند.

ص ۵۰۴، ج ۱: در ۱۳۶۱/۳/۱۶ اسرائیل به بهانه سوء قصد به سفیر این رژیم در لندن، از زمین و هوا و دریا و آسمان به فلسطینی‌های ساکن لبنان حمله کرد و مناطقی از جنوب لبنان را اشغال کرد. هدف اصلی این رژیم بیرون راندن سران آزادی‌بخش فلسطین از لبنان بود. صهیونیست‌ها و فالانژهای لبنانی در ۱۳۶۱/۶/۲۷ به دو اردوگاه فلسطینیان به نام‌های صبرا و شتیلا حمله کردند و حدود ۲ هزار نفر از مردم آنجا را کشتند.

گفته می‌شود در اثر تهاجم اسرائیل به لبنان و در اثر بمباران‌ها حدود ۱۷ هزار نفر از مردم لبنان و فلسطین کشته شدند.

در زمان حمله رژیم اسرائیل به جنوب لبنان، سران قوا در جلسه روز ۱۳۶۱/۳/۱۶ تصمیم گرفتند: وزیر دفاع ایران، فرمانده کل سپاه، فرمانده نیروی زمینی ارتش، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۱۷ برای چگونگی کمک به مقاومت مردم لبنان عازم سوریه شوند.

ص ۵۰۶، ج ۱: حافظ اسد رئیس جمهور سوریه اردوگاهی به نام «پادگان زُبدانی» را در اختیار نیروهای ایران گذاشت. یک گردان از لشکر ۵۸ ذوالفقار نزارا [به فرماندهی سرگرد رحیم رحمانی]، یک گردان از لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) به همراه برادر محمدابراهیم همت، معاون فرمانده لشکر ۲۷ در همین زمان به سوریه اعزام و مستقر شدند. این اقدامات باهماهنگی شورای عالی دفاع و بدون اطلاع امام خمینی صورت گرفت. وقتی فرمانده سپاه و سرهنگ صیادشیرازی از این سفر بازگشتند و برای گزارش خدمت امام رفتند، ایشان فرمودند: «این نیروهایی که بردید آنجا، اگر خون از دماغشان بیاید، من مسئولیتش را قبول نمی‌کنم، بگویید سریع برگردند.»

ظرف ۴۸ ساعت نیروهای ایران از سوریه بازگشتند.

بخش یازدهم: امور کلی: تاریخ ها و موضوعات کلیدی / ۱۷۷

ص ۵۰۸، ج ۱: قبل از ۱۳۶۱/۳/۱۶، وزیر خارجه گینه، به نمایندگی رئیس جمهور آن کشور احمد سکوتوره و نمایندگی هیئت میانجی سازمان کنفرانس اسلامی نامه‌ای برای ایران آورد و در آن خواسته بودند که رئیس جمهور ایران با رئیس جمهور عراق در مکه دیدار و مذاکره کنند. این نامه در جلسه مشورتی سران سه قوه در ۱۳۶۱/۳/۱۶ مطرح و با سفر مخالفت شد.

ص ۵۰۸، ج ۱: بار دیگر در ۱۳۶۱/۳/۲۰ طی نامه‌ای از سوی آقای احمد سکوتوره که رئیس هیئت میانجی سازمان کنفرانس اسلامی بود، از رئیس جمهور ایران دعوت کرد که با صدام در کشور دیگری جز عربستان ملاقات کند که مورد توافق ایران قرار نگرفت.

ص ۵۰۸، ج ۱: رئیس جمهور گینه در اوایل تیرماه ۱۳۶۱ طی پیامی به امام خمینی حلول ماه مبارک رمضان را تبریک گفت و در آن احتمالاً راجع به مسائل صلح با عراق نیز مطالبی را مطرح کرده بود. امام خمینی در پاسخ، ضمن ابراز تأسف از جنایات هولناک اسرائیل غاصب در حمله به لبنان، مرقوم فرمودند: صدام عقلی متجاوز است و باید شرایط لازم را برای پایان جنگ و برقراری صلح فراهم نموده و بپذیرد.

ص ۵۱۲، ج ۱: بعد از عملیات بیت المقدس، صدام با احساس خطر در عملیات بعدی ایران، در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۲۰ آتش بس یکطرفه اعلام نمود، و متذکر شد تا دو هفته دیگر نیروهایش را از ایران خارج می کند.

نیروهای عراق روز ۱۳۶۱/۳/۲۲ از بسیاری مناطق اشغالی جنوب و غرب کشور که در آنجا آسیب پذیر بودند عقب نشستند. سوما را نیز تخلیه کردند.

امام خمینی در سخنرانی ۶۱/۳/۲۲ در واکنش به آتش بس عراق به این مضمون فرمودند: باید خسارات جبران شود و مجرم هم تنبیه شود. اینها سه

ساعت بعد از اعلام آتش‌بس، آبادان را تیرباران می‌کنند و آدم می‌کشند. خسارت‌هایی هم قابل جبران نیست و آن جوان‌های ما است.

ص ۵۱۴، ج ۱: صدام روز ۳۰ خرداد ۱۳۶۱ طی یک سخنرانی تلویزیونی در ستایش ارتش عراق، دلایل عقب‌نشینی را بیان و جمهوری اسلامی ایران را متجاوز اعلام نمود و گفت تا ده روز دیگر از خاک ایران بیرون می‌رود. با چنین تصمیمی، از شهر مهران خارج، ولی نفت‌شهر را همچنان در اشغال خود نگه داشت. نقاط حساس و مهم در اطراف مرزهای غربی ایران را نیز در اشغال خود نگهداشت.

امام خمینی در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۱ دستور دادند: «در این ده روز که عراق مدعی عقب‌نشینی است، حمله نکنیم و به لبنان هم فعلاً کسی را نفرستیم.» ص ۵۱۵، ج ۱: ارتش عراق در روز ۱۳۶۱/۴/۷ از قصر شیرین و مناطق اطراف آن نیز عقب‌نشینی نمود. البته قوای بعثی کاملاً عقب‌نشینی نکردند و تا مرزهای رسمی نرفتند. نقطه مرزی شلمچه، طلائیه، کوشک، ارتفاعات حمیرین، ارتفاعات میمک، نفت‌شهر و برخی مناطق دیگر با وسعت هزار کیلومترمربع همچنان در اشغال ارتش بعثی باقی ماند.

ص ۵۳۰، ج ۱: در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۳ عملیات رمضان آغاز و در پایان ناموفق محسوب شد.

ص ۵۵۶، ج ۱: در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۳۱ رؤسای جمهور ترکیه، پاکستان و گینه طی نامه‌ای به رئیس جمهور ایران خواستار مذاکره و میانجیگری شدند. پاسخ ایران همچنان منفی بود. زیرا هیچ پیشنهادی جدیدی مبنی بر پذیرش تقصیر صدام و پرداخت غرامت در آنها نبود.

ص ۵۵۹، ج ۱: در ۱۳۶۱/۶/۱۵ کنفرانس فاس از سران کشورهای عربی با حضور ۲۰ پادشاه و رئیس جمهور در شهر فاس عربستان برگزار شد و در آن طی قطعنامه‌ای

بخش یازدهم: امور کلی: تاریخ ها و موضوعات کلیدی / ۱۷۹

تصمیم گرفتند: حمایت‌های علنی‌تر از عراق با کمک‌های مالی بیشتر و نیز تلاش برای به رسمیت شناخت اسرائیل انجام گیرد.

ص ۵۸۹، ج ۱: در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۳۰ دو فروند هواپیمای جنگنده اف ۴ نیروی هوایی، پالایشگاه دوره بغداد را بمباران کردند و با این اقدام، تشکیل کنفرانس غیرمتعهدها را که قرار بود در همان روزها در بغداد برگزار شود، برهم زدند. هواپیمای دوم در حالت آسیب خود را به ایران رساند و هواپیمای اول به خلبانی شهید دوران در نزدیکی هتل الرشید بغداد که وزرای خارج غیرمتعهدها در آن جمع بودند، عمداً خود را به ساختمانی کوبید و خلبان دوم این هواپیما نیز با چتر بیرون پرید.

ص ۳۸، ج ۲: در ۲۶ دی ۱۳۶۲ اجلاس سران کنفرانس اسلامی در مراکش بدون حضور ایران برگزار شد. در غیاب ایران در آن اجلاس و سایر جلسات بین‌المللی، با وجود کشورهای مخالف ایران، تصمیماتی علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ می‌شد.

ص ۶۳، ج ۲: دیپلماسی عراق با پشتیبانی غرب و شرق و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در طول جنگ، همواره فعال‌تر از تلاش‌های دستگاه سیاست خارجی ایران بود. بعد از عملیات ناموفق خیبر در ۳ اسفند ۶۲، عراق کنفرانسی را با حضور وزرای خارجه ۱۸ کشور عربی در روز ۱۳۶۲/۱۲/۲۵ در بغداد تشکیل داد و در پایان قطعنامه‌ای را به نفع رژیم عراق و علیه ایران صادر نمودند.

ص ۱۲۱، ج ۲: در تاریخ ۱۳۶۴/۲/۲۹ وزیر خارجه عربستان در پی حمله به کشتی‌ها و کشتی‌های نفتکش در خلیج فارس به ایران آمد و برای پذیرش آتش‌بس درخواست داشت. رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار با وی، مواضع ایران را اظهار نمود و با عدم پذیرش وزیر خارجه عربستان، نتیجه‌ای حاصل نشد.

ص ۲۲۳، ج ۲: در پی مذاکرات غیررسمی و محرمانه که با فرآیندی در طول یک سال و نیم اتفاق افتاد، در تاریخ ۶۵/۳/۴ مک فارلین مشاور ویژه ریگان، رئیس جمهور آمریکا در رأس یک هیئت شش نفره به شکل محرمانه و غیررسمی و با گذرنامه ایرلندی و نام‌های مستعار وارد ایران شد. آنان یک چهارم قطعات درخواستی موشک‌های هاگ را با خود آورده و در عوض خواستار وساطت ایران برای آزادی ۹ نفر گروگان‌های آمریکایی در لبنان بودند. پس از به بن بست کشیدن کشیده شدن مذاکرات، این هیئت روز ۶۵/۳/۷ ایران را ترک نمود. همچنان این سفر و مذاکرات به شکل محرمانه و مخفی از رسانه‌ها باقی ماند.

ص ۲۵۱، ج ۲: صدام روز ۶۵/۵/۱۲ طی نامه‌ای سرگشاده خطاب به رهبران ایران یک طرح پنج ماده‌ای را برای خاتمه دادن به جنگ پیشنهاد داد: عقب‌نشینی کامل؛ مبادله کامل اسرا؛ امضای موافقت‌نامه صلح؛ عدم دخالت در امور داخلی؛ هر دو طرف عامل مثبت در امنیت منطقه، بویژه منطقه خلیج عربی [فارس].

این طرح نیز به دلیل عدم توجه به خواسته‌های ایران مورد پذیرش قرار نگرفت. ص ۲۲۸، ج ۲: در ۱۳۶۵/۵/۱۲ با آزاد شدن یکی دیگر از گروگان‌های آمریکایی در اثر تلاش ایران، هواپیمای آمریکایی حامل ۲۴۰ موشک هاگ وارد ایران شد. در این زمان هنوز سه آمریکایی در گروگان سازمان جهاد اسلامی لبنان بودند. ص ۲۵۲، ج ۲: روز ۱۳۶۵/۵/۱۸ وزیر خارجه آمریکا، جرج شولتز، در مصاحبه‌ای اعلام کرد که هر دو کشور آمریکا و شوروی خواهان پایان جنگ هستند و ابتکار تازه‌ای را در نظر دارند. جزئیات آن ابتکار گفته نشد. آنها بدون آشکار نمودن نیت خود، تمایل داشتند که عراق شکست نخورد.

بخش یازدهم: امور کلی: تاریخ ها و موضوعات کلیدی / ۱۸۱

ص ۲۵۸، ج ۲: در تاریخ ۶۵/۶/۹ اجلاس کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در زیمبابوه تشکیل و یک هفته ادامه یافت. رئیس جمهور ایران در این اجلاس شرکت و سخنرانی نمود. در بخشی از بیانیه پایانی خواسته شده بود طرفین به جنگ خاتمه دهند.

ص ۲۲۷، ج ۲: روز ۱۳۶۵/۸/۷ یک هواپیما در بندرعباس به زمین نشست و ۵۰۰ موشک تاو و مقداری دارو از طرف آمریکا به ایران آورد. این محموله از نوع قدیمی و عمدتاً معیوب بود. آمریکا با قیمتی گزاف اینها را به ایران فروخت. آمریکا با بی صداقتی تعدادی از این سلاح ها را از اسرائیل به ایران ارسال کرد. ایران هنگامی که متوجه شد موشک های هاگ آرم اسرائیل دارند، آنها را بازگرداند.

ص ۲۶۷، ج ۲: اوایل آبان ماه ۱۳۶۵ اطلاعات ماجرای مک فارلین از طریق منوچهر قربانی فر که واسطه آن ماجرا بود در اختیار سید مهدی هاشمی گذارده شد و از طریق او، اطلاعات آن به هفته نامه لبنانی الشراع رسید.

ص ۲۶۸، ج ۲: در ۱۳۶۵/۸/۱۳ در تظاهرات مردم علیه آمریکا به مناسبت سالگرد اشغال لانه جاسوسی، رئیس مجلس شورای اسلامی، جریان مک فارلین را رسماً فاش نمود.

بخش یازدهم: امور کلی: سلاح‌های شیمیایی / ۱۸۳

سلاح‌های شیمیایی توسط حکومت بعثی عراق در هشت سال جنگ تحمیلی

درباره بکارگیری سلاح‌های شیمیایی در جنگ هشت ساله توسط دشمن، تاکنون کتاب‌ها و مستندات زیادی به طور عمومی و تخصصی تا سطح بین‌المللی منتشر شده است. هرچند که هنوز ناگفته و نانوشته‌های زیادی باقی مانده است. ارائه موضوع به طور کافی از ظرفیت آموزشی مورد نظر این کتاب خارج است.

در این بخش فقط به نمونه‌هایی از اقدامات دشمن برای دانستنی‌های عمومی اشاره می‌شود. توجه داشته باشید این به معنای آن نیست که تمام اقدامات در اینجا نوشته شده است. دامنه بحث آنقدر وسیع است که فقط با هزاران سند و اطلاعات دقیق همراه با شرح وقایع از صفر تا صد، امکان پوشش مطالب آن وجود دارد.

کتاب «ما و عراق»

در این بخش فقط گزیده‌هایی از کتاب «ما و عراق»، از گذشته دور تا امروز» ص ۶۱۵ به بعد ارائه می‌گردد:

کنفرانس لاهه در ۱۸۹۹ استفاده از سلاح‌های سمی را ممنوع کرد. پس از آنکه در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) گازهای سمی به میزان محدودی به کار رفت، به ابتکار جامعه ملل کنفرانس دیگری در شهر ژنو تشکیل شد و طبق پروتکل ۱۷۳ ژوئن ۱۹۲۵ (۲۷ خرداد ۱۳۰۴) به کار بردن هرگونه سلاح‌های شیمیایی منع گردید [در جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) با میلیون‌ها تلفات، طرفین جنگ، از سلاح‌های شیمیایی استفاده نکردند.]

روند وقایع [بکارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط رژیم عراق] نشان داد که دولت‌های به ظاهر مدافع حقوق بین‌الملل و حقوق انسان‌ها، بویژه آمریکا، بیش از حد انتظار رهبران عراق، از آنان پشتیبانی کردند و مانع نشدند که شورای امنیت، تصمیم قاطع با قدرت اجرایی برای منع عراق از تکرار استعمال سلاح‌های شیمیایی اتخاذ کند. [بسیاری از این کشورها علاوه بر اینکه با سکوت و همین‌طور موضع‌گیری به نفع صدام، او را در این حملات ترغیب کردند، بلکه کشورهایی مانند آلمان، فرانسه و هلند، مواد اولیه ساخت این سلاح‌های مرگبار و یا تجهیزات پرتاب آن را در اختیار صدام قرار دادند.]

در ۲۷ مهر ۱۳۶۲ ایران در جبهه شمالی حمله کرد [عملیات والفجر ۴] و نیروهای عراقی را از اراضی بین بانه و مریوان بیرون راند و بعد حدود ۴۰ کیلومتر در داخل خاک پیشروی کرد. عراق برای جلوگیری از پیشروی بیشتر نیروهای ایران به سلاح‌های شیمیایی توسل جست [برابر سوابق، قبل از این زمان از همان آغاز جنگ، در حمله به سوسنگرد و دیگر زمان و مکان جبهه، حملات شیمیایی دشمن و آثار ناشی از آن وجود داشته است]. ایران در ۱۲ و ۱۸ آبان ۱۳۶۲ به دبیر کل سازمان اعلام نمود که عراق ضمن بمباران مناطق مسکونی شهرهای اندیمشک، مسجد سلیمان، بهبهان و نهاوند، به دو روستای بانه با سلاح‌های شیمیایی حمله کرده و موجب کشته و مجروح شدن تعدادی از اهالی گردیده است.

در ۳ آبان ۱۳۶۲، عراق گلوله‌های شیمیایی به پیرانشهر پرتاب کرده و نماینده ایران در سازمان ملل تکه‌هایی از گلوله‌های شیمیایی را در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۶۲ برای ملاحظه کارشناسان سازمان ارائه داد.

بخش یازدهم: امور کلی: سلاح‌های شیمیایی / ۱۸۵

در ۲۵ آبان ۱۳۶۲، ایران به دبیر کل سازمان ملل اطلاع داد که هواپیمای عراق در صبح روز ۲۹ مهر ۱۳۶۲ یک بمب شیمیایی بر روی ده بامدمجان نزدیک بانه فرو ریخته است. در ۸ آبان ۱۳۶۲ نیز نیروهای عراقی در کمتر از هفت دقیقه، سه بار گلوله توپ حاوی مواد شیمیایی در خط مقدم جبهه پرتاب کرده‌اند. ایران در نامه‌های خود علاوه بر تعداد کشته‌شدگان و مجروحان، عوارض گلوله‌ها و بمب‌های شیمیایی را که زخم‌های پوستی، ناراحتی‌های ریه، نابینایی و ضعف دید چشم‌ها بود، توضیح داد. ایران از دبیر کل خواست که هرچه زودتر گروه کارشناسان را برای تحقیق اعزام دارد.

عراق در نامه ۸ آذر ۱۳۶۲ به دبیر کل سازمان ملل، اتهام‌های ایران را به طور قاطع رد کرد و مخالفت خود را با اعزام نماینده یا گروه کارشناس اعلام نمود و تأکید نمود باید کوشش‌ها متوجه خاتمه جنگ و لااقل اجرای قطعنامه ۵۴۰ [۹ آبان ۱۳۶۲] شورای امنیت باشد.

در مورد اقدام عراق به استعمال سلاح‌های شیمیایی توجه جلب می‌شود که هر وقت نیروهای ایران در جبهه‌های زمینی به پیروزی‌هایی دست می‌یافتند، عراق نه تنها بر شدت و وسعت جنگ شهرها و جنگ نفتکش‌ها می‌افزود، بلکه سلاح‌های شیمیایی را نیز به مقدار زیاد و به دفعات به کار می‌برد تا بدین وسیله از قدرت نیروهای ایران بکاهد و پیشروی آنها را متوقف سازد.

بی‌تفاوتی شورای امنیت، نسبت به شکایت‌های مکرر ایران در مورد به کار رفتن سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایران، موجب گردید که عراق

بدون واهمه از واکنش‌های جهانی و شورای امنیت بر شدت بکارگیری سلاح‌های شیمیایی بیفزاید.

دولت ایران، تعداد کثیری از مجروحان سلاح‌های شیمیایی را به اروپا اعزام و در بیمارستان‌های آلمان، اتریش و سوئد بستری نمود. این اقدام اعتراض و خشم افکار عمومی مردم جهان را علیه عراق برانگیخت. پس از این اقدام، دبیر کل سازمان ملل در گزارشی به شورای امنیت، حملات شیمیایی عراق را [در آثار مشاهده شده در بیماران] تأیید نمود. چهار نفر کارشناس برجسته امور سلاح‌های شیمیایی و اتمی در ۲۲ اسفند ۱۳۶۲ از ژنو عازم تهران شد. در اول فروردین ۱۳۶۳ گزارش خود را به دبیر کل تسلیم نمودند. دبیر کل نیز عین گزارش را به پیوست گزارش خود به اطلاع شورای امنیت رساند.

عراق در ۷ فروردین ۱۳۶۳ اعلام نمود، عراق از چنان سلاح‌ها در گزارش کارشناسان سازمان ملل استفاده نمی‌کند و اگر در جایی دیده شده، مسئولیت آن بر عهده ایران است.

شورای امنیت در ۱۰ فروردین ۱۳۶۳ برای رسیدگی به «وضعیت بین ایران و عراق» تشکیل جلسه داد و فقط بیانیه‌ای صادر کرد. در آن ضمن نگرانی با توجه به گزارش کارشناسان، اعلام نمود تنها راه رفع نگرانی‌ها، پایان دادن به جنگ است و استعمال سلاح‌های شیمیایی بدون نام بردن عراق، محکوم کرد. وجدان آگاه بشریت از چنین شورای امنیت رنج می‌برد. دکتر ولایتی، وزیر خارجه ایران در کنفرانس خلع سلاح در آوریل ۱۹۸۵ (اردیبهشت ۱۳۶۴) در ژنو، اظهار داشت: تنها از ۱۲ اسفند ۶۳ تا ۲۹ فروردین ۶۴ در مدت شش هفته، به همراه با جدول آمار و عکس‌های

مجروحان، عراق ۳۳ مورد سلاح شیمیایی به کار برده و حدود ۴۶۰۰ نفر مجروح و شهید شده‌اند.

شورای امنیت در جلسه ۵ اردیبهشت ۱۳۶۴ بیانیه‌ای صادر کرد و در آن در دو جا کلمه «جنگ» را به کار برد، بدین ترتیب حالت بین ایران و عراق را «جنگ» دانست. برای اولین بار پذیرفت که آنچه بین ایران و عراق جریان دارد نه «وضعیت» است و نه «اختلاف»، بلکه «جنگ» است. با این حال تا پایان جنگ هشت ساله، شورای امنیت در کلیه قطعنامه‌ها [حالت جنگ موجود را] با عبارت «وضعیت بین ایران و عراق» به کار برد و در قطعنامه ۵۹۸ به بعد، کلمه «منازعه» را به کار برد. از به کار بردن کلمه «جنگ» خودداری نمود تا آن مواردی از منشور ملل متحد را پایه بررسی قرار ندهد که ملزم گردد در مورد تجاوز مسلم عراق، بر طبق ماده ۳۹ منشور، متجاوز بودن عراق را تشخیص دهد و بر اساس آن، قطعنامه صادر کند.

ایران در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۴ به دبیر کل اطلاع داد که عراق در منطقه فکه و سردشت در روزهای ۱۷ و ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۴ در منطقه فکه و سردشت سلاح‌های حاوی گاز خردل به کار برده است. ایران خواست که شورای امنیت از کلیه امکانات بین‌المللی برای متوقف ساختن نقض قواعد بین‌المللی در بکارگیری سلاح‌های شیمیایی استفاده کند.

پس از حمله ایران در ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ و تصرف فاو، عراق، بمباران شهرها و بکارگیری سلاح‌های شیمیایی را شدت بخشید و ایران در ۲۳ بهمن ۶۴ به دبیر کل اطلاع داد در اثر حملات شیمیایی عراق، تعدادی کشته و بیش از ۷۰۰ نفر مجروح شده‌اند. در ۲۵ بهمن، عراق دو بمب حاوی گازهای شیمیایی به آبادان پرتاب کرد.

در ۲۸ بهمن ۶۴، ایران به دبیر کل اطلاع داد که اولین مجروحان شیمیایی را به بیمارستان لندن، فرانکفورت، استکهلم، بروکسل فرستاده است و از دبیر کل خواست که گروه پزشکان سازمان ملل را به بیمارستان‌های بالا و تهران اعزام دارد.

دبیر کل از ۷ تا ۱۲ اسفند ۱۳۶۴، گروه کارشناسان را اعزام و در تهران به معاینه مجروحان گازهای شیمیایی و تحقیق درباره نوع بمب‌ها پرداختند. گزارش آنان در ۲۱ اسفند ۱۳۶۴ به شورای امنیت ارسال گردید. گزارش کارشناسان، تأیید نموده بود که گاز خردل در بسیاری از موارد و در مواردی هم گاز اعصاب علیه نیروهای ایرانی به کار گرفته شده است. این نتیجه‌گیری با معاینه ۸۲ بیمار بستری و ملاحظه وضع ۷۲۰ مجروح شیمیایی دیگر به دست آمد. در این بررسی تعداد ۹ نفر از نیروهای عراق که در ۲۲ بهمن ۶۴ در حمله ایران به فاو دستگیر شده و یکی از آنان خلبان عراقی که هواپیمایش ساقط شده بود. به شدت ۹ نفر یادشده از عوارض گازهای شیمیایی رنج می‌بردند. این افراد گواهی دادند که عراق سلاح‌های شیمیایی به کار برده است. خلبان عراقی تأیید نمود که هواپیمای عراقی حامل بمب‌های شیمیایی برای حمله به مواضع ایرانیان مورد استفاده قرار گرفته و خودش در دو «مأموریت ویژه» بالا شرکت داشته است.

شورای امنیت در اول فروردین ۱۳۶۵ پس از تشکیل جلسه، بیانیه‌ای صادر و در آن برای اولین بار به استناد گزارش کارشناسان، اعلام نمود که عراق علیه نیروهای ایران سلاح‌های شیمیایی به کار برده است و بالأخره اظهار نگرانی عمیق و محکوم نمودن نقض پروتکل ژنو در ۱۹۲۵ و از طرفی طولانی شدن جنگ را نیز محکوم نموده بود.

بخش یازدهم: امور کلی: سلاح‌های شیمیایی / ۱۸۹

روزهای ۳ و ۴ فروردین ۶۵ عراق در آبادان سلاح‌های شیمیایی به کار برد و ایران به دبیر کل اطلاع داد. عراق تا پایان جنگ، بدون پروا همچنان روش خود را در بکارگیری سلاح‌های شیمیایی ادامه می‌داد. شورای امنیت در این مدت هشت سال، هر جا هم اسم از بکارگیری سلاح‌های شیمیایی برد، جنبه توصیه‌ای داشت و اقدام بازدارنده و تنبیهی که در وظایفش بود، به عمل نیاورد.

عراق در ۲۲ فروردین ۱۳۶۶ به مدت سه ساعت، توسط بمب، گلوله توپخانه، راکت و خمپاره خرمشهر را از ساعت ۲۲۳۰ مورد حمله شیمیایی قرار داد. عراق در ۱۶۳۰ هفتم تیرماه ۱۳۶۶ چهار نقطه شهر سردشت و سه نقطه روستاهای اطراف را با هواپیما مورد حمله شیمیایی قرار داد. ایران در ۲۲ دی ۱۳۶۶ نامه خود را در مورد بکارگیری سلاح‌های شیمیایی علیه مردم بی‌گناه سردشت به دبیر کل ارسال نمود.

در ساعت ۱۴۰۰ روز ۲۵ اسفند ۱۳۶۶ عراق پس از پیروزی ایران در عملیات مورخه ۱۳۶۶/۱۲/۲۴، حلبچه را بمباران شیمیایی نمود. حدود ۵۰۰۰ نفر از اهالی کودک تا بزرگسال کشته شدند و هزاران نفر مجروح گردیدند.

در عصر ۲۶ اسفند ۱۳۶۶ شهر مرزی نودشه از توابع پاهو مورد حمله هشت بمب شیمیایی گاز خردل توسط هواپیماهای عراقی قرار گرفتند. تعداد ۱۳ نفر شهید و تا حدود ۷۰۰ نفر مجروح شدند.

در نامه‌های ۱ و ۲ و ۴ فروردین ۱۳۶۷، ایران به دبیر کل اطلاع داد که عراق سلاح‌های شیمیایی در منطقه مریوان به کار برده است. نماینده ایران در سازمان ملل در اول اردیبهشت ۱۳۶۷ نامه‌ای را در ۱۵ صفحه برای دبیر

کل ارسال داشت. در آن، مشخصات حمله‌های شیمیایی عراق از دی ماه ۱۳۵۹ تا اسفند ۱۳۶۶ را با ذکر محل، تاریخ، وسیله پرتاب سلاح شیمیایی با هواپیما یا توپخانه درج شده بود. در این مدت ۲۵۲ بار عراق به شهرهای ایران و مناطق جنگی بر روی مردم غیرنظامی و نیروهای ایران سلاح‌های شیمیایی پرتاب کرده بود. بر اثر حمله‌های بالا، مجموعاً ۵۶۷۸۹ نفر کشته و مجروح شدند. در ۳۰ خرداد ۱۳۶۶ تنها در منطقه سردشت ۸۰۲۵ نفر قربانی سلاح‌های شیمیایی عراق شدند.

دولت آمریکا با همکاری دولت‌های شوروی، انگلستان، فرانسه و چین که اعضای دائمی شورای امنیت هستند مانع از آن می‌شدند که شورای امنیت برای جلوگیری از ارتکاب چنین جنایت‌هایی «اقدام فوری و مؤثر» به عمل آورد.

عراق پیروزی را با بکارگیری سلاح‌های شیمیایی در فاو به دست آورد. عراق در ۴ تیر ۱۳۶۷ سلاح‌های شیمیایی گسترده‌ای را در جزایر مجنون به کار گرفت. کارشناسان سازمان ملل گزارش دادند که ۲۰۰۰ نفر در اثر استعمال گازهای شیمیایی عراق آسیب دیده‌اند.

ایران در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ موافقت خود را با قطعنامه ۵۹۸ و برقراری آتش‌بس اعلام داشت. ۱۶ روز بعد، در روز ۱۱ مرداد ۱۳۶۷ عراق بر روی روستاهای حومه اشنویه در آذربایجان غربی راکت‌های شیمیایی از هوا پرتاب کرد و ۲۶۸۰ نفر در بیمارستان‌ها برای مداوا بستری شدند. برابر گزارش ۱۰ مرداد ۱۳۶۷ کارشناسان سازمان ملل، عراق از ۶ تیر ۱۳۶۷ به مدت سه روز با هلیکوپتر و توپخانه به ارتفاعات اطراف حلبچه بمب‌ها و گلوله‌های شیمیایی پرتاب کرد. مجروحان در بیمارستان اهواز و کرمانشاه

بخش یازدهم: امور کلی: سلاح‌های شیمیایی / ۱۹۱

معاینه شدند و اجساد ۸۶ قربانی شیمیایی معاینه شد. به علت همین بمباران‌های شیمیایی سه روزه، نیروهای ایرانی آن نقاط را تخلیه کردند. عراق در تصرف جزیره‌های مجنون [۱۳۶۷/۴/۴] قبل از حمله، به مدت دو ساعت با گلوله‌های توپ حاوی گاز سیانید و گاز اعصاب، آن نقاط را بمباران نمود.

در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ آتش‌بس قرار شد.

در روزهای ۳ و ۶ شهریور ماه ۱۳۶۷، هواپیماهای عراقی به روستاهای کردنشین عراق، بمب‌های شیمیایی پرتاب کردند. در جنایت‌هایی که دولت بعثی عراق با به کار بردن سلاح‌های شیمیایی مرتکب شد، جز آن دولت، دولت‌های دیگری هم مسئول هستند. آنان که این نوع سلاح‌ها را در اختیار او گذارند و آنان که در شورای امنیت، اقدام بازدارنده و محکوم‌کننده‌ای علیه عراق انجام ندادند.

کتاب «روند جنگ ایران و عراق»، ج ۲، ص ۴۲۵:

"عراق مجموعاً در طول جنگ، بیش از ۳۰ تهاجم شیمیایی علیه هدف‌های غیرنظامی در داخل خاک ایران انجام داد. طی جنگ تحمیلی، بیش از ۱۱۰ هزار نفر از ایرانیان در معرض سلاح‌های شیمیایی قرار گرفتند. در حال حاضر در بنیاد شهید تعداد ۴۸۴۳ پرونده جانباز شیمیایی وجود دارد. رژیم بعثی عراق در طول جنگ از سه نوع سلاح شیمیایی استفاده کرد. نوع اول بر روی پوست، نوع دوم بر روی سامانه عصبی، نوع سوم بر روی سامانه تنفسی بدن.

رژیم صدام در جنگ از گازهای خردل، سارین و سیانور بیشترین استفاده را کرد.

گفته می‌شود ۴۵٪ از مواد خام شیمیایی را یک تاجر هلندی به عراق داده بود. پس از سقوط صدام، دادگاه هلند، این تاجر هلندی را که با فروش آن مواد، صدام از آن برای بمباران حلبچه استفاده نمود، به ۱۷ سال زندان محکوم نمود [بقیه چی؟ و چرا مجازات اینقدر کم؟ به نظر می‌رسد دولت‌های غربی با محکومیت این‌چنینی یک تاجر، به صورت زیرکانه و ناجوانمردانه‌ای، خود را از مظان اتهام و البته مجرمیت کمک نمودن بکارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط عراق دور کردند.]

بر اساس آمارهای سازمان ملل، رژیم عراق در طول جنگ، ۱۸۰۰ تن گاز خردل، ۶۰۰ تن گاز سارین، ۱۴۰ تن گاز تابون در قالب نزدیک به ۱۰۰ هزار بمب، راکت و گلوله به کار برد.»

نکته: در مدت هشت سال جنگ، ایران به تدریج و با وجود تحریم‌ها، توانست تا حدودی آموزش‌ها و تجهیزات دفاعی و ایمنی را در برابر حملات شیمیایی دشمن افزایش دهد. همراه با مقدار افزایش ابزار دفاعی، تعداد تلفات خودی (نیروهای مسلح، نه مردم عادی) نیز در مواقع حمله شیمیایی دشمن کاهش می‌یافت.

بخش یازدهم: امور کلی: مجاهدین خلق (منافقین) / ۱۹۳

سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ هشت ساله حکومت بعثی عراق با ایران

توضیح: قابل توجه اساتید محترم: در ادامه آموزش مبحث یادشده با توجه به محدودیت زمان آموزش، فقط به مطالب اقدامات منافقین از سال ۵۹ تا پایان جنگ، آن هم به طور خلاصه و در زمانی کمتر از ده دقیقه اشاره شود. اطلاعات مربوط به آغاز این سازمان تا سال ۵۹ و به بعد، برای تکمیل اطلاعات و مطالعه بیشتر خوانندگان این موضوع، انتخاب شده است.

برداشت از کتاب «سازمان مجاهدین خلق»، ج ۱ و ۲

ص ۲۷۵ به بعد، ج ۱: سازمان یادشده توسط سه نفر در شهریور سال ۱۳۴۴ بنیان گذاری شد. محمد حنیف نژاد، سعید محسن، عبدالرضا نیک‌بین رودسری (معروف به عبدی). سه نفر یادشده قبلاً عضو نهضت آزادی بودند که از آن جدا و خط مشی مسلحانه را انتخاب و اجرا کردند. این سازمان با شرایط خاص که در کتاب‌ها آمده است، اقدام به عضوگیری نمود.

ص ۳۸۳، ج ۱: اواخر سال ۴۵ مرکزیت سازمان با حضور اصغر بدیع‌زادگان به چهار نفر افزایش یافت. رهبری سازمان در سال ۴۷ با کنار رفتن عبدی نیک‌بین با سه نفر بقیه ادامه یافت. در سال ۱۳۴۸ مرکزیت سازمان به ۱۰ نفر افزایش یافت.

ص ۴۱۱، ج ۱: در سال ۴۹ حدود ۲۲ نفر برای آموزش نظامی و چریکی به اردوگاه‌های آموزشی فلسطینی الفتح در سوریه و لبنان رفتند. مدت دوره به طور متوسط سه ماه بود. معمولاً مانند آموزش رزم مقدماتی سربازان وظیفه به علاوه آشنایی با مواد منفجره و دست‌ساز و تمرین‌های عملیاتی بود. در سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ دو تن از اعضای اصلی سازمان به نام‌های حسین

احمدی روحانی و تراب حق شناس در نجف با آیت الله خمینی ملاقات چندساعته نمودند و کوشیدند او را به حمایت از ترورها و نوع مبارزاتشان وادار کنند ولی موفق نشدند.

ص ۴۳۹، ج ۱: مسعود رجوی متولد ۱۳۲۷ در طبس و تحصیلات در مشهد. سال ۴۵ در رشته سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی قبول شد و سال ۱۳۵۰ از همان دانشگاه فارغ التحصیل شد. در سال ۴۶ وارد سازمان شد. ص ۴۲۷، ج ۱: ساواک در اول شهریور ۱۳۵۰ با توجه به اقدامات قبلی، ضربه شدید خود را به این سازمان وارد و در روز نخست، ۳۰ نفر و تا دو ماه بعد حدود ۱۲۰ نفر از اعضای سازمان در تهران و شهرستان‌ها به دام ساواک افتادند. مسعود رجوی از دستگیرشدگان مرحله نخست در روز ۵۰/۶/۳ بود. رجوی به علت همکاری با ساواک در مدت بازداشت از حکم اعدام با یک درجه تخفیف به زندان دائم تبدیل شد. وی در ۳۰ دی ماه ۱۳۵۷ به همراه جمع کثیری از زندان آزاد شد.

ص ۴۸۸، ج ۱: تا دی ماه سال ۱۳۵۰، تشکیلات یادشده، نام خاصی برای خود انتخاب نکرده بود. در ۲۰ بهمن ۱۳۵۰ اولین بیانیه سازمان در خارج از کشور با عبارت معروف «به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران» آغاز و نام تشکیلات نیز «سازمان مجاهدین خلق ایران» اعلام شد. در سال ۱۳۵۱ چند ترور در تهران توسط اعضای سازمان انجام گرفت. از اسفند ۱۳۵۳ تا خرداد ۱۳۵۴ نیز چند ترور در کارنامه این سازمان دیده می‌شود. ساواک در ۲۱ فروردین ۱۳۵۴ اعلام نمود که نه نفر زندانی این سازمان در ۲۹ فروردین در حین فرار کشته شده‌اند.

ص ۴، ج ۲: در فروردین ۱۳۵۴ مجید شریف واقفی و صمدیه لباف به سبب انحراف عقیدتی تشکیلات، تصمیم به جدایی از سازمان گرفتند.

مرکزیت تصویب کرد که شریف واقفی و صمدیه لباف و سعید شاهسوندی ترور شوند. در ۱۶ اردیبهشت ساعت ۴ بعدازظهر با قرار ملاقات فریب، شریف واقفی توسط وحید افراخته و همراهان وحید در سهراب بود. جمهری کشته می‌شود، سپس جسد او را در بیابان‌های مسکرباد سوزانده و قطعه‌قطعه کردند.

در همین روز ساعت ۶ بعدازظهر، صمدیه لباف نیز در محل قرار فریب در خیابان گرگان ترور شد، اما همراه با مجروحیت در فک و صورت جان سالم به در برد و در بیمارستان سینا توسط ساواک دستگیر می‌گردد. در تاریخ چهارم بهمن ۱۳۵۴ به همراه ۸ تن دیگر از اعضای سازمان تیرباران گردید.

علاوه بر دو نفر یادشده، تعدادی دیگر نیز توسط سازمان به سبب عدم پذیرش انحراف ایدئولوژی به طور آشکار و مشکوک کشته شدند که در کارنامه سازمان، اسامی و چگونگی ثبت شده و منتشر شده است.

ص ۳۵۳، ج ۲: در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ طی اعلامیه‌ای، سازمان مجاهدین خلق به رهبری مسعود رجوی و موسی خیابانی اعلام موجودیت کرد و آمادگی خود را برای «عضوگیری» اعلام نمود و بیانیه‌های متعددی در همان روزها و ماه‌های بعد از پیروزی انقلاب، در مطبوعات منتشر نمود. البته جزوه، پوستر و کتاب نیز با تیراژ زیاد منتشر نمود. در اول مرداد ۵۸ نشریه مجاهد، ارگان رسمی مجاهدین خلق را انتشار دادند. در همین زمان شبکه زیرزمینی مسلح ایجاد کردند. خانه‌های امن در تهران و شهرستان‌ها، ظاهراً جهت تأمین حفاظت سازمان تشکیل دادند.

بیان تشکیلات و سازماندهی سازمان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با کلیدواژه‌های سازمان، جنبش، کانون، نهاد، جوانان، کارگزاران، اصناف، زنان، دانش‌آموزان، دانشجویان، مجلات و غیره از ظرفیت و موضوع اصلی این مکتوب خارج است. فقط به صورت مقدمه و کلی‌گویی اشاره گردید.

ص ۵۳۵، ج ۲: در اول فروردین ۱۳۶۰ دادستانی انقلاب اسلامی، اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای را صادر و در آن علاوه بر سایر مطالب حزبی و سیاسی، خواست که کلیه احزاب و گروه‌های مسلح، سلاح‌های خود را به سپاه پاسداران و یا مقامات انتظامی تحویل و رسید اخذ نمایند. [توجه گردد که در این زمان، کشور در حال جنگ با دشمن بعثی است و بیش از ۶ ماه از جنگ گذشته است].

سازمان مجاهدین خلق نسبت به تحویل سلاح اقدام ننمود و با صدور اعلامیه و نیز سخنرانی و بازی با الفاظ در مقابل این خواسته مقاومت می‌کرد. ص ۵۳۵، ج ۲: روز ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ با حکم امام خمینی، بنی‌صدر از فرماندهی کل نیروهای مسلح برکنار شد. بنی‌صدر در زمان صدور این حکم در کرمانشاه به سر می‌برد و از همان روز اختفای وی آغاز شد.

مجاهدین خلق در فردای آن شب، اطلاعیه‌ای در حمایت از بنی‌صدر و حفظ جان رئیس‌جمهور صادر نمود.

ص ۵۵۸، ج ۲: در ۲۷ خرداد ۱۳۶۰ طرح دوفوریتی عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در ۲۸ خرداد، سازمان اعلام قیام مسلحانه نمود.

ص ۵۷۲، ج ۲: در روز شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس به تصویب رسید. عصر روز ۳۰ خرداد، در تهران و چند

بخش یازدهم: امور کلی: مجاهدین خلق (منافقین) / ۱۹۷

شهر بزرگ دیگر، هواداران سازمان، تظاهرات خشونت‌بار و مسلحانه سرد و گرم دست زدند. اوایل شب، آشوبگران شکست خوردند و متفرق شدند. نتیجه: تخریب چند ماشین و مرگ و جرح چند نفر از طرفین بود. خبرگزاری‌ها اعلام نمودند که در این روز دست کم ۳۰ تن کشته و ۲۰۰ تن مجروح گردیدند. همزمان در چند شهر بزرگ دیگر نیز درگیری‌های پراکنده مشابهی و البته در سطح کوچکتری رخ داد.

روز ۶ تیر ۱۳۶۰ ساعت ۹ شب بمبی جاسازی شده در ضبط صوت بزرگ روی تریبون سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد اباذر واقع در ۲۰ متری فلاح منفجر و ایشان از کتف و ران و عصب دست آسیب دید. بمب‌گذار: محمدجواد قدیری عضو سازمان مجاهدین خلق بود.

ص ۵۹۳، ج ۲: روز ۷ تیر ۱۳۶۰ در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در سرچشمه تهران که با حضور حدود یکصد تن از مسئولان نظام و سخنرانی آیت‌الله بهشتی جلسه برگزار شده بود، بمبی منفجر و آیت‌الله بهشتی همراه با ۷۳ تن از سران نظام شهید شدند. حدود ۳۰ نفر نیز زخمی شدند. بمب‌گذار: محمدرضا کلاهی صمدی، ۲۲ ساله، عضو سازمان مجاهدین خلق بود.

ص ۶۱۴، ج ۲: روز ۶ مرداد ۱۳۶۰ ساعت ۲۳:۰۰، بنی‌صدر و رجوی بایک هواپیمای بوئینگ سوخت‌رسانی به خلبانی سرهنگ معزی خلبان مخصوص شاه به پاریس فرار و آنجا پناهنده شدند.

ص ۶۲۷، ج ۲: روز ۸ شهریور ۱۳۶۰ ساعت ۱۵:۰۰، بُمبی در جلسه شورای امنیت کشور با حضور رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و چند تن دیگر منفجر و آقایان رجایی (رئیس‌جمهور) و باهنر (نخست‌وزیر) و سرهنگ وحید

دستگردی (رئیس شهربانی) به شهادت رسیدند و سرتیپ شرفخواه معاون نیروی زمینی، سرهنگ کتیبه رئیس اداره دوم ستاد مشترک ارتش مجروح شدند و یوسف کلاهدوز مسئول سپاه پاسداران و خسرو تهرانی سالم درآمده بودند. بمب‌گذار: مسعود کشمیری عضو سازمان مجاهدین خلق.

کتاب «منافقین در کمینگاه صیاد»، ص ۴۲:

در تاریخ هفتم مهرماه ۱۳۶۰ برنامه «دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران» توسط شورای ملی مقاومت اعلام شد. این برنامه را بنی‌صدر به عنوان رئیس جمهور و رجوی به عنوان مسئول شورای ملی مقاومت امضا کردند.

در ۳۰ اسفند ۱۳۶۲ به دنبال مخالفت مکرر بنی‌صدر با روابط رو به گسترش سازمان مجاهدین خلق با دولت عراق، طی نامه‌ای به رجوی، اعلام جدایی کرد.

کتاب «روند جنگ ایران و عراق»، ج ۱، ص ۴۲۲:

در روز ۷ فروردین ۱۳۶۱ در حالی که عملیات فتح‌المبین در حال اجرا بود، یک سرباز راننده و عامل نفوذی منافقین که رانندگی یکی از مقامات ستاد نذاجا را بر عهده داشت، با کمک دو نفر دیگر به ستاد نذاجا در پادگان لویزان حمله مسلحانه نمودند و شش نفر را به شهادت رساندند و چند نفر از جمله سرهنگ خرسندی معاون هماهنگ‌کننده نیروی زمینی را با اصابت ۷ گلوله به سر و سینه وی مجروح نمودند.

ج ۱، ص ۵۶۴: عوامل منافقین در ۱۲ مهر ۱۳۶۱ یک فروند هواپیمای سی ۱۳۰ ارتش را ربودند.

بخش یازدهم: امور کلی: مجاهدین خلق (منافقین) / ۱۹۹

ج ۱، ص ۵۶۴: منافقین در روز جمعه ۲۳ مهر ۶۱ آیت الله اشرفی اصفهانی امام جمعه کرمانشاه را با نارنجک به شهادت رساندند. در کارنامه آنان با همین روش انتحاری، شهادت رساندن آیت الله دستغیب امام جمعه شیراز و آیت الله مدنی امام جمعه همدان و چند نفر دیگر نیز وجود دارد.

ج ۱، ص ۶۱۱: منافقین در عصر روز ۱۳۶۲/۴/۱۵ یک هواپیمای مسافربری ۷۴۷ هوا را با ۳۹۰ مسافر و خدمه از شیراز ربوده و به کویت بردند. هواپیماربابی چند بار دیگر نیز توسط منافقین اجرا شد که بیان هر کدام از ظرفیت این کتاب خارج است.

ج ۲، ص ۶۵: در اواخر زمستان سال ۱۳۶۲، طارق عزیز وزیر خارجه عراق در فرانسه با مسعود رجوی ملاقات و از وی خواست که علاوه بر جاسوسی و جمع آوری اطلاعات برای رژیم بعثی عراق و انجام عملیات تروریستی علیه مسئولان و مردم طرفدار انقلاب، یک سازمان نظامی در داخل عراق ایجاد کند و به عنوان پیشمرگ ارتش بعثی عراق در جنگ علیه ایران وارد عمل کند. بنی صدر پس از این همکاری سازمان منافقین با رژیم عراق، از شورای ملی مقاومت که شامل گروه های مخالف جمهوری اسلامی با محوریت سازمان مجاهدین خلق بود و در اعتراض به آن، از ۳۰ اسفند ۱۳۶۲ کناره گرفت.

ج ۲، ص ۲۳۴: با بهبود روابط ایران و فرانسه در اثر آزادسازی هشت گروگان فرانسوی در لبنان با وساطت ایران، در خردادماه ۱۳۶۵ فرانسه تصمیم گرفت تا منافقین را از خاک فرانسه بیرون کند.

دیدار مسعود رجوی با صدام

در روز ۶۵/۳/۱۷ مسعود رجوی همراه با ۴ نفر دیگر از سران سازمان با یک جت اختصاصی عازم بغداد شد و چند روز بعد با صدام ملاقات کرد.

ج ۲، ص ۲۳۵: به دنبال بهبود روابط ایران و فرانسه، از اواخر سال ۱۳۶۵ تمامی نیروها و ستاد سازمان مجاهدین خلق از فرانسه به عراق منتقل شدند. دولت عراق پادگانی را در شمال شرق بغداد و ۸۰ کیلومتری مرز ایران و در ۱۵ کیلومتری شمال بعقوبه در شهرستان الخالص احداث کرد و در اختیار منافقین قرار داد که به پادگان اشرف نامگذاری شد و مجموعاً ۵ هزار نفر از منافقین در این پادگان در قالب تیپ‌های مختلف سازماندهی شدند. عراق یک شبکه رادیو تلویزیونی نیز در اختیار این سازمان برای اجرا و پخش برنامه‌هایی علیه ایران قرار داد تا منافقین علاوه بر تلاش در تأثیرگذاری در افکار عمومی، نیروهای مورد نیاز خود را از داخل ایران جذب کنند.

ج ۲، ص ۳۴۶: سازمان منافقین شاخه نظامی خود را با کمک ارتش عراق در ۲۹ خرداد ۱۳۶۶ با عنوان «ارتش آزادی‌بخش ملی» توسعه و سازمان داد. دو هفته پس از تشکیل این ارتش، سرکرده منافقین [مسعود رجوی] با صدام ملاقات کرد.

کتاب «سازمان مجاهدین خلق»، ج ۳، ص ۲۸۴:

نیروهای مبارز و انقلابی عراقی با حمایت جمهوری اسلامی ایران تحت نظر مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق با کمیت و کیفیت بسیار مؤثر و بیشتر از اقدامات سازمان منافقین علیه نیروهای عراق عمل می‌نمودند. به طور نمونه در دو ماه مرداد و شهریور ۱۳۶۶، بیش از ۱۲۰ مورد عملیات تهاجمی و تدافعی و کمین در شمال عراق انجام دادند.

بخش یازدهم: امور کلی: مجاهدین خلق (منافقین) / ۲۰۱

ج ۳، ص ۲۸۵: نیروهای سازمان منافقین در اول مرداد ۶۶ در نیمه شب به یک پایگاه کوچک نظامی در چنگوله نزدیکی شهر مهران حمله و ۱۶ تن را به اسارت بردند.

ج ۳، ص ۲۸۵: در نیمه شب ۳ مرداد ۶۶ به یکی از پایگاه‌های لشکر ۸۱ در منطقه عمومی سرپل ذهاب همراه با نیروهای محلی در ارتش عراق «فرسان» و با آتش تهیه ارتش عراق حمله نمودند و از ۲۶ نفر نیروهای موجود، ۲۰ نفر را اسیر و یک نفر را زخمی نمودند.

[نکته: در کلیه عملیات‌های منافقین، آنان در نتایج عملیات با اعداد خیلی بیشتر از واقعی و اغراق گونه اعداد تلفات نیروهای جمهوری اسلامی را اعلام و منتشر می نمودند.]

ج ۳، ص ۲۸۶: در ۹ مرداد ۱۳۶۶ به ۹ پایگاه سپاه در منطقه گیلانغرب حمله نمودند و تعدادی را شهید و مجروح نمودند و سازمان اعلام نمود که سه نفر هم به اسارت درآورده اند، اما سپاه تأیید ننمود.

ج ۳، ص ۲۸۶: در ۲۶ مرداد ۱۳۶۶، ارتش سازمان، با کمین در نوار مرزی «سورن» از توابع شهر بانه، چهار تن را شهید و سه تن را زخمی و ۱۳ تن را به اسارت بردند.

ج ۳، ص ۲۸۶: در ۳۱ مرداد ۱۳۶۶ ارتش سازمان، به دو پایگاه ارتش در منطقه سردشت حمله و سه تن را شهید و چهار تن زخمی و ۱۰ تن را به اسارت برد.

نکته: در این حوادث، اگر دیده می شود که ارتش منافقین، بیشتر به یگان‌های نزاجا حمله کرده اند، نشان از آن است که خط تماس با دشمن در مرز ۱۶۰۸ کیلومتری با عراق، بیشترین مسئولیت پدافندی آن بر عهده یگان‌های نزاجا بوده است. فقط مناطق محدودی از خط تماس سرتاسری بر عهده سپاه پاسداران بوده است. اطلس پدافند این خط تماس

سرتاسری و مسئولیت هر قسمت از آن، در هشت سال جنگ تاکنون منتشر نشده است و اطلاعات مستند و دقیقی نمی‌توان ارائه داد.

ج ۳، ص ۲۸۶: در تاریخ ۱۱ شهریور ۱۳۶۶ حدود ساعت ۲۲، نیروهای منافقین با پشتیبانی آتش توپخانه عراق به پایگاه گردان ۲۰۵ ژاندارمری در شرق مهران حمله و ۶ تن را شهید و ۱۶ تن را اسیر نمودند. در گزارش منافقین اعلام شد: ۱۱۳ تن را کشتند و ۱۶ تن اسیر گرفتند.

ج ۳، ص ۲۸۷: در روز ۱۲ شهریور، منافقین به یک پایگاه نظامی در سقز حمله کردند و مهاجمان با دادن ۵ کشته عقب‌نشینی نمودند.

ج ۳، ص ۲۸۷: در نیمه‌شب ۳۱ شهریور ۱۳۶۶، یکی از پایگاه‌های مرزی سپاه پاسداران در منطقه مهران هدف حمله اعضای سازمان قرار گرفت. ۸ تن شهید، تعدادی زخمی و ۱۸ تن اسیر شدند. سازمان این عملیات را «پیروزی درخشان» نامید و تلفات وارده را ۱۸ اسیر و ۵۰ کشته و زخمی اعلام نمود.

ج ۳، ص ۲۸۸: در پایان سال ۶۶، سازمان بیلان کار ارتش خود را به این شرح اعلام نمود: ۹۹ رشته عملیات و وارد ساختن ۹۳۰۰ تن تلفات به نیروهای ایران و گرفتن ۸۶۰ اسیر.

گزارش‌های نیروهای نظامی خودی در سال ۶۶ نشان می‌دهد که ارتش سازمان کمتر از ۴۰ مورد عملیات انجام داده بود و تلفات وارده به نیروهای ایرانی نیز کمتر از یک‌صد آمار اعلامی سازمان بوده است.

ج ۳، ص ۲۹۰: از نیمه اسفند ۶۶ تا سال ۶۷ حملات موشکی عراق به شهر تهران آغاز و ادامه یافت.

ج ۳، ص ۲۹۰: در ساعت حدود ۱۲۳۰ هشتم فروردین ۱۳۶۷ در منطقه مرزی فکه و علیه یگان‌های خودی، از سوی سازمان، عملیاتی که «آفتاب»

بخش یازدهم: امور کلی: مجاهدین خلق (منافقین) / ۲۰۳

نامیده بودند، با پشتیبانی ارتش عراق اجرا شد. سازمان اعلام نمود این عملیات با شرکت ۱۵ تیپ رزمی [با تعریف خاص و نامناسب در بکارگیری کلمه تیپ] که دو تیپ آن زنان و یک تیپ آن زرهی و جدیدالتأسیس بود انجام گرفته است. توجه شود که سازمان هر تیپ ۲۵۰ نفر بود. تعدادی از اسرای فریب خورده در اردوگاه‌های اسرا در سرتاسر عراق، در این تیپ‌ها سازماندهی شده بودند.

نیروهای سازمان، تمامی سنگرها و استحکامات موجود را به آتش کشیدند و سپس نسبت به برافراشتن پرچم‌های سازمان در روی خاکریزها و پخش اعلامیه‌ها اقدام نمودند. [در این عملیات از بلندگوهای دستی در جهات مختلف مواضع یگان‌های خط مقدم استفاده نمودند، به شکلی که نیروهای مستقر در مواضع احساس محاصره شدن را پیدا نمودند.] عراقی‌ها و نیروهای سازمان تا حدود ظهر روز تهاجم، تمام امکانات و تجهیزات به غنیمت گرفته شده را به پشت خط و به درون خاک عراق منتقل نمودند. کلیه اسرا را نیز انتقال دادند. حدود ساعت ۱۳ از خاک ایران تا پشت خط پدافندی رژیم بعث عراق عقب‌نشینی کردند. در گزارش منابع نظامی ایران اعلام شد. تلفات سنگینی به مهاجمان وارد آمد و آنان مجبور به عقب‌نشینی شدند.

سازمان اعلام نمود: تلفات وارده به لشکر ۷۷ خراسان، ۳۵۰ کشته و مجروح و ۵۰۸ اسیر بوده است. در آن منابع گفته شد: ارتش سازمان توانست با همراهی و همکاری ارتش کشور عراق، کاری را که آن ارتش نتوانسته بود علیه کشور ایران عملی سازد، انجام داد و یکی از لشکرهای زبده رژیم ایران را به نفع طرف عراق از کار بیاندازد.

نکته: (۱) به نظر نگارنده [سرتیپ ۲ صادقی گویا] این نوع عملیات‌های قبلی و بعدی سازمان منافقین و کسب موفقیت نسبی در گرفتن اسرا و انهدام مواضع خط مقدم و حدودی تا رده عقب آن، ارتش بعثی عراق را باور داد که برخلاف چیدمان نیروهای خود، نیروهای ایران از عمق پدافندی برخوردار نبوده و تهی از نیروهای احتیاط مناسب هستند و به همین سبب جسارت وی را در عملیات آفندی بیشتر در سال ۶۷ افزایش داد و البته موفقیت نسبی هم به دست آورد. تا قبل از تهاجمات منافقین در سال ۶۶ و ۶۷، در سابقه ارتش عراق چنین جسارت حمله به خط دفاعی و پیشروی تا عمق پدافند خودی دیده نمی‌شد و یا بسیار محدود و غیرقابل توجه بود. زیرا تصور می‌کرد که نیروهای ایرانی مانند نیروهای عراق با نیروهای احتیاط مناسب، از عمق پدافندی قوی در خط دوم و سوم پدافندی برخوردار هستند. در حالی که چنین نبود و عراق نیز تا این زمان، این را نمی‌دانست و یا تردید داشت. این وضع، یکی از ضعف‌های ما به واسطه عدم وجود احتیاط مناسب و فقر یگان رزمی در هشت سال جنگ بود که به همین علت نیز در ماه‌های آخر جنگ به شدت آسیب دیدیم. این نوع اقدامات منافقین یکی از دستاوردهای خائنانه آنان را به نفع دشمن سبب گردید.

(۲) عدد ۵۰۸ کشته و مجروح برابر اطلاعات نگارنده و این مکتوب [سرتیپ ۲ صادقی گویا] بسیار اغراق‌آمیز است. عدد دقیق آن احتمالاً کمتر از ۱۰٪ گفته شده بوده است. یک روز بعد از حادثه، در مأموریتی صحنه را مشاهده نمودم. عدد دقیق آن را به یاد ندارم که در اینجا ذکر کنم.

(۳) حمله منافقین فقط به خط دفاعی دو گردان پیاده بود که یکی جمعی لشکر ۷۷ و دیگری گردان ژاندارمری زیر امر لشکر ۷۷ بوده است. بکارگیری عبارت، حمله به لشکر ۷۷ که شامل بیش از ۱۰ گردان رزمی در خط مقدم بوده است، عبارت فریبنده و اغراق‌آمیز است. [ننگ ابدی بر کسانی که در صف ارتش

بخش یازدهم: امور کلی: مجاهدین خلق (منافقین) / ۲۰۵

دشمن قرار گرفتند و به سوی سربازان مدافع وطن شلیک و آنان را کشته و مجروح و اسیر نمودند، به علاوه خسارات زیاد.

ج ۳، ص ۴۹۱: آمریکایی‌ها در تاریخ ۶۷/۱/۲۹ به دو سکوی نفتی ایران در خلیج فارس حمله کردند. همزمان ارتش عراق پس از حمله گسترده شیمیایی با گاز خردل و سیانور، به خطوط پدافندی خودی در فاو، حمله نمود و فاو را در عرض ۳۶ ساعت پس از دو سال و ۳ ماه که در اختیار ایران بود، به تصرف درآورد.

بعدها روشن شد که سازمان مجاهدین با ارائه اطلاعات گردآوری شده از جبهه‌ها و نیروهای نظامی به ارتش عراق، در به ثمر رسیدن عملیات مزبور نقش داشت. ضمن آنکه ارتش سازمان با عملیات «آفتاب» و سایر اقدامات ایذائی [قبلی] در مقدمات آن سهیم بود.

ج ۳، ص ۲۹۱: در ۲۸ خرداد ۶۷ در آستانه اولین سالگرد ارتش سازمان، عملیات ارتش عراق و سازمان در منطقه مهران موسوم به عملیات «چلچراغ» [با نامگذاری از سوی سازمان] انجام گرفت.

ج ۳، ص ۲۹۲: عملیات مزبور توسط تیپ‌های زرهی عراق و پیاده سازمان منافقین در چهار محور به طول ۵۰ کیلومتر و عمق ۲۰ کیلومتر انجام گردید. قبل از شروع عملیات، از ابتدای شب تمام محورهای منطقه توسط توپخانه ارتش عراق زیر آتش قرار گرفت.

از چهار محور به شهر مرزی مهران که خالی از سکنه بود حمله و آن را تصرف نمودند. به گفته سازمان، در عملیات «چلچراغ» لشکر ۱۶ زرهی قزوین، لشکر ۱۱ سپاه پاسداران و گردان‌های مختلف توپخانه و کاتیوشا منهدم شدند و ۸ هزار تن از نیروهای خودی کشته و زخمی شدند [اغراق

زیاد] و ۱۵۰۰ نفر نیز در داخل این عملیات اسیر شدند. منافقین پس از حمله به مهران شعار «امروز مهران فردا تهران» سر دادند. در عصر روز تهاجم، نیروهای ارتش سازمان کلیه امکاناتی را که قابل انتقال بود به پشت خط عملیاتی عراق منتقل و سنگرها و مقرهای خط عقب را منهدم و به آتش کشاندند. روز دوم تهاجم تعداد دیگری از نیروهای سازمان، منطقه را ترک و روز سوم کل منطقه را تخلیه و به داخل عراق عقب‌نشینی کردند.

ج ۳، ص ۲۹۳: بخشی از کمک عراق در این تهاجم:

۱. در اختیار گذاشتن معابر و امکانات لازم در مدت شناسائی منطقه.
۲. تأمین عمده تانک‌ها و نفربرهای عملیاتی سازمان.
۳. باز کردن میدان مین و معبر.
۴. تأمین آتش توپخانه عملیات در قبل و حین عملیات.
۵. پشتیبانی هوایی و بمباران شدید منطقه در طول عملیات.
۶. پشتیبانی ترابری جهت انتقال امکانات، نفرات سازمان، اسرا، تخلیه غنائم.
۷. تکذیب انجام عملیات از سوی عراق و نسبت دادن انجام کامل آن به سازمان و ارتش آزادی‌بخش.

ج ۳، ص ۳۰۲: در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ جمهوری اسلامی ایران رسماً قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت. این قطعنامه در ۳۰ تیر ۱۳۶۶ تصویب شد و ایران آن را «رد» نکرده بود و در واقع آن را به صورت «مشروط» پذیرفته بود. ارتش صدام در ۳۱ تیرماه ۱۳۶۷ در جبهه جنوب، به سمت خرمشهر و اهواز حمله و پیشروی نمود. در جبهه میانی و غرب نیز به عملیات نظامی مبادرت کرد

بخش یازدهم: امور کلی: مجاهدین خلق (منافقین) / ۲۰۷

و تعداد زیادی اسیر و غنائم را به دست آورد و بعد به مواضع قبلی خود عقب‌نشینی نمود. رژیم عراق در اول و سوم مرداد، رسماً عقب‌نشینی خود را اعلام نمود. اما همزمان عملیات مشترک عراق و سازمان منافقین آغاز شد.

ج ۳، ص ۳۰۵: رجوی همراه با مریم در روز جمعه ۶۷/۴/۳۱ ساعت ۱۱۳۰ شب در سالن قرارگاه اشرف حضور یافت. اشاره به شعار «امروز مهران فردا تهران» در عملیات «چلچراغ» در ۶۷/۳/۲۸ نمود و حضار نیز این شعار را سردادند. رجوی در آن جلسه همراه با ارائه بر روی نقشه عملیات «فروغ جاویدان» با عنایت به نام پیامبر اسلام و آغاز به نام امام حسین (ع) را تشریح نمود و در گزیده‌هایی از آن سخنرانی گفت:

ج ۳، ص ۳۰۷: ۴۸ ساعته به تهران خواهیم رسید. می‌خواستیم این عملیات را دیرتر انجام دهیم، اما پذیرش قطعنامه کار ما را تسریع کرد و آن را یکی دو ماه زودتر انجام می‌دهیم. بعد از اینکه بین ایران و عراق صلح شود، دیگر کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم. مطمئن هستیم که پیروزیم و از هم‌اکنون این پیروزی را به شما و خلق قهرمان ایران تبریک می‌گوییم. [اوج توهم و حماقت سران فاسد جمعیت‌ها، سازمان‌ها و کشورها که در طول تاریخ انسان‌های زیادی را بیهوده به خاک و خون کشیدند.]

ج ۳، ص ۳۰۸: ما به ترتیب به قصر شیرین، سرپل ذهاب، اسلام‌آباد و بعد کرمانشاه می‌رویم. بعد از آن، همدان، قزوین، تاکستان، کرج و بالأخره تهران (کف زدن حضار).

ج ۳، ص ۳۰۹: کردند و اسلام‌آباد را توسط یک لشکر که فرمانده آن احمد واقف (مهدی برای) است [تصرف می‌کنیم].

ج ۳، ص ۳۰۷: ما نباید این فرصت تاریخی را از دست بدهیم. باید حمله کنیم و کار رژیم را یکسره کنیم. رجوی رو به «ابراهیم ذاکری» (صالح) تو کرمانشاه را می‌گیری، رو به «مهدی مددی» تو دروازه خروجی کرمانشاه به اضافه هوانیروز را می‌گیری، رو به «محمود مهدوی» (محمود قائم‌شهر) تو همدان را می‌گیری، وقتی صدا و سیمای همدان را گرفتی به مردم اعلام کنید ما داریم می‌آییم. از پایگاه نوژه و تبریز هم نگران نباشید. دستور می‌دهم هر سه ساعت هواپیماهای عراقی آنجا را بمباران کنند.

ج ۳، ص ۳۱۰: رو به «حسن نظام الملکی» (فتح‌اله) تو قزوین و تاکستان را می‌گیری، رو به «فرهاد الفت» (منوچهر) تو کرج را تصرف می‌کنی. محمود عطایی فرمانده و مهدی ابریشمچی معاون او، با نام کلی «سیمرغ» و ۴ لشکر و ۲ تیپ وارد تهران می‌شوند.

ج ۳، ص ۳۱۱: [در این بخش از سخنان رجوی، هدف هرکدام از تیپ‌ها شامل: فرودگاه مهرآباد، سلطنت‌آباد، صدا و سیما، زندان اوین، مراکز سپاه، نخست‌وزیری، مجلس شورا، ستاد ارتش، جماران اعلام شد.]

ج ۳، ص ۳۱۱: رجوی رو به محمود مهدوی (محمود قائم‌شهر): محمود، خوب فهمیدی که باید به کجا بروی؟ یک دفعه به قائم‌شهر نروی! تو اول به همدان برو. کار و مسئولیت خودت را انجام بده. بعداً که به تهران آمدی، مازندران را به تو می‌دهم. هوانیروز عراق تا سرپل ذهاب، همراه ستون ما خواهد بود. هواپیماهای عراقی پشتیبان ما هستند. تمام ماشین‌ها به صورت ستون حرکت می‌کنند. دو عامل ما را تهدید می‌کند: یکی از طریق هواپیما مورد حمله و بمباران قرار بگیریم، چون روی جاده به صورت ستون

هستیم. ثانیاً چون صف ماشین‌ها خیلی طولانی است، اگر ماشینی خراب شد، از دور خارج شود و مسیر بسته نشود.

ج ۳، ص ۳۱۲: در این عملیات مردم به حمایت از ما برمی‌خیزند. کسانی که حاضرند با ما بیایند از پادگان‌ها و مراکز سپاه مسلح کنید تا تهران با خود ببرید. نیروهای زندان بالقوه ما هستند. هر جا مردم تسلیم شدند کاری با آنها ندارید و اگر جنگیدند با آنها بجنگید.

رو به «محمود عطایی»: محمود، وقتی تهران را گرفتی، در خیابان طالقانی به ساختمان بنیاد علوی می‌روی. طبقه پنجم آنجا اتاقی است که روزی اتاق من و اشرف و موسی بوده است. اگر مردم آنجا بودند جای دیگری به آنها بده. ما را بعد از انقلاب به زور از آنجا بیرون کردند. آن اتاق را برای من نگه دار تا وقتی به تهران آمدم، آنجا مستقر شوم.

ج ۳، ص ۳۱۳: هرکس با این طرح موافق است دست بلند کند [همه دست بلند کردند].

ج ۳، ص ۳۱۶: ما کاری می‌خواهیم بکنیم که همه دنیا تعجب کنند و یک دفعه بفهمند که ما در تهران هستیم و خمینی دیگر وجود ندارد. ساعت ۰۲۳۰ بعد از نیمه شب سخنرانی پایان پذیرفت و افراد تا ۰۳۳۰ از همدیگر جداحافظی می‌کردند.

ج ۳، ص ۳۱۸: نیروهای متشکله در عملیات «فروغ جاویدان» به سه گروه عمده تقسیم شده بودند:

۱. نیروهایی که از قبل در ارتش آزادی‌بخش بودند و تجربه عملیاتی داشتند.

۲. نیروهایی که با فراخوانی هواداران از کشورهای مختلف آمده بودند و از نظر آموزش ضعیف و روحیه جنگیدن هم نداشتند. بیشتر می‌توان آنان را سیاهی لشکر نامید.

۳. اسرای ایرانی که از اردوگاه‌های عراق جذب نمودند و حدود ۸۰۰ نفر برآورد شدند. این عده نیز بیشتر با انگیزه آزادی از اسارت آمده بودند و اکثر آنان نیز در ابتدای درگیری اسلام‌آباد فرار کردند و از کوه‌های مجاور، خود را به استان‌های دیگر رسانده بودند.

ج۳، ص ۳۱۹: کلیه نیروهای سازمان به استثنای تعدادی که هدایت و پشتیبانی را بر عهده داشتند و در این عملیات شرکت نمودند. مجموعاً در حدود ۴۵۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر برآورد شده‌اند. ۲۵٪ آنان را زنان و دختران تشکیل می‌دادند.

ج۳، ص ۳۲۰: سازماندهی در ۲۵ تیپ و هر تیپ شامل ۱۶۰ تا ۱۸۰ نیرو و هر تیپ مرکب از دو گردان پیاده، یک گردان تانک، یک گردان ادوات، یک گردان ارکان، یک گروهان پشتیبانی رزمی و یک دفتر بوده است. هر گردان پیاده شامل ۵۰ نفر در ۱۵ دسته ۱۰ نفری.

تجهیزات هر تیپ عبارت بود از: ۴ تانک، ۶ دستگاه هینو حامل تیربار سبک، ۴ دستگاه جیپ حامل تیربار، ۲ دستگاه جیپ حامل دوشکا، ۲ دستگاه جیپ حامل توپ ۱۰۶، ۲ دستگاه جیپ حامل تیربار دو لول، یک دستگاه ایفا حامل ضدهوایی چهار لول، یک دستگاه ماشین دو پداله، یک دستگاه وانت دو کابینه حامل تیربار، یک دستگاه جیپ، دو دستگاه لندکروز، یک دستگاه وانت دو کابینه برای فرماندهی، ۴ دستگاه ایفا حامل نیرو، یک دستگاه کامیون، دو تانکر سوخت، یک آمبولانس.

ضمناً در هر تیپ دو گروه فیلمبردار جهت ثبت کلیه وقایع سازماندهی شده بود. [جمعاً ۳۵ تا ۳۷ خودرو]

ج ۳، ص ۳۲۰: ارتش آزادی بخش به فرماندهی مریم رجوی ساعت ۶ صبح روز دوشنبه ۶۷/۵/۳ پس از اجرای مراسم صبحگاهی، از قرارگاه خود در عمق خاک عراق حرکت نمود و ساعت ۴ بعدازظهر از مرز خسروی عبور کرد. ساعت ۵ بعدازظهر از قصر شیرین و ۶ بعدازظهر از سرپل ذهاب عبور کرد. از این به بعد نیروها به محورهای مختلف تقسیم شدند.

محور اول شامل ۳ تیپ، وظیفه تصرف شهر کرد تا ساعت ۸ شب و شهر اسلام آباد تا ساعت ۱۰ شب.

محور دوم با ۵ تیپ وظیفه تصرف کرمانشاه تا ساعت ۱۲ شب.

محور سوم با ۲ تیپ وظیفه تصرف همدان تا ساعت ۰۷۳۰ صبح روز سه شنبه ۶۷/۵/۴ و تصرف پایگاه نوژه تا ۰۹۳۰ صبح سه شنبه.

ج ۳، ص ۳۲۱: سازمان در روز دوشنبه تاریخ ۶۷/۵/۳ ساعت ۳ بعدازظهر عملیات خود را موسوم به «فروغ جاویدان» آغاز کرد. رهبری سازمان برای بدرقه در محل حاضر شده و اظهارات مختصری ایراد نمود.

ج ۳، ص ۳۲۲: تقریباً همزمان با شروع عملیات «فروغ جاویدان» ارتش عراق با حجم وسیعی اقدام به حمله گسترده در منطقه جنوب با تظاهر به قصد تصرف خرمشهر انجام داد. به این ترتیب نیروهای آن منطقه را زمینگیر نمود. روزهای قبل نیز نیروی هوایی عراق به دفعات مناطق تجمع نیرو در اطراف کرد و اسلام آباد را بمباران کرد.

ج ۳، ص ۳۲۲: نیروهای سازمان پس از شروع عملیات در ساعت ۴ بعدازظهر، از مرزهای بین المللی عبور کرده و وارد خاک جمهوری اسلامی

ایران شدند. از آنجا که رژیم عراق تجاوز خود را تا شهرهای قصرشیرین و سرپل ذهاب گسترش داده بود، نیروهای سازمان بدون درگیری و عبور از خط وارد شهرهای قصرشیرین و سرپل ذهاب شده و پس از عبور از کردند به سمت اسلام آباد پیشروی و حدود ساعت ۰۹۳۰ شب به اسلام آباد رسیدند و شهر را تصرف کردند.

در این شرایط، عراق با توپ گردنه پاتاق را می زد. از طرفی هواپیماهای عراقی منطقه شمال گردنه موسوم به «ریجاب» و چندین روستای پر جمعیت آن حوالی را بمباران شیمیایی کرد که عده زیادی کشته و مصدوم بر جای گذاشت. هواپیماهای عراق، اقدام به پخش حجم زیادی اعلامیه بر فراز شهرهای مرزی، از جمله کرد غرب نمودند. مبنی بر اینکه عراق در حال انجام عملیات گسترده است و از نیروهای نظامی خواسته شده بود که با در دست داشتن آن اطلاعیه خود را تسلیم نمایند. از مردم منطقه نیز تقاضای ترک منطقه نموده بود. در واقع، سازمان تا بالای گردنه پاتاق هیچ نیروی بازدارنده ای جلو خود نداشت. تا زمانی که بلندگوی سازمان در اسلام آباد غرب اعلام ننمود، کسی باور نمی کرد که سازمان دست به چنین عملیاتی زده است. همه گمان می کردند نیروهای عراق عاملان این عملیاتند.

ج ۳، ص ۳۲۲: منافقین در قالب تیپ های ۲۰۰ نفره با تانک های برزلیلی پیشرفته و ۸۰ آمبولانس و صدها خودروی سبک، دو کامیون اسلحه، آزمایشگاه و بیمارستان صحرایی مجهز وارد ایران شده بودند. آنان در سر راه خود، بسیاری از مردم بی دفاع را به شهادت رساندند. در شهر اسلام آباد اوج این فجایع رخ داد. منافقین در بیمارستان اسلام آباد، تمام نیروهای پاسدار و بسیج که در بیمارستان بستری بودند را سر بریدند. ۱۳ نفر از بچه های

جهاد سازندگی را هم تیرباران و اعدام کردند. منافقین بعد از اسلام‌آباد راهی کرمانشاه شدند که در ۳۰ کیلومتری کرمانشاه در گردنه چهارزبر که بعدها به تنگه مرصاد معروف شد با مقاومت رزمندگان مواجه و متوقف شدند. شهید صیادشیرازی فرماندهی عملیات یگان‌های عمل‌کننده، بویژه هوانیروز [بالگردهای هجومی از پایگاه هوانیروز کرمانشاه] را به عهده گرفت و در عملیاتی که مرصاد نام گرفت، با بمباران ماشین‌های آنها [نیروهای سازمان] را متوقف کرد و ستون‌های آنها را به آتش کشید. در درگیری تنگه مرصاد، منافقین با دادن ۱۵۰۰ کشته زمینگیر شدند و از همانجا تصمیم به فرار گرفتند.

هوایماهای عراقی هم در این موقع عملاً وارد کار شدند و با بمباران وسیع رزمندگان، تعداد زیادی از نیروهای ما را به شهادت رساندند.

ج ۳، ص ۲۲۳: به علت فرار وسیع مردم شهر اسلام‌آباد با انواع خودرو، ستون سازمان کاملاً متوقف شد.

پس از کمک‌رسانی گردان‌های متعدد از تیپ‌های مختلف به نیروهای درگیر، نزدیکی‌های صبح سه‌شنبه ۶۷/۵/۴ مجدداً ستون سازمان به حرکت درآمد، اما باز در گردنه چهارزبر درگیر شد و دنباله ستون متوقف گردید.

ج ۳، ص ۳۲۴: در ساعت ۳ نیمه شب روز سه‌شنبه ۶۷/۵/۴ سه فروند هلیکوپتر ترابری عراقی در کرد به زمین نشستند و تعدادی از کادرهای منافقین و رهبری سازمان [مسعود و مریم رجوی] را از شهر خارج و به عقب بردند. از ساعت ۷ سه‌شنبه ۶۷/۵/۴ حملات هوایماهای [نهاجا] و حملات هوانیروز کرمانشاه بر روی ستون سازمان شروع شد.

در این میان تعدادی از نیروهای ارتش آزادی‌بخش ناگزیر به فرار و عقب‌نشینی شدند. در حالی که تعدادی از بی‌سیم‌های آنها از کار افتاده و

آمبولانس‌ها نیز مرتباً زخمی‌های سازمان را به عقب برمی‌گرداندند. ظهر روز سه‌شنبه ۶۷/۵/۴ توسط نیروهای جمهوری اسلامی، جبهه دیگری از پشت پادگان الله اکبر به قصد قطع ارتباط میان نیروهای ارتش آزادی‌بخش در اسلام‌آباد و کردند، باز شد که حملات و سرکوبی نیروهای سازمان تا نیمه‌های شب ادامه داشت.

ج ۳، ص ۳۲۴: صبح روز چهارشنبه ۶۷/۵/۵ نیروهای جمهوری اسلامی از دو جبهه، از طرف پادگان الله اکبر و از منطقه جنوب به سمت اسلام‌آباد هجوم آوردند. در ساعات آغازین روز چهارشنبه نیروهای ارتش آزادی‌بخش با امیدواری به پیشروی به سمت باختران، برای گرفتن تنگه چهارزبر به آن منطقه هجوم آوردند که تلاششان ناکام ماند.

ج ۳، ص ۳۴۵: حملات هوایی مکرر و هجوم هلیکوپتر و کاتیوشا به منطقه، از سوی جمهوری اسلامی، امکان سازماندهی را از آنان گرفت و نیروهای سازمان به تعجیل در ماشین‌های انباشته از نفرات، در حالی که بعضی افراد به جاهای مختلف ماشین آویزان بودند، عقب‌نشینی می‌کردند.

ج ۳، ص ۳۲۵: غروب روز چهارشنبه درگیری تنگه چهارزبر با عقب‌نشینی نیروهای ارتش آزادی‌بخش به پایان رسید. صبح روز پنج‌شنبه ۶۷/۵/۶ نیروهای در حال فرار آنها، در حوالی اسلام‌آباد مورد چند حمله مختصر قرار گرفتند. مجروحین یا خود را می‌کشتند و یا امیدوار به بازگشت نیروهای تازه‌نفس می‌ماندند. تعداد زیادی از افراد نیز در کوه و دشت و روستاهای اطراف پراکنده شدند و آخرین خودروهایی سازمان با حداکثر ظرفیت و در حالی که افرادی به اطراف آن آویزان بودند، به داخل عراق بازگشتند.

بخش یازدهم: امور کلی: مجاهدین خلق (منافقین) / ۲۱۵

ج ۳، ص ۳۲۸: سازمان ۱۳۰۴ کشته خود را رسماً تأیید و با عکس و زندگینامه منتشر کرده است. تعداد مجروحین بالغ بر ۱۵۰۰ نفر برآورد شد. حجم ضربه به بدنه سازمان ۵۰ تا ۶۰ درصد بوده و به کادر مرکزی سازمان نیز حدود ۳۰ درصد ضربه وارد شد.

ج ۳، ص ۳۲۸: تجهیزات منهدم شده سازمان در مجموع نبردهای عملیات فروغ جاویدان ۶۱۲ خودرو از انواع مختلف، ۷۲ تانک و زره پوش، ۲۱ توپ ۱۲۲ میلیمتری و ۵۱ تفنگ ۱۰۶ میلیمتری که عمدتاً بدون خودرو حمل کننده بودند، برآورد گردیده است.

ج ۳، ص ۳۳۷: در جریان جنگ خلیج فارس [۱۹۹۰=۱۳۶۹]، کردهای مبارز عراق با استفاده از ضعف حکومت مرکزی، فرصت را غنیمت شمرده و مناطق کردنشین را به دست گرفتند. رجوی به خواست مستقیم ارتش عراق، جهت حفظ حکومت صدام و با بهانه حمله نیروهای جمهوری اسلامی به پایگاه‌های مجاهدین خلق، نیروهای خود را به سمت مناطق کردنشین حرکت داد و اقدام به سرکوب اکراد عراقی نمود تا لشکریان صدام از جنوب برسند.

ج ۳، ص ۳۳۸: چند ماه پس از عملیات «فروغ» (مرصاد)، صدام حفاظت و نگهداری «نوژول» را به عوامل رجوی سپرد. با شروع جنگ خلیج فارس، نیروهای رجوی از پادگان موسوم به اشرف به منطقه «نوژول» [در شمال عراق] رفتند.

ج ۳، ص ۳۳۹: سازمان مجاهدین قسمت بزرگی از مناطق کردنشین را شامل شهرهای «طوز»، «خرماتو»، «کفری»، «سلیمان‌بگ» و «خانقین» را قبل از اینکه کردها به این مناطق بیایند به اشغال خود درآوردند.

ج ۳، ص ۳۴۰: مجاهدین خلق، برای سرپوش گذاشتن روی گردگشی و دخالت در امور داخل کردها، جنگ با کردها را «عملیات مروارید» نامگذاری کردند. مدعی شدند که نیروهای رژیم ایران به قرارگاه آنها حمله و آنها این حمله را دفع کرده‌اند. در صورتی که تنها در «خانقین» ناحیه مرزی ایران و عراق مورد حمله نیروهای رژیم [جمهوری اسلامی] قرار گرفتند. در بقیه نقاط هیچ خبری از پاسداران نبود.

ج ۳، ص ۳۴۲: عمل مجاهدین خلق و بستن راه کردها باعث شد تا صدام تعدادی از نیروهای باقیمانده‌اش را به این مناطق بیاورد و با استفاده از هلیکوپترهای توپدار و توپخانه، کردها را به عقب بنشانند و شهرهای «جلولا»، «طوز» و «کفری» را مجدداً به تسلط خود درآورد.

ج ۳، ص ۳۴۸: در سال ۱۳۷۱ رژه مفصل در پادگان موسوم به اشرف از سوی رجوی تدارک دیده شد تا خبرنگاران خارجی ببینند. کامیون‌های متعدد افراد را از محل رژه مجدداً به ابتدای نقطه شروع می‌آوردند و آن افراد مجدداً با وسیله نقلیه دیگری از جلو جایگاه خبرنگاران رژه بروند. این عمل پنج بار برای هر نفر تکرار می‌گردید. ۳۰ هزار تا ۵۰ هزار نفر به این شکل ارائه دادند در حالی که از ۱۵۰۰ نفر بیشتر نبودند. جز در مقطع عملیات فروغ جاویدان (مرصاد)، تعداد افراد ارتش آزادی‌بخش هیچ‌گاه از دوهزار تن تجاوز نکرده است.

ج ۳، ص ۳۵۷: در اوایل سال ۷۲ شورای ملی مقاومت به رهبری مسعود رجوی بنا نهاده شد و بعد مریم رجوی به فرانسه اعزام شد.

ج ۳، ص ۳۶۰: در هفتم شهریورماه ۱۳۷۲ مریم رجوی به عنوان رئیس جمهور اعلام شد.

بخش یازدهم: امور کلی: مجاهدین خلق (منافقین) / ۲۱۷

ج ۳، ص ۳۶۵: سفرهای مریم رجوی به اروپا نتوانست دستاور مثبتی برای فرقه رجوی داشته باشد و لذا مریم رجوی به عراق بازگشت.

ج ۳، ص ۳۹۲: روز دوشنبه اول شهریور ۱۳۷۷، «سید اسداله لاجوردی» رئیس سابق سازمان زندان‌های کشور و دادستان اسبق دادگاه‌های انقلاب اسلامی تهران در حجره خود در بازار تهران توسط دو نفر مأمور از سازمان منافقین ترور شده و شهید گردید.

ج ۳، ص ۳۹۶: در دوم فروردین ۱۳۷۸ سازمان اعلام نمود مرکز مخابرات ستاد فرماندهی بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را با خمپاره مورد حمله قرار داده است.

ج ۳، ص ۳۹۶: شهید صیادشیرازی از فرماندهانی بود که نظامیان عراقی کینه و عداوتی خاص نسبت به وی داشتند و بخصوص صلابت و شجاعت او را در جریان جنگ تحمیلی و دفاع مقدس از یاد نمی‌بردند. از اینرو برنامه شهادت این قهرمان را ضمن «امریه» ها و «فرمان» های ویژه خود از گروه رجوی خواستار شدند. سرانجام در صبحگاه ۲۱ فروردین ۱۳۷۸ طی عملیاتی که مجاهدین نام آن را «طلوع» نهادند توسط این گروه [هنگام خروج از منزل] به شهادت رسید.

ج ۳، ص ۳۹۷: واکنش سراسری داخلی و خارجی نسبت به این اقدام شدیداً محکوم‌کننده بود و انزجار و نفرت عمومی را بازتاب می‌داد. صیادشیرازی یک نظامی وطن‌دوست و پایبند به آرمان‌ها و ارزش‌های دینی و ملی شناخته می‌شد. قهرمانی‌های وی هرگز رنگ و بوی خاص سیاسی و گروهی نداشت.

ج ۳، ص ۴۲۵: در ۱۷ خرداد ۱۳۷۷ روزنامه عربی زبان «الحیات» خبر داد که طالبان و مجاهدین خلق یک سال پیش توافقنامه‌ای بر اساس خصوصت‌ورزی با نظام جمهوری اسلامی امضا کردند. مجاهدین خلق اجازه یافتند که با سلاح‌های خود از طریق مرز افغانستان به درون ایران نفوذ کنند.

ج ۳، ص ۵۹۱: در زمان کمی، پیش از حمله آمریکا به عراق [سال ۱۳۸۱] سازمان شروع به تخلیه قرارگاه‌های جنوب نمود تا با تمرکز در قرارگاه اشرف، ضریب کنترل نیروها را بالا ببرد. در این میان قرارگاه‌های «جلولا»، «بدیع‌زادگان» و نیز مقرهای سازمان در بغداد با حداقل نیرو نگهداری و حفظ شد.

ج ۳، ص ۵۹۴: در اسفند ۱۳۸۱ چند روز مانده به حمله آمریکا، مریم رجوی با ۱۶۵ تن از اعضای نزدیک به خود به فرانسه رفت و مسعود رجوی در مرز عراق و اردن در خاک اردن منتظر نتیجه ماند.

توضیح: ادامه بقیه سرگذشت سازمان مجاهدین خلق (منافقین) تاکنون، از ظرفیت و منظور این مکتوب خارج است. اهل تحقیق، در صورت علاقه به دانستن و اطلاعات بیشتر، لازم است به کتاب‌ها و رسانه‌های مربوطه مراجعه نمایند. این سازمان هنوز هم بدون مسعود رجوی که به صورت رسمی مرگ آن اعلام نشده، به حیات ننگین و شیطانی خود به شکلی فریبنده در خارج از کشور ادامه می‌دهد و از هر اقدام خائنانه ممکن علیه کشور ایران خودداری نمی‌کند.

پرسش بزرگ این است که این سازمان، هزینه‌های خود را از کجا و چگونه تأمین می‌کند؟ پرسشی که هنوز اسرار آن پنهان مانده است و افشا نشده است. اطلاعات محدودی هم اعلام شده هزینه‌های انجام شده و جاری سازمان را توجیه نمی‌کند. این پرسش را درباره تمام گروه‌های سیاسی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران که از روز پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون فعالیت داشته‌اند و بالأخره

منهدم شدند و یا به شکل‌ها و تعریف‌ها و اندازه‌های کوچک‌تر، درون و خارج کشور به حیات نکبت‌بار خود ادامه می‌دهند، باید مطرح نمود. در صورت افشای منابع مالی، به بسیاری از رازهای خائنانه این گروه‌ها می‌توان پی برد و فهمید که چقدر فاصله بین شعارهای با جملات خوب و عوام‌پسند و نیت شوم آنان وجود دارد. آنچه مسلم است این است که هزینه‌های این سازمان و دیگران آنقدر زیاد است که تأمین آن با کمک ثروتمندان و اشخاص حقیقی امکان‌پذیر نیست، بلکه منابع دولتی کشورهای بیگانه از عهده حمایت مالی این سازمان‌ها برمی‌آیند. آنها نیز هر خرجی بکنند، در نهایت منافع کشور خود را در نظر دارند و اگر در محاسبه خود ضرر و زیان پیش‌بینی کنند، حتماً هیچ رقمی را در این باره هزینه نخواهند کرد (دقت شود).

این فرمول را درباره تمام تشکیلات‌هایی که با دولت‌ها می‌جنگیدند می‌توان به کار برد. غرض از بیان تاریخچه و اقدامات سازمان مجاهدین خلق که توسط حضرت امام (ره) منافقین نام گرفتند، بویژه در دفاع مقدس آن بود که خواننده بدون نیاز به مطالعه مفصل و خارج از حوصله، تا حدودی زیاد با ماهیت خائنانه این سازمان آشنا شود. هرچند که همین مقدار، صفحات زیادی از این کتاب و شاید خارج از اندازه را دربرگرفت.

تعدادی از اعداد کلیدی در جنگ هشت ساله

برداشت از کتاب «چرا و چگونه؟»، ص ۲۲ به بعد

ما دفاع را با ۳۶ میلیون جمعیت آغاز نمودیم و در پایان جنگ جمعیت ما به ۴۲ میلیون نفر رسیده بود. ۲/۵ میلیون سرباز پاکباز ارتش اسلام با متوسط زمانی ۲۱ ماه در جنگ شرکت کردند [نکته: تمام این سربازان بدون دستگیری و با اختیار وارد میدان جنگ شدند. نگارنده]

۲۷۰ هزار پایور افسر، درجه دار، کارمند و دانشجوی ارتش در جنگ شرکت کردند که ۲۱۲ هزار تن از آنان مستقیماً در جنگ حضور داشتند. با متوسط زمانی ۶۰ ماه (۵ سال).

دو میلیون و صد و سی هزار بسیجی مخلص جان بر کف با متوسط زمانی ۱۱ ماه در جنگ شرکت نمودند.

۱۸۰ هزار تن با متوسط زمانی ۲۴ الی ۶۰ ماه از عزیزان شهادت طلب و رزمنده سپاهی، جهادی، کمیته، شهربانی، ژاندارمری، عشایر ایلاتی و پیشمرگان کرد مسلمان در میدان رزم شرکت داشتند.

۱/۵ میلیون نفر مهاجر جنگی داشتیم.

برابر محاسباتی که به عمل آمده و هر خانواده رزمنده را پنج نفر در نظر بگیریم، همراه با دو میلیون ساکنان استان های مرزی که درگیر جنگ بودند متوجه می شویم قریب به ۳۰ میلیون تن از ۳۶ میلیون تن جمعیت ایران درگیر دفاع مقدس بوده اند.

۲۸۳۸ شهید ثبت شده از ۱۵ خرداد ۴۲ تا پیروزی انقلاب.

۱۶۹۸۶ تن شهید به واسطه شرارت های ضدانقلاب در قالب گروه ها، سازمان ها و احزاب به اصطلاح چپ و فرقه ها به ویژه منافقین.

بخش یازدهم: امور کلی: اعداد کلیدی / ۲۲۱

۲۷۷۲ شهید به واسطه شرارت‌های اشرار و قاچاقچیان.
۶۸۷۸ شهید در سایر وقایع مانند حادثه و تصادف و جان‌باختگی در
حین مأموریت‌های مرتبط با جنگ.
۱۷۲۰۵۶ شهید تلفات مستقیم ما در جبهه جنگ.
۱۵۹۵۹ شهید به سبب بمباران شهرها.
جمع: ۲۱۷ هزار و ۴۸۹ شهید.
روزنامه جام جم، ۸۴/۴/۲۶ به نقل از مدیر کل آمار و اطلاعات بنیاد شهید،
هادی قلم‌نویس:

میانگین شهدای جنگ هشت ساله ۲۳ سال است. از مجموع شهدا
۷۱٪ مجرد. ۷۴٪ از شهدا بین ۱۹ تا ۲۵ سال سن داشته‌اند. ۴۳٪ شهدا
بسیجی. ۲۶٪ نیروهای کادر و وظیفه ارتش. ۲۱٪ نیروهای کادر و وظیفه
سپاه پاسداران. ۳٪ نیروهای کادر و وظیفه نیروی انتظامی. بقیه از سایر
اقتشار جامعه ایران. تعداد ۶۴۲۷ تن از شهدا زن (مؤنث) بودند، یعنی
۲/۹ درصد. ۸ هزار تن رزمنده مفقودالاثر.

آمار شاهد به تفکیک عمده نیروهای مسلح تا سال ۸۸

درصد	تعداد	یگان	
۳۹/۲	۸۵۳۳۲	بسیج	
۱۹/۱	۲۳۶۹۵	کادر	سپاه
	۱۷۳۲۵	وظیفه	
	۴۱۰۴۰	جمع	
۲۱/۷	۹۱۲۰	کادر	ارتش
	۳۸۱۳۹	وظیفه	
	۴۷۲۵۹	جمع	
۴/۲	۳۲۶۱	کادر	نیروی انتظامی
	۶۰۵۵	وظیفه	
	۹۳۱۶	جمع	
۱/۱	۲۴۹۰	پشتیبانی جنگ جهاد	
۱۴/۷	۳۲۰۵۲	سایر	
۱۰۰	۲۱۷۴۸۹	جمع	

روزنامه ایران، ۳۱ شهریور ۱۳۸۲ به نقل از آمار بنیاد شهید:

جمع شهدا: ۲۱۷۴۸۹ تن، ۶۷/۷ درصد شهری و ۳۲/۳ درصد روستایی. مسیحی ۸۸ شهید، کلیمی ۱۶ شهید، زرتشتی ۹ شهید و بقیه مسلمان.

جانبازان بالای ۲۵ درصد ۱۶۷۸۹۸ و جانبازان زیر ۲۵ درصد ۲۱۰۶۴۲. جمع ۴۷۸۵۴۰ تن.

بیشترین شهدا بر حسب سال واقعه [سه ردیف اول].

سال ۱۳۶۵ برابر ۱۸/۹ درصد

بخش یازدهم: امور کلی: اعداد کلیدی / ۲۲۳

سال ۱۳۶۱ برابر ۱۵/۳ درصد

سال ۱۳۶۲ برابر ۱۲/۵ درصد

آمار شهدای ارتش برابر آمار رسمی

مفقود	شهید	
۴۵۹۰	۴۱۵۲۰	نزاجا
۸۵	۱۴۴۲	نهاجا
۹۱	۵۳۸	نداجا
۴	۱۶۰	سماجا
-	۶۲	ساحفاجا
۴۷۷۰	۴۳۷۲۲	جمع
جمع کل شهدا و مفقودین: ۴۸۴۹۲		

کتاب «سایه‌های نور»، ص ۱۰۳

آمار اسرای ایرانی ۳۹۱۳۰ نفر

آمار اسرای عراقی حدود ۷۰ هزار نفر که در ۳۰ اردوگاه در ۱۱ استان و

۲۲ شهرستان ایران نگهداری می‌شدند.

عده‌ای در حدود ۲۰ هزار تن از اسرای عراقی تقاضای پناهندگی از

جمهوری اسلامی ایران داشتند که از حدود ۱۰ هزار نفر آنان پذیرفته شدند.

کتاب «چرا و چگونه؟»، ص ۳۰

عراق با جمعیت ۱۳/۵ میلیون نفر در آغاز جنگ، تعداد ۲۰۰ هزار کشته

و ۱/۵ میلیون مجروح داشته است.

کتاب «ما و عراق از گذشته دور تا امروز»، ص ۷۷۹

عراق در پایان جنگ در برابر هر تانک ایران، ۵ تانک، هر واحد توپخانه سنگین ایران، ۹ واحد و هر هواپیمای ایران، ۶ هواپیمای جنگی داشت. به نوشته یکی از پژوهشگران بیگانه تعداد نیروهای عراقی با آنکه جمعیت آن یک سوم ایران بود، بالغ بر ۱،۰۰۰،۰۰۰ نفر و ایران ۶۴۴،۸۰۰ نفر بود. یکی دیگر از فرماندهان نیروهای آمریکا در خلیج فارس در کمیته نظامی سنای آمریکا اظهار داشت ایران در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) قادر به تعرض مهمی نیست. تصریح کرد «نکته شگفت آور برای من و بسیاری از ما این واقعیت است که عراقیان با وجود جمعیت بیشتر ایران، هم اکنون بیشتر از ایرانیان افراد زیر سلاح دارند.»

کتاب «چرا و چگونه باید از جنگ بدانیم؟»، ص ۳۱

عراق در شروع جنگ ۳۴ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت و در دوسه سال قبل از تحمیل جنگ، نزدیک به ۱۸ میلیارد دلار خرج ارتش خود کرده بود. عراق قریب به ۲۰۰ میلیارد دلار هزینه جنگ کرد و میلیاردها دلار هم کمک بلاعوض تسلیحات گرفت. در دو سال آخر جنگ ۸/۸ میلیارد دلار تسلیحات خرید. در پایان عراق با ۷۰ میلیارد دلار بدهی خارجی از جنگ خارج شد. ذخیره ارزی ایران قبل از جنگ، ۶ میلیارد دلار بوده است. ایران در سه سال آخر جنگ فقط توانست ۱/۵ میلیارد دلار تسلیحات بخرد. بدهی خارجی ایران در پایان جنگ به ۵ میلیارد دلار هم نمی رسید.

منابع

آراسته، ناصر، سرتیپ ستاد، چرا و چگونه باید از جنگ بدانیم، تهران، ایران سبز، ۱۳۹۲.

آرام، احمد، سرتیپ ۲ ستاد، کانال هندلی، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۸.
اصلانی، علی اکبر، سرهنگ توپخانه ستاد، توپخانه دوربرد، روزشمار عملکرد گردان ۳۸۸ توپخانه ۱۷۵م، سال ۱۳۵۹، تهران، ایران سبز، ۱۳۹۵.

آقامحمدپور، ابوالفضل، سرهنگ، یاد ایام، تهران، ایران سبز، ۱۳۹۶.
ایازی، جعفر، سروان پیاده، از نوه‌د تا خرمشهر، تهران، ایران سبز، ۱۳۹۶.

بهمنی، محمدمسعود، منافقین در کمینگاه صیاد، نقش ارتش و شهید صیادشیرازی در عملیات مرصاد، تهران، ایران سبز، ۱۳۹۲.
پارسادوست، منوچهر، دکتر، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۱.

پارسادوست، منوچهر، دکتر، ما و عراق از گذشته دور تا امروز، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

پوربزرگ وافی، علیرضا، سرهنگ، تیر خلاص، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۷.
پوربزرگ وافی، علیرضا، سرهنگ، دژ خرمشهر، گردان ۱۵۱ پیاده دژ خرمشهر در آغاز جنگ تحمیلی، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۸.

پوربزرگ وافی، علیرضا، سرهنگ، باغ سوخته، خاطرات سرهنگ جانباز علی قمری، تهران، خورشید باران، ۱۳۸۹.

تقیان پور، عباس، سرتیپ ۲ ستاد، آموزش معارف جنگ ویژه کارکنان وظیفه، تهران، هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»، ۱۳۹۶.

تقیان پور، عباس، سرتیپ ۲ ستاد، سایه‌های نور پاسخ به برخی پرسش‌ها و ابهامات هشت سال دفاع مقدس، تهران، ایران سبز، ۱۳۹۳.
تیم بهداری هیئت معارف جنگ، درمانگران رزم‌منده، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۶، چاپ سوم، ۱۳۹۴.

جعفری، مجتبی، سرهنگ، اطلس نبردهای ماندگار، تهران، نیروی زمینی ارتش، معاونت عملیات، مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۴.
حسینی، سید یعقوب، سرهنگ زرهی ستاد، تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، ج ۲، برخوردهای مرزی قبل از جنگ، تهران، عقیدتی سیاسی ارتش (نشر اجا)، ۱۳۸۷.

شاملو، سید احمد، سرگرد، شاملو، سرگذشتی بی‌نظیر و آموزنده، تهران، ایران سبز، ۱۳۹۶.

شاهین‌راد، فرض‌الله، سرتیپ، گردان ۱۴۴ در نبرد آبادان، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۰.

صادقی گویا، نجاتعلی، سرتیپ ۲ ستاد، در کمینگاه دشمن، چهل روز عملیات محور بانه-سردشت، شهریور ۱۳۵۹، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۹.
صادقی گویا، نجاتعلی، سرتیپ ۲ ستاد، چگونه می‌جنگیدیم، روایت و نکات مستند از فرمانده لشکر عملیاتی ۸۴ خرم‌آباد در سال ششم جنگ تحمیلی، تهران، ایران سبز، ۱۳۹۴.

بخش یازدهم: امور کلی: اعداد کلیدی / ۲۲۷

صادقی گویا، نجاتعلی، سرتیپ ۲ ستاد، ویراستار، فرهاد فیاض، عملیات
آزادسازی سندج و گردنه صلوات آباد، اردیبهشت ۱۳۵۹، تهران، ایران سبز،
۱۳۷۹، چاپ دوم، ۱۳۹۳.

صادقی گویا، نجاتعلی، سرتیپ ۲ ستاد، گردنه خان تا قله آربابا، شرح
آزادسازی محور سقز بانه، پادگان بانه و قله آربابا، خرداد ۱۳۵۹، تهران، ایران
سبز، ۱۳۸۱.

عبدی بسطامی، علی، سرتیپ ۲، خاکریز ۲۰۲، تهران، ایران سبز،
۱۳۸۰.

علایی، حسین، دکتر، روند جنگ ایران و عراق، ۲ ج، تهران، مرز و بوم،
۱۳۹۱.

غفاری، رفیع، سرهنگ جانباز، تانک شکار رفیع، تهران، ایران سبز،
۱۳۸۰، چاپ سوم، ۱۳۹۵.

گروه اساتید، معارف جنگ، تهران، ایران سبز، ۱۳۹۲.
فردوسی، محمدرضا، روی نقطه پراکندگی، یادداشت‌های روزانه گروه‌بان
دوم پیاده محمدرضا فردوسی، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۸.

قره‌داغلو، صابر، ستوانیار، خاطره‌نگار: ساسان ناطق، تلگرافچی پنج
ستاره، تهران، سوره مهر، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۹۱.

کاوشی، حسین، جهاد سازندگی و جنگ، تهران، انتشارات دفاع، ۱۳۸۵.
کرمانی‌زاده، عین‌اله، سرتیپ ۲ جانباز، جنگ و اسارت، تهران، ایران
سبز، ۱۳۸۹.

کریمی، قاسم، سرهنگ، حماسه سازان تنگ حاجیان، خاطرات رزمندگان
گردان ۱۱۰ پیاده تیپ ۳ لشکر ۷۷، تهران، ایران سبز، ۱۳۸۸.

منتظر، رضا، دکتر، سرهنگ، سپیدپوشان روسپید، یادنامه ۴۰ شهید
بهداری ارتش، ج ۱، تهران، ایران سبز، ۱۳۹۷.
مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سازمان مجاهدین خلق، پیدایی
تأفرجام (۱۳۸۴-۱۳۴۴)، ج ۳، ۱۳۸۵، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
میرزائیان، رحمان، سرگرد جانباز، رستاخیز عاشقان، تهران، عرشان
۱۳۸۲.

نمایه

آ	ا
آبادان، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۵،	ابوصلیبی خات: ارتفاعات، ۳۴
۴۶، ۶۵، ۸۱، ۹۴، ۱۲۲، ۱۳۸،	اتریش، ۱۸۶
۱۴۶، ۱۵۷، ۱۷۸، ۱۸۷، ۱۸۹	اجلاس سران غیر متعهدها، ۱۰۶
آدم‌های بد، ۸	اروند رود، ۳۸، ۴۴، ۴۵، ۵۳، ۹۴،
آدم‌های خوب، ۸، ۹	۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۸،
آذربایجان، ۱، ۱۷، ۴۵، ۱۵۰، ۱۵۲،	۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۵
۱۹۰	اسرائیل، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۱
آراسته: ناصر؛ سرتیپ، ۲۲۵	اسکندری: محمد؛ سرهنگ
آرام: احمد؛ سرتیپ ۲، ۶۶، ۲۲۵	خلبان، ۱۰۸
آقامحمدپور: ابوالفضل؛ سرهنگ،	اسکورت کاروان، ۱۴۴، ۱۴۶
۷۰، ۲۲۵	اسلام آباد غرب، ۵۶، ۲۰۷، ۲۱۰،
آلمان، ۱۷۲، ۱۸۴، ۱۸۶	۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴
آمار درجه داران شهید و مفقودالاثَر،	اشرفی اصفهانی: آیت الله، ۱۹۹
۶۲	افغانستان، ۲۱۸
آمار شاهد به تفکیک نیروهای	ام القصر، ۱۱۱، ۱۴۲
مسلح، ۲۲۲	امام خمینی (ره)، ۱۲، ۱۳، ۱۵،
آمار شهدای ارتش، ۲۲۳	۶۶، ۱۳۵، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۶،
آمریکا، ۱۰، ۵۴، ۹۸، ۱۰۹، ۱۳۵،	۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۷۳، ۱۷۴،
۱۶۷، ۱۷۲، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۴،	۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۹۶
۱۹۰، ۲۱۸، ۲۲۴	اندیمشک، ۳۹، ۴۷، ۱۸۴

اولاف پالمه، ۱۷۵	بهشتی: آیت الله، ۱۹۷
اهواز، ۲۰، ۳۵، ۳۹، ۴۵، ۴۸، ۵۵،	بیانیه‌های شورای امنیت، ۱۶۸
۷۶، ۸۱، ۹۰، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۳۸،	
۱۴۶، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۹۰،	
۲۰۶	
ایلام، ۳۱، ۴۵، ۱۵۲	
ب	
بابایی: عباس؛ سرلشکر خلبان	
شهید، ۱۱۲، ۱۲۵	
بالگرد، ۱۵، ۲۴، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۹۸،	
۱۰۵، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۱	
بانہ، ۶۷، ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۰۱، ۲۲۶،	
۲۲۷	
باهنر: محمد جواد، نخست وزیر	
شهید، ۳۵، ۱۹۷	
بصره، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۸۱، ۹۳،	
۱۰۲، ۱۴۲	
بمباران شیمیایی، ۵۴، ۱۸۹، ۲۱۲	
بندرعباس، ۵۵، ۱۳۵، ۱۶۷، ۱۸۱	
بنی صدر، ۱۶۰، ۱۷۴، ۱۹۶، ۱۹۷،	
۱۹۸، ۱۹۹	
بوشهر، ۱۰۲، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۸،	
۱۳۹، ۱۴۲	
بهبهان، ۱۸۴	
پ	
پادگان لویزان، ۱۹۸	
پادگان موسوم به اشرف، ۲۰۰، ۲۰۷،	
۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸	
پادگان مهاباد، ۱۶، ۱۵۱	
پالایشگاه دوره، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۷۹	
پدافند هوایی، ۲۴، ۲۶، ۴۲، ۴۴،	
۵۶، ۶۱، ۶۲، ۷۱، ۷۷، ۷۸، ۸۳،	
۹۹، ۱۰۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷،	
۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲،	
۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۶،	
۱۳۹	
پشتیبانی نزدیک هوایی، ۱۰۰	
پنجوین: عراق، ۵۱، ۵۴	
پیرانشهر، ۵۵، ۱۸۴	
پیشمرگان کرد مسلمان، ۱۷، ۲۵،	
۲۲۰	
ت	
تبریز، ۷۸، ۸۸، ۱۰۹، ۲۰۸	
تجاوزات هوایی عراق، ۱۰۱	
ترابری هوایی، ۱۰۱، ۱۰۹	

تقیان پور: عباس؛ سرتیپ ۲ ۸۷.

۲۲۶، ۱۲۹، ۱۱۵، ۹۷

تکاوران دریایی، ۱۸، ۳۸، ۷۱،

۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸

تنگ حاجیان، ۳۴، ۲۲۷

تنگه چهارزیر، ۵۶، ۲۱۳، ۲۱۴

توضیح، ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۳۲، ۳۵،

۳۸، ۶۰، ۶۲، ۸۷، ۹۷، ۱۱۵،

۱۲۹، ۱۵۹، ۱۹۳، ۲۱۸

تهران، ۲۴، ۲۶، ۴۲، ۴۶، ۷۶، ۷۷،

۷۸، ۸۱، ۸۸، ۱۰۹، ۱۲۶، ۱۶۰،

۱۶۲، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۳، ۱۷۵،

۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶،

۱۹۷، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸،

۲۰۹، ۲۱۷، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷،

۲۲۸

تهرانی: خسرو، ۱۹۸

تیپ ۲۳ نوهد، ۷۶، ۸۲

تیپ ۵۵ هواپرد، ۶۳، ۷۶، ۸۲

تیپ ۸۴ پیاده، ۷۶، ۸۲

ج

جبهه جنوب، ۴۵، ۵۱، ۲۰۶

جبهه شمالغرب، ۴۵، ۶۸

جبهه غرب، ۴۵، ۸۱

جزایر سه گانه، ۲۲، ۱۳۷

جزایر مجنون، ۵۰، ۵۲، ۵۵، ۱۰۰،

۱۹۰، ۱۹۱

ح

حاج عمران، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴،

۵۵

حبیب شطی، ۱۷۳، ۱۷۵

حلبچه، ۵۴، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲

حمرین، ۴۹، ۱۷۸

خ

خامنه‌ای: سیدعلی؛ آیت الله،

۱۶۱، ۱۶۲، ۱۹۷

خاویر پرز دوکوئیار، ۱۶۶، ۱۷۲

خرسندی: سرهنگ، ۱۹۸

خرمشهر، ۳۳، ۳۸، ۴۵، ۴۷، ۵۵،

۶۴، ۶۸، ۷۶، ۸۱، ۱۳۲، ۱۳۵،

۱۳۸، ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۶۹، ۱۸۹،

۲۰۶، ۲۱۱

خط تالوک، ۳۸

خلق عرب و عجم، ۲۲

خلیج فارس، ۳۳، ۴۴، ۴۵، ۱۳۰،

۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹،

رجوی: مسعود، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷،

۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۷، ۲۰۸،

۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸،

رضایی: محسن؛ پاسدار، ۱۵۵،

۱۶۰

رقابیه، ۳۴

رودخانه دجله، ۵۱

رودخانه دویرج، ۴۹، ۱۵۷

رودخانه کارون، ۴۶، ۱۴۶

روز قدس، ۴۲

ریگان، ۱۸۰

ژ

ژاندارمری، ۱۶، ۸۱، ۱۵۱، ۱۵۲،

۲۰۲، ۲۰۴، ۲۲۰،

ژنو، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۸۳، ۱۸۶،

۱۸۸

س

سازمان مجاهدین خلق (منافقین)،

۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶،

۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۵،

۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹،

۲۲۸

۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸،

۱۶۵، ۱۷۹، ۲۰۵، ۲۱۵، ۲۲۴،

خلیلی: غلام؛ سرتیپ ۲ ۷۲

خوزستان، ۱۵، ۱۸، ۲۲، ۳۰، ۳۱،

۳۸، ۳۹، ۴۵، ۴۷، ۸۲، ۱۳۷،

۱۵۲، ۱۷۰

د

دانشگاه تهران، ۱۷۴

درجه داران، ۱، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۶۵،

۶۸، ۷۱، ۷۲

دریای عمان، ۳۳، ۴۴، ۱۳۰، ۱۴۵،

۱۴۸

دستغیب: آیت الله، شهید، ۱۹۹

دستمزد: ابراهیم؛ سرتیپ ۲ ۶۷

دوران: عباس؛ خلبان شهید، ۱۰۶،

۱۰۷، ۱۰۸، ۱۴۲، ۱۷۹

ر

رانده شدگان عراقی به ایران، ۲۲،

۱۷۵

رجایی: محمدعلی؛ رئیس جمهور،

۳۵، ۱۹۷

رجوی: مریم، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۶،

۲۱۷، ۲۱۸

سوسنگرد، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۵، ۶۳،
 ۸۱، ۹۰، ۱۵۳، ۱۸۴
 سومار، ۳۳، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۶،
 ۱۷۷
 سوئد، ۱۸۶

ش

شاملو: سیداحمد؛ سرگرد، ۶۹،
 ۲۲۶
 شاهین‌راد: فرض‌الله؛ سرتیپ، ۶۵،
 ۲۲۶
 شرفخواه: سرتیپ، ۱۹۸
 شرهانی، ۵۱، ۵۲، ۵۵
 شط‌العرب، ۲۰، ۲۲
 شلمچه، ۳۸، ۵۳، ۵۵، ۸۱، ۸۴،
 ۱۷۸، ۱۵۵

شناسایی هوایی، ۱۰۰، ۱۱۱
 شورای امنیت، ۵۳، ۵۵، ۱۶۳،
 ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۸۴،
 ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹،
 ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۷
 شورای عالی دفاع، ۱۶۰، ۱۶۱،
 ۱۶۲، ۱۷۴، ۱۷۶
 شوروی، ۱۰، ۱۷، ۱۲۰، ۱۳۲،
 ۱۵۱، ۱۸۰، ۱۹۰

سازمان ملل متحد، ۲۰، ۵۳، ۵۵،
 ۵۶، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶،
 ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱،
 ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۴، ۱۸۵،
 ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲،
 ۲۲۵

سپاه پاسداران، ۱۷، ۴۶، ۶۶، ۷۹،
 ۸۳، ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲،
 ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۰،
 ۱۶۲، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۲،
 ۲۰۵، ۲۱۷، ۲۲۱

سرپل ذهاب، ۳۴، ۳۵، ۵۴، ۵۶،
 ۹۱، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۱،
 ۲۱۲
 سردشت، ۵۳، ۶۷، ۱۸۷، ۱۸۹،
 ۱۹۰، ۲۰۱، ۲۲۶

سکوی نفتی ایران، ۵۴، ۲۰۵
 سلاح‌های شیمیایی، ۵۷، ۱۶۷،
 ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵،
 ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰،
 ۱۹۱، ۱۹۲

سندج، ۷۶، ۹۰، ۲۲۷
 سوباشی: سایت پدافندی، ۵۶،
 ۱۲۶، ۱۲۷

سوریه، ۱۰۵، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۹۳

ط

طلائی، ۵۵، ۸۱، ۹۱، ۱۷۸

ظ

ظهیرنژاد: سرلشکر، ۷۲

ع

عربستان، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴،

۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹

علایی: حسین؛ دکتر، ۲۰، ۲۲۷

عملیات اچ ۳، ۱۰۴

عملیات آفتاب منافقین، ۲۰۲،

۲۰۵

عملیات بدر، ۵۱، ۵۵، ۸۲، ۹۳،

۱۲۴، ۱۲۵

عملیات بیت المقدس، ۴۷، ۴۸،

۶۳، ۷۰، ۹۴، ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۲۵،

۱۴۶، ۱۷۷

عملیات پیروزی درخشان منافقین،

۲۰۲

عملیات تأخیری، ۱۰، ۳۶

عملیات ثامن الائمه (ع)، ۳۹، ۴۶،

۴۷، ۹۴، ۱۵۲، ۱۵۴

شوش، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۵، ۴۷، ۸۱،

۹۱

شهدای انقلاب اسلامی، ۱۲

شهرامفر: حسین؛ شهید، ۷۲

شیراز، ۶۳، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۱۰۹،

۱۹۹

شیروودی: خلبان شهید، ۹۱

ص

صدام حسین، ۱۴، ۲۰، ۵۷، ۸۰،

۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۳۵، ۱۶۴،

۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱،

۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸،

۱۸۰، ۱۸۴، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۰۰،

۲۰۶، ۲۱۵، ۲۱۶

صیادشیرازی: علی؛ سرهنگ،

سپهد شهید، ۴۵، ۴۶، ۵۶، ۶۳،

۶۷، ۷۲، ۱۵۳، ۱۶۰، ۱۷۶،

۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۵، ۲۲۶

ض

ضدانقلاب، ۱۶، ۱۷، ۸۹، ۱۵۰،

۱۵۲، ۱۶۵، ۲۲۰

- عملیات چلچراغ منافقین، ۲۰۵،
 ۲۰۷
 عملیات خیبر، ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۱۵۸
 عملیات رمضان، ۴۸، ۹۴، ۱۷۸
 عملیات طریق القدس، ۴۷، ۹۴،
 ۱۵۴، ۱۵۷
 عملیات طلوع منافقین، ۱۰۳،
 ۲۱۷
 عملیات عاشورا، ۳۳، ۵۰
 عملیات فتح المبین، ۴۷، ۵۵، ۶۳،
 ۶۵، ۶۶، ۸۵، ۹۴، ۱۲۳، ۱۲۴،
 ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۵۴، ۱۹۸
 عملیات فروغ جاویدان، ۵۶، ۲۰۷،
 ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۱۶
 عملیات قادر، ۵۲، ۹۴
 عملیات کربلا ۱۵۲
 عملیات کربلا ۱۰۵۳
 عملیات کربلا ۵۲
 عملیات کربلا ۴۵۳
 عملیات کربلا ۵۳
 عملیات کربلا ۶۵۳
 عملیات کربلا ۷۵۳
 عملیات کربلا ۸۵۳
 عملیات محرم، ۴۹، ۹۴، ۱۵۷
 عملیات محمد رسول الله (ص)، ۴۸
- عملیات مرصاد، ۵۶، ۲۲۵
 عملیات مروارید، ۱۱۱، ۱۴۰، ۱۴۲،
 ۲۱۶
 عملیات مسلم ابن عقیل، ۴۹
 عملیات مطلع الفجر، ۴۸
 عملیات نصر، ۱۵۲
 عملیات والفجر مقدماتی، ۴۹
 عملیات والفجر ۱، ۴۹
 عملیات والفجر ۱۰، ۵۴
 عملیات والفجر ۲، ۴۹
 عملیات والفجر ۳، ۴۹
 عملیات والفجر ۴، ۵۰، ۱۸۴
 عملیات والفجر ۸، ۵۱، ۹۴، ۱۲۲،
 ۱۲۵، ۱۴۶، ۱۵۸
 عملیات والفجر ۹، ۵۱، ۵۲
 عین خوش، ۳۴، ۸۱، ۹۱
- غ
- غفاری: رفیع؛ سرهنگ، ۶۳، ۲۲۷
- ف
- فاو، ۵۱، ۵۴، ۸۴، ۹۴، ۱۴۶، ۱۵۵،
 ۱۵۸، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۰۵
 فرانسه، ۱۲۰، ۱۷۲، ۱۸۴، ۱۹۰،
 ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۱۶، ۲۱۸

کتاب تاریخ نظامی جنگ تحمیلی
(جلد دوم)، ۲۴، ۲۶، ۷۶، ۸۰،

۱۵۲، ۲۲۶

کتاب تانک شکار رفیع، ۶۳، ۲۲۷
کتاب تلگرافچی پنج ستاره، ۷۰،

۲۲۷

کتاب توپخانه دوربرد، ۶۸، ۲۲۵
کتاب تیر خلاص، ۶۷، ۲۲۵

کتاب جنگ و اسارت، ۶۸، ۲۲۷
کتاب جهاد سازندگی و جنگ،

۱۵۷، ۲۲۷

کتاب چرا و چگونه، ۲۲۰، ۲۲۳،
۲۲۴، ۲۲۵

کتاب چگونه می جنگیدیم، ۷۹،
۲۲۶

کتاب خاکریز ۲۰۲، ۶۵، ۲۲۷
کتاب در کمینگاه دشمن، ۶۷،

۲۲۶

کتاب درمانگران رزمنده، ۶۷، ۲۲۶
کتاب دژ خرمشهر، ۶۴، ۱۳۸، ۲۲۵

کتاب رستاخیز عاشقان، ۶۳، ۲۲۸
کتاب روند جنگ ایران و عراق، ۲۰،

۱۶۱، ۱۶۳، ۱۹۱، ۱۹۸، ۲۲۷

کتاب روی نقطه پراکندگی، ۶۴،
۲۲۷

فردوسی: محمدرضا؛ سروان، ۶۴،
۲۲۷

فرماندهی جنگ، ۱۶۰

فکه، ۴۹، ۵۵، ۸۱، ۹۱، ۱۸۷، ۲۰۲
فلاحی: ولی الله؛ سرتیپ، سرلشکر

شهید، ۱۶۰

فلسطین، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۶

ق

قروه، ۱۲۸

قروه داغلو: صابر؛ ستوانیار، ۷۰،

۲۲۷

قصر شیرین، ۳۳، ۵۶، ۶۶، ۸۲، ۹۱،

۱۷۸، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۲

قطعه نامه، ۵۹۸، ۵۳، ۱۶۶، ۱۶۷،

۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۸۷، ۱۹۰

قمری: علی؛ سرهنگ، ۶۴، ۲۲۵

ک

کانال هندلی، ۳۴

کتاب از نوهده تا خرمشهر، ۶۸،

۲۲۵

کتاب آرام سخن بگو، ۶۶

کتاب باغ سوخته، ۶۴، ۲۲۵

- کرنده، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳،
۲۱۴
کشورهای عضو جنبش عدم تعهد،
۱۸۱
کشوری: خلبان شهید، ۹۱
کلاته: علی؛ سرهنگ، شهید، ۶۷،
۶۸
کلاهدوز: یوسف، ۱۹۸
کنفرانس اسلامی، ۱۷۳، ۱۷۵،
۱۷۷، ۱۷۹
کوبا، ۲۰، ۱۷۵
کوشک، ۵۵، ۹۱، ۱۷۸
کویت، ۱۴، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۶۶،
۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۹۹
گ
گاز خردل، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹،
۱۹۱، ۱۹۲، ۲۰۵
گردان پیاده، ۲۶، ۳۱، ۷۶، ۷۸،
۸۱، ۲۰۴، ۲۱۰
گردان پیاده مکانیزه، ۲۶، ۳۱، ۷۶،
۷۸، ۸۱، ۸۳، ۹۰، ۹۱
گردان توپخانه، ۲۶، ۷۷، ۷۸
گردان دژ خرمشهر، ۳۸، ۶۴، ۶۸،
۷۶، ۸۱، ۱۳۸، ۲۲۵
کتاب سایه‌های نور، ۲۲۳، ۲۲۶
کتاب سپیدپوشان روسپید، ۶۹،
۲۲۸
کتاب شاملو، ۶۹، ۲۲۶
کتاب عملیات آزادسازی سنندج،
۶۵
کتاب کانال هندلی، ۶۶، ۲۲۵
کتاب گردان ۱۴۴ در نبرد آبادان،
۶۵، ۲۲۶
کتاب گردنه خان تا قلعه آربابا، ۶۵،
۲۲۷
کتاب ما و عراق، ۱۸۳، ۲۲۴، ۲۲۵
کتاب یاد ایام، ۷۰، ۲۲۵
کتیبه: سرهنگ، ۱۹۸
کرخه، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۹، ۸۱، ۹۱،
۱۵۲
کردستان، ۱، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۳۱،
۴۵، ۶۶، ۶۸، ۸۲، ۸۹، ۱۵۰،
۱۵۱، ۱۵۲
کرمان، ۶۴، ۷۸، ۸۸
کرمانشاه، ۳۱، ۴۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸،
۸۲، ۱۵۲، ۱۶۹، ۱۹۰، ۱۹۶،
۱۹۹، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۱، ۲۱۳
کرمانی‌زاده: عین‌الله؛ سرتیپ ۲
۶۸، ۲۲۷

- گردان زرهی، ۲۶
 لشکر ۷۷ پیاده، ۴۶، ۷۶، ۸۲،
 ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۲۷
 گردان سوار زرهی، ۲۶، ۳۱، ۷۶،
 ۸۱، ۸۳، ۷۸
 گردان شناسایی، ۲۶
 گردان مخابرات، ۲۶، ۷۷، ۷۸
 گردان مهندسی، ۲۶، ۷۶، ۷۷، ۷۸
 گردان نیروی مخصوص، ۲۶
 گردان ۱۲۶ پیاده هوا برد، ۶۷
 گردان ۳۸۸ توپخانه، ۶۸، ۲۲۵
 گنبد کاووس، ۱۶، ۶۸
 گیلانغرب، ۳۴، ۴۸، ۱۲۲، ۲۰۱
- ل
- لبنان، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸،
 ۱۸۰، ۱۹۳، ۱۹۹
 لجمن، ۳۲، ۴۰
 لشکر ۱۶ زرهی، ۷۶، ۲۰۵
 لشکر ۲۱ پیاده، ۷۶، ۸۱، ۸۲، ۱۵۲
 لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)،
 ۱۷۶
 لشکر ۲۸ پیاده، ۱۶، ۶۷، ۷۲، ۷۶،
 ۸۲
 لشکر ۵۸ ذوالفقار، ۱۷۶
 لشکر ۶۴ پیاده، ۱۶، ۷۶، ۸۲
- م
- مدنی: آیت الله، شهید، ۱۹۹
 مذاکرات ایران و عراق، ۱۶۹
 مراغه، ۷۰
 مرکز پیاده شیراز، ۷۶، ۷۸
 مریوان، ۳۴، ۳۵، ۵۴، ۶۹، ۱۸۴،
 ۱۸۹
 مسجد جامع خرمشهر، ۴۰، ۴۱
 مسجد سلیمان، ۷۸، ۸۸، ۱۸۴
 مشهد، ۷۶، ۷۸، ۸۸، ۱۰۹، ۱۹۴
 مصطفوی: سیدعلی اکبر؛ پاسدار،
 ۶۵
 مک فارلین، ۱۸۰، ۱۸۱
 منافقین، ۵۶، ۱۲۷، ۱۶۵، ۱۶۹،
 ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰،
 ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶

۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴،	۲۰۷، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۱۸،
۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹،	۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۵
۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵،	منقضی خدمت‌های سال ۱۳۵۶
۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸	۳۹
نیروی دریایی عراق، ۱۱۱، ۱۴۰،	موشک تاو، ۱۸۱
۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۸	موشک هاگ، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۸۰،
نیروی زمینی ارتش، ۲۴، ۲۶، ۳۲،	۱۸۱
۳۶، ۴۶، ۶۰، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۰،	مهاجر جنگی، ۲۲۰
۸۸، ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۱۲،	مهران، ۳۳، ۴۵، ۴۹، ۵۲، ۵۶، ۷۷،
۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۵۳، ۱۵۴،	۸۲، ۱۷۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۵،
۱۵۵، ۱۶۰، ۱۷۶، ۱۹۸، ۲۲۶	۲۰۷
نیروی هوایی ارتش، ۴۶، ۶۲، ۷۱،	میرزائیان: رحمان؛ سرگرد جانباز،
۸۱، ۹۲، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱،	۲۲۸، ۶۳
۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷،	میمک، ۳۳، ۳۴، ۵۰، ۵۴، ۵۶،
۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲،	۱۷۸
۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۱،	
۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۵، ۱۷۹	ن
نیروی هوایی عراق، ۱۰۲، ۱۲۷،	ناوچه پیکان، ۱۱۱، ۱۴۱، ۱۴۲
۲۱۱	نفت شهر، ۴۸، ۵۳، ۵۶، ۸۲، ۱۷۸
و	نکته، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۳۲، ۳۵،
وحدت فرماندهی، ۱۶۲	۴۶، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۹۲، ۲۰۱،
وحید دستگردی: سرهنگ، ۱۹۸	۲۲۰، ۲۰۴
وظیفه محوری در علم و عمل	نهماوند، ۱۸۴
مطلوب، ۷۴	نیروی دریایی ارتش، ۲۴، ۳۳، ۵۴،
	۶۴، ۷۱، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۱۱،

ولایتی: علی اکبر؛ دکتر، ۱۸۶

هویزه، ۳۴، ۸۱

هـ

هاشمی رفسنجانی، ۱۶۰، ۱۶۱،

۱۷۰

هلند، ۱۸۴، ۱۹۲

همدان، ۵۶، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۲۶،

۱۲۸، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۱

هوانیروز، ۱۷، ۳۸، ۵۶، ۷۱، ۷۸،

۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳،

۹۴، ۹۵، ۱۵۵، ۲۰۸، ۲۱۳

ی

یاسر عرفات، ۱۷۰، ۱۷۳

یزدی: ابراهیم؛ دکتر، ۲۰

یگان‌های غواصی، ۱۴۶

یگان‌های هوادریا، ۱۳۳، ۱۳۶،

۱۴۵